

رشد آموزش

# قرن و بیست و یکم

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای معلمان، مدرسان و دانشجویان |  
 دوره سی‌ام | شماره ۳ | بهار ۱۳۹۷ | ۸۰ صفحه | ۲۰۰۰ ریال | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۱۵ |  
 w w w . r o s h d m a g . i r



روش ائمه (ع) در مواجهه با مخاطبان  
 ارتباط سبک زندگی اسلامی و تمدن اسلامی

پلور ایسم دینی  
 رویکرد فطرت‌گرای توحیدی

## استعانت از خداوند

امام علی (ع):

اجْعَلْ شَكَاكَ إِلَى مَنْ يَقْدِرُ عَلَى غِنَاكَ<sup>۱</sup>

شکایت خود را خطاب به کسی قرار ده که قادر بر توانمند کردن تو باشد.

إِذَا ضَاقَ الْمُسْلِمُ فَلَا يَشْكُونَ رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ  
وَلَيْشَتَكَ إِلَى رَبِّهِ الَّذِي بِيَدِهِ مَقَالِيدُ الْأُمُورِ وَ  
تَدْبِيرُهَا<sup>۲</sup>

هرگاه مسلمان در تنگنا قرار گرفت، نباید از خداوند شکایت کند؛ بلکه باید به پروردگارش که زمام امور و تدبیر آنها به دست اوست، شکایت کند.

پی نوشت ها

۱. غررالحکم، ح ۲۹۶۱: عیون الحکم و المواعظ، ص ۸۶.

۲. الخصال، ص ۶۲۴، ح ۱۰؛ رک: تحف العقول، ص ۸۱.



# رسالة آموزش قرآن مجید اسلام ۱۰۶

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی

دوره سی ام / شماره ۱۰۶ / بهار ۱۳۹۷



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی  
شرکت افست

مدیر مسئول: محمد ناصری  
سر دبیر: محمد مهدی اعتصامی

هیئت تحریریه:  
عادل اشکیوس، محمد مهدی اعتصامی،  
فربیا انجمنی، یونس باقری، سید محمد دلبری،  
فضل الله خالقیان، یاسین شکرانی،  
مهدی مروجی، مسعود وکیل  
مدیر داخلی: یونس باقری  
طراح گرافیک: نوید اندرودی  
ویراستار: کبری محمودی  
www.roshdmag.ir  
Telegram: @ roshdmag  
roshdmag:

نشانی مجله: تهران صندوق پستی: ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵  
دفتر مجله: (داخلی ۴۲۲) ۸۸۸۳۱۱۶۱-۰۲۱  
پیام گیر نشریات رشد: ۱۴۸۲-۸۸۳۰-۰۲۱  
دفتر مجله: ۸۸۴۹۰۶۷۴ خانم قربانی  
پيامک: ۰۲۱-۸۹۹۵۱۵  
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

بیت المقدس پایتخت همیشگی فلسطین / دکتر محمد مهدی اعتصامی / ۲

مرحله دوم واقعه قیامت: ارائه پرونده اعمال / دکتر سید محسن میر باقری / ۴

روش ائمه (ع) در مواجهه با مخاطبان / دکتر محمدرضا شاهرودی و سیده فاطمه هاشمی / ۸

تکثر ادیان یا پلورالیسم دینی / زینب السادات مرتضوی / ۱۶

خداداده را به خاطر بسپار! / رمضانعلی ابراهیمزاده گرجی / ۲۳

رویکرد فطرت گرای توحیدی / در برنامه آموزش قرآن و معارف اسلامی / ۳۰

برنامه درسی کتابهای آموزش قرآن و تدبیر در کلام وحی / غلامعباس سرشور خراسانی / ۳۴

ارتباط سبک زندگی اسلامی و تمدن اسلامی / عشرت پرنجی / ۴۰

چگونه دانش آموزان را به نماز علاقه مند کنیم؟ / مجیدرضا نوروزی / ۴۴

چگونگی تعامل میان برنامه های درسی و تفکر فلسفی / دکتر محمد مهدی اعتصامی / ۵۱

کتابهای دوره آموزش متوسطه اول در بوتۀ نقد (گپ و گفت با معلمان اهل سنت) / رمضانعلی

ابراهیمزاده گرجی و مهدی مروجی / ۵۸

وسایل کمک آموزشی در آموزش قرآن / حسین کریمی / ۶۶

حجاب و پوشش در ادیان و ملل / مژگان شاپوریان / ۶۸

معرفی آثار اداره کل قرآن، عترت و نماز / ۷۲

کارآمدی دین در عصر جهانی شدن / معصومه یادگاری و نرگس یادگاری / ۷۵

قابل توجه نویسندگان و پژوهشگران:

مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، نوشته ها و گزارش تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت به ویژه معلمان دوره های مختلف را در صورتی که در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد، می پذیرد. لازم است در مطالب ارسالی، موارد زیر رعایت شود:

چکیده ای از کل محتوای ارسال شده حداکثر در ۲۵۰ کلمه، همراه مطلب ارسال شود. بی نوشته ها و منابع کامل باشد و شامل نام اثر، نام نویسنده، نام مترجم، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه مورد استفاده باشد. در متن های ارسالی تا حد امکان از معادل های فارسی واژه ها و اصطلاحات استفاده شود. اصل مقاله های ترجمه شده به پیوست آن ارسال شود. نشر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت شود. شکل قرار گرفتن جدول ها، نمودارها و تصاویر، پیوست در حاشیه مطلب مشخص شود. مطالب یک خط در میان روی کاغذ نوشته و در صورت امکان حروفچینی شود. مطالب مندرج در مجله، الزاماً مبتنی نظر دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی نیست و مسئولیت پاسخگویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. مقاله های دریافتی در صورت پذیرش یا رد، بازگشت داده نمی شود. مجله در پذیرش، رد، ویرایش و یا تلخیص مقاله های رسیده مجاز است.



اگر به دانش‌آموزان دهه نود که نسل چهارم انقلاب اسلامی هستند، بگوییم «موضوع غصب سرزمین فلسطین اولین و مهم‌ترین مسئله ماست»، چه عکس‌عملی نشان خواهند داد؟ وظیفه ما در مقابل آن عکس‌عمل چیست؟

این سؤال را بدان جهت طرح می‌کنیم که دو هفته قبل از نوشتن این سرمقاله، رئیس‌جمهور آمریکا درخواست رژیم صهیونیستی را پذیرفت و به‌عنوان اولین و تنها رئیس‌جمهور اعلام کرد بیت‌المقدس را پایتخت اسرائیل می‌داند و سفارت کشور آمریکا را به آنجا منتقل خواهد کرد. این یک تصمیم سرنوشت‌ساز علیه بیت‌المقدس است که سرنوشت این شهر مقدس اسلامی را به‌عنوان شهری یهودی رقم خواهد زد.

باید بدانیم، رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ م (۱۳۴۵ ش)، در جنگی خونین علیه فلسطینیان، مصر و اردن، سرزمین‌هایی از جمله کرانه باختری رود اردن، غزه و بیت‌المقدس را اشغال کرد. در سال ۱۹۶۹ م (۱۳۶۱ ش) قسمت‌هایی از مسجدالاقصا را آتش زدند.

در سال ۱۹۸۰، یعنی سیزده سال بعد از اشغال، تصمیم گرفتند پایتخت را به بیت‌المقدس ببرند. اما هیچ کشوری جرئت نمی‌کرد این ظلم آشکار را بپذیرد و دفتر نمایندگی خود را به شهری اشغال شده ببرد؛ هرچند صهیونیست‌ها و آمریکا به امید این بودند که در اثر گذشت زمان این ظلم آشکار عادی شود و آن‌ها بتوانند تصمیم خود را اجرا کنند.

در سال ۱۹۸۸، یعنی حدود هشت سال بعد، آمریکا قدم اول را برداشت و نمایندگان مجلس این کشور، پایتختی بیت‌المقدس برای حکومت اسرائیل را تصویب کردند و خواستار انتقال سفارتخانه آن کشور به بیت‌المقدس شدند. از آن تاریخ تاکنون نیز به دنبال شرایط مناسبی بودند که این تصمیم را عملی کنند. حال بعد از گذشت حدود ۲۰ سال، رهبران آمریکا شرایط را مناسب دیده و رئیس‌جمهور را مأمور اجرای آن کرده‌اند.

## اگر وقتی که در سال ۱۹۱۷ م وزیر خارجه بریتانیا وعده تشکیل کانون ملی یهود در فلسطین را به صهیونیست‌ها داد، نویسندگان و خطبا و سیاست‌مداران جهان اسلام مردم را آگاه می‌کردند، چیزی به نام حکومت اسرائیل وجود خارجی پیدا نمی‌کرد

اگر به تاریخ بنگریم و به تشکیل اولین کنگره صهیونیستی در شهر بال سوئیس در سال ۱۸۹۷، یعنی حدود صد و بیست سال پیش که سازمان جهانی صهیونیسم تشکیل و فعال شد و مراحل تجاوز به حقوق انسان‌ها و مسلمانان و جنایات گسترده‌ای را که در طول این مراحل صورت گرفته است مرور کنیم، درمی‌یابیم آنان چه برنامه پیچیده‌ای علیه اسلام و مسلمانان تدارک دیده‌اند. اگر ایستادگی لازم در برابر این توطئه‌ها صورت نگیرد، همان‌طور که در این صد و بیست سال صورت نگرفته است، در آینده سرنوشت تلخی در انتظار مسلمانان خواهد بود.

خدا می‌داند که اگر انقلاب اسلامی رخ نمی‌داد و نیروهای مقاومت در لبنان و فلسطین شکل نمی‌گرفتند، اکنون همه کشورهای در بیت‌المقدس سفارتخانه داشتند و اسرائیل به رهبری کشورهای عرب رسیده بود و ایران، به‌عنوان اولین دوست منطقه‌ای اسرائیل در قبل از انقلاب، علناً به دوستی با رژیم صهیونیستی افتخار می‌کرد.

با همین نگاه بسیار اجمالی می‌توانیم دریابیم چه مسئولیت سنگین و بزرگی بر دوش ماست، که اگر بدان اقدام نکنیم، این دانش‌آموزان و فرزندان ما در آینده تاریخ، در پیشگاه خداوند از ما شکایت خواهند کرد.

اگر وقتی که در سال ۱۹۱۷ م وزیر خارجه بریتانیا بالفور وعده تشکیل کانون ملی یهود در فلسطین را به صهیونیست‌ها داد، نویسندگان و خطبا و سیاست‌مداران جهان اسلام مردم را آگاه می‌کردند، چیزی به نام حکومت اسرائیل وجود خارجی پیدا نمی‌کرد. و اگر ما امروز به سهم خود، در حد مدرسه و کلاس درس خود، چند دانش‌آموز را از واقعیت تاریخ آگاه کنیم، می‌توانیم مانع بسیاری از طرح‌ها و توطئه‌های پیش‌بینی نشده شویم و به مقدار تأثیر مثبتی که بر تاریخ مسلمانان گذاشته‌ایم، رضایت خداوند را کسب کنیم. اکنون به سؤالی که در ابتدای سرمقاله آمد باز می‌گردیم. بنده نمی‌خواهم درباره عکس‌العمل دانش‌آموزان امروز در برابر سؤال فوق‌داوری کنم. اما اندکی تحقیق کافی است تا هر دانش‌آموزی بداند، خشن‌ترین ارتش جهان، ارتش صهیونیست‌هاست و مظلوم‌ترین ملت در صد سال اخیر ملت فلسطین. همین حالا که مقداری اندک از سرزمین فلسطین در اختیار فلسطینی‌هاست، تقریباً عموم فلسطینی‌ها شب که می‌شود، نمی‌دانند خانه‌ای را که در آن ساکن هستند، فردا مال آن‌ها خواهد ماند یا نه؟ یا فرزند جوانشان فردا به خانه باز خواهد گشت یا نه!

امروزه مستندهای بسیار خوبی درباره فلسطین و رژیم صهیونیستی تهیه شده‌اند که لازم است خودمان از آن‌ها مطلع باشیم و آن‌ها را ببینیم و تا حد امکان در موقعیتی مناسب از کلاس درس‌مان به دانش‌آموزان هم معرفی کنیم. «تاریخ‌نگار شکل‌گیری فلسطین تاکنون» که در چند صفحه تنظیم شده، منبع بسیار خوبی برای توضیحات فراوان معلم در کلاس درس است که هم در این مجله و هم در سایت گروه قرآن و معارف در دسترس شما قرار گرفته است.

سردبیر

# قیامت

## مرحله دوم واقعه قیامت: ارائه پرونده اعمال

دکتر سید محسن میر باقری



### اشاره

پیش تر گفتیم که قیامت از دیدگاه قرآن دو مرحله دارد: مرحله اول برچیده شدن مدرسه دنیا است که این دوران تمام می شود. مرحله دوم برپایی قیامت با دمیده شدن در صور دوم است. در مرحله دوم چندین حادثه رخ می دهد که همه این حوادث به صورت فهرست گونه در آیات آخر سوره مبارک زمر آمده اند: همگان از قبرها برمی خیزند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود، کتاب را قرار می دهند و سپس پیامبران و شاهدان را می آورند، در محضر آنها قضاوت بر حق انجام می شود و سپس اعمال را باز می گردانند و آن گاه هم مقدمات روانه شدن به سوی جهنم و بهشت را برای کفار و اهل تقوا فراهم می کنند. همچنین گفتیم که قرآن کریم هنگام بحث از قیامت از سه کتاب سخن می گوید که نخستین آنها کتاب شخصی و پرونده اعمال فردی است. در جلسه گذشته نکاتی را درباره اینکه این پرونده چگونه شکل می گیرد و فرشتگان چگونه این پرونده بسیار با اهمیت را تنظیم می کنند، بیان کردیم. مسئله دیگر در این زمینه چگونگی ارائه پرونده اعمال، ماهیت کتاب امتها و کتاب فراگیر در قیامت و همچنین حضور پیامبران و شاهدان در قیامت است که در این جلسه بدان می پردازیم.

**کلیدواژه ها:** قیامت، صور دوم، قرآن، نامه اعمال، شاهدان قیامت

### ارائه پرونده ها

قرآن کریم می فرماید: «و هر انسانی، پرونده اش را بر گردنش آویخته ایم و روز قیامت کتابی را برای او بیرون می آوریم که آن را گشوده می بیند. به او می گوییم: کتابت را بخوان. کافی است که امروز خود حسابگر خویش باشی» (اسراء/ ۱۳ و ۱۴).

### چگونگی ارائه پرونده اعمال (۱)

پرونده افراد بشر به سه شکل به آنها داده می شود: از سمت راست، از سمت چپ و از پشت سر. قرآن کریم درباره کسانی که پرونده خود را از سمت راست دریافت می کنند، می فرماید: «فاما من اوتی کتابه بيمينه فيقول هاتوا قرؤا كتابيه \* انى ظننت انى ملاق حسابيه \* فهو فى عيشة راضية \* فى جنة عالية \* قطوفها دانية \* كلوا واشربوا هنيئا بما اسلفتم فى الايام الخالية» (حاقه/ ۲۴ - ۱۹).

پس کسی که نامه اعمالش را از سمت راستش دهند، فریاد می زند که: «هان، پرونده مرا بخوانید، من خود چنین فکر می کردم که حساب اعمالم را می بینم». پس او در زندگی رضایت بخشی قرار خواهد گرفت؛ در بهشتی عالی رتبه که میوه هایش در دسترس است. [به آنها گفته می شود: «بخورید و بیاشامید. گوارا بادتان، در برابر اعمالی که

در ایام گذشته انجام داده اید.» و درباره کسانی که پرونده خود را از سمت چپ

## گشودن نامه‌ها

قرآن کریم می‌فرماید: «و اذا الصحف نشرت» (تکویر/ ۱۰): آن روزی که پرونده اعمال مردم گشوده می‌شود.

نامه اعمال در این جهان ملفوف و پیچیده است و در معاد منشور و باز می‌شود. در دنیا کسی از آن خبر ندارد و حتی اعمال گذشته انسان برای خودش پوشیده است. از این‌رو هر کسی با دیدن نامه اعمال خود در روز قیامت خواهد گفت: «چه نامه‌ای! هر خرد و کلانی را در آن شمرده و به حساب آورده‌اند، حتی شوخی و جدی به نگارش درآمده و گناهان کوچک و بزرگ در آن ثبت شده است (جوادی آملی، معاد در قرآن: ۳۶۹).

## کتاب امت‌ها

پیش‌تر گفتیم که قرآن کریم در بحث از قیامت از سه کتاب سخن می‌گوید و مفسران بزرگ نیز این نکته را یادآور شده‌اند. چنان‌که در صفحه ۴۲۶ کتاب «معاد در قرآن»<sup>۲</sup> آمده است:

از دیدگاه علامه طباطبایی از ظواهر آیات قرآن کریم چنین به دست می‌آید که در قیامت سه کتاب وجود دارد:

الف) کتابی که به همه انسان‌ها مربوط است؛ چنان‌که آیه «ووضع الکتاب» بر آن دلالت دارد. ب) کتابی که کردار هر امت در آن ثبت می‌شود: «کل امة تدعی الی کتابها (جائیه/ ۲۸): هر امتی به نامه اعمالش فرا خوانده می‌شود.

ج) کتابی که ویژه هر انسان است: (وکل انسان الزمانه طائره فی عنقه و نخرج له یوم القیامة کتابا یلقاه منشورا).

تاکنون درباره کتاب فردی و پرونده اعمال شخصی سخن گفتیم و جوانب گوناگون آن را بررسی کردیم. اینک به بررسی کتاب امت‌ها می‌پردازیم.

قرآن کریم می‌فرماید: (ولله ملک السموات و الارض و یوم تقوم الساعة یومئذ یخسر المبطون\* و تری کل امة جائیه کل امة تدعی الی کتابها الیوم تجزون ما کنتم تعملون\* هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق انا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون) (جائیه/ ۲۹ - ۲۷): مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خداست و آن روز که قیامت برپا شود، اهل باطل زیان می‌بینند. در آن روز هر امتی را که بنگری به زانو درآمده است. هر امتی به سوی کتابش فرا خوانده می‌شود. امروز سزای دستاوردها را می‌بینید. این کتاب ماست که به راستی و درستی با شما سخن می‌گوید. ما هر آنچه را شما انجام می‌دادید، نسخه‌برداری می‌کردیم.

دریافت می‌کنند، می‌فرماید: «و اما من اوتی کتابه بشماله فیقول یا لیتنی لم اوت کتابیه\* و لم ادر ما حسابیه\* یا لیتها کانت القاضیه\* ما اغنی عنی مالیه\* هلک عنی سلطانیه\* خذوه فغلوله\* ثم الجحیم صلوه\* ثم فی سلسله ذرعاها سبعون ذراعا فاسلکوه\* انه کان لا یؤمن بالله العظیم\* و لا یحض علی طعام المسکین\* فلیس له الیوم هاهنا حمیم» (حاقه/ ۳۵ - ۲۵).

اما کسی که پرونده اعمالش را از سمت چپش دهند، می‌گویند: «ای کاش هرگز پرونده‌ام را به من نمی‌دادند و نمی‌دانستم حساب من چیست. ای کاش با مردن و خاک شدن کار ما تمام شده بود. اموال من دردی از من دوا نکرد. سلطه و قدرتم نیز از کفم رفت». [ندا برآید که: «او را بگیرید و در بند و زنجیرش کنید. سپس او را در دوزخ بیفکنید. بعد او را به زنجیری که ۷۰ زراع است ببندید، زیرا او هرگز به خدای بزرگ ایمان نمی‌آورد و بر اطعام درماندگان تأکید نمی‌کرد. از این‌رو امروز در اینجا یار غمگساری ندارد.»

## چگونگی ارائه پرونده اعمال (۲)

خداوند متعال در سوره انشقاق درباره کسانی که پرونده آن‌ها به دست راستشان و از پشت سرشان داده می‌شود، می‌فرماید: «فاما من اوتی کتابه بیمینه\* فسوف یحاسب حسابا یسیرا\* و ینقلب الی اهله مسرورا» (انشقاق/ ۹ - ۷).

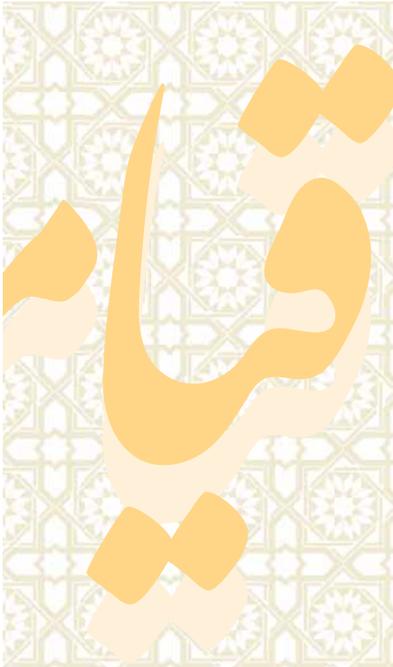
پس آن کس که پرونده اعمالش از سمت راستش داده شود، به زودی و به آسانی اعمالش واری می‌گردد و با مسرت خاطر به اهل و خانواده‌اش می‌پیوندد.

«و اما من اوتی کتابه وراء ظهره\* فسوف یدعوا ثبورا و یصلی سعیرا\* انه کان فی اهله مسرورا\* انه ظن ان لن یحور\* بلی ان ربه کان به بصیرا» (انشقاق/ ۱۵ - ۱۰).

و اما آن کس که پرونده اعمالش را از پشت سرش بدهند، دیری نمی‌گذرد که فریاد برمی‌کشد که: «وای بر من! [که هلاک شدم] و در برابر شعله‌های آتش قرار می‌گیرد. این همان کسی است که در دنیا و در میان خاندانش [در راه کفر و گناه] شادمان بود. او تصور می‌کرد که هرگز [در قالب تن] باز نخواهد گشت. چرا، او بازگشت و پروردگارش او را زیر نظر داشت.

با توجه به آیات سوره‌های حاقه و انشقاق روشن می‌شود که تنها یک دسته اهل نجات هستند و راهی بهشت می‌شوند و آنان همان کسانی هستند که پرونده اعمالشان را از سمت راستشان به آن‌ها می‌دهند.<sup>۱</sup>

آن کس که پرونده اعمالش از سمت راستش داده شود، به زودی و به آسانی اعمالش واری می‌گردد و با مسرت خاطر به اهل و خانواده‌اش می‌پیوندد





## منظور از کتاب امت‌ها چیست؟

در اینکه منظور از کتاب امت‌ها چیست، آرای گوناگونی مطرح شده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها موارد زیرند:

الف) کتاب اعمال امت‌ها که نسخه‌برداری شده است (مجمع‌البیان، ج ۹: ۸۰ ذیل آیه بالا)

ب) کتابی که بر پیامبر آن قوم نازل شده است و پیروان او درباره چگونگی عمل کردن به آن باید پاسخگو باشند (پیشین)

ج) احتمال دیگری که به نظر می‌رسد این است که منظور از «امت‌ها» در این آیه پیامبران نیستند، بلکه «امت‌های ابرار» و «امت‌های فجار» هستند که در آیاتی دیگر از آن‌ها یاد شده است.

قرآن کریم می‌فرماید: (کلان کتاب الفجار لفی سجين \* و ما ادراك ما سجين \* کتاب مرقوم \* ویل یومئذ للمکذبین) (مطففین / ۱۰ - ۷): نه، هرگز [کسی را جا نمی‌گذارند] دفتر سرنوشت فاجران تبهکار در سجين دوزخ است، و چه دانی که سجين چیست؟! این دفتری رقم زده شده و سرنوشتی است حتمی، وای بر کافران تکذیب‌کننده در آن روز.

و درباره ابرار و نیکان می‌فرماید: (کلان کتاب الابرار لفی علیین \* و ما ادراك ما علیون \* کتاب مرقوم \* یشهده المقربون ...) (مطففین / ۲۱ - ۱۸): نه چنان است که می‌پندارند. محققاً دفتر سرنوشت نیکان در «علیین» بهشت است، و چه دانی که علیون کدام است؟ دفتری است [که با اعمال آنان] رقم خورده و سرنوشتی است قطعی و مقربان درگاه حق شاهد آن هستند ...

با توجه به این آیات که برای هر کدام از «امت فجار» و «امت ابرار» دفتر سرنوشتی را مطرح می‌کند و یکی را در سجين و دفتر ابرار را در علیین می‌داند، گویا منظور از خوانده شدن هر امت به سوی کتابش این است که پس از رسیدگی به حساب و کتاب‌ها و روشن شدن وضعیت هر دسته، «امت فجار» را به سوی کتاب خود فرا می‌خوانند و چون کتاب سرنوشت آن‌ها در سجين است، در حقیقت آن‌ها به سوی سجين و جهنم فراخوانده می‌شوند و ناگزیر اجابت می‌کنند. بدین ترتیب آن‌ها به سوی سجين رانده می‌شوند<sup>۲</sup> و البته این دفتر سرنوشت برگرفته از اعمال دنیای آن‌هاست. از این رو به آن‌ها و همچنین به ابرار گفته می‌شود که: «این کتاب ماست که به‌درستی با شما سخن می‌گوید، ما از اعمال شما نسخه‌برداری می‌کردیم» (جاثیه / ۲۹).

«امت ابرار» و طایفه نیکان نیز به سوی دفتر سرنوشت خود که در علیین است، فراخوانده می‌شوند و آن‌ها با شور و اشتیاق بدان سو می‌روند و در حقیقت آن‌ها به سوی بهشت سوق داده می‌شوند (زمر / ۷۳).

## کتاب فراگیر

در آیات سوره زمر که فهرستی از مباحث قیامت در آن مطرح شده، از کتابی خاص سخن رفته است. قرآن کریم می‌فرماید: (وضع الکتاب): کتاب قرار داده می‌شود.

این کتاب با کتاب فردی و شخصی انسان‌ها تفاوت دارد. زیرا اولاً نامه اعمال افراد بشر به آن‌ها داده می‌شود و چنان‌که گذشت، این موضوع با واژه «اوتی» بیان شده است، در حالی که در اینجا واژه «وضع» به معنای «قرار می‌گیرد» به کار رفته است. ثانیاً پرونده اعمال در همه جای قرآن به انسان‌ها اضافه شده است؛ چنان‌که می‌فرماید: (اوتی کتابه): کارنامه‌اش داده شود.

قرآن کریم یک بار دیگر از این کتاب فراگیر نام برده و درباره آن توضیح داده است: (و وضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین مما فیهم و یقولون یا ولیننا ما لهذا الکتاب لا ینادر صغیره و لا کبیره الا احصاهما و وجدوا ما عملوا حاضراً و لا یظلم ربک احداً) (کهف / ۴۹): و در قیامت کتاب گذاشته می‌شود. پس مجرمان را می‌بینی که از آنچه در آن است، ترسان و هراسان‌اند و می‌گویند: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟!» و همه اعمال خود را حاضر می‌بینند و پروردگارت به هیچ‌کس ستم نمی‌کند.

با توجه به نکات مطرح شده در این آیه، به نظر می‌رسد که این کتاب مخزنی کلی و عام از همه امور است و همه قوانین و معیارهای عدالت در قضاوت را دربردارد. پاداش‌ها و کیفرها را مطرح می‌کند و چه بسا اعمال افراد بشر را هم، علاوه بر اینکه در پرونده فردی آن‌ها ثبت شده، در خود بایگانی کرده است. مثل این کتاب همانند رایانه مادر در یک سازمان است که همه اطلاعات سازمان در آن گردآوری می‌شود.

## حضور پیامبران و شاهدان

پس از قرار دادن کتاب کلی در صحنه قیامت و پیش از آغاز قضاوت، حادثه دیگری نیز رخ می‌دهد و آن حضور پیامبران و شاهدان است: (وجیء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحق) (زمر / ۶۹): پیامبران و شاهدان را حاضر می‌سازند و سپس میان آن‌ها به حق داوری می‌شود.

در اینجا دو نکته باید بررسی شود؛ نخست اینکه شاهدان در قیامت چه کسانی هستند و دیگر اینکه منظور از شهدا در این آیه چیست؟

پیش از آغاز قضاوت، حادثه دیگری نیز رخ می‌دهد و آن حضور پیامبران و شاهدان است: (وجیء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحق)

## شاهدان در قیامت

شاهدان اعمال در قیامت بسیارند که از جمله آنها موارد زیر را می‌توان نام برد:

### ۱. اعضا و جوارح

قرآن کریم می‌فرماید: (اليوم نختم على افواههم و تكلمنا ايديههم و تشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون) (یس/۶۵): در روز قیامت، بر دهان‌های جهنمیان مهر می‌زنیم و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان بر کارهایی که انجام داده‌اند، شهادت می‌دهند.

و نیز دربارهٔ تهمت‌زنندگان می‌فرماید: (يوم تشهد عليهم السنتهم و ايديههم و ارجلهم بما كانوا يعملون) (نور/۲۴): در روز قیامت زبان‌ها، دست‌ها و پاهایشان دربارهٔ اعمالی که انجام می‌دادند، علیه آنها گواهی می‌دهند.

در سورهٔ فصلت می‌فرماید: (حتى اذا ما جاؤها شهد عليهم سمعهم و ابصارهم و جلودهم بما كانوا يعملون) (فصلت/۲۰): هنگامی که دشمنان خدا به صحنهٔ قیامت به هم برسند، گوش‌ها، چشم‌ها و پوست‌هایشان به آنچه می‌کردند، گواهی می‌دهند. ملاحظه می‌شود که در این آیات، به شهادت دادن شش عضو از اعضای بدن اشاره شده است که این اعضا عبارت‌اند از: چشم، گوش، زبان، دست، پا و پوست بدن. این شهادت ممکن است به صورت بازیبنی صورت اعمال باشد. یا با سخن گفتن اعضا و یا هر دوی آنها؛ چنان‌که هم تعبیر «تکلم» (یس/۶۵) و هم تعبیر «نطق» (فصلت/۲۱) دربارهٔ آنها به کار رفته است.

امام باقر (علیه‌السلام) دربارهٔ این شهادت می‌فرماید: و لیست تشهد الجوارح علی مؤمن انما تشهد علی من حقت علیه کلمة العذاب... (نورالثقلین، ج: ۶، ۳۶۴ ذیل آیهٔ ۲۰ سورهٔ فصلت؛ جوادی آملی، معاد در قرآن: ۴۱۹): جوارح انسان مؤمن علیه او شهادت نخواهند داد. همانا جوارح کسی علیه او شهادت خواهد داد که عذاب الهی دربارهٔ او حتمی باشد.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز در نهج‌البلاغه این‌گونه هشدار می‌دهند: «اعلموا عبادالله ان علیکم رسدا من انفسکم و عیونا من جوارحکم و حفاظ صدق یحفظون اعمالکم و عدد انفسکم لاتستترکم منهم ظلمة لیل داج ولا یکنکم منهم باب ذو رتاج و ان غدا من الیوم قریب» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۵۷): ای بندگان خدا، بدانید که دیده‌بانی از خودتان و جاسوسانی از اندامتان بر شماست و از فرشتگان

مراقبانی هستند که از روی راستی کردار شما و شمارهٔ نفس‌هایتان را ضبط می‌کنند. تاریکی شب تار شما را از فرشتگان نمی‌پوشاند و درب بسته شده، شما را از آنها پنهان نمی‌کند و فردای قیامت به امروز نزدیک است.

### ۲. فرشتگان الهی

در روز قیامت بر هر کسی شهادتی از فرشتگان مأمور است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «و جائت کل نفس معها سائق و شهید» (ق/۲۱): هر کسی که وارد محشر شود، مأموری از فرشتگان او را به پیش می‌راند و مأموری به‌عنوان گواه با او خواهد بود (محمدباقر بهبودی، معانی القرآن: ۵۲۵).  
**آیت‌الله جوادی آملی** دربارهٔ این آیه می‌فرماید: برخی از مفسران می‌نویسند که هر کسی را فرشته‌ای برای حساب به محشر می‌کشد و فرشته‌ای بر نیک و بدش گواهی می‌دهد؛ چنان‌که این مطلب از برخی روایات نیز برداشت می‌شود (معاد در قرآن، ص ۴۱۷).

از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است: «فانه لا بد یوم القیامه من ان یأتی کل انسان بشاهد یشهد له علی دینه» (نورالثقلین، ج: ۷، ۱۲۳).  
شهادت این دو مورد، یعنی اعضا و جوارح و فرشتگان کاملاً روشن است. دربارهٔ شاهدان قیامت موارد دیگری از جمله شهادت زمین، شهادت خود انسان و ... نیز مطرح شده است، اما هیچ‌کدام از این موارد نمی‌تواند مصداق مورد نظر آیهٔ «وجیء بالنبیین و الشهداء» باشد. زیرا منظور این آیه شاهدانی است که آورده می‌شوند و برحساب و کتاب نظارت دارند و قضاوت در حضور آنها انجام می‌شود. از این رو مناسب‌ترین معنا برای آیهٔ بالا مورد زیر است:

### ۳. اولیای الهی (شهادت مورد نظر آیه)

قرآن کریم به صراحت از شهادت اولیای الهی در قیامت سخن گفته است. مراحل این شهادت چنین است:

الف) سرآمد شاهدان و بلکه شاهد بر همهٔ شاهدان، پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) است که بر همهٔ اهل محشر نظارت عام دارد.  
ب) امیرالمؤمنین و امامان اهل بیت (علیهم‌السلام) که هر کدام بر مردم زمان خود نظارت دارند و شهادت می‌دهند.  
ج) پیامبران گذشته که هر کدام بر مردم زمان خود نظارت دارند.

**شهادت اعضا و جوارح و فرشتگان کاملاً روشن است. دربارهٔ شاهدان قیامت موارد دیگری از جمله شهادت زمین، شهادت خود انسان نیز مطرح شده است**



#### پی‌نوشت‌ها

۱. تعبیر سمت راست المیزان است. نظر صاحب‌المیزان این است که منظور از «مینه» سمت راست است؛ رکه: المیزان، ج: ۲۰، ۴۰۲.
۲. نوشتهٔ آیت‌الله جوادی آملی.
۳. در درس‌های آینده دربارهٔ رانده شدن به‌سوی جهنم و بهشت سخن خواهیم گفت.



می‌شدند. افزون بر این، هدف امامان (ع) در گفت‌وگوها اثرگذاری بر مخاطب بوده و در این رهگذر، شیوه مواجهه با مخالفان، مقدم نمودن مدارا بر مقابله بوده است. در بخش آخر نیز به تحلیل دوران‌های مختلف تاریخی و تأثیر آن بر روش تبلیغ و ارتباط ائمه اطهار (ع) با مخاطبان پرداخته شده است. بررسی این دوران‌ها نشانگر آن است که شکل مواجهه امامان (ع) با توجه به اقتضائات زمانی تغییر یافته است. در پایان با ذکر این نکته که ائمه اطهار (ع) با هدف مشترک و روش متفاوت به احیای سنت نبوی و حفظ اسلام پرداخته‌اند کلام پایان یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** ائمه اطهار (ع)، روش، مواجهه، گفت‌وگو، مناظره، مخاطبان

#### درآمد

هدف از مطالعه سیره امامان (ع) دستیابی به الگویی برتر برای مسلمان جهان است. در این راستا شناخت نوع و روش ائمه معصوم (ع) در مواجهه با

طیف گسترده مخاطبان از اهمیت والایی برخوردار است. گفت‌وگو و مناظره از مهم‌ترین روش‌های ارتباطی امامان شیعه (ع) در انتقال معارف الهی بوده است. بنابراین، آگاهی از شیوه‌های ائمه اطهار (ع) در گفت‌وگو و اقتناع مخاطبان ضرورت می‌یابد. همچنین، تحلیل و بررسی شرایط و جو حاکم بر دوره‌های حیات ائمه اطهار و شناخت نوع مخاطب و تطبیق آن با نحوه عملکرد و مواجهه امامان با ایشان امری قابل توجه و تأمل است. شیوه‌های به‌کار گرفته شده توسط ائمه اطهار حاکی از آن است که آنان در سایه اهداف مشترک به نشر فرهنگ اسلام و تبلیغ دین پرداخته‌اند. لیکن، با ارزیابی اقتضائات زمانی و شرایط مخاطب، روابط خود را شکل می‌دادند و مواضع صحیح را اتخاذ می‌کردند.

### ۱. شیوه‌شناسی ارتباط ائمه اطهار با مخاطبان

#### اصول و فنون گفت‌وگوی امامان شیعه

مبانی اصلی در گفت‌وگوهای امامان شیعه بر پایه

# روش ائمه اطهار (ع) در مواجهه با مخاطبان

دکتر محمدرضا شاهرودی، استادیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران  
سپیده فاطمه هاشمی، دبیر دینی و قرآن مدارس

#### چکیده

حیات جامعه اسلامی منوط به الگوپذیری از ائمه اطهار (ع) است. این مهم با تحلیل و استخراج شیوه‌های به‌کارگیری ایشان در مواجهات گوناگون و تطبیق آن با شرایط کنونی حاصل می‌شود.

در این پژوهش، ابتدا به شیوه‌شناسی گفت‌وگوها و مناظرات امامان شیعه (ع) پرداخته شده است. بدین صورت که از یک سو ائمه اطهار (ع) برای هدایت مخاطب از برترین شیوه‌های مؤثر همچون بهره‌گیری از استدلال و رعایت آداب اخلاقی بهره می‌گرفتند. از سوی دیگر، مخاطب‌شناسی امامان (ع) از نکات قابل توجه در این پژوهش است. ایشان با توجه به اعتقادات، ظرفیت و سطح فهم مخاطب با آنان روبه‌رو

سه منبع اصلی عقل، قرآن کریم و سنت رسول الله (ص) است.

در این بخش به برخی از مهم‌ترین شیوه‌های معصوم در گفت‌وگو و مناظرات اشاره می‌کنیم.

### محسوس‌سازی معقولات

یکی از شیوه‌های مؤثر و رایج برای انتقال پیام در گفت‌وگوها استفاده از تشبیه معقول به محسوس برای دستیابی به فهم و درک آسان‌تر مطالب عقلی است.

در قرآن کریم (سوره رعد؛ ابراهیم ۱۸) و روایات معصوم به وفور از این شیوه برای تبیین معارف و انتقال پیام استفاده شده است. امامان برای توضیح مباحث مربوط به توحید که از درک محسوس بشر فراتر است، نخست با استفاده از مثال‌های ساده که مردم در زندگی روزمره با آن سروکار دارند به استدلال می‌پرداختند و آنگاه که تفهیم مطالب صورت می‌گرفت، با عرضه استدلال‌های عقلی و نظری آن را تبیین و تفصیل دادند.

برای نمونه، امام علی (ع) در پاسخ به دانشمند یهودی که از «وجه رب» پرسیده بود، فرمود: «همانا پروردگار من به آتشی ماند که شرق و غرب برای اوست و هر جا نظر کنی روی او را می‌بینی» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۹۷).

### کشف تناقضات موجود در کلام مخاطب

ناسازگاری و دوگانگی عقاید فرد دلیل ضعف و سستی عقاید وی است. امامان با واکاوی عقاید شبهه‌کننده این ناسازگاری را آشکار می‌کردند و نادرستی ادعای فرد بر همگان روشن می‌گشت برای نمونه امام رضا (ع) در گفت‌وگو با جاثلیق درباره علت اعتقاد به الوهیت حضرت عیسی (ع) پرسش می‌فرمایند و جاثلیق با اشاره به معجزات حضرت عیسی که در اناجیل آمده (زنده کردن مرده، شفای بیماران و...) می‌گوید: «کسی که چنین کارهایی انجام دهد، خداوند و در خور پرستش» است. حضرت رضا با استناد به گزارش‌های تورات، از برخی دیگر از پیامبران بنی اسرائیل (یسع و حزقیل) برای او مثال زدند که همچون حضرت عیسی (ع) مردگان را زنده می‌کردند، ولی پیروان آنان هرگز آنان را پرستش نمی‌کردند و فرمودند اگر چنین معجزاتی دلیل بر اولوهیت است، شما باید درباره آنان نیز چنین اعتقادی داشته باشید، در حالی که چنین نیست. حال چرا با اینکه آنان پیش از حضرت عیسی

چنین معجزاتی آوردند، به الوهیتشان معتقد نیستید؟ جاثلیق که در برابر استدلال حضرت ناتوان مانده بود، به توحید و وحدانیت خداوند اقرار کرد (طبرسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۹ - ۴۱۷).

### رعایت آداب اخلاقی گفت‌وگو

با توجه به آنکه یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌های استحکام ارتباط، اخلاق و آداب معاشرت است، یک مورد از اصول اساسی آداب اخلاقی ائمه اطهار (ع) در گفت‌وگو و مناظرات را بیان می‌کنیم.

### اصل رفق و مدارا

رفق و مدارا یکی از کارسازترین شیوه‌ها برای جذب مخاطبان و تحت‌تأثیر قرار دادن آن‌هاست. به عبارت دیگر، نفوذی که از این طریق حاصل می‌شود، نفوذ در دل‌هاست و نفوذ در دل‌ها قوی‌ترین و مؤثرترین نفوذ است.<sup>۲</sup> در سیره تربیتی پیشوایان دینی تأکید و سفارش ویژه‌ای نسبت به رفق و مدارا در تعامل با مردم شده است. بر همین اساس، خداوند در برخورد با افراد سرکش و طغیان‌گر به پیامبران سفارش به قول لین و نرم می‌فرمود: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَیِّنًا (طه/۴۳)». بنابراین، اصل کلی بر رفق و مدارا است، چراکه هدف از این تعامل اثرگذاری است و کلام ملایم مؤثرتر واقع می‌شود، اما باید توجه داشت که هدف از این تعامل اثرگذاری است و کلام ملایم مؤثرتر واقع می‌شود، اما باید توجه داشت که این مسئله هیچ‌گاه به صورت مطلق و دائمی منطقی و پسندیده نیست. گاهی شرایط خاص ایجاب می‌کند با افراد نامعقول نوع دیگری برخورد شود. حضرت علی (ع) در سفارش به یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «و ارفق ما کان الرفق ارفق، و اعترم بالشدة حین لا تغنی عنک الا الشدة» (نهج البلاغه/ نامه ۴۶) (در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن، اما آنجا که جز با شدت عمل کار از پیش نمی‌رود، شدت عمل را به کار ببنند) بنابراین، در برخورد با افرادی که تنها در جست‌وجوی منافع شخصی خود هستند و آگاهانه به مقابله با حق می‌پردازند، گاهی ضرورت می‌یابد روش‌های قاطعانه اعمال شود.<sup>۳</sup>

### استدلال در گفت‌وگو

در گفت‌وگو و مناظره آنچه اهمیت فراوانی دارد، اقامه دلیل و برهان برای اثبات حقایق است، چرا که عقل سلیم سخن منطقی را پذیراست. یکی از شیوه‌های امامان شیعه در تبیین معارف



در گفت‌وگو و مناظره آنچه اهمیت فراوانی دارد، اقامه دلیل و برهان برای اثبات حقایق است، چرا که عقل سلیم سخن منطقی را پذیراست

و فهم است بیان شود و از ذکر آنچه برای عموم قابل ادراک نیست، خودداری شود.

### گونه‌های مخاطبان ائمه اطهار

سیره اهل بیت(ع) بهترین الگو برای ارتباط با افراد و گونه‌های مخاطبان است. آنان با توجه به شناخت کاملی که از شرایط حاکم بر اشخاص و فرهنگ جامعه و تفکرات متنوع داشتند، بهترین شیوه‌های اخلاقی و رفتاری را اتخاذ می‌کردند که نهایت اثر را در فرد داشته باشد. مخاطبان امامان را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد.

### الف. اهل کتاب

صاحبان کتاب، به‌عنوان فرقه‌های غیراسلامی، بخشی از مخاطبان ائمه اطهار(ع) را تشکیل می‌دادند. در میان اهل کتاب سه گروه وجود دارد. که شیوه برخورد اسلام با هر گروه تفاوت‌هایی داشته است.

۱. گروهی حق‌جویان راه حق و افرادی نیک سرشتند که قرآن کریم به سوتاپیش آنان می‌پردازد: «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ (آل عمران/۱۱۳)». گفته‌اند، آیه مذکور درباره مسیحیانی است که متمایل به پذیرش اسلام بوده‌اند (جعفریان، ۱۳۷۳: ۵۴۰).

امامان همواره فرصت‌هایی را ایجاد می‌کردند که مسیحیان و یهودیان در فضای آزاد فکری سؤالات و شبهات خود را بدون هیچ تکلفی بپرسند. در این جلسات گفت‌وگو و پرسش و پاسخ نهایت حلم و بردباری را نشان می‌دادند و با رفتاری نیکو آنان را به سمت حق سوق می‌دادند. برای نمونه، در زمان خلافت امام علی(ع) زره آن حضرت گم شد. پس از چندی نزد مردی از اهل کتاب پیدا شد. علی به او فرمود این زره برای من است، ولی آن مرد انکار کرد. امام علی او را به محضر قاضی برد و اقامه دعوی کرد که این زره از آن من است، نه آن را فروخته‌ام و نه به کسی بخشیده‌ام و اکنون آن را در نزد این مرد یافته‌ام، شریح قاضی دادگاه، به آن مرد گفت: خلیفه ادعای خود را اظهار کرد، تو چه می‌گویی؟ او گفت: این زره مال خود من است. قاضی رو به امام کرد و عرضه کرد: شما مدعی هستید و این شخص منکر است. به همین جهت، ارائه شاهد برعهده شماست. حضرت علی خندید و فرمود: قاضی راست می‌گوید: اکنون باید شاهد آورم. ولی من شاهدی ندارم. قاضی روی این اصل که مدعی شاهد ندارد، به نفع آن مرد حکم کرد و او هم زره را برداشت و رفت. مرد که خود بهتر می‌دانست زره برای چه کسی

الهی، به‌کارگیری استدلال و برهان در گفت‌وگو و مناظره بوده است. ایشان در مواجهه با طیف گسترده مخاطبان، با توجه به میزان سطح درک و فهم مخاطب، از استدلال استفاده می‌کردند که مخاطب قابلیت ادراک آن را داشته باشد.

بیان برهانی، ویژگی کلام ائمه معصوم(ع) در گفت‌وگو با مخاطبان مختلف بوده است. ایشان در پاسخ‌گویی به شبهات با سعه‌صدر به مخاطب اجازه می‌دادند دلایل و براهین خود را ارائه دهد و سپس به رد ادله آن‌ها می‌پرداختند تا آنجا که مخاطب در برابر استدلال قوی امام(ع) مغلوب می‌شد و به پذیرش حق روی می‌آورد. برای نمونه می‌توان به گفت‌وگوی امام رضا(ع) با شخصی که اعتقادی به خدا و روز قیامت نداشته، اشاره کرد. امام فرمود: ای مرد! اگر قضیه آن‌طوری است که شما بی‌دینان می‌گویید و این جهان آفریدگاری ندارد، ما با شما مساوی هستیم و این تکالیفی که انجام داده‌ایم، به ما ضرری نمی‌رساند. اما اگر عقیده ما درست باشد و خدایی در کار باشد و انسان‌ها تکالیفی داشته باشند، که قطعاً چنین است و خدا وجود دارد و بهشت و دوزخ هست، در این صورت ما نجات پیدا می‌کنیم و شما به هلاکت خواهید رسید (قوچانی، بی‌تا: ۵۲۹). در این مناظره، حضرت رضا(ع) با برهان معقولیت (برهان ضرورت دفع ضرر محتمل) به اثبات وجود خدا و روز معاد پرداخت و آن مرد نیز که پاسخ سؤالات خود را دریافت کرد و در برابر استدلالات محکم امام مغلوب گشت، شهادتین گفت و به دین اسلام مشرف شد.

### ۲. مخاطب‌شناسی و نقش آن در روش مواجهه امامان

شناخت مخاطب از عوامل مهم و تعیین‌کننده در هر گفت‌وگوی اثربخش است. برای شکل‌گیری ارتباط مؤثر عوامل متعددی تأثیرگذارند.

آگاهی از ظرفیت و استعداد، سطح فهم، اعتقادات، شرایط فکری و روحی مخاطب ما را یاری می‌کند. از روشی کارآمد برای انتقال پیام استفاده کنیم. همچنین، چنانچه شناخت کافی از مخاطب وجود نداشته باشد، گاه مفهوم پیام منتقل نمی‌شود و نتیجه عکس می‌دهد. معصومان مخاطب‌شناسی را برای انتقال تعالیم اسلامی ضروری می‌دانسته‌اند. چنانکه در روایاتی از رسول گرامی توصیه شده است که در سخن قدر فهم مردم در نظر گرفته شود. ایشان فرمودند: «کلموا الناس علی قدر عقولهم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۵). بدین معناست که آنچه برای آنان قابل شناخت



آگاهی از ظرفیت و استعداد، سطح فهم، اعتقادات، شرایط فکری و روحی مخاطب ما را یاری می‌کند تا از روشی کارآمد برای انتقال پیام استفاده کنیم



**مقصود از کج اندیشان افرادی هستند که در پی یافتن حق به خطا رفته‌اند. لذا امامان سعی در آشکار ساختن اندیشه‌های منحرف آنان داشتند**

صحيح اسلامى در آنان نهادينه شده باشد، دیده می‌شود. و از طرف دیگر، اصلاح حقیقی جامعه به پشتیبانی افراد آگاه و متعهد نیازمند است. بنابراین، امامان شیعه برای حفظ مکتب اهل بیت در کنار تعلیمات کلی و عمومی به مردم به تربیت فردی شاگردان نیز همت می‌گماشتند. گاهی نیز یاران امام دچار لغزش‌هایی می‌شدند و یا با توجه به موقعیت حساس مسئولیت آنان، امامان هشدارهایی می‌دادند. برای نمونه نامه توییح‌آمیز امام علی(ع) به عثمان ابن حنیف در پی شرکت کردن وی در میهمانی سرمایه‌داری از بصره (نهج البلاغه/ نامه ۴۵) با وجود اینکه عثمان ابن حنیف از دوازده نفری بود که برخلاف ابوبکر معترض شده بود (مجلسی، ۴۰۳: ۴، ج ۲۸: ۲۰۳-۱۸۹؛ مامقانی، بی تا، ج ۲: ۲۴۵).  
و شخصیتی کاردان و بصیر و مدیر و مدبر داشت (ابن عبدالبر، بی تا، ج ۳: ۹۰).  
لیکن امیرالمؤمنین(ع) همواره مواظب کارگزاران خویش بوده‌اند. ایشان به تربیت اخلاقی یاران خود توجه ویژه‌ای داشت. اگر فردی مرتکب خلاقی می‌شد، به او تذکر می‌دادند. و اصل ساده‌زیستی کارگزاران را امری مهم می‌شمردند.

### ج. مخالفان

گروهی از مخالفان از روی جهل و نادانی<sup>۵</sup> با اسلام و پیشوایان دین به مخالفت می‌پرداختند. به‌طور کلی، سیره معصوم در برخورد با جاهلان حلم و رفق و مدارا بوده است و از جدال با جاهلان بر حذر می‌داشتند. در حدیثی از امام رضا(ع) آمده است: با نادانان مراء نکن تا با تو با جهالت رفتار نکنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۳۷).

گروهی دیگر از مخالفان از روی عناد با اسلام به دشمنی می‌پرداختند. آن‌ها پس از شناخت حق و حقیقت آن را نمی‌پذیرفتند و از روی لجاجت و کینه‌توزی بر مخالفت خود اصرار می‌ورزیدند و از هر فرصتی برای ضربه زدن به اسلام استفاده می‌کردند. روش برخورد امامان با این گروه از مخالفان که آشکارا با حق به ستیز می‌پرداختند. برخورد محکم و قاطعانه بود. قرآن کریم نیز در مورد این نوع از مخالفان می‌فرماید: «وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعدوا ان الله لا یحب المعتدین» (بقره/۱۹۰).

برخورد قاطعانه معصوم، براساس اصل کیفیت استخدام وسیله، چارچوب و قوانینی دارد و این‌گونه نیست که شخص به سبب امر ظالمانه‌ای که مرتکب شده، بی‌قید و شرط مجازات شود، بلکه در سیره ائمه اطهار(ع) رعایت اصولی ثابت است و هیچ مستثنا هم ندارد.

است، دوباره بازگشت و گفت: این طرز حکومت و رفتار از نوع رفتارهای بشر عادی نیست، از نوع حکومت انبیاست. سپس اسلام آورد و اقرار کرد که زره برای علی است. طولی نکشید که او با شوق و ایمان در زیر پرچم علی با خوارج در جنگ نهروان جنگید (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳، ج ۳۴: ۳۱۶).

۲. گروهی دیگر از اهل کتاب بودند که دعوت به اسلام را نمی‌پذیرفتند، لیکن در ذمه اسلام قرار داشتند. موضع اسلام با این گروه از اهل کتاب دعوت به تفاهم و صلح در چارچوب قوانین اسلامی و پرداختن جزیه برای در امان ماندن آنان در حکومت اسلامی است. در سیره معصوم پابندی به روابط مسالمت‌آمیز با صاحبان ادیان گذشته به روشنی دیده می‌شود. در این باره، از رسول اکرم(ص) نقل شده که فرمودند: «هر کس به یکی از مجاهدان<sup>۶</sup> اسلام ستم روا دارد و بالاتر از طاقت او تکلیفی بر او تحمیل کند، در روز قیامت من خودم دشمن او خواهم بود» (بلاغی، ۱۳۶۰: ۵۷).

۳. گروه دیگری از اهل کتاب از روی عناد یا تعصب خواهان پذیرش اسلام نبودند. سیره امامان در برخورد با آنان مدارا گونه بود، لیکن حد مسالمت امام نیز مشخص بوده است. تا زمانی که آنان اقدامی در جهت باطل و ضربه به اسلام وارد نکرده بودند، به تأخیر انداختن جنگ، به‌عنوان اصلی در سیره امام در برخورد با مخالف دیده می‌شود. و اقدام نهایی آنان، جنگ حق علیه باطل بود، زیرا با ستمگران ملایمت و نرم خویی کارساز نیست.

در مجموع، مهم‌ترین عامل برخورد با اهل کتاب خیانت، پیمان‌شکنی و مبارزه علیه اسلام بوده است. کشتن ابوعفک، عصماء و ابورافع، به‌دلیل اقدامات و تحریکات آن‌ها علیه اسلام و پیامبر بود که منجر به قتل آن‌ها شد (صادقی، ۱۳۸۲: ۲۶۳).

### ب. مؤافقان

می‌توان گفت: یاران حقیقی امامان شیعه در هر دوره از زمان اندک بودند. حتی زمانی که عصر رشد و بالندگی اسلام بود و تعداد شیعیان به ظاهر قابل توجه بود، جریان‌های متنوع فکری باعث پراکندگی شیعیان شده و اعتقادات آنان را دستخوش تغییر کرده بودند. برای نمونه، گفت‌وگوی سدید صدفی با امام صادق(ع) پیرامون تعداد دوستان و شیعیان ایشان، که حضرت فرمود، اگر یاران ما به ۱۷ نفر رسیده بود، بر جای نمی‌نشستیم (معارف، ۱۳۸۹: ۲۲۲). در این‌گونه روایات کمبود یارانی که تفکر

## د. کج‌اندیشان

مقصود از کج‌اندیشان افرادی هستند که در پی حق به خطا رفته‌اند. لذا امامان سعی در آشکار ساختن اندیشه‌های منحرف آنان داشتند. به قول حافظ شیرازی:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه  
چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند (غزل ۱۸۴).  
با بررسی رفتار عملی معصوم در مواجهه با فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی، برخی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی در مواجهه با این گروه از مخالفان را می‌آوریم:

## برخورد فعالانه

در رویارویی با هر اندیشه ناصحیح برخوردارهای گوناگونی وجود دارد که می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی آن‌ها را به دو دسته منفعل و فعال تقسیم کرد.<sup>۶</sup> ائمه اطهار (ع) در مواجهه با فرقه‌های گوناگون موضع فعالانه داشتند و نسبت به اندیشه‌های انحرافی موجود در اجتماع بر مبنای اصل امر به معروف و نهی از منکر عکس‌العمل نشان می‌دادند. از نمونه‌های برخورد فعالانه معصوم با کج‌اندیشان می‌توان به ارسال نامه به رؤسای گروه‌های منحرف فرستادن نماینده به سوی آن‌ها، برگزاری مناظره، تذکر و هشدار مستقیم و... اشاره کرد.

## اولویت اثرگذاری

روشی که امامان شیعه برای مقابله با مخاطب اتخاذ کرده بودند، بر مبنای اثرگذاری بود. بدین معنا که برای اصلاح اندیشه و تغییر رفتار شخص، از مؤثرترین برخورد استفاده می‌کردند. با ظهور فرقه‌های انحرافی، اولین هدف ائمه اطهار در این راستا تلاش برای هدایت به سوی اندیشه صحیح بوده است و در این راه از راهکارهایی استفاده می‌کردند که علاوه بر اثربخشی بیشتر بر مخاطب، عوارض کمتری نیز داشته باشد. یکی از راهکارهای مقابله‌ای امام (ع) لعن و نفرین سران فرقه‌های انحرافی بود. این امر موجب می‌شد عقاید باطل آنان بر ملا شود و پیروانشان از عقاید باطل آنان فاصله بگیرند.

## بهره‌گیری از استدلال

یکی دیگر از روش‌های امامان در مواجهه با کج‌اندیشان، تبیین حقایق دینی به‌وسیله استدلال‌های روشن عقلی بوده است. باید به این مسئله توجه داشت که خطر انحرافات بیش از خطر مخالفان است، چرا که حقیقت اسلام را

نهان می‌دارند و با ایجاد شک و شبهه پیروان اسلام را از راه اصلی منحرف می‌سازند. برای دفع این‌گونه انحرافات، مؤثرترین مبارزه مبارزه علمی و مدد از برهان و استدلال است. ائمه معصوم در مواجهه با افرادی که اعلام مخالفت آنان از روی شناخت ناکافی حق بوده است (کج‌اندیشان)، هرگز با جنگ آغاز نمی‌کردند، بلکه ابتدا با استفاده از استدلال آنان را به تفکر صحیح وا می‌داشتند.

## آمادگی دفاع

آنچه در روش‌های قبلی ذکر شد، راه‌های مسالمت‌آمیز اصلاح اندیشه‌های کج بود. لیکن اگر اندیشه‌های کج به فتنه و کارخوابی می‌انجامید، امامان شیعه برای حفظ کیان اسلام مجبور به استفاده از راه‌های تهاجمی می‌شدند. جنگ جمل با ناکثان از نمونه‌های برخورد نظامی با جریان‌های انحرافی است.

## ۳. تحلیل روش امامان معصوم در دوره‌های مختلف تاریخی

طبق یک نظریه معاصر در نگارش کتاب‌های سیره‌شناسی، عبارت از بررسی زندگی ائمه (ع) به‌صورت دوره‌بندی تاریخی و تحلیل دوره‌هاست. منظور از دوره‌بندی تاریخی برای عملکرد مشابه یک یا چند امام در یک بازه زمانی خاص با هدف کشف اصول حاکم بر رفتار امامان است. تاریخچه این نظریه به پنجاه سال هم نمی‌رسد و اولین شخصی که دوره‌بندی زندگی ائمه (ع) را مطرح کرد، شهید سید محمد باقر صدر در کتاب «اهل‌البیت، تنوع الادوار و وحدة‌الهدف» بوده است. این بخش براساس دوره‌بندی شهید صدر به سه دوره تقسیم شده است. (صدر، بی‌تا: ۱۰۰). در این بخش، به‌وقایعی می‌پردازیم که در این دوره‌ها به وقوع پیوسته است و اقتضات زمانه و تحولات اجتماعی که در روش و تصمیمات ائمه اطهار مؤثر بوده است به روش‌های ارتباط ایشان با مخاطبان در ضمن سه دوره نیز اشاره می‌کنیم.

## ۱. دوران جلوگیری از انحراف (دوران سه امام نخست)

بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) دوره‌ای آغاز شد که با انحراف مردم همراه بود. ظاهر، ظاهر اسلام بود، اما در عین حال روح جاهلیت، یعنی حاکمیت غیر خدا در جامعه شکل گرفته بود و مردم درک صحیحی از رهبر جامعه اسلامی نداشتند. (پیشین). امامان در این دوره اقدامات



همچنین در دوره اول امامان خطبه‌ها و سخنرانی‌های فراوانی در رسوایی حاکمان جور و تنبیه مردم برای جلوگیری از انحرافات ابراد فرمودند

خود را با هدف جلوگیری از انحراف پیش گرفتند.

### ارتباط با مردم

در این دوره شرایط قدری آرام‌تر از دوره‌های بعدی بود و خفقان جدی متوجه امامان نبود، اما در دوره‌های بعدی حاکمان جور مقاومت خود را اظهار و امامان شیعه را در تنگنای شدید قرار داده بودند. شرایط تبلیغ در این دوره به گونه‌ای بود که امامان آزادی عمل بیشتری داشتند و ارتباط مستمری میان آنان با مردم برقرار بود. برای نمونه، امام حسن(ع) هر روز در مسجد نماز می‌خواندند و به بیان احکام الهی و تعلیم و آموزش مردان و زنان مشغول بودند (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۱۳۹).

همچنین در این دوره امامان(ع) خطبه‌ها و سخنرانی‌های فراوانی در رسوایی حاکمان جور و تنبه مردم برای جلوگیری از انحرافات ایراد فرمودند. این خطبه‌ها با هدف روشن‌سازی افکار عمومی انجام می‌گرفت و به معرفی چهره حقیقی اسلام، شناخت حق از باطل و انتقاد از دولت‌های ستمگر می‌پرداخت.<sup>۸</sup>

### ۲. دوران سامان‌دهی شیعه(امام سجاد تا امام صادق(ع))

در این دوران، حکومت امویان دچار ضعف شده بود و این امر موجب شد تا حدودی از ایجاد فشار و خفقان نسبت به امامان بازمانند. در این رهگذر، امامان فرصتی یافتند که به سامان‌دهی اوضاع شیعه بپردازند. امکان ارتباط مستقیم و مستمر میان امام و مردم غالباً در این دوره مهیا بوده است، لیکن به جهت نداشتن شرایط قیام مسلحانه، به مبارزه غیرمستقیم با حکومت می‌پرداختند و لذا روش‌های ائمه اطهار در جهت خنثی‌سازی دسیسه‌ها و توطئه‌های حکومت و نیز ترویج و تبلیغ مذهب تشیع بوده است.

### ع طرق ارتباط با مردم الف. مؤعظه

با توجه به سیاست امامان در این دوره که مبارزه غیرمستقیم را برگزیده بودند، در مواردی، مفاهیم مورد نظر خود را آشکارا و صریح بیان نمی‌کردند و از شیوه مؤعظه استفاده می‌کردند تا حساسیت حکومت برانگیخته نشود. امام سجاد(ع) در روزهای جمعه در مسجد پیامبر(ص) مردم را مؤعظه می‌کردند و در غالب مواعظ مسئله امامت و بر حق نبودن حکومت آن زمان را مطرح می‌کرد. برای نمونه در بخشی از سخنان ایشان آمده است. «مردم! پرهیزگار باشید و بدانید که

به سوی خدا باز خواهید گشت. نخستین اموری که در قبر دو فرشته منکر و نکیر از آن سؤال خواهند کرد، «خدای» تو که او را عبادت می‌کنی و «پیامبر» تو که به سوی تو فرستاد شده است و «امام» تو که ولایتش را پذیرفته‌ای خواهد بود» (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۴۹؛ کلینی، بی‌تا: ۷۲).

### ب. مناظره

با توجه به آنکه در این دوره نهضت ترجمه شکل گرفت و از یک سو علوم فراوانی در زمینه‌های گوناگون وارد جامعه اسلامی شد و از سوی دیگر بر اثر پیدایش فرقه‌های گوناگون بحث‌های و گفت‌وگوها به اوج خود رسیده بودند، مناظره یکی از فعالیت‌های جدی و پرثمر این دوره محسوب می‌شد (معارف، ۱۳۸۹: ۲۲۳ - ۲۲۲). مناظره امام صادق(ع) با طیب هندی نمونه‌ای است. این طیب با علوم طب با وی به مناظره پرداخت و در پایان طیب که از علم امام متحیر شده بود، گفت: راست می‌گویید و من شهادت می‌دهم به یگانگی خداوند و اینکه حضرت محمد(ص) بنده و رسول اوست و شما نیز اعلم اهل زمان خود هستید(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۰۷).

### ۳. برگزاری جلسات علمی

در این دوره، به دلیل آرامش نسبی از جانب حکومت، فرصت مناسبی در جهت تربیت شاگردان و تبیین و نشر فرهنگ شیعه به وجود آمده بود. جلسات گوناگونی به صورت عمومی و خصوصی در مسجد و منزل اما با حضور دانشمندان و محققان برگزار می‌شد. نتیجه این آموزش تربیت شاگردانی متخصص و عالم در رشته‌های گوناگون بوده است. چنانکه گاهی امام افرادی را که برای مناظره و گفت‌وگو به خدمتشان می‌آمدند، به یکی از شاگردان که در آن رشته تخصص داشت ارجاع می‌دادند.

برای نمونه امام صادق(ع) مؤمن الطاق را مأمور مناظره در زمینه کلام کرده بودند(کشی، ۱۳۴۸: ۲۷۸ - ۲۷۵؛ تستری، ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۱۶).

### د. شبکه و کالت

شبکه و کالت ایده‌ای هوشمندانه بود که در عصر امام صادق(ع) به منظور سهولت دسترسی به امام تشکیل شد. پیش از آن، وجود چنین سازمانی غیرضروری بود. از وظایف و کلا در این دوره دریافت خمس و زکات، ارسال آن برای امام و همچنین گزارش حوادث و جریانات آن شهر و رساندن سؤالات و نامه‌های مردم به امام بوده است.

با توجه به سیاست امامان در دوره دوم که مبارزه غیرمستقیم را برگزیده بودند، در مواردی، مفاهیم مورد نظر خود را آشکارا و صریح بیان نمی‌کردند و از شیوه مؤعظه استفاده می‌کردند تا حساسیت حکومت برانگیخته نشود



برای اینکه  
حکومت  
عباسی حساس  
نشود، امامان  
فعالیت‌های  
خود را مخفیانه  
پیش می‌بردند.  
بدین صورت که  
زیر پوشش‌های  
گوناگون،  
فعالیت‌های  
مذهبی انجام  
می‌دادند

## ۲. مبارزه با انحرافات فکری

یکی از موضوعات مهم این دوره مبارزه امامان با انحرافات فکری جامعه بوده است. فرقه‌های منحرف کلامی در این دوران مشغول فعالیت بودند و ضمن ارتباط برقرار کردن با شیعیان درصدد تبلیغ و القای آرا و نظرات خود به آنان بودند (معارف، ۱۳۹۱: ۲۲). امامان در این دوره برای مبارزه با جریانات فکری از دو محور، مواجهه مستقیم و مواجهه غیرمستقیم، به مقابله با آنان پرداختند.

## ۳. دوران شیعه هراسی حکومت جور (امام کاظم تا غیبت)

در این دوره، با توجه به اقدامات امامان پیشین، شیعه شناخته شده بود و حکومت هراس زیادی از ناحیه امامان شیعه احساس می‌کرد. به همین جهت، شیعیان تحت نظارت شدید حکومتی قرار داشتند<sup>۱۲</sup>

## ۲. طرق ارتباط با مردم

در این دوره نیز ارتباط هدایتگرانه امامان، با وجود همه فشارها و کنترل‌ها، قطع نشد. تنها کمیت و کیفیت آن تغییر یافت. این ارتباط به‌طور عمده به‌صورت غیرمستقیم و از طریق این روش‌ها با شیعیان برقرار بود:

## الف. سازمان وکالت

شبکه وکالت راهبردی مؤثر بود که در زمان امام صادق پدید آمد و در دوره سوم از امام کاظم (ع) تا غیبت گسترش و توسعه یافت. حل معضلات فقهی - کلامی و جمع‌آوری خمس و زکات و ارسال آن برای امام از وظایف آنان بود. وکلای ائمه غالباً به وسیله نامه توسط فرد متقن با امام در ارتباط بودند (جعفریان، بی‌تا: ۵۱۳). برای نمونه امام هادی (ع) توسط ابوعلی بن راشد به پیروان خود در بغداد، مدائن، عراق و اطراف آن نامه‌ای فرستاد و طی آن نگاشت: «من... ابوعلی بن راشد را به جای حسین بن عبدربه و وکلای قبلی خودم برگزیدم و فرمان‌برداری از او همچون اطاعت از خودم لازم می‌دانم و نافرمانی نسبت به او را نافرمانی در برابر خود می‌دانم» (کشی، ۱۳۴۸: ۱۴ - ۵۱۳).

## ۴. فعالیت‌های سری

برای اینکه حکومت عباسی حساس نشود، امامان فعالیت‌های خود را مخفیانه پیش می‌بردند. بدین

صورت که زیر پوشش‌های گوناگون، فعالیت‌های مذهبی انجام می‌دادند. برای نمونه، شخصی از یاران امام حسن عسگری (ع) در پوشش روغن فروش و جوهات را جمع می‌کرد و در مشک‌های روغن تحویل امام می‌داد (طوسی، ۱۳۸۵ق، ۲۱۴) و یا گاهی برخی در پوشش دوره‌گرد و... خدمت امام می‌رسیدند و سؤال خود را می‌پرسیدند (بحرانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵: ۲۴۰).

## نمایندگان مردم

تماس مستقیم با امامان به‌وسیله فرستادن افرادی از طرف شیعیان به محضر آنان، نوع دیگری از ارتباط میان امام و شیعیان بود (جعفریان، بی‌تا: ۵۵۱). از جعفر بن شریف جرجانی نقل شده است که گفت: «به زیارت‌خانه خدا مشرف شدم و در سامرا به خدمت امام حسن عسگری رسیدم، خواستم اموالی را که دوستان به‌وسیله من فرستاده بودند به آن حضرت بدهم. پیش از آنکه بپرسم به چه کسی بدهم، امام فرمود آنچه را همراه آورده‌ای به مبارک، خادم من، بسپار (اربلی، بی‌تا، ج ۲: ۴۲۷).

## ۲. مبارزه با انحرافات فکری

در این دوره همچون دوره قبلی (دوره دوم: «سامان‌دهی شیعه» جریاناتی انحرافی همچون غلات و واقفیه بودند. لیکن روش غالب ارتباط امامان به‌صورت غیرمستقیم بود و از مکاتبه و ارشاد غیرمستقیم برای هدایت و رساندن پیام هادی بخش به آنان استفاده می‌کردند. مقصود از ارشاد غیرمستقیم، ارشاد به وسیله شخصی دیگر است. بدین صورت که امام فردی را آموزش می‌داد و او را برای هدایت فرد منحرف می‌فرستاد. برای نمونه فیلسوفی به نام اسحاق کندی در زمان امام حسن عسگری به خیال آنکه در قرآن تناقض وجود دارد، به (ع) فکر تدوین کتابی در این باب می‌افتد. روزی یکی از شاگردان اسحاق کندی به محضر امام حسن عسگری مشرف شد. امام فرمود: به نزد اسحاق برو و به (ع) او بگو سؤالی به ذهنم رسیده است که دوست دارم آن را از تو بپرسم. او خواهد گفت سؤال کن. پس به او بگو: اگر آورنده این قرآن نزد تو بیاید و از تو بپرسد آیا این احتمال وجود دارد که مقصود خداوند از این گفتار غیر از آن باشد که تو پنداشته‌ای و در پی آن هستی؟ او به تو خواهد گفت: آری. چون چنین گفت، به او بگو: تو چه می‌دانی شاید منظور گوینده کلمات قرآن غیر از چیزی باشد که تصور کرده‌ای و او الفاظ قرآن را در

غیر معانی خود استعمال کرده باشد. آن مرد از حضور امام حسن عسگری (ع) مرخص شد و در فرصتی مناسب سؤال پیشنهادی امام را از کندی پرسید.

کندی این سخن را کاملاً صحیح یافت. سپس گفت: این سخن را از کجا آوردی؟ شاگردش گفت: این دستوری بود که امام حسن عسگری (ع) به من یاد داده است. گفت: درست گفתי، چرا که چنین سخنانی تنها از همان خاندان صادر می‌شود. سپس هر آنچه را نوشته بود، در آتش سوزاند (این شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۴۲۴).

### جمع بندی

برای هدایت به اندیشه صحیح و برپایی اصل امر به معروف و نهی از منکر، الگوپذیری از روش‌های تربیتی ائمه اطهار (ع) امری ضروری است. انسان‌ها می‌توانند با به‌کارگیری روش‌هایی همچون حفظ عزت‌نفس طرف مقابل، بهره‌گیری از استدلال قوی و متقن و رعایت آداب اخلاقی، بر میزان اثرگذاری بر مخاطبان بیفزایند. همچنین، توجه به ویژگی‌های مخاطب اعم از پیشینه فکری، اعتقادات و سطح فهم در انتخاب نوع روش تأثیرگذار است. از آنجا که ائمه اطهار در طول حیات پرافتخارشان هدفی مشترک داشتند که همان نهادینه کردن تعالیم اسلامی در جامعه است، مواجعات خود را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کردند که بیشترین اثرگذاری را بر مخاطب داشته باشد. اقتضات زمانی و نوع مخاطب، روش‌های متفاوتی را در برخورد می‌طلبد و این امر در سیره ائمه اطهار به‌وضوح دیده می‌شود که ایشان در عین وحدت هدف، مواجعاتی به شکل‌های گوناگون داشتند که در صورت غیر آن برخورد، موجودیت اسلام تهدید می‌شد. بنابراین، برای قرارگیری در راستای هدفی واحد، همیشه به‌کارگیری یک روش سودمند نیست، بلکه به تغییر شکل مواجعه نیاز است و این مهم جز با زمان‌شناسی دقیق و وقوف کامل بر شرایط موقعیتی حاصل نمی‌شود. نتیجه آنکه تاکتیک‌های متفاوت ائمه اطهار ریشه در اختلاف هدف ندارد، بلکه نحوه عملکردشان متفاوت بوده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. در باب معجزات حضرت مسیح ر.ک: انجیل متی، باب‌های ۴ و ۸.
۲. برای نمونه بنگرید به: آقا پیروز، علی و همکاران، مدیریت در اسلام، فصل ۳.
۳. برای نمونه بنگرید به: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۴۷.
۴. معاهدان کسانی هستند که با مسلمانان پیمان بسته‌اند تا مدت معینی یا برای همیشه با آنان به جنگ نپردازند و در حالت صلح با آنان به سر می‌برند.
۵. اصطلاح جهل گاهی در مقابل مفهوم علم و گاهی نیز در مقابل عقل قرار می‌گیرد. در اینجا مقصود از جاهل «شد عاقل» است.
۶. مقصود از برخورد منفعلانه، برخوردی است که فرد نسبت به امر پیش آمده بی‌تفاوت باشد و منظور از برخورد فعالانه، برخوردی است که فرد با آگاهی و تدبیر نسبت به آن، واکنش نشان دهد.
۷. برای نمونه بنگرید به: کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۸.
۸. برای نمونه بنگرید به: حرانی، حسن شعبه، تحف المعقول، ص ۲۴۴.
۹. برای نمونه بنگرید به: محمد، کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۸۰ - ۷۹.
۱۰. برای نمونه بنگرید به: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۷.
۱۱. برای نمونه بنگرید به: همان، ص ۳۰۷.
۱۲. برای اطلاع از جو حاکم بر جامعه در این دوران بنگرید به: مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹.

### منابع

۱. قرآن حکیم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد. الکامل فی التاریخ، بیروت، نشر دار صادر. ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. الخصال. تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم. جماعه المدرسین فی الحوزة العلییه. چاپ اول. ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. مناقب آل ابی طالب. قم. علامه. ۱۳۷۹ ق.
۶. ابن عبدالبر، یوسف بن عبداللخ. الاستیعاب. بیروت. دار الجیل. بی‌تا.
۷. اربلی، علی بن عیسی. کشف الغمّة فی معرفة الاثمة. تحقیق سید هاشم رسولی. تبریز نشرینی هاشم بی‌تا.
۸. بحرانی، یوسف بن احمد. حدائق الناظره فی احکام الظاهر. قم. جماعه مدرسین. اول ۱۴۰۹ ق.
۹. بلاغی، صدرالدین. عدالت و قضا در اسلام. تهران. امیرکبیر. چاپ چهارم. ۱۳۶۰ ش.
۱۰. تستری، محمد تقی. قاموس الرجال. قم. جماعه المدرسین فی الحوزة العلییه. ۱۳۸۶ ش.
۱۱. جعفریان، رسول حیات‌فکری و سیاسی امامان شیعه. قم انتشارات انصاریان. بی‌تا.
۱۲. سیره رسول خدا. تهران. سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی. ۱۳۷۳ ش.
۱۳. حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد. دیوان حافظ. انتشارات در. ۱۳۷۹ ش.
۱۴. حرانی، حسن بن شعبه. تحف المعقول عن آل الرسول. قم. جماعه المدرسین فی الحوزة العلییه. ۱۳۶۳ ش.
۱۵. صادقی، مصطفی. پیامبر و یهود حجاز. قم. بوستان کتاب. چاپ اول. ۱۳۸۲ ش.
۱۶. صدر، سید محمد باقر. تنوع‌الادوار و وحدة الهدف، مؤسسه تحقیقات و معارف اهل بیت، بی‌تا.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی. الاحتجاج علی اهل اللجاج. نشر مرتضی. چاپ اول. مشهد. ۱۴۰۳ ق.
۱۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. الغیبه. نجف. مکتبه الصادق. ۱۳۸۵ ق.
۱۹. عطاردی فوجانی، عزیزالله. اخبار و آثار حضرت امام رضا. تهران. کتابخانه صدر. بی‌تا.
۲۰. کشی، محمد بن عمر. اختیار معرفة الرجال المعروف به رجال الکشی. مشهد مقدس. دانشگاه مشهد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی. مرکز تحقیقات و مطالعات. ۱۳۴۸ ش.
۲۱. مامقانی، عبدالله. تنقیح المقال فی علم الرجال. تحقیق محمدرضا مامقانی و محی‌الدین مامقانی. قم. مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث. بی‌تا.
۲۲. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار الجماعه لدر اخبار الاثمة. الاطهار. بیروت دار احیاء التراث العربی. ۱۴۰۳ ق.
۲۳. معارف، مجید. تاریخ عمومی حدیث. تهران. انتشارات امیر کبیر. چاپ ۱۳۸۹ ش.



و دین برتر و کامل نسبت به سایر ادیان می‌داند، اما پیروانش را به رعایت حقوق پیروان سایر ادیان سفارش کرده است. شایان ذکر است، اسلام در کتاب آسمانی خود قرآن، با یادآوری اینکه انسان موجودی متعقل است، از او خواسته که با اندیشه‌ای سالم و به دور از هرگونه پیش‌داوری، با تأمل و تفکر، راه درست را بیابد. «لا اکره فی الدین، قد تبین الرشد من الغی» (بقره/ ۲۵۶).

**کلیدواژه‌ها:** پلورالیسم، دین، انحصار گرایی، شمول گرایی، لیبرالیسم، حقیقت.

### مقدمه

امروز جهان اسلام نیازمند پژوهشگران و محققانی است تا مباحث جدیدی را که در زمینه تفکر دینی مطرح می‌شوند، عالمانه و محققانه بررسی و با چشم‌انداز متون اسلامی آن را بیان کنند. البته گاه دیده شده که این‌گونه نوآوری‌ها در تفکر دینی، دچار نوعی افراط انحرافی شده است. روشن است که زبان این‌گونه افراط‌ها، همیشه بیش از منافع «اصلاح» است. از طرف دیگر، گاه مدافعان سنت‌ها، در دام تفریط گرفتار می‌آیند و نیاز به نوآوری در تفکر دینی را انکار می‌کنند که این هم به ضرر دین است.

به نظر من اندیشه‌ها و روش‌های عمل همواره قابل اصلاح‌اند، ولی باید مراقب بود در انجام این اصلاح یا نوآوری، به ورطه گمراهی نیفتیم. چرا که بسیاری از مدعیان اصلاح، خصوصاً در این زمینه‌ها یا افراط در کار، به جای هدایت، منحرف شده و متعاقباً عده‌ای را نیز به دنبال خود کشیده‌اند. بنابراین باید بسیار سنجیده عمل کرد و از همه مهم‌تر، با تمسک به ریسمان الهی و یاری جستن از او، در این راه قدم نهاد.

در این‌گونه پژوهش‌ها آنچه در کنار پرداختن به موضوع موردنظر، خارج از هرگونه تعصب و جانب‌داری لازم است، روحیه تسلیم و انقیاد کامل در برابر حقیقت است. یعنی با رجوع به منابع دینی و توکل به خدا، از عقل و بصیرت خدادادی خود بهره ببریم و در مواجهه با حقیقت خاضعانه تسلیم شویم، تا راه درست اصلاح اندیشه دینی را دریابیم و در میان پیچ و خم‌های انحرافی زندگی، صراط مستقیم را بیابیم.

البته منظور از اصلاح، اصلاح اسلام و دین نیست، بلکه اصلاح فهم ما از اسلام است.



# تکثر ادیان یا پلورالیسم دینی

زینب السادات مرتضوی  
دبیر مدارس اصفهان

### اشاره

بررسی موضوع «تکثر ادیان» یا همان «پلورالیسم دینی»، یکی از مباحث وارداتی است. این نظریه از جامعه غرب به جامعه علمی و دینی ما وارد شده و هدف اولیه آن، رساندن پیروان همه ملل و فرق به وحدت دینی است، به طوری که انسان‌ها با تحمل عقاید دیگران، که گاه نیز متضاد هستند، زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. هر چند در این بین، عده‌ای با برداشت‌های سوء و محق دانستن هر اندیشه باطل، باعث بروز پیامدهای ناصوابی برای جوامع انسانی شده‌اند. در مقاله حاضر، با تبیین نظریه پلورالیسم دینی، به چند راه‌حل که از سوی اندیشمندان در این زمینه ارائه شده‌اند، پرداخته‌ایم و با ارائه دیدگاه اسلام در مورد آن، نتیجه گرفته‌ایم که گرچه اسلام خود را دین نهایی

موضوع پلورالیسم که از جمله مباحث مطرح شده در دهه‌های اخیر است، اندیشه‌ای نو در باب کثرت ادیان محسوب می‌شود و لازم است که اندیشمندان مسلمان با پرداختن به آن، جوانب متفاوت آن را از حیث فلسفی - کلامی تبیین کنند و در پرتو تعالیم آسمانی اسلام، جنبه‌های احتمالی مثبت و منفی آن را برای جامعه دینی و به‌ویژه نسل جوان، با دلیل و برهان عقلی روشن کنند.<sup>۱</sup>

نوشته حاضر حاصل تلاشی است، هر چند ناچیز و پرنقص، در مورد پلورالیسم دینی و نظراتی که در این زمینه مطرح شده‌اند و تبیین نظر اسلام در مورد آن، که امیدوارم از قصورات فراوانم با دیده اغماض در گذرید.

### واژه‌شناسی پلورالیسم

«پلورالیسم»<sup>۲</sup> به معنای چندگرایی، کثرت‌گرایی یا آیین کثرت است که در حوزه‌های متفاوت فلسفه دین، اخلاق، حقوق و سیاست، کاربردهای متفاوتی دارد و حد مشترک همه آن‌ها، به رسمیت شناختن کثرت در برابر وحدت است.

موضوع بحث حاضر «پلورالیسم دینی»<sup>۳</sup> است، بدین معنا که حقیقت و رستگاری به دین ویژه‌ای منحصر نیست و همه ادیان بهره‌ای از حقیقت مطلق دارند. بنابراین با پیروی از هر یک از آن‌ها می‌توان به نجات و رستگاری رسید.

پلورالیسم دینی در دهه‌های اخیر در جهان مسیحی، توسط **جان هیک** (متولد ۱۹۲۲) ترویج شده است. او می‌گوید: «پلورالیسم عبارت است از قبول و پذیرش این دیدگاه که تحویل و تبدیل وجود انسانی از حالت خودمحوری به خدا (حقیقت) محوری به طرق گوناگون درون همه سنت‌های دینی بزرگ عالم صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، تنها یک راه و شیوه نجات و رستگاری وجود ندارد، بلکه راه‌های متعدد و متکثری در این زمینه وجود دارد» (هیک، ۱۳۸۳: ۷۱).

این تعریف بر آن است که حق میان همه ادیان مشترک است و همه ادیان می‌توانند مایه رستگاری، کمال و تعالی پیروان خود باشند. البته تفسیر دیگری هم از پلورالیسم دینی مطرح شده که با تفسیر رایج و جان هیکی که به دو مسئله حقایقت و رستگاری دینی نظر دارد، متفاوت است و آن ناظر بر بعد اجتماعی دین است. بدین معنا که پیروان ادیان مختلف می‌توانند در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیزی در یک جامعه داشته باشند و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند (ربانی، ۱۳۷۸: ۲۲).

### انحصارگرایی

برای روشن تر شدن مفهوم پلورالیسم، لازم است به تعریف واژه مقابل آن، که «انحصارگرایی»<sup>۴</sup> است، نیز پردازیم. انحصارگرایی به این معناست که نجات یا رستگاری بشر را تنها متعلق به یک دین خاص بدانیم و بقیه ادیان را از نجات خارج به شمار آوریم. جان هیک در رد انحصارگرایی معتقد است: اگر نجات و فلاح آدمی همان تغییر منزلت انسان در چشم خداوند است که حاصل قربانی شدن مسیح بر بالای صلیب است که به‌دست آوردن چنین بهره‌ای از تصلیب عالم، محدود است. اما چنانچه نجات و رستگاری را به‌صورت تبدیل و تحول روحیه انسان از «خودمحوری» به «خدا (حقیقت)محوری» بدانیم، این امر الزاماً در حصار هیچ یک از سنت‌های دینی تاریخ بشر محدود نخواهد بود (هیک، ۱۳۸۳: ۶۷). سپس جان هیک با تأیید برداشت دوم از نجات و رستگاری همه ادیان، انحصارگرایی را مردود دانسته است و به تبیین واژه شمول‌گرایی می‌پردازد که در برابر پلورالیسم قرار دارد.

### شمول‌گرایی

در این نظریه گفته شده که مغفرت و پذیرش الهی از انسان‌ها، با تصلیب عیسی (ع) ممکن شده است، اما آثار و منافع این ایثار و از خودگذشتگی هرگز به کسانی که به‌طور آشکار به او ایمان دارند، محدود نیست. بلکه تمام بشر در معرض لطف و رحمت الهی قرار دارند، هر چند هرگز نام عیسی مسیح (ع) را هم نشنیده باشند. بنابراین، نجات و رستگاری نه تنها درون سنت دینی مسیحیت، بلکه درون همه ادیان بزرگ عالم وجود دارد (ربانی، ۱۳۷۸).

**کارل راهنر**<sup>۵</sup> با ارائه مفهوم «مسیحی ناشناس» به تبیین بیشتر این نظریه کمک کرد. او معتقد است، آن‌هایی را که به‌صورت ظاهری و رسمی به دین مسیحیت تعلق ندارند، ولی در عین حال آگاهانه و یا ناآگاهانه در جست‌وجوی حکم و اراده الهی هستند، می‌توان به اصطلاح اعضای افتخاری مسیحیت محسوب کرد (هیک، ۱۳۸۳: ۷۰).

پس از توضیح مختصری در مورد واژه‌های انحصارگرایی، شمول‌گرایی و پلورالیسم، لازم است به ذکر تاریخچه پلورالیسم دینی پردازیم.

### منشأ پلورالیسم دینی کجاست؟

#### لیبرالیسم و پلورالیسم

می‌توان ریشه لیبرالیسم سیاسی در اروپای قرن هجدهم را بسیار متأثر از نپذیرفتن تعصب دینی

برای روشن تر شدن مفهوم پلورالیسم، لازم است به تعریف واژه مقابل آن، که «انحصارگرایی» است، نیز پردازیم. انحصارگرایی به این معناست که نجات یا رستگاری بشر را تنها متعلق به یک دین خاص بدانیم و بقیه ادیان را از نجات خارج به شمار آوریم

مطرح شده از سوی فرقه‌های مسیحی در دوره اصلاح‌گرایی دانست. در حالی که لیبرالیسم بازنمایی سیاسی نسبت به کثرت انتقادات داخل جامعه مسیحی بود، صرفاً در قرن بیستم بود که اصول آن در میان انتقادات غیرمسیحیان مطرح شد. ولی ناکامی تلاش‌های لیبرال برای از بین بردن تعصب دینی، بیش از هر جای دیگری در رشد ضدیت با نژاد سامی و نهادینه شدن آن به وسیله فاشیست‌ها نمود داشت (لگنهاوزن، ۱۳۸۴: ۹ و ۱۰).

کثرت‌گرایی دینی، نتیجه تلاشی است برای به‌وجود آوردن مبنایی در الهیات مسیحی برای تسامح و تحمل ادیان غیرمسیحی. به همین دلیل کثرت‌گرایی دینی عنصری است در گونه‌های از تجدد یا لیبرالیسم دینی.

لازم به ذکر است که لیبرالیسم به‌عنوان یک ایدئولوژی سیاسی تعریف دقیقی ندارد. با این حال همه لیبرال‌ها بر اهمیت تساهل، حقوق افراد و آزادی برای حفظ تنوع و کثرت سبک‌های زندگی تأکید دارند. به‌نظر می‌رسد لیبرال‌ها برای تسلط هر چه بیشتر بر مردم، کثرت‌گرایی دینی در الهیات مسیحی را برای تسامح و تحمل ادیان غیرمسیحی مطرح کردند.

لیبرال‌ها با انکار حجیت دینی، به حقوق فردی مردم اعتقاد داشتند. یعنی مردم براساس حقوق فردی می‌توانند اعتقادات دینی مخصوص به خود داشته باشند. آن‌ها معتقدند هر گونه تفاوت، از جمله تفاوت‌های دینی، باید مجاز شمرده شود؛ مگر آنکه مخل حقوق و آزادی دیگران شود. بنابراین لیبرال‌ها دعوی معرفت دینی مطرح شده از سوی دین‌ها را انکار نمی‌کنند، بلکه به‌عنوان یک روش علمی برای حل تعارض بین ادعاهایی که از این قبیل معرفت‌ها صادر می‌شوند، عمل کرده‌اند.

پس از لیبرال‌ها، حالا نوبت کثرت‌گرایی دینی است که با پیشی گرفتن بر لیبرال، مدعی است حقیقت دینی در سنت‌های دینی مختلفی وجود دارد. بنابراین هیچ دینی نمی‌تواند مدعی معرفت انحصاری شود. به این ترتیب، حجیت خود به خود از دست دین به دست دولت لیبرال می‌افتاد و این همان چیزی بود که حکومت لیبرال می‌خواست (لگنهاوزن، ۱۳۸۴: ۹۴ - ۹۰).

### پلورالیسم دینی چه می‌گوید؟

با نگاهی به حیات دینی انسان‌ها، با نام‌هایی چون اسلام، مسیحیت، یهودیت، هندوئیسم، بودیسم و ... روبه‌رو می‌شویم که هر کدام دارای چارچوبی از باورهای دینی است و طرفدارانی را گرد خود جمع

کرده است. باورهای دینی متمایز و گاه متقابل که هر فرد دین‌دار، عضو یکی از این گروه‌های دینی است و همین باعث می‌شود که برای ما یک سلسله پرسش‌هایی درباره دین پیش آید. از آنجا که همه ادیان مدعی دارا بودن حقیقت، نجات و رستگاری انسان هستند، ما با داعیه‌های رقیب و گاه معارض در مورد حقیقت نجات‌بخش مواجهیم. هر یک از این دین‌ها باور دارد، راه نجاتی که ارائه می‌دهد، همان راه اصیل و مطمئنی است که به سعادت ابدی می‌رسد. لذا سؤال مناسبی که به ذهن می‌آید، این است که: کدام یک حقیقی است؟

در پاسخ به این سؤال، هر یک از سنت‌های بزرگ دینی به برتری منحصره‌فرد خویش رأی می‌دهد. هر چند این را می‌توان نوعی اعتمادبه‌نفس دینی دانست و از آن به غرور دینی تعبیر کرد، با این حال باید توجه داشت که احساس برتری می‌تواند به‌صورت غرور ساده‌ای باشد که البته تا حدودی اجتناب‌ناپذیر است. اما آنگاه که این غرور مانع سفر معنوی فرد شود، به‌طوری که نتواند از عالم دینی خود به دین‌های دیگر سفر کند و با بصیرت‌های جدید آشنا شود، نه‌تنها پسندیده نیست، بلکه مانعی است برای رشد معنوی و در نتیجه به حرکت قهقراپی خواهد انجامید.

در طول تاریخ، ما شاهد چنین غرورهای بی‌جایی بوده‌ایم که عده‌ای با اعمال فشار، سرکوب و استثمار دیگران، سعی داشته‌اند باورهای خاص دینی خود را به مردم تحمیل کنند.<sup>۸</sup> حتی جهان معاصر ما خشونت چنین گروه‌هایی را تجربه کرده است و انسان‌های بی‌گناهی به دست سبک مغزانی مورد ظلم و بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند.<sup>۹</sup> هر چند به نظر من، دین الهی بیش از جامعه بشری مورد ظلم و آزار قرار گرفته است، تا جایی که جبران چنین خسارت‌های وارده بر دین به آسانی ممکن نخواهد بود.

با مروری بر ادیان مذکور خواهیم دید که هر کدام حقیقت را به‌گونه‌ای تعریف کرده و سپس راه نجات و رستگاری را در پرتو همین حقیقت بیان کرده است. اما به راستی حقیقت چیست؟

به علاوه، هر دینی به برتری منحصره‌فرد خویش اعتقاد دارد و در پی آن، گاهی قوم خود را برتر از سایرین می‌داند. پس چه باید کرد؟

لازم به ذکر است، همان‌طور که در تعریف پلورالیسم دینی گفته شد، هر کدام از سنت‌های دینی دگرگونی و تحول وجود انسانی از خودمحوری به حقیقت (خدا)محوری را سرلوحه برنامه‌های خویش قرار داده و به همین ترتیب هر کدام تعریف خاصی از حقیقت ارائه داده است.

با نگاهی به حیات دینی انسان‌ها، با نام‌هایی چون اسلام، مسیحیت، یهودیت، هندوئیسم، بودیسم و ... روبه‌رو می‌شویم که هر کدام دارای چارچوبی از باورهای دینی است و طرفدارانی را گرد خود جمع کرده است

## حقیقت چیست؟

هر دینی وجود یک خداوند و یا حقیقت را ارائه داده است. حقیقت در سنت دینی مسیحیت به عنوان «خداوند پدر»، در سنت دینی یهود به عنوان «آدونای»، در اسلام به عنوان «الله» نازل کننده قرآن، در سنت دینی هند به عنوان «شیوا»، «شینو» یا «پراماتما»، و یا انواع و اقسام الوهیت‌های کوچک‌تری که در نقاط مختلف هند نماد عینی وجوه و جنبه‌های متفاوت ذات الهی هستند، نامیده می‌شود (هیگ، ۱۳۸۳: ۸۳).

## ملاک ارزیابی ادیان

این بینش‌ها و بصیرت‌های گوناگون از حقیقت و شیوه‌های زندگی همراه با آن را با چه معیارهایی ارزیابی و سپس درجه‌بندی کنیم؟ ادیان درباره واقعیت مدعیاتی را مطرح می‌کنند که گاهی با هم تقابل و تعارض دارند و ما می‌توانیم با استفاده از معیارهای منطق، تجربه انسانی و احیاناً نوعی شهود پرورش یافته، تشخیص دهیم که کدام صادق‌اند و کدام کاذب. البته علاوه بر تعیین صدق و کذب، به معناداری این مدعیات نیز باید توجه کرد تا مشخص شود، چه حد سایر مدعیات دینی مربوطه متضمن آن‌ها و یا سازگار با آن‌هاست. علاوه بر آنچه گفته شد، ذکر چند نکته در این زمینه لازم است:

**الف.** برای ارزیابی یک دین باید بررسی کنیم، آیا اصول اعتقادات آن یا یکدیگر سازگارند یا خیر.

**ب.** در صورتی که یک نظام دینی هنگام تشکیل، ادعای حل معضل خاصی را داشته باشد و در حل آن ناکام بماند، دیگر دلیلی برای پشتیبانی از آن نظام باقی نمی‌ماند.

**ج.** حقایق بنیادین یک نظام دینی نباید با دستاوردهای مسجل (مثل دستاوردهای علمی یا روان‌شناختی) تناقض داشته باشد.

**د.** هر نظام دینی با پاره‌ای از شهودیات و پایه انسانی در زمینه اخلاق و زیبایی‌شناسی هم‌خوان باشد و افراد را به زندگی اخلاقی مسئولانه‌تری ترغیب کند.

**هـ.** می‌توان گفت که همه ادیان در جست‌وجوی واقعیت غایی هستند، تا از آن برای معنا بخشیدن به زندگی خویش بهره‌جویند؛ هر چند بعضی از این اعتقادات درباره خدا غلط و بعضی از اعمالشان نیز نابخردانه است. لذا نوع تعریفی که هر دین از غایت و واقعیت هستی ارائه می‌دهد، نوع نگرش آن دین را به جهان و مبدأ جهان نشان می‌دهد.

**و.** ملاک دیگر برای ارزیابی یک دین این است که

آن دین تا چه حد پاسخ‌گوی نیاز روحی و معنوی جامعه و قادر به پر کردن خلأ معنوی است و آیا امروز نیز می‌تواند این خلأ را پر کند یا نه؟

ز. همچنین، دین متعالی دینی است که با تزریق شور و شعف مستمر به جامعه، باعث نشاط و سرزندگی انسان‌ها شود و علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی، با برقراری عدالت، رفاه اجتماعی را ارتقا دهد.

عده‌ای هم معتقدند، برای ارزیابی ادیان باید زندگی بنیان‌گذاران آن‌ها را بررسی کرد؛ کسانی که به‌عنوان واسطه‌های بزرگ بین خدا و مردم شناخته شده‌اند.

**گواتمه، کنفوسیوس، موسی(ع)، عیسی(ع) و محمد(ص)** که جریان‌های بزرگ دینی بزرگی را آغاز کرده‌اند و طی قرن‌ها، گاهی صدها میلیون انسان را مجذوب خود کرده‌اند.

یکی از موازین اصولی «معیارهای اخلاقی» است. معیارهای اخلاقی که آن شخص در زمان خود ارائه داده و خود نیز عامل به آن‌ها بوده است. به عبارت دیگر، خودش تجسم همان دستورات و قوانینی بوده باشد که به بشر ارائه می‌داده است. اما آیا می‌توانیم آن قدر اطلاعات صحیح در این زمینه جمع‌آوری کنیم که امکان داوری درباره تفوق روحی یا اخلاقی یکی بر دیگران برای ما فراهم آید؟

در صورتی که این کار امکان‌پذیر باشد و بتوانیم اخبار قطعی به دست آوریم، یکی از سندها و مدارک معتبر برای ارزیابی خواهد بود (پترسون، ۱۳۷۷: ۴۲۳ - ۴۰۱).

## پلورالیسم دینی نجاتی

«درون همه ادیان فرایند نجات‌بخشی جریان دارد؛ یعنی تحول و دگرگونی وجود انسان از خودمحوری به حقیقت‌محوری. بدین ترتیب هر یک از سنت‌های بزرگ دینی شامل بستر معتبری از نجات و آزادی است.

اما هیچ کدام شامل بستری منحصر به فرد نیست و هر کدام می‌توانند با توجه به گزارشات و ادراکات بقیه به فهم و ادراک گسترده‌تری از حق دست پیدا کنند.» (هیگ، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

اما آیا به راستی آن‌چنان که هیگ در کتاب خود آورده است، همه راه‌ها اعم از یهود، مسیحیت، مجوس و ... و اسلام در مسیر نجات و رستگاری قرار دارند و قادر خواهند بود انسان را به سرمنزل مقصود برسانند؟

با توجه به اینکه خود هیگ هم به وجود تفاوت در دین‌ها پس از ارزیابی آن‌ها اذعان دارد، به نظر



**درون همه ادیان فرایند نجات‌بخشی اساساً واحدی جریان دارد؛ یعنی تحول و دگرگونی وجود انسان از خودمحوری به حقیقت‌محوری. بدین ترتیب هر یک از سنت‌های بزرگ دینی شامل بستر معتبری از نجات و آزادی است**

می‌رسد در اینجا با نوعی تناقض روبه‌رو می‌شویم. هیک مدعی است، اینکه بگوییم هیچ نجاتی برای مسیحیت وجود ندارد، نوعی تکبر است و موجب عدم تسامح و بی‌حرمتی نسبت به ادیان دیگر می‌شود و با تعالیم حضرت مسیح (ع) سازگار نیست. اما باید به او گفت که چگونه مفهوم نجات که ویژگی مسیحیت است، می‌تواند با نجات غیرمسیحیان سازگار باشد؟ زیرا هیک به‌طور واضح مشخص نکرده است که: چگونه دستیابی به مفهوم عام نجات برای همه میسر است؟

### پلورالیسم هنجاری

پلورالیسم هنجاری به معنای آن است که رفتار با دیگران باید براساس احترام و پذیرش آنان باشد، و نباید گوناگونی در ادیان باعث آزار و ظلم به پیروان آن‌ها شود. صرف تفاوت در اعتقادات دینی و اینکه ما خود را پیرو دینی شایسته‌تر بدانیم، دلیل بر تضعیف ارزش‌های مورد قبول پیروان ادیان دیگر نمی‌شود. البته دلایل فراوانی پسندیده بودن پلورالیسم هنجاری را تأیید می‌کنند (لگنهاوزن، ۱۳۸۳: ۲۰۶ - ۲۰۵).

**اول. دلایل دینی:** که در قرآن و احادیث، شواهدی برای پلورالیسم هنجاری وجود دارد؛ در عین حالی که برخی از اعتقادات، سرزنش و محکوم شده‌اند.

بنابراین در عین برخی اعتقادات سایر ادیان، به مسلمین سفارش شده است با پیروان ادیان دیگر به‌خوبی و با مسالمت رفتار کنند.

**دوم. دلایل اخلاقی:** مهم‌ترین این دلایل رفتار محترمانه حتی با کسانی است که اعتقادات نادرست - هر چند درخور جهنم - دارند. اینکه خداوند او را می‌بخشد یا نه، به ما ربطی ندارد، وظیفه ما در قبال او رفتاری منصفانه است.

**سوم. دلایل تجربی:** هیچ‌گونه هم‌بستگی تاریخی میان پلورالیسم ناظر بر نجات و پلورالیسم هنجاری پیدا نشده است. مردم به دلایل سیاسی مورد آزار قرار می‌گیرند، زیرا ستمگران برای دستیابی به قدرت بر دیگران ستم روا می‌دارند و اگر این ظلم را با کلام انحصارگرا توجیه می‌کنند، این فقط بهانه است نه ظلم.

بنابراین ما به‌خاطر اعتقادات دینی‌مان باید برای «شان و منزلت آزادی» و «اهمیت وجود انسانی» احترامی واقعی قائل شویم. هر چند تعهد به دین در روحیه کسی که واقعا خود را بنده خدا نمی‌داند، احترام به دیگران را پرورش می‌دهد، اما پیروان همه ادیان، مسلمان، مسیحی، یهودی و ... باید از آن دسته

از گرایش‌های فکری که باعث ایجاد اختلاف و نزاع دینی و غیردینی و تضعیف ارزش‌های دینی یکدیگر می‌شود، جدا پرهیز کنند.

### پلورالیسم و اندیشه جاودان خرد

اندیشه جاودان خرد (حکمت خالده)، گونه‌ای از پلورالیسم دینی است که **فریتيوف شوان** و **رنه گنون** آن را مطرح کرده‌اند و در ایران دکتر **سید حسین نصر** آن را تبیین کرده است.

اندیشه اصلی این مکتب آن است که همه ادیان در نهایت، یک حرف دارند، ولی به شیوه‌های متفاوتی آن را مطرح می‌کنند. برای پی‌بردن به این لب‌اللباب کلی نباید به ظاهر دین، بلکه باید به باطن آن توجه داشته باشیم.

لگنهاوزن معتقد است: با مقایسه نظرات هیک و دکتر نصر متوجه می‌شویم که هیک پلورالیسم را ابتدا اخلاقی و سپس معرفت‌شناختی می‌داند،

در حالی که دکتر نصر تنوع ادیان را در درجه اول متافیزیکی و مربوط به حکمت می‌داند؛ هر چند جنبه‌های معرفت‌شناختی و اخلاقی آن را نادیده نمی‌گیرد.

هیک خود را رهبر نهضتی در اصلاح الهیات مسیحیت می‌داند که سوگیری آن به سمتی است که در آن مسیحیان نسبت به غیرمسیحیان، مسامحه بیشتری مبذول داشته باشند، در حالی که دکتر نصر بدون هیچ اصلاح‌طلبی تجددخواهانه‌ای به تفسیری خوش‌بینانه از اعتقادات سنتی همه ادیان بزرگ نائل می‌شود. دکتر لگنهاوزن با بحثی نسبتاً مفصل و مقایسه بین دکتر هیک و دکتر نصر، چنین نتیجه می‌گیرد: سخن نصر زمانی که بر این نکته تأکید می‌کند که ادیان آنچنان که از سوی خدا وحی شده‌اند، تبلورهای متفاوت پیام الهی هستند، درست است، ولی وقتی به‌خاطر همین اعتقاد، آموزه‌های سنت‌های دینی جهان را مورد تصدیق الهی می‌داند، بر خطاست.

به‌نظر می‌رسد استدلال دکتر نصر بر روا نبودن حکمت خدا با پیمودن راه اشتباه دو هزار ساله توسط برخی انسان‌ها، استدلال محکمی نیست. او معتقد است: اینکه خداوند روا داشته

**اندیشه اصلی مکتب حکمت خالده آن است که همه ادیان در نهایت، یک حرف دارند، ولی به شیوه‌های متفاوتی آن را مطرح می‌کنند. برای پی‌بردن به این لب‌اللباب کلی نباید به ظاهر دین، بلکه باید به باطن آن توجه داشته باشیم**



باشد که یکی از ادیان بزرگ جهان که به وسیله آن میلیون‌ها انسان در جست‌وجوی نجات و رستگاری بوده‌اند، به مدت دو هزار سال در گمراهی به سر برند، با حکمت و عدالت بی‌کران او منافات دارد (لگنهاوزن، ۱۳۸۴: ۱۲۲ - ۱۱۷).

شاید در پاسخ بتوان گفت: خداوند انسان را مختار و آزاد آفریده تا بین راه‌های صحیح و ناصحیح، یا بین ناصحیح، صحیح و صحیح‌تر انتخاب کند. از طرف دیگر، چه بسا در کنار این اشتباه، منفعتی به انسان برسد که برای ما ناشناخته است. همچنان که خداوند از ارتکاب به گناه انسان به لحاظ حکمتی که در امر ارزشمند بودن اختیار انسان نهفته است، ممانعت نکرد.

### پلورالیسم دینی فروگاششی

برخلاف آن عده از مسیحیان که نجات را به مسیحیان منحصر می‌دانستند، عده‌ای در

جست‌وجوی راهی بر آمدند که نجات غیرمسیحیان نیز میسر شود. این گروه ادعا می‌کنند که ایمانی می‌تواند موجب نجات شود که فرد مؤمن بدان، با داشتن هر دین دیگری، مسیحیت را به صورت ناخودآگاه و بالقوه پذیرفته و به اصطلاح رینر مسیحی «گمنام» باشد.

از نظر رینر این افراد اگر تحت تعلیمات مسیحیت قرار می‌گرفتند، مسیحی می‌شدند. ولی در برابر، دکتر هیک یک قدم فراتر می‌گذارد و معتقد است: همه ادیان به ظاهر متفاوت می‌توانند ادیان درستی باشند. او باور دارد، ایمان صحیح موجب نجات است و همین ایمان صحیح وجه مشترک ادیان بزرگ جهان است.

هیک در کتاب خود می‌نویسد: «اگر ما بپذیریم که علاقه اصلی دین نجات و آزادی و یا دگرگونی وجود و هستی انسانی از خودمحوری به حقیقت‌محوری است، در آن صورت باید تصدیق کنیم که به نظر می‌رسد چنین دگرگونی و تحولی در بستر هر یک از سنت‌های دینی بزرگ به وقوع می‌پیوندد» (هیک، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

هیک تأکید می‌کند، ما نمی‌توانیم نشان دهیم که کدام یک از سنت‌های دینی بزرگ از نظر کارکرد بیرونی و اجتماعی برتری دارد، زیرا هر دینی از نظر تاریخی مرکب از خیر و شر است. یعنی از طرفی با اولیا و قدیسانی که وظیفه انتقال بشر به حقیقت‌محوری را به خوبی و با موفقیت انجام داده‌اند، مواجهیم و از طرف دیگر، با جنبه‌های منفی و اشکالاتی که هر کدام از این‌ها برای بشر ایجاد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

سپس نتیجه می‌گیرد که ما باید از قید این پندار که فقط یک دین حقیقی وجود دارد، خود را آزاد کنیم. پیروان همه ادیان باید گفت‌مانی اصیل از نوع «حقیقت‌یابی» با یکدیگر داشته باشند تا بتوانند از تجربه و بصیرت‌های دیگران منتفع شوند (همان، ص ۱۹۱ - ۱۸۰).

### کثرت‌گرایی دینی غیر فروگاششی اسلام

«اسلام به معنای عام» یعنی تسلیم کامل در برابر اوامر الهی، به همه ادیان الهی اطلاق می‌شود و «اسلام به معنای خاص»، ناظر بر آخرین تقریری از اسلام است که به وسیله محمد (ص) به بشر ارزانی شده است. با توجه به این موضوع یک سؤال مطرح می‌شود که ابتدا لازم می‌دانم پاسخ آن را بیان کنم و سپس به اصل موضوع بپردازم. اگر اسلام تنها دین حق است (به عقیده مسلمانان)، چرا خداوند شریعت‌های مختلف را فرستاده، آنچنان که در قرآن هم به آن‌ها اشاره کرده و وحیانی بودن آن‌ها را تأیید کرده است؟ آیا خداوند قادر نبود از همان ابتدا همین دین را برای اقوام گذشته بفرستد؟

در پاسخ باید گفت:

۱. پاسخ اینکه چرا خدا چنین کرده را به‌طور یقینی نمی‌توان داد و لاقلاً از عهده این جانب خارج است. ولی به نظر می‌رسد که بشر در طول تاریخ مانند کودکی است که برای بالا بردن معلومات و دانسته‌های خود ناچار است از آموزش در دوران ابتدایی و دبیرستان تا دانشگاه در سطوح متفاوت آن بهره‌برد. هرگز نمی‌توان گفت چرا از همان ابتدا با آموزش دوره‌های عالی تحصیل، معلومات او را به حداکثر نمی‌رسانیم، زیرا پاسخ آن روشن است که او باید برای رسیدن به آگاهی، پله‌های ترقی را یکی‌یکی و به ترتیب طی کند. تفاوت شرایط زمانی و مکانی در دوره‌های متفاوت را نیز باید به آنچه گفته شد، اضافه کرد. به همین دلیل، شریعت‌های گوناگونی در طول تاریخ برای بشر آمده‌اند و هر چه که

«اسلام به معنای عام»  
یعنی تسلیم کامل در برابر اوامر الهی، به همه ادیان الهی اطلاق می‌شود و «اسلام به معنای خاص»، ناظر بر آخرین تقریری از اسلام است که به وسیله محمد (ص) به بشر ارزانی شده است





### پی‌نوشت‌ها

۱. لازم به ذکر است که منظور از اصلاح، معنای متعارف امروزی که بیشتر از زبان به اصطلاح روشن‌فکران شنیده می‌شود، نیست، بلکه به‌منظر من به کار بردن واژهٔ اصلاح در تفکر دینی کاملاً نادرست است و ترجیح دارد به جای آن از «طرح اندیشهٔ جدید» یا «نوآوری در تفکر دینی» استفاده کنیم.
۲. نوآوری در اندیشهٔ دینی به طرافت خاصی نیاز دارد، تا بلایی که بر سر مسیحیت در غرب آمد، بر سر اسلام نیاید. یعنی کسانی با افراط در اصلاح دین یا پروتستانیزم، دین را از معنویت تهی کردند و عملاً از دین، چیزی جز نام باقی نگذاشتند و در مقابل، ارتدوکس‌ها با جلوگیری از هرگونه اظهارنظر جدید، باعث طرد دین از صحنهٔ اجتماع و حبس آن در کلیسا شدند.

3. pluralism
4. religious pluralism
5. Exclusivism
6. Inclusivism
7. karl rahner

۸. مانند آنچه کلیسا در قرون وسطا انجام می‌داد و مردم را با زور و ارباب به پذیرش عقاید خاص خود وادار می‌کرد.
۹. اشاره به گروه طالبان در افغانستان و یا تفکرات پوچ فرقه‌های در عربستان.
۱۰. اشاره به جنگ‌های صلیبی و کشتار یهودیان توسط مسیحیان.
۱۱. اشاره به آیهٔ ۱۳ سورهٔ شوری.
۱۲. الف. ایمان به خدای یکتا، پیامبران پیشین و نبوت پیامبر اسلام در آیهٔ ۱۳۶ سورهٔ بقره.
- ب. پیروی از دستورات قرآن و دین اسلام در آیهٔ ۶۸ سورهٔ مائده.
- ج. داشتن نیت خالص و انگیزه الهی در اعمال و رفتار در آیهٔ ۶۵ سورهٔ عنکبوت.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. هیک، جان. (۱۳۸۳). مباحث پلورالیسم دینی. ترجمهٔ عبدالرحیم گواهی. انتشارات تبیان، تهران. چاپ دوم.
۳. ربانی کلیایگانی، علی. (۱۳۷۸). تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، بهار ۱۳۷۸.
۴. حسینی اصفهانی، سید مرتضی. (۱۳۸۰). پلورالیسم دینی (نقدی بر صراط‌های مستقیم). انتشارات فرهنگ قرآن. قم.
۵. لگنهاوزن، محمد. (۱۳۸۴). اسلام و کثرت‌گرایی دینی. ترجمهٔ نرجس جواندل. مؤسسه فرهنگی طه. قم. چاپ دوم.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). سیاحت اندیشه در سپهر دین. ترجمهٔ گروهی از مترجمان. انتشارات مؤسسه امام خمینی. قم. چاپ اول.
۷. پترسون، مایکل و ... (۱۳۷۷). عقل و اعتقاد دینی. ترجمهٔ احمد نراقی و ابراهیم سلطانی. چاپ قیام. چاپ اول.
۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). عدل الهی. انتشارات صدرا. قم.

پیش می‌رود، شریعت‌ها کامل‌تر می‌شوند؛ به‌طوری‌که شریعت جدید در برگیرندهٔ محتوای شریعت قبلی به اضافهٔ آگاهی‌های جدید است تا به اسلام می‌رسد که کامل‌ترین دین و در برگیرندهٔ محتوای اصلی همهٔ شریعت‌های گذشته است. همچنان که پس از ظهور اسلام، نه‌تنها قرآن ادیان گذشته را رد نمی‌کند، بلکه به منظور رفع اختلافات یهود و نصارا با یکدیگر و با مسلمین، به اصول مشترک بین آن‌ها اشاره می‌کند.<sup>۱۱</sup> البته فریاتی از قبیل تثلیث، تجسد، بازخرید و ... در مسیحیت و خرافات در یهود را هم مردود اعلام می‌کند.

۲. کثرت‌گرایی فروکاهشی با اسلام سازگاری ندارد. زیرا براساس این عقیده، اعتقاد به همهٔ پیامبران و رعایت شریعتی که از سوی آخرین پیامبر الهی بدان دستور داده شده است، واجب نیست. امکان وجود پلورالیسم فروکاهشی اسلامی وجود ندارد، زیرا اسلام مستقیماً به راه حل مسئلهٔ کثرت ادیان اشاره کرده و مدعی برتری خود بر دیگر ادیان است.

### «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» (توبه / ۳۳).

پلورالیسم دینی به انتخاب هر دین به جای دین دیگر، اعتقاد دارد که برای این انتخاب دلیلی جز قرابت فرهنگی نمی‌توان یافت. این امر بدین نتیجه منتهی می‌شود که از اهمیت قانون الهی کاسته شود؛ یعنی تقدم فرهنگ‌های ساخت دست بشر بر قوانین الهی، بنابراین برای مثال، مقبول نبودن دین حضرت موسی (ع) یا حضرت عیسی (ع) در این عصر، نه به این دلیل است که اسلام تعالیم آن‌ها را نادرست و یا کاذب بداند، یا آنکه با تعالیم پیامبر اسلام ناسازگار باشند، یا آنکه تعلیمات پیامبران پیشین نادرست بوده‌اند. بلکه برای هدایت مردم عصر خود به سوی نجات کافی نیز بوده‌اند؛ همچنان که خداوند تعالیم اسلام را به این دوره اختصاص داده است.

**استاد مطهری** در زمینهٔ نجات و رستگاری در ادیان استدلال می‌کند که نجات تصمیم دل‌به‌خواهی خدا نیست و بلکه نتیجهٔ طبیعی زندگی انسان است. نجات امری تکوینی است، نه قراردادی. وی در ادامه می‌افزاید: نجات و محکومیت هر دو دارای درجاتی هستند؛ همچنان که خود اسلام هم درجاتی دارد (مطهری، ۱۳۵۷: ۳۵۲ به بعد).

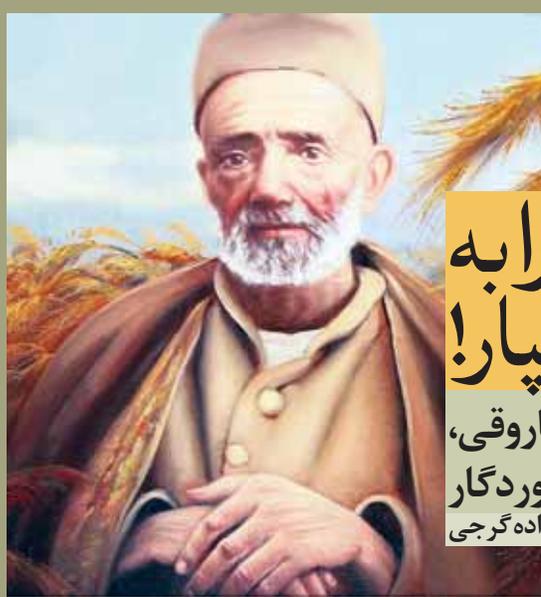
دکتر لگنهاوزن معتقد است: براساس پلورالیسم دینی غیر فروکاهشی، داشتن باورهای درست واجب است، ولی برای نیل به سعادت ضروری نیست. اعتقاد درست داشتن واجب است، چون امر خداست و ضروری نیست، به این معنا که ممکن است انسان بتواند به واسطهٔ فیض خدا به نجات برسد؛ حتی اگر به وظیفه‌اش درست عمل نکرده باشد.

بنابراین اگر غیر مسلمان تابع دینی باشد که در زمان او خداوند بدان امر کرده است، نباید از رسیدن به نجات واهمه داشته باشد. ولی اگر در عصر کنونی، تابع دینی باشد غیر اسلام، هرگز به نجات نمی‌رسد (لگنهاوزن، ۱۳۸۴: ۱۵۶ - ۱۵۴).

از نظر اسلام، در یک جامعه پیروان همهٔ ادیان و مذاهب می‌توانند در کنار هم زندگی کنند. در جامعه امکان ارتباط خوب بین مسلمانان و غیرمسلمانان وجود دارد. هر چند از نظر اخلاقی نیز بر ما واجب است که حسن هم‌جواری با غیر مسلمانان را رعایت کنیم. رعایت ادب و احترام متقابل بین پیروان ادیان در یک جامعه لازم و ضروری است و این همان چیزی است که اسلام به آن سفارش کرده است. با توجه به آنچه گفته شد، اسلام دینی است که در وجودش نوعی پلورالیسم وجود دارد؛ البته نه آن‌گونه که به محق بودن همهٔ ادیان بینجامد بلکه همچنان که از لفظ «اسلام» بر می‌آید، دینی است که با همهٔ ادیان سازگار است و می‌تواند یک جامعه را با تنوع عقاید (البته نه عقاید ضاله) اداره کند.

ناگفته نماند که اسلام همهٔ عقاید را حق نمی‌داند، بلکه می‌توان گفت نوعی پلورالیسم هنجاری دارد که از نظر رفتاری به همهٔ مسلمین سفارش می‌کند با سایر ادیان به خوبی رفتار کنند. برخلاف عده‌ای که تنها عمل صالح را شرط نجات و رستگاری می‌دانند، اسلام در کنار ایمان به دین حق، عمل صالح و اخلاص در عمل را نیز از جمله شرایط نجات می‌داند؛ آن چنان که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است.<sup>۱۲</sup>

بنابراین خلاصهٔ نظر اسلام را شاید بتوان در قالب این آیهٔ شریفه که چون چراغی پرنور در تاریکی‌های فکری ما را یاری می‌رساند، بیان کرد: «**وَ اِنْ هٰذَا صِرَاطِی مُسْتَقِیْمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِیْلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنِ سَبِیْلِ ذٰلِكُمْ وَ صِیْکُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ**» (انعام / ۱۵۳).



## خداداده رابه خاطر بسیار!

کربلایی محمد کاظم کریمی ساروقی،  
امّی مردی آیت پروردگار  
رمضانعلی ابراهیم زاده گرجی

### اشاره

قرار بود دربارهٔ مردی که مرحوم علامه طباطبایی، صاحب المیزان، او را «کشف الایات متحرک و قابل اعتماد» می‌دانست و علما و مجتهدان طراز اول زمان او را ساده‌روستایی و امّی و در عین حال حلال‌خور و مقید به اجرای حدود شرعی و پرهیزگار و «موهبت الهی» می‌دانستند، گفت‌وگویی با نوهٔ پسری ایشان صورت گیرد. وی چند سال پس از فوت پدر بزرگش متولد شد. بنابراین گفت‌وگو با **مصطفی کریمی**، دبیر محترم و بازنشستهٔ آموزش‌وپرورش انجام شد. از ایشان تشکر می‌کنیم. ولی این بنده هنگام آماده‌سازی گفت‌وگو به این نتیجه رسید که بهتر است آنچه دربارهٔ کربلایی کاظم کریمی ساروقی برای مجله تدارک می‌شود، با رجوع به منابع مکتوب موجود باشد. به همین علت، از مطالب مصطفی کریمی به‌عنوان راهنمای کار استفاده کردم و آن را در کنار منابع مکتوب قرار دادم و با رجوع به فضای مجازی، خلاصه‌ای از آنچه را در حوصلهٔ مجله می‌گنجید، جمع و سپس تدوین کردم.

آنچه در پی می‌آید، این ویژگی را دارد که مخاطب محترم را با جوانب زندگی کربلایی کاظم که تمام بزرگان علما در برابرش خاضع بودند، آشنا کند. شناس‌نامهٔ برخی از مآخذ دست اول را آورده‌ایم و علاقه‌مندان می‌توانند با رجوع به آن‌ها، اطلاعات خود را کامل کنند و با مردی که سواد خواندن و نوشتن نداشت و غیر از حفظ

قرآن کریم، آن هم فقط به یک شیوه، حافظه‌ای بسیار معمولی داشت، آشنا شوند؛

مردی که بزرگ‌ترین کرامتش موهبت الهی حفظ قرآن به قرائت عاصم بود، مردی که اشتباه علما را در قرائت قرآن یادآوری می‌کرد. چیزهایی که آنان در یاد نداشتند، مثل آب روان در جویباری که در شیب دامنهٔ کوه به‌سوی دشت هموار جاری است، در ذهن و فکر این مرد حرکت می‌کرد و بر زبانش جاری می‌شد. یعنی همان تعبیری که علامه طباطبایی داشتند. **آیت‌الله زنجانی** نیز خطاب به **آیت‌الله زاده شیخ محمد باقر مازندرانی** که کربلایی کاظم را ندیده بود، چنین تعبیری دارد: «کشف‌الایات متحرک را به حضور شما فرستادم» و شرح دیدار او و شیخ محمدباقر نیز خواندنی است. به هر حال، آنچه ملاحظه می‌فرمایید، دلیلی قاطع اما طبیعی است که خداوند همان‌طور که وعده داده، قرآن را نازل فرمود و راه‌های حفاظت از آن را نیز به عهده دارد. کربلایی کاظم کریمی ساروقی در عصر ما یکی از آیات این قرار و تعهد خداوند در حفظ کلام خویش است.

### ساروق کجاست؟

یکی از دهستان‌های شهرستان اراک است. ساروق ۳۶ کیلومتر فاصله از اراک و در بین راه اراک به شهر کمیجان قرار دارد. منابع مختلف تاریخی و جغرافیایی در قدمت این روستا متفق‌القولند: «این روستا یکی



از قرای قدیم ایران است. آثار و اماکن قدیمی بسیار دارد، از جمله بنای امامزاده ۷۲ تن که سه گنبد آن را در یک زمان ساخته‌اند. زمان بنای امامزاده را سال ۵۸۷ هجری قمری نوشته‌اند.

### چرا ساروق معروف شد؟

یک واقعه به ظاهر ساده ولی عمیق و «خداخواسته» ساروق را سر زبان‌ها انداخت، پسوند نام محمد کاظم کریمی «ساروقی».

### کریمی ساروقی کیست؟

محمد کاظم فرزند «عبدالوهاب». پدر و مادر محمد کاظم فرزندان دیگری هم دارند، ولی فقط اوست که سبب اشتهار این خانواده شد.

محمد کاظم کشاورزی می‌کرد؛ آن هم در زمین‌های خان منطقه. تولد او در سال ۱۳۰۰ ه.ق. برابر با سال ۱۲۵۷ ه.ش. در ساروق واقع شد. در همین روستا ازدواج کرد و خداوند به او سه فرزند پسر عطا کرد؛

- اسماعیل، متولد ۱۳۰۷ ه.ش. وی در آموزش و پرورش قم بازنشسته و بعد خادم مسجد جمکران شد.

- ابراهیم، متولد ۱۳۱۰ ه.ش. کارمند مؤسسه در راه حق قم.

- اکبر، متولد ۱۳۱۳، کارمند آموزش و پرورش قم.

محمد کاظم که بعدها به کربلایی محمد کاظم کریمی ساروقی معروف شد، در هفتم ماه محرم ۱۳۷۸ ه.ق. برابر با ۱۴ تیرماه سال ۱۳۳۶ ه.ش. در شهر قم فوت کرد. کربلایی محمد کاظم را در قبرستان نو (قبرستان آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری) دفن کردند و سازمان حج و زیارت بر مزارش یادبودی ساخت.

### ماجرای بنای ۷۲ امامزاده در ساروق

با توجه به پیوستگی نام کربلایی محمد کاظم ساروقی و بنای امامزادگان این روستا، لازم می‌داند به ماجرای آن اشاره‌ای بشود. زمانی که **امام رضا** (ع) به‌عنوان ولایتعهدی **مأمون عباسی** از مدینه به خراسان آمد، عده زیادی از منسوبان امام همام (ع) برای پیوستن به ایشان راهی خراسان (نوس) شدند و بسیاری از آنان در بین راه فوت کردند یا به دست دشمنان و ناهلان کشته شدند. فاطمه معصومه (س) در قم و شاهچراغ در شیراز در همین زمره قرار می‌گیرند. ۷۲ تنی که در روستای ساروق دفن شده‌اند، از جمله افرادی هستند که به قصد خراسان راهی شدند، ولی با رسیدن به روستای ساروق مانع حرکتشان می‌شوند و بنا به نقلی، مأموران مأمون

همه را به قتل می‌رسانند و در همان جا هم دفن می‌شوند. مقبره‌ای که بعدها بنا می‌شود، اصالت معماری و تزئین هنری دارد.

این ۷۲ تن شامل ۴۰ زن و ۳۲ مرد هستند. به همین دلیل، ضریح امامزاده دو بخش دارد و نوشته‌هایی از آیات قرآنی بر سقف امامزاده وجود دارند. محمد کاظم کریمی ساروقی با خواندن آیاتی که در پشت ضریح و بر دیواره سفید آن نوشته شده بود، وارد جهان دیگری شد و یکی از خوارق عادت توسط خداوند در جهان اسلام رقم خورد و به محمد کاظم، کشاورز ساده و بی‌سواد روستایی، «حفظ کل قرآن کریم» هبه شد.

### محمد کاظم، انسانی خودساخته

داستان و بهتر است گفته آید که ماجرای زندگی ایشان در مطبوعات آن زمان و بعد در کتاب‌هایی نوشته و منتشر شده است و ما بدون ذکر از منبع خاص آن را نقل کرده و در نهایت آثاری را برای رجوع علاقه‌مندان معرفی می‌کنیم.

وی که در زمین مالک و خان روستای ساروق رعیتی می‌کرد، روزی پای منبر یکی از مبلغان اعزامی از طرف **آیت‌الله العظمای حائری** (مؤسس حوزه علمیه قم) نشست. روحانی بر منبر از جمله درباره خمس و زکات صحبت کرد و گفت: «اگر کسی خمس و زکات مالش را ندهد و از آن مسکن و لباس تهیه کند و در چنین خانه‌ای نماز بخواند، اشکال دارد و نمازش از طرف خداوند قبول نمی‌شود.»

محمد کاظم که می‌دانست ارباب چنین کاری نمی‌کند و وجوه شرعیه را از درآمدش نمی‌پردازد، چند بار به وی تذکر داد. وقتی با بی‌اعتنایی ارباب روبه‌رو شد، قصد هجرت از ساروق کرد و با آنکه والدین و آشنایان مانعش شدند، شبانه ساروق را ترک کرد و در یکی از روستاهای نزدیک شهر قم اقامت گزید و با اشتغال به عملگی و خارکنی، عمر را به سختی گذراند.

سه سال از این ماجرا و هجرت محمد کاظم گذشت. سرانجام ارباب که گویا تحت تأثیر اقدام او قرار گرفته بود، به‌دنبالش می‌فرستد و می‌گوید توبه کرده و دیگر وجوه شرعیه را می‌دهد و از محمد کاظم می‌خواهد به ساروق بازگردد. سرانجام او را بازمی‌گردانند. ارباب یک قطعه زمین در اختیارش می‌گذارد تا هرطور می‌خواهد از آن بهره‌برداری کند.

### کشاورزی نمونه

وی از اولین بذر گندمی که ارباب برای کشت به او می‌دهد، نیمی را بین فقرا تقسیم می‌کند و

**داستان و بهتر است گفته آید که ماجرای زندگی مرحوم محمد کاظم در مطبوعات آن زمان و بعد در کتاب‌هایی نوشته و منتشر شده است و ما بدون ذکر از منبع خاص آن را نقل کرده و در نهایت آثاری را برای رجوع علاقه‌مندان معرفی می‌کنیم**

آن سال از اولین کشت خود محصول قابل توجهی برمی دارد. به این ترتیب، تصمیم می گیرد به شکرانه این نعمت خداوند، هر سال نیمی از محصول را به مستمندان بدهد.

تابستان سالی که مهم ترین واقعه در زندگی اش رقم می خورد، گندم مزرعه را درو و در خرمن جمع می کند و می گوید. اما باد نمی وزد تا کاه را از دانه ها جدا کند. هنگام بازگشت به روستا، یکی از افرادی که منتظر سهم سالانه خود از محصول زمین محمد کاظم است، به وی می گوید امسال چیزی به ما ندادی، نکند ما را فراموش کرده ای! این کشاورز زحمتکش می گوید خدا نکند من فقرا را فراموش کنم.

این حرف سبب می شود از همان جا به خرمن بازگردد و با دست مقداری گندم را از کاه جدا کند تا آن را به همان مرد بدهد. لذا همراه گندم و با باری از علوفه بر پشت برای گوسفندان، به طرف روستا حرکت می کند.

زمانی که به امامزاده ۷۲ تن می رسد، برای استراحت روی سکوی بیرونی آن می نشیند.

## دو جوان سر می رسند

دقایقی بعد دو جوان خوش منظر با عمامه سبز و لباس عربی به طرفش می آیند. به او پیشنهاد رفتن به داخل امامزادگان می کنند و می گویند محمد کاظم با ما بیجا تا با هم فاتحه بخوانیم.

محمد کاظم آن ها را تا به حال ندیده بود و نمی شناسد. تعجب می کند که آنان او را از کجا می شناسند. با دو جوان وارد امامزاده می شود. دو جوان کنار دو ضریح می روند و چیزهایی می خوانند که وی از آن ها سر در نمی آورد.

آن دو ناشناس به این مرد روستایی بی سواد می گویند: محمد کاظم چرا چیزی نمی خوانی؟ جواب می دهد من سواد ندارم و چیزی هم بلد نیستم. یکی از آن دو جوان به طرفش می آید و می گوید باید بخوانی. آن وقت دست روی سینه اش گذاشته، فشارش می دهد. تکرار می کند که حالا بخوان. باز محمد کاظم جواب می دهد نمی توانم. جوان بار دیگر با دست بر سینه اش فشار وارد می کند و خطاب به محمد کاظم می گوید این طور بخوان و آیات ۵۴ تا ۵۹ سوره مبارکه اعراف را قرائت می کند:

(۵۴) اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يَغْشٰى اللَّيْلَ الْتَهَارَ يَطْلُبُهُ حَيْثُ مَا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنَّجْمُ مَسْخَرٰتٍ بِاَمْرِ الْاِلٰهِ الْخَلْقِ وَالْاَمْرُ تَبٰرَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ (۵۵)

ادعوا ربكم تضرعا وخفية إنه لا يحب المعتدين (۵۶) و لا تفسدوا فى الارض بعد اصلاحها و ادعوه خوفا و طمعا اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِيْنَ (۵۷) و هو الَّذِي يَرْسِلُ الرِّيَّاحَ بِشَرِّا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ اِذَا اَقْلَمْتَ سَحَابًا ثِقَالًا سَفَّحْنَا لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَاَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَاخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ كَذٰلِكَ نَخْرِجُ الْمَوْتِى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ. (۵۸) و الْبَلَدِ الطَّيِّبِ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِاِذْنِهِ وَ الَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ اِلَّا نَكْدًا كَذٰلِكَ نَصْرَفُ الْاَيٰتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُوْنَ (۵۹) لَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَيْرِهِ اِنِّىْٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ/

این بار محمد کاظم ناخودآگاه شروع به خواندن همین آیاتی می کند که بر اطراف سقف امامزاده در هاله ای از نور سبز پدید می آیند. در این فضای ویژه و پس از خواندن آیات یاد شده، تا می خواهد با دو جوان صحبت کند، کسی را نمی یابد و آیات نیز دیده نمی شوند. از خود بی خود می شود و بر زمین می افتد.

## تا روز بعد

تا صبح روز بعد، در حالت بی هوش قرار دارد. وقتی بعد به هوش می آید، ضمن احساس خستگی، خود را در امامزاده می بیند و از ماجرا نیز چیزی به خاطر ندارد. برمی خیزد، علوفه و گندم را برمی دارد و راهی خانه می شود. در بین راه کم کم ماجرای داخل امامزاده را به یاد می آورد. متوجه می شود کلمات و جملات زیادی در ذهنش می جوشند.

با رسیدن به خانه پدر می پرسد از دیروز تا حالا کجا بودی، خیلی جاها را دنبال گشتیم؟! وقتی می شنود که پسر در امامزاده بود، می پرسد، آنجا چه می کردی؟ شب که همه از ماندن در امامزاده می ترسند؟ آن وقت محمد کاظم به شرح واقعه می پردازد و شروع به خواندن قرآن می کند.

## اولین امتحان

پدر در کمال تعجب پسرش را که تا دیروز چیزی از خواندن و قرآن نمی دانست، نزد حاج صابر عراقی، پیش نماز محل، می برد. حاج صابر عراقی از محمد کاظم سؤال هایی می کند و وی همه را جواب می دهد. پیش نماز سرانجام می گوید، محمد کاظم مورد لطف خدا قرار گرفته است. مردمی که از بی سوادی مطلق محمد کاظم خبر دارند و حال می بینند او قرآن را نزد پیش نماز از حفظ می خواند، به طرفش هجوم می برند و لباسش را برای برداشتن تبرک پاره می کنند.

کم کم این ماجرا در روستا عادی می شود و



آن دو ناشناس به این مردم روستایی بی سواد می گویند: محمد کاظم چرا چیزی نمی خوانی؟ جواب می دهد من سواد ندارم و چیزی هم بلد نیستم. یکی از آن دو جوان به طرفش می آید و می گوید باید بخوانی



محمد کاظم به کار و زندگی روزانه‌اش می‌پردازد. وی سعی دارد دیگران از اعمالش سر در نیاورند. اسماعیل، پسر بزرگش، نقل می‌کند: «ما خانه‌ای با اتاق‌های تودرتو داشتیم. پدرم به اتاق عقبی می‌رفت و آنجا قرآن می‌خواند و دعا می‌کرد. من هفت یا هشت سال بیشتر نداشتم، تا به اتاقش می‌رفتم، ساکت می‌شد. در جوابم که می‌پرسیدم بابا چه می‌خوانی؟ می‌گفت: عربی. می‌پرسیدم: عربی چیه؟ از کجا یادگرفتی؟ می‌گفت تو الان نمی‌دانی، وقتی بزرگ شدی به تو می‌گویم.»

### هجرتی دیگر

محمد کاظم سرانجام تصمیم می‌گیرد رخت از ساروق بیرون بکشد و به‌صورت ناشناس در جای دیگر زندگی و کار کند، اما خداوند تقدیر دیگری را رقم زده است. وی از ساروق به آبادی «سیدشهاب» در نزدیکی ملایر رفته و آنجا اقامت می‌کند و از طریق عملگی و خارکنی چرخ زندگی را می‌گرداند و در عوالم خودش سیر می‌کند.

### آیت‌الله خالصی زاده

روزی آیت‌الله محمد خالصی زاده، از علمای معروف آن روزگار و روحانی تبعیدی عراق، که در توپس‌رکان به سر می‌برد، به روستای سیدشهاب می‌رود. و از قضای کردگار سر راه محمد کاظم قرار می‌گیرد. آیت‌الله خالصی زاده در حال قرائت آیاتی از قرآن است که محمد کاظم می‌گوید: «آقا، آیه قرآن را اشتباه خواندی.»

آیت‌الله از این حرف مردی ناشناس در قیافه آدمی معمولی متعجب می‌شود و اصرار دارد آیه را درست خوانده است. اصرار محمد کاظم سبب می‌شود به قرآن رجوع کند. آیت‌الله می‌بیند حرف محمد کاظم درست است و حرفی را جابه‌جا خوانده است.

چنین می‌شود که خداوند محمد کاظم کریمی ساروقی را به آیت‌الله شیخ محمد خالصی زاده معرفی می‌کند و از ایشان از قرآن امتحان می‌کند. محمد کاظم همه را جواب می‌دهد. گفته می‌شود، آیت‌الله درمی‌یابد او حافظ کل قرآن است. دست‌های این کشاورز را می‌بوسد و سرانجام او را به ملایر می‌برد و به حاج آقا محسنی اراکی معرفی می‌کند و به این ترتیب، نام این مرد آمی به گوش‌ها می‌رسد.

### از ملایر تا قم و ...

حاج سیداسماعیل علوی بروجردی، از منسوبان آیت‌الله العظمای بروجردی، که در ملایر رئیس ثبت احوال بود، معرف اصلی ایشان در قم و شهرهای

مذهبی است. محمد کاظم هم به او علاقه پیدا کرد و بعد که آقای علوی به قم رفت و ریاست ثبت احوال قم را به عهده گرفت، محمد کاظم مهمان همیشگی او شد. علوی بروجردی، محمد کاظم را فردی متواضع و صادق و ساده معرفی می‌کند که در سراسر عمرش چنین کسی را مثل او ندیده است؛ مردی بی‌ادعا و بدون توقع. مردی که علمای بزرگ و مجتهدان طراز اول وقت به درستی و صداقت و حفظ ویژه قرآن کریم وی شهادت داده و آن را مکتوب کرده‌اند.

### نقل برخی از گواهی‌ها

**آیت‌الله العظمای میلانی:** به انحصار کثیره و به طرق مختلفه از ایشان اختبار شد. حقیقتاً مهارتشان در اطلاع به آیات و کلمات قرآن مجید امری است برخلاف عادت و موهبتی است الهیه. و این‌گونه تسلط ایشان در معرفت به جمیع خصوصیات قرآن مجید کرامت فوق‌العاده‌ای است.

### آیت‌الله العظمای سید شهاب‌الدین مرعشی

**نجفی:** در منزل بنده امتحانات از ایشان در حضور عده‌ای از حضرات آقایان اهل علم به عمل آمد. صدق مطلب بر همه معلوم شد... به هر حال شک و شبهه‌ای در این امر فوق‌العاده نیست و این موهبتی است ربانی که شامل حال ایشان شده است. حتی به اندازه‌ای این مرد موفق و ماهر است در آیات شریفه قرآن که اگر کسی عمداً آیه مبارکه‌ای از آیات را غلط و یا محرف یا مقدم و مؤخر بخواند، ایشان کاملاً واقف و مطلع هستند...

### آیت‌الله العظمای سیدصدرالدین صدر:

من: که سید و ذریه پیامبر (ص) هستم و سال‌ها درس خوانده و در اوامر الهی هم کوتاهی نکرده و مناهی را هم ترک نموده‌ام، به این درجه و رتبه نرسیده‌ام.

### آیت‌الله العظمای حجت کوه کمره‌ای:

انصافاً در حفظ قرآن و خصوصیات آن خارق‌العاده است. بعضی از اشتباهات و اشکالات به بعضی از علمای بزرگ عامه وارد کرد که مورد تصدیق واقع شده است. در هر صورت، با خصوصیاتش شخصی است فوق‌العاده که موجب افتخار مسلمین و شیعه است و از وجود ایشان باید استفاده کرد و آن را مغتنم شمرد.

### آیت‌الله العظمای آخوند ملا علی همدانی:

از عجایب حفظ او این بود که هر کلمه‌ای را می‌پرسیدند، بدون فکر، به موارد آن کلمه اشاره و بلافاصله آیات و کلمات قبل و بعد از آن را تلاوت می‌کرد. به‌طوری در آیات و کلمات قرآن مجید

**محمد کاظم می‌گوید:**  
«آقا، آیه قرآن را اشتباه خواندی.»  
**آیت‌الله از این حرف مردی ناشناس در قیافه آدمی معمولی متعجب می‌شود و اصرار دارد آیه را درست خوانده است. اصرار محمد کاظم سبب می‌شود به قرآن رجوع کند. آیت‌الله می‌بیند حرف محمد کاظم درست است و حرفی را جابه‌جا خوانده است**



مسلط بود که گویی تمام خطوط قرآن در مقابل چشم او صف کشیده‌اند و هرچه می‌خواستند کلمه یا اعرابی بر او مشتبه کنند، نمی‌توانستند.

**آیت‌الله العظمای ناصر مکارم شیرازی:** من با آنکه آدم دیرباوری هستم، از تماس مختلف که با او داشتم، مطمئن شدم مسئله عادی نیست و یک جریان الهی در کار است.

**آیت‌الله خزعلی:** با این عنایت و این لطف خفی و با این امداد غیبی چنان سلطه‌ای به قرآن یافت که برای او از آخر سوره به اول خواندن مانند از اول خواندن بود. علاوه بر آن، در آیات قرآن نور می‌دید؛ باللعجب از این آرامش روح و اعصاب.

این موارد فقط شمه‌ای از باور علمای بزرگ بود. فیض روح‌القدس ارباب مدد فرماید/ دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

### انعکاس مطبوعاتی

نام محمد کاظم کریمی ساروقی کم‌کم از زبان‌ها و مجالس فراتر رفت و به مطبوعات کشیده شد؛ شهید نواب صفوی از حامیان مخلص این مرد ساده و پاک بود. او بود که یک بار خبرنگاران داخلی و خارجی مطبوعات را دعوت کرد و در جمع آنان از جمله از اطلاعات، کیهان، آسوشیتدپرس، یونایتدپرس و ... گفت: «آقایان و حضار انتظار ندارم که عین بیانات مرا نشر دهند، بلکه من میل دارم هر یک از آقایان شخصاً از کربلایی کاظم که در اینجا حضور دارد سؤال‌هایی بپرسند و امتحان به عمل آورند و آنچه اعتقادشان خواهد شد نشر دهند». شرح جالب این نشست مطبوعاتی در «روزنامه ندای حق، شماره ۷، سال ۱۳۳۴» آمده است.

مرحوم نواب صفوی گویا اول بار او را به مشهد برد و در بین راه استقبال شایان توجهی از آن‌ها به عمل آمد.

آقای عباس غله‌زاری که خبر نشست مطبوعاتی را در ندای حق منتشر کرد، ماجرای آشنایی خود را با این مرد در سال‌نامه نور دانش سال ۱۳۳۵ منتشر کرد و نیز به نقل مطالبی پرداخت که در امتحان از وی گذشته است.

غله‌زاری در تهران میزبان خاص کربلایی کاظم بود. می‌نویسد، در «نقاط مختلف، علی‌الخصوص در تویسرکان، کرمانشاه، قم، مشهد، کاشان، طهران، کویت، کربلا، کاظمین و نجف توسط علما و طبقات از حافظان قرآن امتحاناتی به عمل آمد که برخی از امتحاناتی که در طهران شده و شخصاً شاهد آن بوده‌ام، نگاشته می‌شود.»

### خصوصیات حافظ قرآن

آقای غله‌زاری در همین شماره سال‌نامه نور دانش می‌نویسد: «۱. هرگاه یک کلمه عربی یا غیرعربی برای او خوانده شود، بلادرنگ می‌گوید در قرآن هست یا نیست.

۲. اگر یک کلمه قرآنی از او پرسیده شود، بدون معطلی و تفکر می‌گوید در چه سوره و کدام جزء است.

۳. هرگاه کلمه‌ای در چند جای قرآن آمده باشد، تمام آن موارد را بدون وقفه می‌شمارد و دنباله هر کدام را می‌خواند.

۴. هرگاه در یک آیه یک کلمه یا یک حرف یا یک حرکت غلط خوانده یا زیاد و کم شود، بدون اندیشه متوجه می‌شود و خبر می‌دهد.

۵. هرگاه چند کلمه از چندین سوره به دنبال هم خوانده شوند، محل هر کلمه را بدون اشتباه بیان می‌کند.

۶. هر آیه یا کلمه قرآنی را از هر قرآنی که بدو بدهند، به سرعت نشان می‌دهد.

۷. هرگاه در یک صفحه عربی یا غیرعربی یک آیه مطابق سایر کلمات نوشته شود، آیه را تمیز می‌دهد که تشخیص آن برای اهل فضل دشوار است.

این خصوصیات را خوش‌حافظه‌ترین مردم نسبت به یک جزوه بیست صفحه‌ای فارسی نمی‌تواند دارا شود، تا چه رسد به ۶۶۶۶ آیه قرآنی.»

### در محضر آیت‌الله العظمای بروجردی

ماجرای ایشان و حضرت آیت‌الله جالب است. تلخیص آن را می‌آوریم:

«... به آیت‌الله خبر دادم و بعد تشریف آوردند. پس از احوال‌پرسی یک صفحه از قرآن را باز کردند و فرمودند: دنبال این آیه را بخوان: «ذی‌یعدکم الله احدی الطائفین» آن وقت قرآن را بستند. من دنبال

نام محمد کاظم کریمی ساروقی کم‌کم از زبان‌ها و مجالس فراتر رفت و به مطبوعات کشیده شد؛ شهید نواب صفوی از حامیان مخلص این مرد ساده و پاک بود



آیه را خواندم و گفتم: آقا اول آیه حرف «و» دارد و شما آن را نخوانده‌اید. این آیه است «و اذ یعدکم الله» ایشان لبخندی زدند و حاضران با من تندی کردند و گفتند که آقا درست خوانده‌اند. من گفتم: شما این قرآن را بگیرید و پیدا کنید.

آن‌ها قرآن را آوردند و خیلی گشتند، ولی پیدا نکردند. گفتم بدهید برایتان پیدا کنم. قرآن را گرفتم و آیه را در سوره انفال نشان دادم [سوره انفال / آیه ۷] همه دیدند آیه آن‌طور است که من خوانده‌ام. بعد ایشان آیات دیگری خواندند و من دنباله آن‌ها را قرائت کردم و گفتم که در کدام سوره و در کدام جزء است. آقا فرمودند: کربلایی کاظم نزدیک‌تر بیا با هم مصافحه کنیم. من جلوتر رفتم. با آقای آیت‌الله دیده بوسی کردیم. به آقا عرض کردم شما این همه از من پرسیدید، دیدید که من دانستم، حالا من می‌خواهم یک کلام از شما بپرسم. آقا تبسمی کرد و حضار از این سؤال من به خنده افتادند. بعد آیت‌الله فرمودند بپرس. گفتم کدام سوره است که هفت حرف از الفبا را ندارد؟

آقا قدری فکر کرد و فرمودند: به خاطر ندارم، شما خودت بگو. من گفتم: آن سوره فاتحه‌الکتاب است که هفت حرف ندارد و چون این هفت حرف مربوط به اهل جهنم است، خداوند آن را در فاتحه‌الکتاب که سوره رحمت است نیآورده است و آن‌ها عبارت‌اند از: «ث-ج-خ-ز-ش-ط-ف»

بعد کربلایی کاظم آیاتی را که این حروف در آن‌ها آمده است خواند.

ث: در ثُبور (فرقان / آیه‌های ۱۳ و ۱۴): نام جایی در جهنم که جایگاه رباخواران و بدکاران است.

ج: در جهنم (حجر / آیه ۴۳)، نام جای مشهوری برای بدکاران

خ: در خسران (حج / آیه ۱۱)

ز: در زقوم (دخان / آیه ۴۳)، گیاهی تلخ، خوراک بدکاران در جهنم

ش: در شقوا (شقاوت) (هود / آیه ۱۰۶)

ط: در لظى (معارج / آیه ۱۵)، زبانه آتش جهنم  
ف: در فرع‌الاکبر (انبیاء / آیه ۱۰۳)

این هفت حرف را خداوند برداشت و در آیه ۱۲۲ انعام قرار داد:

«او من کان میتا فاحینه و جعلنا له نوراً یمشی به فی الناس کمن مثله فی الظلمت لیس بخارج منها کذالک زین للکفرین ما کانوا یعملون».

آقای آیت‌الله بروجردی قلم و کاغذ خواستند و این‌ها را که گفتم نوشتند. بعد هم مبلغ ۱۰۰ تومان به ما انعام دادند.»

این ماجرا به نقل از روزنامه ندای حق (شماره ۴۴، ۱۱ مرداد سال ۱۳۴۴) در منابع مختلف آمده است.

در کربلا، از جمله آیت‌الله هبه‌الدین شهرستانی و در نجف اشرف، علامه امینی (صاحب الغدیر) از او امتحان کردند. علامه امینی فرمود: «کربلایی کاظم آیات قرآنی را که در آن کلمه «ربا» است قرائت کن. کربلایی گفت در هفت جای قرآن کلمه ربا (ربوا) آمده است. پنج مورد در سوره بقره و یک مورد در سوره آل عمران (آیه ۱۳۰) و یک مورد در سوره نساء (آیه ۱۶۱) و شروع به قرائت آیات کرد. (سوره بقره، آیه ۲۷۵ (سه بار)، آیه ۲۷۶ / آیه ۲۷۸) و علامه آن‌ها را یادداشت کرد.

### ویژگی‌های منحصر به فرد

کربلایی کاظم ویژگی منحصر به فردی در حفظ قرآن کریم دارد. او حافظی است که هیچ مطلب مکتوب دیگر را نمی‌تواند بخواند. این شخص فقط ممیز کلمات قرآنی است، کلمات قرآنی برای او نور است. به همین دلیل، هر نوشته‌ای به او داده‌اند، عربی یا فارسی - فقط توانسته است کلمات قرآنی را بیابد و بخواند و نشان دهد و لاغیر. این مرد در غیر مورد قرآنی، حافظه و استعدادی ندارد.

در طول عمر خود به سختی می‌توانست اسم خود را بنویسد. از او یک نمونه «بسم‌الله الرحمن الرحیم» مکتوب مانده است که نشانگر ابتدایی‌ترین روش نویسندگی است و تنها دست‌خط اوست. با این حال، او به قرائت خود از قرآن اعتماد و اطمینان قلبی تزلزل‌ناپذیری در تمام وضعیت‌ها دارد.

نقل کرده‌اند که قرائت کربلایی کاظم از میان روایات قرآ، «قرائت عاصم» بود که علمایی مانند آیت‌الله العظمای بروجردی آن را تأیید کرده‌اند.

آقای عباس غله‌زاری در روایت خود از کربلایی کاظم می‌گوید، برخی اختلاف قرائت یا اغلاطی را که در کتابت برخی از قرآن‌ها وجود دارد، از او می‌پرسند و او فقط یک وجه را می‌داند، زیرا به زبان ساده‌اش می‌گوید «فقط این وجه به ما رسیده است و ما فقط آن را می‌دانیم.» و در این باره از آیت مکارم شیرازی نیز نقل شده و در کتابی که مؤسسه در راه حق منتشر کرده، آمده است: «همچنین، مرحوم میرزا مهدی بروجردی، منشی مخصوص و مشاور معروف آیت‌الله العظمای حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، در صدد تألیف کتابی در عدم تحریف قرآن با نام «برهان روشن» بود و با علاقه عجیبی این مسئله را تعقیب می‌کرد. سرانجام این کتاب را منتشر ساخت. قبل از انتشار کتاب اطلاع یافتم که او در صدد تماس نزدیک با کربلایی کاظم است و سؤال و جواب زیادی از او می‌کند. بعد متوجه شدید

**کربلایی کاظم ویژگی منحصر به فردی در حفظ قرآن کریم دارد. او حافظی است که هیچ مطلب مکتوب دیگر را نمی‌تواند بخواند. این شخص فقط ممیز کلمات قرآنی است**



### پی‌نوشت

\*«خدا داده را به خاطر بسپارید» را از راه استخاره یافته‌ام. برای انتخاب تیتیر مناسب سرگردان بودم. در آخرین بازبینی، روز جمعه ۲۱ ماه مبارک رمضان، به دلم افتاد مناسب است با استخاره از قرآن کریم استعانت جویم. آیه ۱۷۱ سوره اعراف در اول صفحه ۱۷۳ (ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور) قرار دارد؛ «و ان تقننا الجبل فوقهم كأنه ظلة و ظنوا انه واقع بهم خدا ما اینتکم بقوة و اذکروا ما فیہ لعلکم تتقون» (و [یاد کن] هنگامی که کوه را کندید و بالای سرشان قرار دادیم که گویی سایبانی بود و پنداشتند که بر سرشان خواهد افتاد. [گفتیم] آنچه را به شما داده‌ایم با جدت بگیرید و محتوای آن را به‌خاطر بسپارید، امید که پرهیزگار شوید.)

### منابع

۱. ماجرای عوالم کربلایی کاظم کربمی ساروقی را افراد زیادی در کتاب‌ها آورده‌اند. حتی کتاب‌های منظوم نیز در این باره منتشر شده‌اند. ما این موارد را توصیه می‌کنیم:
۲. داستان کربلایی کاظم و حافظ قرآن شدن او در یک لحظه، هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق.
۳. یک معجزه آشکار، کربلایی کاظم، مرد بی‌سوادی که ناگهان حافظ قرآن شد، میرابوالفتح دعوتی.
۴. معجزه قرآن در عصر حاضر در زندگی‌نامه کربلایی کاظم، حمیدرضا مرادی (کمپانی).
۵. گفت‌وگو با اسماعیل کربمی، فرزند بزرگ کربلایی کاظم، به نقل از مجله فرهنگ کوثر، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۲۳، قابل دسترسی در پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (Hawza.net).
۶. ویکی‌شیعه، بیوگرافی مختصر، همراه با معرفی منابع.
۷. ویکی‌پدیا، مفصل، همراه با معرفی منابع.
۸. مستندی ویدئویی در ۱۳ قسمت با عنوان «مسند بزرگ‌ترین معجزه قرن؛ کربلایی کاظم»، شامل گفت‌وگو با هم‌ولایتی‌های کربلایی کاظم ساروقی و علما از جمله ناصر مکارم شیرازی، اسماعیل علوی طباطبایی از معرفان اصلی و اولیه کربلایی کاظم، قابل دسترسی در سایت آپارات.
۹. فیلم سینمایی براساس زندگی کربلایی کاظم، قابل دسترسی در سایت آپارات.
۱۰. سایتی با عنوان «مؤسسه قرآن و عترت کربلایی کاظم ساروقی» نیز داریم که باید برای استفاده از اطلاعات آن عضو شد.
۱۱. و ...

خونریزی می‌شود، به بیمارستان رسانده می‌شود و پس از چند روز، در بیمارستان به دیار حق پر می‌کشد.

مردی که آمدی بود، نه می‌نوشت و نه بلد بود غیر از قرآن را بخواند، در غیر مورد قرآن کریم، حافظه ضعیفی داشت. مردی که نماز شبش ترک نمی‌شد و نماز جعفر طیار را در گرمای تابستان هم می‌خواند. از آنچه داشت و از دسترنج خویش کسب می‌کرد، حق سائل و محروم را کنار می‌گذاشت. از لقمه شبیه‌ناک پرهیز می‌کرد. خاضع بود و قانع. مردی، «برهان قاطع». این سخن خداوند است که «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» (حجر/ ۹۰)

همان‌طور که خداوند برای عبرت‌آموزی بشر ایا ندارد که به پشهای مثل بزند، همچنان ایا ندارد که کلام وحی و سخن حق خویش را توسط بشری معمولی، بدون اسم و رسم، بدون رفتن به مکتب و حوزه و دانشگاه، جلوه و جلا بخشد؛ آن هم در زمانهای که اباحه‌گری و تبلیغات ضد دین غوغا می‌کند و سکولاریسم و الحاد مادیت و مارکسیسم در ایران فُکل اکثریت دانشگاه‌رفته‌ها را شانه می‌زند. فاعتبروا یا اولوالالبصار.

ذلک فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذوالفضل العظیم. (حدید/ ۲)

منابعی برای مطالعه در این باره نشریات:

- روزنامه ندای حق. شماره‌های سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ شمسی در ۱۴ شماره.
- سال‌نامه نور دانش، سال ۱۳۳۵، سال سوم، شماره چهارم، با عنوان «مومنای از اشراقات ربانی».
- مجله خواندنی‌ها، سال ۱۶، شماره ۱۱۷، معجزه‌های که به وقوع پیوست.

ایشان می‌خواهد یکی از دلایل تحریف نشدن قرآن را این موضوع معرفی کند که مسلماً با قرائتی که در دست است، قرآنی را که کربلایی کاظم در حفظ دارد، همان قرآن اصلی است و چون کمترین تفاوتی در میان آنچه کربلایی کاظم می‌خواند و قرآن موجود، وجود ندارد، لذا این یک دلیل قاطع و تأیید بر اثبات موضوع تحریف نشدن قرآن است.»

## روزی حلال

کربلایی کاظم همان‌طور که یادآوری شد، از آغاز زندگی دنبال روزی حلال و انجام تکالیف شرعی بود. خداوند به او این نعمت را داده بود که رزق حلال را از رزق شبیه‌ناک و حرام تشخیص دهد. از رفتن به خانه دیگران، به‌ویژه غیر اهل علم، اجتناب می‌ورزید، زیرا می‌ترسید خمس و زکات خود را نداده باشند یا لقمه حرامی در سر سفره بیاورند. اگر از روی غفلت چیزی از حرام می‌خورد، حالش دگرگون می‌شد، چنانکه با وجود اصرار در خانه حاج بلبل تویسرکانی، از متمولان شهر، دست به غذا نزد، زیرا: «همین که سفره حاضر شد، حالت وحشت و اضطرابی به من روی داد، اشتهای غذا خوردن هیچ نداشتم. دیگران غذا خوردند و خوابیدند. اما من به سبب همان حال تشویش خوابم نبرد. نیمه‌های شب از خانه بیرون آمدم و به منزل رفتم.

بعد مهمانان نقل کردند که نماز صبح همه‌شان قضا شد و نماز شب‌خوان‌ها نیز به این فیض نایل نیامدند. نقل‌های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد.

## خبر از فوت خویش

در اینجا ما از زندگی مرد آمدی و حافظ کل قرآن کریم با ویژگی‌های منحصر به فرد را نقل کرده‌ایم. از وی کرامات دیگر نیز نقل کرده‌اند که مورد نظر ما نیست. ولی به سرانجام وی اشاره‌ای می‌شود.

کربلایی کاظم به اهل خانه می‌گوید، من بیش از ۲۰ روز دیگر زنده نیستم. هر وقت مردم مرا به قم ببرید و آنجا دفن کنید. دو هفته پس از آن سخن گفت، من اگر اینجا بمیرم، برای شما دردسر می‌شوم. وسیله حمل جسد به قم خیلی دشوار است. خودم به قم می‌روم. بهتر است. در حالی که سالم بود و حرفش را به شوخی تعبیر می‌کنند. به تنهایی به قم رفت. از آنجا تلگراف زدند که حال کربلایی کاظم خوب نیست. وقتی به قم رسیدیم، او فوت کرده بود. اینجا بود که متوجه شدیم، می‌دانست مرگش رسیده و چه‌وقت خواهد مرد. کربلایی کاظم به دلیل افتادن از پلکان دچار

# فطرت

## رویکرد فطرت‌گرا توحیدی

### در برنامه آموزش قرآن و معارف اسلامی

فطر الناس علیها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم و لكن اكثر الناس لا يعلمون»<sup>۱</sup>

بنابر معارف دینی، هر انسانی با فطرتی پاک به دنیا می‌آید<sup>۲</sup> و تنها طریقی که می‌تواند انسان را به رستگاری برساند و استعدادها و واقعیاتش را شکوفا سازد، طریق سازگار با فطرت و منطبق بر آن است. همچنین، مطابق با معارف دینی، مهم‌ترین ویژگی فطری انسان، گرایش به توحید، عبودیت خدای یگانه و معرفت‌الله<sup>۳</sup> است. فطرت انسان، فطرتی توحیدی است. بدین معنا که هم خود را وابسته به خالق می‌یابد که منبع و سرچشمه همه خیرها و کمالات است و هم گرایشی به او - که گرایش به سوی همان خوبی‌ها و زیبایی‌هاست - در ضمیر خویش احساس می‌کند. دین اسلام که دین فطری است، آمده تا این فطرت توحیدی را در همه ابعاد شکوفا کند و شخصیتی توحیدی از انسان بسازد. به علاوه، رسیدن به بینش توحیدی در باب جهان و انسان - که به تعبیر استاد شهید مطهری، به معنای درک ماهیت «از اویی» و «به سوی اویی» جهان و انسان است، زیربنا و محور برنامه هدایتی اسلام است که همه اجزا و مؤلفه‌های این برنامه را شکل و جهت می‌دهد: «صبغة الله و من احسن من الله صبغة»<sup>۴</sup>. در حدیث است: «الدین الحنیف و الفطره و صبغة الله و التعریف فی المیشاق»<sup>۵</sup>.

فطرت‌گرایی توحیدی در تعلیم و تربیت رهیافتی

رویکردها یا رهیافت‌ها که عموماً بر دیدگاه‌ها و طرز تلقی‌های خاص ناظرند، بر عناصر و اجزای یک برنامه پرتوافکنی می‌کنند و ساختار و سامان آن را جهت می‌دهند. رویکردها به تناسب گستره و وسعتی که دارند، می‌توانند در مراحل متفاوت یک برنامه ظاهر شوند و هر بخش از آن را تحت تأثیر قرار دهند. برخی از رویکردها که عموماً ناظر بر مبانی آن برنامه ناظرند، چنان گستره‌ای دارند که بر تمام اجزای برنامه تأثیر می‌گذارند و برخی که در درون آن رویکردهای کلی قرار می‌گیرند، ناظر بر برخی از اجزای برنامه‌اند.

رویکرد مناسب و سازگار با تعلیم و تربیت دینی، «رویکرد فطرت‌گرا» است. این رویکرد، برخاسته از دیدگاه اسلام نسبت به انسان و انسان‌شناسی دینی است. در این دیدگاه، «فطرت» نقش محوری دارد و همان‌طور که متفکر شهید، مرتضی مطهری گفته است، ام‌المعارف محسوب می‌شود. فطرت به معنای نوع خاص خلقت انسان است. این خلقت خاص به انسانیت انسان اوصاف و ویژگی‌هایی ذاتی می‌بخشد و او را از سایر انواع موجودات متمایز می‌سازد. انسان دارای استعدادها و غایات خاص، گرایش‌های خاص و توانایی‌های شناختی خاصی است که یا در موجودات دیگر مشاهده نمی‌شود و یا تا بدان حد در آنها تحقق ندارد. دین که راه سعادت و کمال است، بر این فطرت بنا شده و در تناسب با آن نازل شده است: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرة الله التي

بنیادی است که ابعاد متفاوت هدایت دینی را شکل می‌دهد:

۱. بنابراین رهیافت، جهان مجموعه‌ای یکپارچه، مرتبط به هم و دارای پیوندی محکم است که از خداست و به سوی او باز می‌گردد. این جهان هویتی زنده و شخصیتی واحد دارد و وحدت خود را در نسبت با خالق خود که یگانه حقیقی است، کسب می‌کند.

۲. این مجموعه یکپارچه واحد، بازگشتی به سوی او دارد. البته بازگشت انسان، بازگشتی ویژه خود و متناسب با شأن و منزلت وی است. «واقعیت تکاملی انسان و واقعیت تکاملی خلقت، واقعیت به سوی اویسی است. هر چه رو به سوی او ندارد، باطل و بر ضد مسیر تکاملی خلقت است».<sup>۶</sup>

۳. ثمره توجه به فطرت توحیدی در هدایت، تحقق مراتبی از توحید عملی در شخصیت تک‌تک انسان‌هاست. نفی معبودهای درونی و بیرونی، جهت‌گیری همه‌قوای روحی و جسمی به سمت تقرب الی‌الله و بالاخره، رسیدن به وحدت شخصیت<sup>۷</sup>، حقیقت توحید عملی است. «خلاص» تعبیر دیگری از توحید عملی است. «تأثیر و نفوذ خداشناسی در انسان مراتب و درجات دارد و تفاوت انسان‌ها از نظر کمال انسانی و قرب به خداوند به این درجات بستگی دارد و همه این‌ها «صدق» و «خلاص» نامیده می‌شوند؛ یعنی همه این درجات، درجات صدق و اخلاص‌اند»<sup>۸</sup>.

۴. میوه توحید نظری و توحید عملی در افراد جامعه اسلامی، برپایی توحید اجتماعی و شکل‌گیری جامعه‌ای است که نظامات و مقررات آن و برنامه‌ها و فعالیت‌های آن به خاطر خدا و برای اطاعت از اوامر و نواهی اوست. یعنی همه فعالیت‌های اجتماعی جهتی واحد دارند که همان رضایت الهی و اطاعت از اوست.

### اصول منتج از رویکرد فطرت‌گرای توحیدی

این رویکرد که برگرفته از انسان‌شناسی اسلامی است، ما را به سمت اصولی راهنمایی می‌کند که برنامه‌داری را تحت تأثیر قرار می‌دهند و الزاماتی را در اجزای برنامه به دنبال دارند. اهم این اصول در این برنامه عبارت‌اند از:

#### الف. توجه به حقیقت کمال‌گرای انسان

خداوند کمال مطلق است و نوع انسان فطرتاً خداگرا و کمال‌گراست. آنچه از درون او را به تلاش و تکاپو وادار می‌کند، همین گرایش است. «کمال» از اوصاف الهی و «کامل» از اسمای حق تعالی است که در روایات و ادعیه مأثوره از معصومین بزرگوار صلوات‌الله علیهم آمده است.<sup>۹</sup>

اگر وصف کمال در مورد انسان و سایر موجودات به کار رود، به‌عنوان یک وصف مقید و نسبی است. همان‌طور که وصف علم و قدرت نیز چنین‌اند. کمال مطلق، علم مطلق و قدرت مطلق ویژه خداست و انسان به میزان بهره‌مندی از کمال، علم و قدرت، کامل‌تر و عالم‌تر و قادرتر می‌شود.

هدایت الهی که در برنامه‌های انبیا متجلی شده، مشتمل بر برنامه‌ای است که استعدادها و وجودی انسان را شکوفا می‌کند و به فعلیت می‌رساند و کمالاتی را که بالقوه لایق آن است، در او محقق می‌سازد. از همین‌رو در برخی از آیات قرآن کریم، بعد از نسبت دادن خلق و تقدیر به خدای متعال، از هدایت الهی موجودات به سوی مقصدشان سخن به میان آمده است.<sup>۱۰</sup> بنابراین، میان اوامر و نواهی الهی با رشد و کمال انسانی رابطه‌ای حقیقی وجود دارد. برای مثال، میان روزه‌داری و تقوا رابطه‌ای حقیقی وجود دارد، نه اینکه تقوا را صرفاً به‌عنوان جایزه‌ای قراردادی به انسان بدهند.

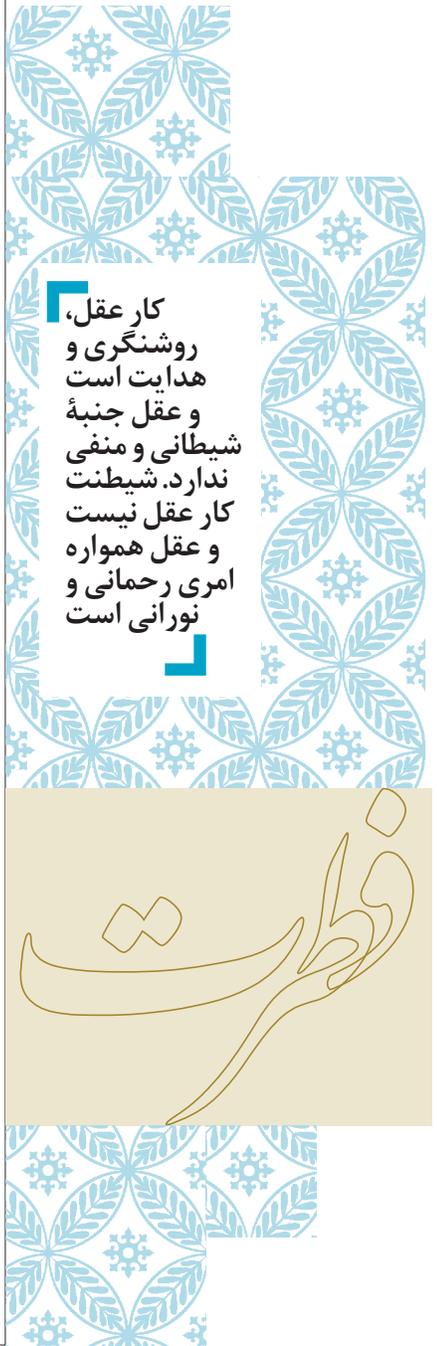
این اصل بر تبیین معارف دین به‌خصوص معارف اخلاقی و عملی پرتو می‌افکند و تأثیر می‌گذارد. انجام احکام دینی از حالت خشک قراردادی خارج می‌شود و ظاهر‌گرایی و سطحی‌نگری در برخورد با معارف و احکام دینی، جای خود را به تعمق و خردورزی می‌دهد. توجه به این اصل همچنین سبب می‌شود که برنامه‌ریزان درسی استعدادهای فطری را شناسایی و برای شکوفایی آن‌ها برنامه‌ریزی کنند و از شیوه‌هایی که سبب سرکوبی این استعدادهای می‌شوند، اجتناب ورزند. اغلب متفکرین اسلامی، به‌خصوص حضرت امام خمینی، مرحوم علامه طباطبایی و شهید مطهری، در تبیین معارف دینی، سلوک اخلاقی و عرفانی و جهت‌گیری‌های تربیتی از همین منظر وارد شده و همین دیدگاه را داشته‌اند.

#### ب. توجه به عقلانیت و تفکر

از آنجا که فطرت و استعدادها فطری با بهره‌مندی از عقل و اراده به شکوفایی می‌رسد، نقش عقل در مسیر تعلیم و تربیت دینی و هدایت انسان‌ها به سوی رستگاری، نقشی بسیار مهم و بنیادی است. در بهره‌مندی از تعقل و خردورزی باید به نکات زیر توجه کرد:

۱. عقل آدمی ساختاری دارد که می‌تواند حقایق و واقعیات خارجی را بشناسد و به دانشی منطبق بر واقعیات دست یابد. همچنین می‌تواند خوبی را از بدی تشخیص دهد. لذا در خود عقل و قواعد حاکم بر تفکر عقلی خطا معنی ندارد. وجود خطا و اشتباه در میان دانش بشری ناشی از نقص ساختاری عقل

هدایت الهی که در برنامه‌های انبیا متجلی شده، مشتمل بر برنامه‌ای است که استعدادها و وجودی انسان را شکوفا می‌کند و به فعلیت می‌رساند و کمالاتی را که بالقوه لایق آن است در او محقق می‌سازد



**کار عقل،  
روشنگری و  
هدایت است  
و عقل جنبه  
شیطانی و منفی  
ندارد. شیطنت  
کار عقل نیست  
و عقل همواره  
امری رحمانی و  
نورانی است**

نیست، بلکه امری عارضی است و دقیقاً در موردی اتفاق می‌افتد که قواعد عقلی به درستی به کار گرفته نمی‌شوند. دقیق‌ترین توصیف عقل، در کلام مبین شرع آمده که از آن به‌عنوان «حجت باطنی» نام می‌برد.<sup>۱۱</sup> امری که خود ذاتاً حجت است نمی‌تواند نقص ساختاری داشته باشد و امکان واقع‌نمایی نداشته باشد؛ و الا نیازمند حجت دیگری خواهیم بود تا بتواند خطای آن را باز شناسد.

تعبیر «حجت باطنی» از زاویه‌ای دیگر نیز حائز اهمیت است. آن حجتی که با هر فرد انسانی پیوند درونی دارد، عقل است و دین و شرع از مسیر همین حجت مورد تصدیق قرار می‌گیرد. اگر این حلقه واسطه نبود، راهی برای تصدیق و پذیرش و اعتماد به دین وجود نداشت. به همین لحاظ است که در سیره اولیای دین (صلوات‌الله علیهم) از دو عقل - عقلی ایمانی و عقل شیطانی - سخنی نیست. عقل در مقابل جهل است و عقل از جنود رحمان و جهل از جنود شیطان شمرده شده است. یکی از یاران **امام صادق (ع)** از ایشان سؤال کرد: «عقل چیست؟»

ایشان فرمود: «ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان». وی دوباره سؤال می‌کند: پس آن چیزی که در **معاویه** بود، چیست؟

امام می‌فرماید: «تلك النكراء تلك الشيطنة و هي شبهة بالعقل وليست العقل»<sup>۱۲</sup>

این بیان نورانی امام صادق و توضیحی که درباره معاویه می‌دهد، مبین همین نکته است که کار عقل، روشنگری و هدایت است و عقل جنبه شیطانی و منفی ندارد. شیطنت کار عقل نیست و عقل همواره امری رحمانی و نورانی است (پیشین).

۲. تفکر عقلی، بنابر آیات شریفه قرآن کریم، حیثیات متعدد و مراتب کثیری دارد که متناسب با آن حیثیات و مراتب نام‌های متفاوتی گرفته‌اند، ولی همه در مفهوم جامع «عقل» سامان می‌یابند. لذا وقتی از معرفت عقلی سخن می‌گوییم، منظور معرفتی است که همه آن حیثیات و مراتب در آن لحاظ شده است. مجموعه اطلاعات انباشته شده که صرفاً ناشی از قدرت حافظه است و تعقل در آن نقش چندانی ندارد، معرفت عقلی محسوب نمی‌شود. معرفت عقلی، حاصل فعالیت تعقلی انسان است و با انفعال به دست نمی‌آید.

اصطلاحاتی نظیر «تفقه»، «تفکر»، «بصیرت»، «استماع»، «تدبیر»، «نظر» و «توجه» که در قرآن آمده، همه حیثیاتی از تعقل‌اند. انسان هدایت شده اهل تفقه و تفکر، و صاحب بصیرت و نظر است، چشم و گوشه باز دارد، اقوال را می‌شنود و بهترین قول را انتخاب می‌کند و در خلقت تفکر می‌کند و

هدف‌دار بودن آن را در می‌یابد.

۳. در آموزه‌های دینی، عقل حجت باطنی شمرده می‌شود و وحی حجت ظاهری. این دو تعبیر گویای آن است که ما با دو حجت در عرض یکدیگر سروکار نداریم. به این ترتیب که بخشی از هدایت‌های زندگی مربوط به عقل و برخی دیگر مربوط به دین باشد که این خود به نوعی «سکولاریسم» می‌انجامد. بلکه بدان معناست که عقل بنابر معیارهای کلی و مبنایی خود میزان پذیرش دین قرار می‌گیرد و صحت آن را اثبات می‌کند. از طرف دیگر، عقل به دین مراجعه می‌کند و براساس معیارهای دینی و هدایت‌های آن به تبیین احکام می‌پردازد. **امام علی (ع)** فرموده: یکی از رسالت‌های انبیا آن است که گنجینه‌های پنهان عقل را بکاوند و بارور کنند.<sup>۱۳</sup> به کمال رسیدن عقل که چراغ باطنی انسان است، تنها به مدد تعلیمات انبیا میسر می‌شود.

۴. به میزانی که عقل پرورش یابد و تعقل مبنای رفتار و قضاوت‌های آدمی قرار گیرد، قدرت اختیار و انتخاب بیشتر می‌شود. چرا که در این صورت، افعال و رفتارهای آدمی صرفاً برخاسته از انگیزه‌های روانی، عوامل طبیعی و غریزی و شرایط محیطی و اجتماعی نخواهد بود. زمانی می‌توان یک فعل را حقیقتاً اختیاری دانست که تحت قضاوت و داوری عقل تحقق یافته باشد و انتخاب آن ناشی از تشخیص درستی و سودمندی آن از ناحیه عقل باشد. انسانی که این‌گونه تربیت شده و به تعقل و تفکر عادت کرده باشد، به‌طور طبیعی انسانی سنجشگر، توانا در داوری و ارزیابی، پرسشگر و نقاد خواهد بود.

۵. تفکر عقلیه اصلی مبنایی است و بر همه ابعاد برنامه تأثیر می‌گذارد. نگاه ما به دین و تبیین موضوعات دینی، نقش عقل در کسب ایمان و معرفت دینی، انتخاب اهداف آموزشی، سازمان‌دهی محتوا، شیوه کار معلم و روش تدریس، همگی تحت تأثیر این اصل جلوه خاص به خود می‌گیرند.

### ج. جمع میان عقل و عرفان

عرفان اسلامی منبعث از سنت و سیره رسول خدا و ائمه اطهار (صلوات‌الله علیهم) که در رفتار شخصیت‌های بزرگی چون **امام خمینی (ره)**، **علامه طباطبایی**، **میرزا جواد آقاملکی تبریزی**، **آیت‌الله شاه‌آبادی** و **آیت‌الله حاج سیدعلی قاضی** نزد ما شناخته شده، طریقه تزکیه نفس، سلوک الی‌الله، تقرب به خدا و معرفت‌الله است و وجه تمایز آن با سایر مکاتب عرفانی، التزام عملی به ظاهر شرع و احکام و تکالیف آن و تبعیت از سیره معصومین (صلوات‌الله علیهم) است. کسی که به خداوند عشق

می‌ورزد و حب او در قلبش منزل گزیده است و دیدار او را طلب می‌کند، آهنگ او می‌کند و قدم در راه می‌گذارد تا به معرفت و تقرب به او واصل شود. لذا راه عرفان که طریقه وصول الی الله و معرفت الله است، توسط رسول خدا و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) تعیین و پیموده شده و ایشان آن را به دیگران تعلیم داده‌اند. کمال نهایی انسان در همین تقرب و لقا است و از همین حیث عرفان اسلامی با رویکرد کمال‌گرا هماهنگی دارد.

عارف در لسان اهل بیت کسی است که بر مبنای عشق به خدا و حب به او و با اطاعت از اوامر و نواهی الهی و رشد استعداد های فطری و تزکیه و تهذیب نفس طی طریق کرده و به مراتبی از معرفت الله نائل شده است. در «دعای کمیل» با خداوندی که غایت آمال عارفین است راز و نیاز می‌کنیم.<sup>۱۴</sup> در «مناجات‌المحبین»، حضرت سجاده (ع) یکی از اوصاف محبین را «معرفت حق تعالی» می‌شمارد<sup>۱۵</sup>، قلب عارفان را مشتاق سباحت وجه الهی می‌داند<sup>۱۶</sup> و عامل شرح صدر محبین را رسیدن به معرفت الله معرفی می‌کند.<sup>۱۷</sup>

عرفان بدون شائبه انحراف وقتی ممکن است که از عقل سود گیرد و عقل نیز باید با استفاده از ظواهر و بواطن قرآن کریم و سنت و سیره معصومین (صلوات الله علیهم) طریقه سلوک و راه کمال و رشد را مشخص کند. این طرز تلقی عینی و هماهنگی تنگاتنگ میان عقل و عرفان آثار فراوانی در هدایت و تعلیم و تربیت باقی می‌گذارد که باید به خوبی از آن بهره‌برداری شود. در این شیوه تعلیم و تربیتی، در عین استفاده از عقل و استدلال، از رابطه میان بنده و خالق کمک گرفته می‌شود تا حلاوت محبت و شوق دیدار با استحکام و انسجام عقلی قرین، و پر کشیدن در آسمان رشد و کمال با دو بال عقل و عشق محقق شود.

این اصل در تدوین محتوا و در شیوه تعلیم و تربیتی نیز تأثیر می‌گذارد. متن تهیه شده با این اصل باید بتواند صلابت عقلی را با حلاوت ذوقی به‌طور متوازن همراه کند. دبیری نیز که می‌خواهد با این مینا تدریس کند، باید بتواند از روش‌هایی استفاده کند که هم تفکر و اندیشه دانش‌آموز را پرورش دهد و هم دل و قلب او را متوجه خداوند سازد. همان‌گونه که قرآن کریم و معصومین بزرگوار (صلوات الله علیهم) ما را به این راه دعوت کرده‌اند.

#### د. توجه به بُعد زیباگرایی انسان

اصل دیگر در تعلیم و تربیت دینی، توجه به بُعد زیبایی‌گرایی انسان در تمام مراحل تعلیم و تربیت است. این اصل نیز ریشه در معارف دینی، قرآن کریم و سنت و سیره معصومین (ع) دارد. عبارت

مشهور «ان الله جمیل و یحب الجمال» زیربنای این اصل است. نام‌گذاری صفات ثبوتی یا کمالی حق تعالی به صفات جمالی گویای آن است که «زیبا» بودن خداوند در همه اوصافش متجلی است و جهان خلقت که آیه اوصاف حق است، آیت زیبایی است.

این همه عکس می و نقش نگارین که نمود یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

با این نگاه، به میزانی که انسان طریق کمال را بیاماید و به اوصاف الهی آراسته شود، بر حسن و زیبایی خود می‌افزاید. انبیای الهی و ائمه معصومین (صلوات الله علیهم)، هم آیات عظمای زیبایی‌حق‌اند و هم مجلی و واسطه تجلی این زیبایی در خلق. زیبایی‌گرایی در همه ابعاد قرآن کریم نیز متجلی است: فصاحت و بلاغت ظاهری و معنوی، نحوه پردازش داستان، بیان‌های انذاری و تشبیری، توصیف حق تعالی و خلقت و معاد، و شیوه طرح موضوعات همه معجزه زیبایی هستند. این اصل برخاسته از گرایش فطری انسان به زیبایی‌هاست؛ گرایشی که منشأ بسیاری از رفتارها به شمار می‌رود.

این موضوع در تعلیم و تربیت دینی آن قدر حائز اهمیت است و تا آنجا پیش می‌رود که ساده‌ترین و کوچک‌ترین نمونه‌ها را هم در برمی‌گیرد. به گونه‌ای که یک رفتار زیبایی معلم می‌تواند دانش‌آموزی را جذب کند و او را برای همیشه در طریق حق قرار دهد.

#### ه. توجه به رشد معتدل و همه‌جانبه انسان

توجه به فطرت انسانی، رشد هماهنگ و همه‌جانبه کمالات فطری را به دنبال دارد. انسان هدایت یافته و رشید، انسانی است که کمالات وجودی او به نحوی هماهنگ رشد کرده و به شخصیتی معتدل دست یافته باشد. یکی از آسیب‌های مهم تعلیم و تربیت دینی، انحراف از خط اعتدال است. گرایش‌های افراطی یا تفریطی از مبانی تعلیم و تربیت شروع می‌شود و به همه اجزای دیگر آن تسری پیدا می‌کند. مطالعه تاریخ اسلام از این حیث دربردارنده درس‌های بزرگی است که می‌تواند فرا راه همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت باشد. این جمله جاودانه حضرت علی (ع) که در آستانه شکل‌گیری گروه‌ها و مکاتب مختلف اسلامی ایراد شده، چراغ هدایت در تعلیم و تربیت است: «شغل من الجنه و النار امامه؛ ساع سریع نجا؛ و طالب بطیء رجا؛ و مقصر فی النار هوی. الیمین و الشمال مضله و الطریق الوسطی هی الجاده، علیها باقی الكتاب و آثار النبوه و منها منفذ السنه و الیهما مصیر العاقبه. هلک من ادعی و خاب من افتری»<sup>۱۹</sup>

#### پی‌نوشت‌ها

۱. پس روی خود را به سوی دین یکتا پرستی فرادار، در حالی که از همه کیش‌ها روی برتافته و حق‌گرا باشی، به همان فطرتی که خدا مردم را بر آن آفریده است. افرینش خدا را دگرگونی نیست. این است دین راست و استوار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند (روم/ ۳۰).
۲. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «کل مولود یولد علی الفطره» (صحیح بخاری، کتاب الجنائز، ابواب ۸۰ و ۹۳).
۳. از امام باقر (ع) در مورد «حقیقت» سؤال شد، فرمود: «هی الفطره التي فطر الناس علیها لا تبدل؛ خلق الله فطرهم الله علی معرفته» (توحید صدوق: ۳۳۰، به نقل از استاد شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۳: ۴۲۲).
۴. سوره بقره، آیه ۱۲۸. امام باقر (ع) می‌فرماید: «عروا لثقی التوحید و صبغة الاسلام» (بحار الانوار، ج ۳: ۲۷۹).
۵. بحار الانوار، ج ۳، باب ۱۱: ۲۷۶، نقل از: معانی الاخبار، دین‌حنیف، یا دین فطری و یا صبغة الله است که خدا در میثاق - یعنی در پیمانی که با روح بشر بسته - بشر را با آن آشنا کرده است.
۶. استاد شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲: ۱۳۵.
۷. اصطلاحی که استاد شهید مطهری به کار می‌برد و آن نتیجه پرستش خدای یگانه و بندگی می‌دانست.
۸. استاد شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۳۳.
۹. مفاتیح الجنان، دعای سحر ماه مبارک رمضان و دعای جوشن کبیر.
۱۰. «سبح اسم ربک الاعلی الذی خلق فسوی و الذی قدر فیهی» (سوره اعلی/ آیات ۱ تا ۳) و «قال ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی» (طه/ ۵۰).
۱۱. امام صادق (ع) - حجه‌الله علی العباد النبی و الحجه فیما بین العباد و بین الله العقل (کافی، ج ۱: ص ۲۹).
۱۲. امام کاظم (ع) به هشام فرمود: یا هشام، ما بعث الله نبیا و رسله الی عباده الا لیعقلوا عن الله فاحسنهم استجابة احسنهم معرفه، اعلمهم بالمراله احسنهم عقلا، واکملهم عقلا رفهم در جه فی الدنیا و الاخره. یا هشام، ان الله علی الناس حجتین: حجه ظاهره و حجه باطنه فالظاهر فالرسل و الانبیاء و الائمه و اما الباطنه فالعقول (اصول کافی، ج ۱: ص ۱۹).
۱۳. اصول کافی، ج ۱: ص ۱۱، باب عقل و جهل.
۱۴. نهج البلاغه، خطبه اول.
۱۵. «یا غایه آمل العارفین».
۱۶. «مناجات‌المحبین: «و سباحت وجهه لقلوب عارفیه شاقه».
۱۷. «مناجات‌العارفین: «و انشرح بتحقیق المعرفه صدورهم».
۱۸. استاد شهید مطهری می‌گوید: «در انسان گرایش به جمال و زیبایی - چه به معنی زیبایی دوستی و چه به معنی زیبایی آفرینی که نامش هنر است - به معنی مطلق وجود دارد و کسی نیست که از این حس فارغ و خالی باشد. انسان لباس هم که می‌پوشد، می‌کوشد تا حدی که برایش ممکن باشد، وضع زیبایی برای خودش به وجود بیاورد» (مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۳، فطرت، ص ۴۶۶).
۱۹. کسی را که بهشت و جهنم در پیش است، شغل شاقی دارد؛ امیدوار است و کسی که به غفلت و تقصیر می‌گذراند، در پرتگاه آتش سرتگون شود. راست و چپ، کورمه گمراهی است و راه استوار و میانه همان جاده «کمال و فلاح» است. کتاب باقی ابدی (قرآن کریم) و آثار نبوت بر این راه بر توافقی است و از همین راه است پیشرفت سنت و به سوی همین مقصد است بازگشت عاقبت. ادعا کار دین‌ساز را هلاکت است و پشت‌هم‌انداز دروغ‌ساز را دست کوتاه است (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

## برنامه درسی کتاب‌های آموزش قرآن و تدبر در کلام وحی

غلامعباس سرشور خراسانی

### مقدمه

«کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوا الالباب (ص/ ۲۹):

کتابی مبارک است که آن را بر تو نازل کرده‌ایم، تا در آیاتش تدبیر کنی و خردمندان از آن پند گیرند. قرآن کتابی است که تعلیماتش جاویدان، دستوراتش عمیق و ریشه‌دار، برنامه‌هایش حیاتبخش و راهبر انسان در طریق هدف آفرینش است. قرآن کتابی است از سوی «رب العالمین» به بندگانش تا به او چنگ بزنند و به سوی او صعود کنند (واعتصموا بحبل الله). قرآن خود را کتاب «شفاء» (شفاء لما فی صدورکم) و «مبارک» (کتاب انزلناه الیک مبارک) معرفی می‌کند. «شفاء» برای دردها و امراض روحی و روانی بشریت است.

تعبیر به «مبارک» چنان‌که می‌دانیم، به معنی چیزی است که دارای خیر مستمر و مداوم باشد. این تعبیر در مورد قرآن اشاره به دوام استفاده جامعه انسانی از تعلیمات آن دارد. چون این کلمه به صورت مطلق به کار رفته است، هر گونه خیر سعادت دنیا و آخرت و خلاصه هر خیر و برکتی را که بخواهید در آن است، به شرط اینکه در آن تدبر کنید و از آن الهام بگیرید و به حرکت در آید.

با توجه به آیه ۲۹ سوره مبارکه (ص) هدف از

نزول قرآن کریم این نبوده است که تنها به تلاوت و لقلقه زبان قناعت کنند، بلکه هدف این بوده است که آیاتش سرچشمه فکر و اندیشه، و مایه بیداری وجدان‌ها شود و آن نیز به نوبه خود حرکتی در مسیر عمل بیافریند.

«الذین آتیناهم الكتاب يتلونه حق تلاوته اولئك يومنون به و من يكفر به فاولئك هم الخاسرون» (البقره/ ۱۲۱): کسانی که کتاب آسمانی به آن‌ها داده‌ایم، آن را چنان‌که شایسته آن است می‌خوانند. آن‌ها به پیامبر اسلام ایمان می‌آورند و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند.

امام صادق (علیه السلام) «حق تلاوته» را این گونه بیان می‌فرمایند: «عن ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع) فی قوله تعالی: الذین آتینا هم الكتاب يتلونه حق تلاوته قال یرتلون آیاته و یتفهمون معانیه و یعملون باحکامه و یرجون وعده و یخشون عذابه و یتمثلون قصصه و یعتبرون امثاله و یاتون اوامرهم و یجتنبون نواهیهم ما هو و الله بحفظ آیاته و درس حروفه و تلاوة سوره و درس اعشاره و اخماسه حفظوا حروفه و اضاعوا حدوده و انما هو تدبر آیاته» یقول الله تعالی «کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته»: کسانی که کتاب را به آن‌ها داده‌ایم، آن را تلاوت می‌کنند. و درباره حق تلاوت آن، فرمود: مراد این است که آیات آن را صحیح می‌خوانند و مراعات وقف و وصل و سایر آداب قرائت را می‌نمایند. در معانی آن دقت دارند و به احکام آن عمل می‌کنند. به وعده‌های آن امیدوارند

و از وعیدهای آن می ترسند. از قصه‌های آن عبرت می گیرند و آنچه را در آن امر شده است، می پذیرند و از آنچه در آن نهی شده است، باز می ایستند. و **به خدا قسم مراد، حفظ آیات آن و درس حروف آن نیست** و خواندن سوره‌های آن و درس ده قسمت و پنج قسمت آن منظور نیست، حروف آن را حفظ می کنند و حدود آن را ضایع می کنند. و جز این نیست که **مراد تدبیر در آیات آن است و عمل کردن به احکام آن**. خدا می فرماید: کتابی به سوسی تو نازل کردیم که دارای برکت است تا در آیات آن دقت کنند (مجموعه ورام، ج ۲: ۲۳۶).

با توجه به کلام نورانی امام صادق (علیه السلام)، «تدبیر» مقدمه عمل به احکام قرآن است و همچنین «مبارک» بودن قرآن در سایه «تدبیر» در آیات الهی است. همچنین ایشان در دعای شروع خواندن قرآن، قرائت با تدبیر را از خدا تقاضا می کند:

«کان ابوعبدالله (ع) اذا قرا القرآن قال قبل ان یقرا حین یاخذ المصحف»: حضرت صادق (ع) چون می خواست قرآن را برای قرائت به دست گیرد، این دعا را می خواند:

«و لا تجعل قرائتی قرائت لا تدبر فیها بل اجعلنی اتدبر آیاته و احکامه اخذ بشرائع دینک». و قرائت مرا بدون «تدبیر» قرار مده، بلکه چنان کن که در آیات و احکامش تدبیر کنم و آن‌ها را به خاطر بسپرم.

«و لا تجعل نظری فیه غفلة و لا قرأتی هذرا انک انت الرؤف الرحیم»: و نظرم را در قرآن نظر غفلت، و خواندنم را لغو قرار مده که تو رؤوف و رحیم می باشی (بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۷).

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، تدبیر، فهم، قرائت

### عمومیت تدبیر و فهم قرآن

گاهی «تدبیر» با «تفسیر» قرآن اشتباه گرفته می شود و لذا افراد را از تفکر و تدبیر پیرامون آیات بر حذر می کنند و مردم را فقط به برخی تفاسیر ارجاع می دهند! آیا مردم نمی توانند پیرامون آیات قرآن تدبیر کنند؟! به طور قطع پاسخ این پرسش منفی است. مردم (ناس) می توانند پیرامون آیات، تدبیر و تفکر کنند. قرآن «ناس» و عموم مردم را مورد خطاب قرار داده است:

«شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان» (بقره/ ۱۸۵): ماه رمضان که در آن برای راهنمایی مردم و بیان راه روشن هدایت و جدا ساختن حق از باطل، قرآن نازل شده است.

مردم (ناس) را به تفکر در آیات خود تشویق کرده است:

«و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهیم و

لعلهم یتفکرون» (نحل / ۴۴): و بر تو نیز قرآن را نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل شده است، برایشان بیان کنی و باشد که تفکر کنند.

به علاوه، قرآن فهم خود را برای عموم مردم «سهل و آسان» ساخته است: «و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر» (قمر/ ۱۷): ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم. آیا کسی هست که متذکر شود؟! «فانما یسرناه بلسانک لتبشر به المتقین و تنذر به قوماً لدا» (مریم/ ۹۷): جز این نیست که ما [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را به وسیله آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آنان انداز کنی.

«فانما یسرناه بلسانک لعلهم یتذکرون» (دخان/ ۵۸): ما آن [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم، شاید آنان متذکر شوند!

### آیا ما قادر به تدبیریم؟

گاهی اوقات دیده می شود که از ترس افتادن در «تفسیر به رأی قرآن»، قرآن آموزان و مردم را ناخواسته از «تدبیر» در آیات قرآن منع می کنیم و به آن‌ها اجازه نمی دهیم برداشت خود را از قرآن بیان کنند و بگویند. حتی گاهی با بیان اینکه قرآن را باید با اهل البیت فهمید، آن‌ها را از تدبیر در آیات قرآن و فهم آن‌ها باز می داریم. آیت‌الله جوادی آملی، مفسر بزرگ شیعه، در رد این مطلب می فرماید: «برخی از اخبار و دیگران خواسته‌اند از روایاتی مانند **انما یعرف القرآن من خوطب به** استفاده کنند و چنین وانمود می کنند که فهم قرآن مخصوص پیامبر اکرم (ص) و عترت ایشان است و دیگران توان فهم قرآن را ندارند. در حالی که قرآن کریم برای هدایت همه افراد جامعه آمده و کتابی روشن و روشنگر است و خدای سبحان همگی را به تدبیر در قرآن و تعقل در آیات آن و بهره‌مند شدن از معارف حیات بخش و انسان‌سازش دعوت کرده است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۸۴).

### قرآن از چه کسانی تدبیر می خواهد؟

قرآن، اولاً علت نزول را تدبیر در آیات آن می فرماید (کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته) و ثانیاً کسانی را که در قرآن تدبیر نمی کنند، مؤاخذه می کند:

«فلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقلها» (محمد/ ۲۴): «آیا در قرآن نمی‌اندیشند یا بر دل‌هایشان قفل‌هاست؟»

«فلا یتدبرون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً» (نساء/ ۸۲): آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود در آن اختلافی بسیار می‌یافتند.

**گاهی «تدبیر» با «تفسیر» قرآن اشتباه گرفته می شود و لذا افراد را از تفکر و تدبیر پیرامون آیات بر حذر می کنند و مردم را فقط به برخی تفاسیر ارجاع می دهند**

**«تدبر» از جنس «تفکر» است، از این رو همان گونه که برای کسب مهارت «تفکر» ضروری است فرایندی در برنامه آموزشی تدارک دیده شود برای کسب مهارت «تدبر» نیز باید فرایندی تعریف شود؛ تا فراگیرندگان را به آن مهارت برسانیم**

با دقت در آیات قرآن به این حقیقت پی می‌بریم که خدای مدبر از همه افراد خواسته است که در آیاتش تدبر کنند تا از برکات کتاب آسمانی قرآن بیشتر بهره‌مند شوند. بنابراین، نمی‌توان تصور کرد که «تدبر» مختص گروهی خاصی از قشر مسلمین و یا جامعه بشریت است. عموم مردم (ناس) توانایی تدبر در آیات الهی را دارند و باید تدبر کنند؛ و چنانچه تدبر نکنیم، به خود ظلم کرده‌ایم و وظیفه خود را نسبت به کتاب الهی ادا نکرده‌ایم.

از این رو برای آنکه جامعه مسلمین قادر باشند که خودشان از قرآن بهره ببرند، می‌باید مؤسسات و کانون‌های قرآنی به افراد جامعه اعم از نونهالان، کودکان، نوجوانان و بزرگسالان، متناسب با ویژگی‌های سنی آن‌ها، آموزش بدهند. این آموزش می‌باید دو وجه داشته باشد: اولاً، وظیفه اولیه آن‌ها تدبر در آیات قرآن است و ثانیاً، به آن‌ها بیاموزند چگونه در آیات قرآن درست و صحیح و بدون انحراف تدبر کنند. به عبارت دیگر مهارت تدبر کردن را به آن‌ها بیاموزند.

### آموزش قرآن، بدون آموزش تدبر در آیات، ناقص است

آموزش و پرورش و مؤسسات فرهنگی قرآنی که مسئولیت آموزش جامعه را به عهده دارند، می‌باید مخاطبان خود را به گونه‌ای آموزش بدهند که آن‌ها را به هدف انزال کتاب مبارک که «تدبر» در آیاتش و عمل به آن‌هاست، برسانند. چنانچه آموزش‌ها به کسب مهارت تدبر در آیات الهی نینجامند، ناقص خواهند بود. زیرا این آموزش‌ها باید فراگیرندگان را به هدف غایی، یعنی «عمل به قرآن» برسانند. آموزش‌های اولیه، از جمله روخوانی، روان‌خوانی، زیباخوانی و درک و فهم، ابزار و وسایلی هستند برای آنکه فراگیران را با قرآن مأنوس کنند تا در اثر این انس قادر باشند، در لحظات مختلف زندگی خود، از آیات الهی بهره ببرند. شاید گفته شود که همین مقدمات موجب دستیابی به هدف غایی (عمل کردن به قرآن) می‌شود. این گفته نادرست است، زیرا به این می‌ماند که به فراگیرندگان چهار عملی اصلی را آموزش بدهیم، ولی نحوه حل کردن مسئله را به او نیاموزیم. نپرداختن به حل مسئله و راهنمایی نکردن فراگیرنده به اینکه چگونه مسئله را باید حل کند، سبب می‌شود نتواند مسئله را حل کند و یا حل مسئله را ضعیف بیاموزد.

از نگاه دیگر، خواندن قرآن نوعی مطالعه است. در کتاب‌های تربیتی برای «مطالعه سازنده» روش خاصی را مطرح می‌کنند. این گونه «مطالعه سازنده» یا «مطالعه آفریننده» بسیار شبیه به «تدبر» در آیات

قرآن است. دو تن از دانشمندان علوم تربیتی برای کسب مهارت روش مطالعه مزبور این گونه گفته‌اند: «برای کودکان علاوه بر مهارت‌های پژوهشی، روش «مطالعه آفریننده» نیز روش مؤثری در آموزش خلاقیت است. تورنس و هارمون نشان داده‌اند که می‌توان به کودکان آموزش داد تا مطالب را به‌طور آفریننده بخوانند. آن‌ها در این باره راهنمایی‌های زیر را در اختیار دانش‌آموزان قرار داده‌اند:

وقتی که به خواندن مطالب یک کتاب می‌پردازید، به موارد استفاده‌های گوناگون اطلاعاتی که در آن کتاب به آن‌ها برمی‌خورید، بیندیشید. خیلی اهمیت دارد به راه‌هایی فکر کنید که می‌توانید اطلاعات خوانده شده را در زندگی شخصی و حرفه‌ای خود به کار بندید. تنها به این سؤال اکتفا نکنید که: نویسنده چه می‌گوید؟ از خود بپرسید: «چگونه می‌توانم آنچه را که نویسنده نوشته است، مورد استفاده قرار دهم؟» تنها به یک مورد استفاده اکتفا نکنید. تا آنجا که می‌توانید موارد استفاده‌های بیشتری را بیابید و بعضی از آن‌ها را برای استفاده در آینده یادداشت کنید. ممکن است مدتی وقت لازم باشد تا این نوع مطالعه کردن را بیاموزید. با این حال مایوس نشوید. بعد از دو سه روز خواهید دید که می‌توانید این روش مطالعه را به راحتی به کار بندید» (سیف: ۱۸).

با توجه به مطالب فوق، برای کسب مهارت تدبر در آیات قرآن باید: برنامه‌ریزان فرهنگی و قرآنی، برنامه‌های مدون و علمی برای دستیابی به «تدبر» در آیات الهی را در برنامه آموزشی خود ملاحظه کنند.

### تدبر در آیات قرآن نیازمند آموزش و یادگیری است

«تدبر» از جنس «تفکر» است، از این رو همان گونه که برای کسب مهارت «تفکر» ضروری است فرایندی در برنامه آموزشی تدارک دیده شود، برای کسب مهارت «تدبر» نیز باید فرایندی تعریف شود؛ تا فراگیرندگان را به آن مهارت برسانیم.

فراگیرنده، در «تدبر» با تفکر به دنبال «کشف» مفاهیمی است که در آیه آمده است. به عبارت دیگر، قاری قرآن در آیه و یا آیات الهی فکر می‌کند تا پیام خدا را کشف کند و در زندگی خود آن را سرلوحه اعتقاد و عمل خود قرار دهد. همچنین «تدبر» در آیه مانند «حل مسئله» است؛ یعنی اینکه فراگیرنده مسائلی در ذهن خود دارد و سعی می‌کند به کمک آیات الهی آن‌ها را حل کند. بنابراین برای آموزش «تدبر» می‌باید از دو روش تدریس «اکتشافی» و «حل مسئله» بهره جست.

روش‌های حل مسئله و اکتشافی از روش‌های

پرورش مهارت «تفکر» هستند. این دو روش در کتاب‌های روان‌شناسی یادگیری دارای دو مرحله‌اند: مرحله نخست اصطلاحاً مرحله «هدایت شده» نامیده می‌شود. یعنی معلم با راهنمایی مناسب، فراگیرنده را در کشف و یا حل مسئله یاری می‌کند و پس از کسب مهارت نسبی، از او می‌خواهد که به طور مستقل، کشف یا مسئله را حل کند. در نتیجه فراگیرنده به تدریج مهارت «کشف» و یا «حل مسئله» را کسب می‌کند. در کتاب نظر برونر در مورد روش تدریس اکتشافی و اکتشافی هدایت شده این‌گونه بیان شده است:

«تکنه کاربردی دیگر نظریه برونر در آموزش، تأکید او بر یادگیری اکتشافی است. منظور برونر از یادگیری اکتشافی «هر نوع کسب دانشی است که کودکان با استفاده از اندیشه‌های خود به آن می‌رسند. از نظر برونر، دانشی که یادگیرندگان برای خودشان کشف می‌کنند، بهترین نوع دانش برای آنان است. لازم به ذکر است که برونر بیشتر مدافع روش اکتشافی هدایت شده است تا روش اکتشافی کاملاً مستقلانه. منظور از اکتشاف هدایت شده، اکتشافی است که به وسیله افراد آگاه‌تر تکیه‌گام‌سازی یا هدایت شده باشد» (همان، ص ۱۲).

آموزش «تدبر» شباهت زیادی به روش‌های تدریس «حل مسئله» و «اکتشافی» دارد. از این رو فرایند آموزش «تدبر» در آیات قرآن نیز دارای دو مرحله است: ابتدا فراگیرندگان به کمک معلم، پیام‌های آیه را کشف می‌کنند و در مرحله بعد خودشان قادر خواهند بود، با تفکر در آیات الهی پیام‌های آن‌ها را بیابند.

### مهارت فراشناختی خواندن و تدبر قرآن

مهارت‌های فراشناختی خواندن به‌طور خاص به دانشی اشاره دارد به‌نظر می‌رسد که مهارت‌های فراشناختی برای کسب «تدبر» مفیدند، زیرا این روش‌ها نوعی مطالعه برای درک بیشترند. برای آشنایی بیشتر با این روش‌ها و استفاده از آن‌ها در آموزش «تدبر» در آیات قرآن که نوعی مطالعه فراشناختی است، به دو نوع از آن‌ها، یعنی «تدریس متقابل» و «استنباط از متن» به‌طور مختصر اشاره می‌شود تا در روش تدریس «تدبر» در آیات قرآن از آن‌ها بهره بگیریم.

طبق روش تدریس متقابل «در رهیافت پالینسار و براون، معلم (مربی) و دانش‌آموز به نوبت درباره متنی خواندنی صحبت می‌کنند. معلم با صدای بلند خود را سرمشق فعالیت درک خواندن (شامل یافتن نکته‌های اصلی) قرار می‌دهد و دانش‌آموز را در اجرای فعالیت درک راهنمایی می‌کند. در شروع درس، معلم کار خود را با درگیر کردن دانش‌آموز در

بحثی کوتاه که به منظور فعال ساختن دانش قبلی او طراحی شده است، شروع می‌کند. آن‌گاه، معلم و دانش‌آموز هر دو متنی کوتاه را بدون صدا می‌خوانند. در ادامه، معلم سؤالاتی شبیه آنچه ممکن است در آزمون مطالب بیاید، می‌پرسد. معلم در جلسات درس به تدریج مسئولیت را بیشتر و بیشتر بر عهده دانش‌آموز قرار می‌دهد و بدین ترتیب، دانش‌آموز سؤال می‌پرسد، خلاصه می‌کند و هرگونه بدفهمی را تصحیح و عملکرد آینده را پیش‌بینی می‌کند. در طول این فرایند بر چگونگی تفکر معلم و دانش‌آموز درباره درکشان از خواندن تأکید می‌شود. این تأکید ممکن است هنگامی که معلم فرایند را هدایت می‌کند، کاملاً مستقیم باشد.

به‌طور کلی، تحقیقات مربوط به آموزش دانش‌آموزان برای یافتن نکته اصلی بسیار مثبت بوده است. توانایی دانش‌آموزان برای یافتن نکته‌های اصلی با تمرین و بازخورد بهبود می‌یابد؛ به‌ویژه زمانی که آموزش بر فراشناخت تمرکز داشته باشد (روان‌شناسی شناختی برای معلمان).

همه متن‌ها چیزهایی ناگفته دارند و بر خواننده است که همه اطلاعات را «استنباط» کند (تدبر در آیات قرآن). استنباط مطالب خواندن شامل توانایی استنباط افکاری خارج از حیطه متن خواندنی است. همان‌گونه که می‌توان انتظار داشت، استنباط مطالب خواندنی مهارتی است که خوانندگان خوب آن را دارند، ولی خوانندگان ضعیف از چنین مهارتی بی‌نصیب‌اند. چندین مطالعه نشان داده است که استنباط درباره مطالب خواندنی را باید به دانش‌آموزان یاد داد و چنین مهارتی موجب درک خواندن ایشان می‌شود (همان، ص ۳۲۲ - ۳۲۱).

### آموزش تدبر در آیات قرآن در مقاطع تحصیلی

آموزش «تدبر» در دوره‌های متفاوت تحصیلی با توجه به ویژگی‌های شناختی و روانی دانش‌آموزان متفاوت است. همان‌گونه که در آموزش «ریاضی»، در دوره ابتدایی مفاهیم «عینی» را به کار می‌گیریم، ولی در دوره دبیرستان آرام‌آرام به سمت مفاهیم و روش‌های انتزاعی پیش می‌رویم، در آموزش «تدبر» نیز در دوره ابتدایی می‌باید از مفاهیم و روش‌های ملموس شروع کنیم و آن‌گاه در دوره دبیرستان از مفاهیم و روش‌های انتزاعی بهره بگیریم.

#### ۱. ابتدایی دوره اول (اول تا سوم)

##### الف. محتوا:

آموزش «تدبر» در بستر «پیام قرآن» صورت می‌گیرد. در هر درس یک پیام قرآنی که با درک و فهم فراگیرندگان متناسب باشد، آورده می‌شود. پیام

**مهارت‌های فراشناختی خواندن به‌طور خاص به دانشی اشاره دارد به‌نظر می‌رسد که مهارت‌های فراشناختی برای کسب «تدبر» مفیدند**

قرآنی را به کمک نقاشی، داستان و پرسش مناسب، هر چه بیشتر برای فراگیرندگان قابل درک و فهم می‌کنیم تا آن‌ها بتوانند مفاهیم و مصادیق آیات الهی را کشف کنند.

### ب. روش بحث و گفت‌وگو:

کودکان در گروه با بحث و گفت‌وگو به مصادیق آیه در زندگی شخصی خودشان دست می‌یابند و آن را برای همکلاسی‌های خود بیان می‌کنند. برای آنکه فراگیرندگان کاربرد و استفاده «پیام قرآنی» را در زندگی خود کاملاً لمس کنند، هنگامی که اتفاقی در کلاس می‌افتد که با مضمون یکی از پیام‌های قرآنی هم‌خوانی دارد، معلم بلافاصله توجه فراگیرندگان را به آن جلب می‌کند. مثلاً اگر دانش‌آموزی حرف زشتی به زبان آورد، معلم با یادآوری پیام قرآنی «قولوا للناس حسناً» آن‌ها را به کاربرد این پیام در زندگی متذکر می‌شود.

### ۲. ابتدایی دوره دوم (چهارم تا ششم)

**الف. محتوا:** در دوره دوم ابتدایی دو نوع محتوای آموزشی وجود دارد. پیام‌های قرآنی مانند دوره قبل ادامه دارند و علاوه بر آن، از پایه پنجم در فعالیت «کار در کلاس» یک یا دو تمرین تدبیری داده می‌شود، تمرینی مانند:

ع از آیه «كلوا من رزق ربكم و اشكروا له (سبا)» چه می‌فهمیم؟

الف. غذا بخوریم. ب. شکر خدا کنیم. ج. غذاهای ما رزق خداست. د. همه موارد

**ب. روش بحث و گفت‌وگو:** مانند دوره اول ابتدایی، فراگیرندگان به صورت گروهی در مورد مصادیق پیام قرآنی و با تمرین تدبیری به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند و برای کلاس بیان می‌کنند.

**توجه:** معلم برای ایجاد تفکر بین فراگیرندگان گاه نظر یک گروه را که با نظر دیگر گروه‌ها متفاوت است، به بحث و گفت‌وگو می‌گذارد و خودش این بحث را مدیریت می‌کند؛ بدون اینکه نظر خود را بیان کند.

### ۳. متوسطه دوره اول (هفتم تا نهم)

**الف. محتوا:** در این دوره، پیام قرآنی و تمرین‌های تدبیری در سطح کمی بالاتر از دوره ابتدایی دوم ارائه می‌شود؛ مانند:

ع کدام گزینه به تدبیر آیه «ان الحسنات يذهبن السيئات ذلك ذكرى للذاكرين» (هود/ ۱۱۴) نزدیک است:

- الف. بدی را باید با خوبی از بین برد.
- ب. کارهای خوب آثار کار بد را از بین می‌برد.
- ج. با انجام کار خوب اثر کار بد را از بین ببریم.
- د. ب و ج

ع شما از آیه «عملوا صالحاً انى بما تعملون بصيراً» (سبا/ ۱۱) چه می‌فهمید؟

الف. عمل صالح انجام بدهیم.

ب. کارها را خوب انجام بدهیم.

ج. ...

د. ...

ع تدبیر خودتان را درباره آیه «و اتاكم من كل ما سالتموه» (ابراهيم ۳۴) بنویسید:

الف).....

ب).....

ج).....

ع از کدام آیه زیر می‌توان فهمید که هر کاری را با علم و آگاهی باید انجام داد:

الف) «و ليعلم الذين اوتوا العلم انه الحق من ربك فيؤمنوا به» (الحج، ۵۴)

ب) «يرفع الله الذين امنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات و الله بما تعملون خبير» (المجادلة/ ۱۱).

ج) «و لا تقف ما ليس لك به علم» (اسراء/ ۳۶).

د) «و يرى الذين اوتوا العلم الذى انزل اليك من ربك هو الحق و يهدى الى صراط العزيز الحميد» (سبا/ ۶).

**ب. بحث و گفت‌وگو:** گاهی معلم نظرات مخالف را در کلاس به بحث بگذارد.

**نکته مهم:** معلم در هر جلسه ضمن تشویق به قرائت روزانه در منزل، فراگیرندگان را به تفکر و تدبیر پیرامون آیات متذکر شود.

### ۴. دبیرستان دوره دوم (دهم تا دوازدهم)

**الف. محتوا:** دو درس پیرامون تدبیر قرآن با این مضامین تهیه شوند:

**درس اول:** ارزش و اهمیت تدبیر آیات (تا می‌شود به شیوه بحث و گفت‌وگو تهیه شود).

**درس دوم:** نکات و اصولی که در تدبیر خوب باید رعایت کرد. در این درس باید نکاتی آورده شوند که فرد در تدبیر باید دقت کند تا از انحراف مصون بماند؛ مانند:

ع تدبیر به ظاهر معنای آیات است نه به بواطن.

ع تدبیر فقط مصداق‌یابی عملی و اعتقادی آیه است، نه تفسیر و نه اجتهاد فقهی.

**کودکان در گروه با بحث و گفت‌وگو به مصادیق آیه در زندگی شخصی خودشان دست می‌یابند و آن را برای همکلاسی‌های خود بیان می‌کنند برای آنکه فراگیرندگان کاربرد و استفاده «پیام قرآنی» را در زندگی خود کاملاً لمس کنند**

تدبر ما نباید با معنای آیات دیگر، اصول دین و یا احکام دینی مغایرت داشته باشد.

معنای لغات را بدانیم و یا از ترجمه معتبر استفاده کنیم.

در هر درس و هر چند درس یکبار، تمرین‌های زیر داده شوند. حتی می‌توان این تمرین‌ها را به‌عنوان تکلیف منزل داد و در جلسه بعد، معلم آن‌ها را جمع‌آوری کند و قسمتی از زمان کلاس را به انجام این تمرین‌ها اختصاص دهد. گاهی زمینه بحث و گفت‌وگو را در کلاس پیرامون نظرات مخالف یکدیگر فراهم کنید.

بسمه تعالی

نام‌نام خانوادگی..... کلاس..... آیات.....

نمونه‌ای از تمرین فوق:

ردیف	دوره آموزشی	محتوا	روش تدریس	نقش معلم
۱	دوره اول ابتدایی	پیام قرآنی	گروهی، با بحث و گفت‌وگو مصداق‌یابی پیام قرآنی در زندگی خودشان	مدیریت و هدایتگر
۲	دوره دوم ابتدایی	پیام قرآنی و تمرین تدبری ساده	گروهی، با بحث و گفت‌وگو، مصداق‌یابی پیام قرآنی در زندگی خودشان	مدیریت و هدایتگر
۳	دوره اول دبیرستان	پیام قرآنی و تمرین تدبری و تشویق به تدبر در آیات در منزل	گروهی، با بحث و گفت‌وگو	مدیریت و هدایتگر
۴	دوره دوم دبیرستان	آگاهی به جایگاه تدبر در آیات و چگونگی تدبر در آن‌ها و تمرین تدبر در آیات	گروهی، با بحث و گفت‌وگو	مدیریت و هدایتگر

بسمه تعالی

کلاس... آیات ۴۴ - ۴۲ سوره بقره مورخه...

### جدول آموزشی تدبر در آموزش و پرورش

ردیف	موضوع آموزش (سرفصل)	تعداد جلسه	تعداد افراد	روش تدریس
۱	ارزش و جایگاه تدبر در قرآن و سنت	۲	۱۰ - ۲۵	گروهی، طرز تلقی اعضای تیم
۲	تمرین مهارت تدبر در آیات قرآن	۵	۱۰ - ۲۵	گروهی، طرز تلقی اعضای تیم و کارایی تیم
	تعمیم مهارت تدبر در آیات قرآن	۲	۱۰ - ۲۵	بارش فکری و حل مسئله
۳	تهیه پرسش‌های تدبری	۲	۱۰ - ۲۵	گروهی، کارایی تیم

### جدول آموزش مهارت تدبر در آیات قرآن

ردیف	موضوع آموزش (سرفصل)	تعداد جلسه	تعداد افراد	روش تدریس
۱	ارزش و جایگاه تدبر در قرآن و سنت	۲	۱۰-۲۵	گروهی، طرز تلقی اعضای تیم
۲	تمرین مهارت تدبر در آیات قرآن	۵	۱۰-۲۵	گروهی، تلقی و کارایی تیم
۳	تعمیم مهارت تدبر در آیات قرآن	۳	۱۰-۲۵	بارش فکری و حل مسئله

### موضوع و زمان بندی آموزش تدبر

۱. ارزش و جایگاه تدبر در قرآن و سنت (طرز تلقی اعضای تیم)، دو جلسه  
 ۲. تمرین مهارت تدبر با آیات مشخص طی چهار گام:  
 گام اول: آیه و مصداق داده شود.  
 گام دوم: یک آیه مصداق گفته شود تا بقیه را پیدا کنند.

گام سوم: آیه بدون هیچ مصداق داده شود.  
 گام چهارم: مترادف‌یابی آیات (طرز تلقی اعضای تیم و کارایی تیم)، پنج جلسه  
 ۳. تعمیم مهارت تدبر (در صفحاتی از قرآن به‌صورت تصادفی، کارایی تیم)، سه جلسه

### جدول آموزش مهارت تدبر در آیات قرآن

ب. بحث و گفت‌وگو: معلم از بیان نظراتش خودداری می‌کند و می‌کوشد فرایند بحث و گفت‌وگو را از نظر زمان و فعال بودن گروه‌ها مدیریت کند. در صورت لزوم، مانع می‌شود که فراگیرندگان پراکنده صحبت کنند و با طرح پرسش مناسب آن‌ها را در بحث نگه می‌دارد.

# ارتباط سبک زندگی اسلامی و تمدن اسلامی

عشرت پرپنچی



## اشاره

بحث درباره سبک زندگی و آداب اسلامی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی، از مباحث بسیار ضروری جامعه کنونی ماست. هر جامعه‌ای زمانی می‌تواند محصول و ثمره جهان‌بینی و ایدئولوژی خود را به دیگران نشان دهد که روش زندگی اجتماعی او متناسب با باورها و ارزش‌هایش شکل گرفته باشد. اگر بنا باشد ما در نظم جهان الگوی جدیدی را پی‌ریزی کنیم، باید همان‌طور که می‌اندیشیم، زندگی کنیم. با کمال تأسف، ما نتوانسته‌ایم میان باورهای بنیادین و ارزش‌های اصیل اسلامی از یک‌طرف و سبک زندگی خود در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، از طرف دیگر ارتباطی معنادار ایجاد کنیم. روش زندگی ما با آنکه مسلمان هستیم، از آداب و رسوم غیراسلامی

و به معنای دیگر از فرهنگ ضداسلامی متأثر است. غفلت از سبک زندگی می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد کند. وقتی مردم نتوانند میان شیوه زندگی خود و باورها و ارزش‌هایشان ارتباط برقرار کنند، پس از گذشت زمان، این امکان وجود دارد که از باورها دست بشویند و آن‌ها را ناکارآمد تلقی کنند. این مقاله سعی دارد به رابطه بین سبک زندگی و تمدن اسلامی بپردازد. به این منظور و برای رسیدن به این هدف، به مفاهیمی از قبیل تمدن، تمدن اسلامی، آداب، سبک زندگی، دین و سبک زندگی و رابطه سبک زندگی اسلامی و تمدن اسلامی خواهد پرداخت.

**کلیدواژه‌ها:** تمدن اسلامی، سبک زندگی، آداب، سبک زندگی اسلامی

## دین و سبک زندگی

سبک زندگی فرد و هر جامعه‌ای از نوع باورها (جهان‌بینی) و ارزش‌های (ایدئولوژی) حاکم بر آن فرد و جامعه متأثر است. جهان‌بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه و سودمحورانه به‌طور طبیعی سبک زندگی خاصی را پدید می‌آورند؛ همان‌طور که جهان‌بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهند. به تعبیر دیگر، سبک زندگی هر کسی از اهداف یا هدف‌گایی او متأثر است. هدف‌گایی و نهایی هر کسی به‌صورت طبیعی، آداب متناسب با خود را بر فرد الزام می‌کند؛ یعنی الزامات رفتاری و انضباطی خاصی را پدید می‌آورد. کسی که تقرب به خدا و لقاءالله را هدف نهایی خود می‌بیند، همه‌ی شئون زندگی خود، از نماز و عبادت تا کسب و کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری، هنر، سخن‌گفتن، تولید، مصرف، آراستگی ظاهری و امثال آن را در مسیر این هدف قرار می‌دهد. یعنی به همه‌ی جزئیات زندگی خود، صبغه‌ی الهی می‌بخشد. مسلمان نه فقط در مسجد، که در خانه، بازار، کلاس درس، مدرسه، محل کار و خیابان، نخست به رضای خدا می‌اندیشد (حسین شریفی، ۱۳۹۱: ۳۳).

نوع نگاه انسان به دنیا، در انتخاب سبک زندگی و آداب رفتاری او تأثیر دارد. کسی که این دنیا را جای خوش‌گذرانی و لذت‌جویی می‌بیند، به گونه‌ای زندگی می‌کند و کسی که آن را مزرعه‌ی آخرت و محل آزمایش می‌داند، نوع زیست دیگری برای خود انتخاب می‌کند. بنابراین، نوع زیست ما در دنیا و شیوه‌ی زندگی‌مان به‌طور کامل به نوع نگاهمان به دنیا بستگی دارد. آموزه‌های اسلامی بینشی صحیح و درست از رابطه‌ی دنیا و آخرت به انسان می‌دهد. به همین دلیل، هرگز در کلمات اولیای دین سخنی از نادیده گرفتن دنیا و رها کردن نعمت‌های دنیوی دیده نمی‌شود. بلکه برعکس، دنیا به‌عنوان وسیله‌ای خوب و ارزشمند برای بهره‌مندی از نعمت‌های اخروی معرفی شده است. در جهان‌بینی اسلام، دنیا مرحله‌ی بسیار کوتاه و زودگذری از زندگی انسان به‌شمار می‌رود. به همین دلیل، دل بستن به دنیا و غایت دانستن چنین حیات‌هایی را موجب غفلت از زندگی واقعی می‌داند و چنین وضعیتی

را نکوهش و سرزنش می‌کند. رابطه‌ی انسان و دنیا اگر به‌صورت وابستگی انسان و طفیلی بودنش درآید، موجب محو و نابودی تمام ارزش‌های عالی انسان می‌شود. ارزش انسان به کمال‌های مطلوبی است که جست‌وجو می‌کند (شهید مطهری، ۱۳۹۰).

یکی از مؤلفه‌های مهم سنجش یک دین، کارآمدی آن در مدیریت زندگی فرد و جامعه است و هر مکتب و نحله‌ی فکری در پی این است که خود را کارآمد نشان دهد. از لحاظ روان‌شناسی، انسان طالب رسیدن به چیزی است که نفع او را در پی داشته باشد؛ حتی اموری که از لحاظ نفع معقول، فاقد سود هستند، ولی موجب شادی کاذب و موقت می‌شوند، میل نفع‌طلبی حکم به پیگیری آن‌ها می‌کند. زنده‌یاد علامه طباطبایی این مبحث را با عنوان بحث «استخدام» مطرح می‌کند. یعنی انسان برای رسیدن به مقاصد خود، تمام امکانات و ابزار جهان مادی را به استخدام و خدمت خود می‌گیرد و هدف وی از این کار، به‌دست آوردن نفع و سود شخصی قبل از هر چیز دیگر است. این روحیه باعث می‌شود انسان بیشتر در حالت تهاجم به سر ببرد تا در حالت تعاون. برای مثال، در بحث تمدن و توحش، آدمی وقتی می‌بیند عده‌ای در حال تجاوز از محدوده‌های خاصی هستند، نه برای اینکه مانع طغیان آن‌ها شود، بلکه از این‌رو که خود نیز به عوایدی برسد، دست به وضع قوانین و تمایل برای ایجاد سازوکارهای قانونمند زندگی می‌زند. این ناشی از همان روحیه‌ی استخدام بشر است. بالطبع، این‌گونه انسانی، توحش را بر تمدن می‌پذیرد، ولی نباید پنداشت که قضیه به اینجا ختم می‌شود. چون انسان دارای دو بُعد طبیعی و غریزی (فطری) است. در بعد طبیعت، میل انسان به توحش بیش از تمدن است، والا آدمی فطرتاً به تمدن تمایل دارد. علت میل انسان به استخدام دیگران، رسیدن به اهداف خود است که از همان روحیه‌ی جلب نفع برای خود، ناشی می‌شود. این خصلت باعث می‌شود که انسان هر چه را که به او نفع برساند، برای خود مفید ببیند و هر چه برای افراد جامعه دارای فایده باشد، لزوماً در متن جامعه به‌صورت کارآمد دیده شود. از این جهت، در زمان ما دینی می‌تواند کارآمد محسوب شود

یکی از مؤلفه‌های مهم سنجش یک دین، کارآمدی آن در مدیریت زندگی فرد و جامعه است و هر مکتب و نحله‌ی فکری در پی این است که خود را کارآمد نشان دهد



**مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه مطالعات فرهنگی آن را به کار می‌برند و دامنهٔ به کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی رواج زیادی یافته است**



که با فطرت پاک بشر تطابق بیشتری داشته باشد؛ چرا که طبیعت بشر دوام و ثبات ندارد و اگر انسان، به سبب عواملی، موقتاً از فطرت خود دور بماند، در مواقع خاصی سرانجام به فطرت خود و نیاز به استخدام دین، رو می‌آورد. کاری که در این بین لازم است انجام شود، ارائهٔ دین به صورت خالص و بدون برداشت‌های غلط است؛ چرا که انسان به دینی میل می‌کند که مطابق فطرتش باشد (حجت‌الاسلام الهی، خردنامهٔ همشهری).

هنگامی که انسان تکلیف و مسئولیت خود را انجام می‌دهد، احساس شادی و آرامش و راحتی ویژه‌ای دارد. اما اگر نتواند به تکلیف خود عمل کند و در اثر کم‌کاری یا ناتوانی از انجام آن باز ماند، احساس غم و سرافکنندگی و شرمنندگی دارد. به همین دلیل، در اندیشهٔ اسلامی گفته شده است، مؤمن زمانی شادمان می‌شود که به تکالیف دینی خود عمل کرده باشد.

امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «سرور المؤمن بطاعة ربه و حزنه علی ذنبه»؛ (عیون‌الحکم و المواعظ، ص ۲۸۶، ش ۵۱۶۴)؛ شادی مؤمن در اطاعت پروردگارش است و اندوهش بر گناهانش است.

### سبک زندگی اسلامی و تمدن اسلامی

اسلام دین حیات است. دین حیات با بی‌خبری و ناتوانی و عجز، ناسازگار است. اسلام کوشش و سعی بلیغ دارد که در تعلیمات خود، سرنوشت انسان را وابسته به عمل او معرفی کند، یعنی انسان را به ارادهٔ خودش متکی کند. اسلام می‌گوید: ای انسان، سعادت تو به عمل تو بستگی دارد. شقاوت تو هم به عمل تو بستگی دارد (شهید مطهری، ۱۳۸۰).

حدیث معروفی است که در کتاب‌های حدیث و غیرحدیث نقل شده و جزو وصایای امام مجتبی(ع) آمده است؛ به این مضمون: «کن لدنیاک کأنک تعیش ابدا و کن لاخرتک کأنک تموت غدا». «برای دنیایت چنان باش که گویی جاویدان خواهی ماند و برای آخرت چنان باش که گویی فردا می‌میری».

با دقت در سبک و روش رسیده از معصومین(ع) در زندگی فردی و اجتماعی، مشاهده می‌کنیم که برای اسوه‌پذیری در همهٔ عرصه‌های زندگی کمبودی نداریم. الگو قرار دادن این اسوه‌ها و تبعیت از رفتار آن‌ها که در اصطلاح «سنت»

و «سیره» نام دارد، فواید بسیاری دارد. اینکه اسوه‌های دیگری غیر از معصومین(ع) نیز در مذهب شیعه قابل تبعیت هستند، به علت پیروی این اسوه‌ها از اسوه‌هایی برتر چون ائمه(ع) و انبیاء(ع) است. بنابراین، برای نشان دادن کارآمدی دین در جامعه راه مناسب و زودبازده، عرضهٔ مفاهیم آن در قالب اسوه‌هاست که خواه‌ناخواه به کارآمدی دین منجر خواهد شد. این معرفی اسوه می‌تواند برای جوامع دیگر هم فایده داشته باشد. برای نمونه، برخی مسیحیان لبنانی یا آشوری‌های عراقی یا ارمنی‌های اصفهان و نیز هندوهای هندوستان، شیفتهٔ برخی اسوه‌های برتر اسلام مانند امام علی(ع) و امام حسین(ع) هستند. اگر برای این افراد از خوبی عدالت و مقابله با ظلم و ترویج عدل صحبت می‌کردیم، به اندازهٔ آشنا کردن آنان با اسوه‌هایی چون آن امامان هم‌اثر سریع و وسیع نمی‌گذاشت. اگر کسی اسوه‌ای مثبت را به‌طور کامل مورد اعتنای خود قرار دهد، نه تنها به سمت معروف کشیده می‌شود، بلکه از منکر هم بازداشته می‌شود. برای رفع آسیب‌های اجتماعی، معرفی اسوه‌های منفی باعث سرایت زشتی آن شخصیت‌ها به کردارشان می‌شود. لذا این هم یک گونه روش و طرز و شیوه برای از بین بردن مفاسد اخلاقی و اعتقادی است (حجت‌الاسلام الهی، خردنامهٔ همشهری).

یک تمدن با نیروی خلاقهٔ پویا، بن‌مایه‌های معنوی، استعداد نژادهایی که به آن تمدن گرویده‌اند و میراث فکری و هنری مردمانش بازآفریده می‌شود، اما افراد با نوع‌گزینشی که از این امکانات انجام می‌دهند، تمدن خود را شکوفا می‌کنند و آن را سمت‌وسو می‌بخشند. عظمت یک تمدن به این است که از بین این امکانات، بهترین انتخاب‌ها را انجام دهد و بهترین نقش تمدنی را بیافریند. به گواهی عالمان تاریخ تمدن، اسلام یکی از جهانی‌ترین و درخشان‌ترین تمدن‌های بشری بوده و هست. با اینکه محققان تاریخ‌نگار غربی و به‌ویژه مستشرقان تلاش بسیاری می‌کنند که «تمدن بزرگ اسلامی» را تمدنی پرتیر اما تاریخ‌مند و به‌عنوان میراث گذشته نشان دهند که اکنون حیات پویایی ندارد (!)، اما بی‌اغراق باید گفت، تمدن اسلامی هنوز در میان تمدن‌های موجود دامن‌گسترترین و پرحاصل‌ترین تمدن است (روزنامهٔ ایران، صفحه ۱۶).

نظام اسلامی و جامعه دینی، و به اصطلاح حیات طیبه‌ای که اسلام وعده تحقق آن را داده است، جامعه‌ای است متشکل از مجموعه افرادی که حول محور واحد (خدا محور) بسط یافته، بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌ها و باورهای خاص داشته، در پرتو ایمان، هجرت، حرکت، جهاد و مبارزه به کمک و یاری هموعان شتافته و ولایت، دوستی، سرپرستی و رهبری خدای متعال و انبیا و اولیای الهی را پذیرفته‌اند. این افراد تحت لوای فرهنگ و روش رفتاری واحد، که برگرفته از تعالیم دینی و وحیانی است، هویت واحد دینی دارند. به عبارت دیگر، این دین است که در قالب ارائه برنامه‌های مدون و در قالب معجزه جاویدان پیامبر اکرم (ص) و قرآن و آموزه‌های دینی، سلامت و سعادت زندگی دنیوی و اخروی جمعی انسان‌ها، به‌ویژه مؤمنان، را تضمین می‌کند (فولادی، ۱۳۹۲: ۵۳).

منظور از سبک زندگی اسلامی این است که تمامی گرایش‌ها، تمایلات، رفتارها، عقاید، ارزش‌ها و مجموعه تلقی‌ها، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و... هر فرد یا هر جامعه در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی بر مبنای آموزه‌های دین اسلام و عمل بدان‌ها پایه‌ریزی شود، به‌گونه‌ای که این سبک - چنان‌که مقام معظم رهبری فرمودند، بتواند بخشی از تمدن نوین اسلامی قرار گیرد (جوکار، ۱۳۹۲: ۷۴).

مراد از «تمدن‌سازی نوین اسلامی» عبارت است از: پیشرفت همه‌جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بخش نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و... و بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی، به‌عنوان حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در همه مظاهر زندگی براساس عقلانیت دینی معرفتی، عقلانیت اخلاقی حقوقی و عقلانیت ابزاری به‌منظور شکوفا کردن مادیات و دنیای مسلمانان، در جهت پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی (اصفهان‌ی و ابوترابی، ۱۳۹۲: ۳).

### نتیجه‌گیری

مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه‌شناختی و مطالعات فرهنگی آن را به‌کار می‌برند و دامنه به‌کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی رواج زیادی یافته است. در حوزه مطالعات فرهنگی «سبک

زندگی» به مجموع رفتارها و الگوهای کنش‌های فرد که به ابعاد ذهنی و معنایی زندگی اجتماعی معطوف است، اطلاق می‌شود و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد است. در نگاهی کلی می‌توان گفت: شیوه زندگی با سبک زیستن منعکس‌کننده گرایش‌ها، تمایلات، رفتارها، عقاید و ارزش‌های فرد یا جامعه است و مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی، در کنار یکدیگر، طرز زندگی کردن فرد یا گروه را می‌سازد (جوکار، ۱۳۹۲، ۱۸۶: ۷۴) سبک زندگی قابل ایجاد و قابل تغییر است، زیرا نوعی انتخاب شخصی و آیین فردی است (حسین شریفی، ۱۳۹۱: ۳۰) گسست میان مبانی عقیدتی و روش زندگی ممکن است فرد و جامعه را به سمت بی‌هویتی و بلکه بی‌دینی سوق دهد. به نظر می‌رسد، عامل اصلی چالش مذکور را در فقدان شناخت و معرفت نسبت به تعامل زندگی و مبانی معرفت دینی باید جست.

درک این فهم متوقف بر فهم مفهوم سبک زندگی، بومی‌سازی آن و نحوه تعامل آن با تعالیم دینی است (فیضی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۸۵: ۲۸). از آنجا که سبک زندگی هر فرد و جامعه‌ای به‌لحاظ نظری برآمده از آموزه‌های اعتقادی و ارزشی حاکم بر روح و روان اوست، کسب آگاهی‌های لازم در خصوص مفهوم سبک زندگی و باور دینی و تعامل این دو مقوله ضروری است (فیضی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۸۵: ۲۸).

اسلام سبک خاصی از زندگی را ارائه و مدعی تأمین سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است. اسلام دین نظام‌وار و جامع است و آموزه‌ها و احکام خود را در ابعاد ساختاری، فرهنگی و رفتاری ارائه کرده است. انسان پایبند به آموزه‌های اخلاقی و دینی از نظر اسلام، انسانی ممدوح و انسان غیر پایبند، انسانی مذموم است. جامعه دینی جامعه‌ای دین‌دور است که افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه دینی دغدغه دین دارد و تنها به امور فردی و عبادات و اخلاق فردی محدود نمی‌شود، بلکه باید داوری دین در همه خطوط و زوایای تمام شبکه اجتماعی نافذ باشد. جامعه دینی، جامعه خدامحور و اخلاق‌مدار است، در تدبیر آن سنن الهی حاکمیت دارد، همگرا و واگرا و برخوردار از عقلانیت دینی و... است (فولادی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۸۶: ۷۰).

### منابع

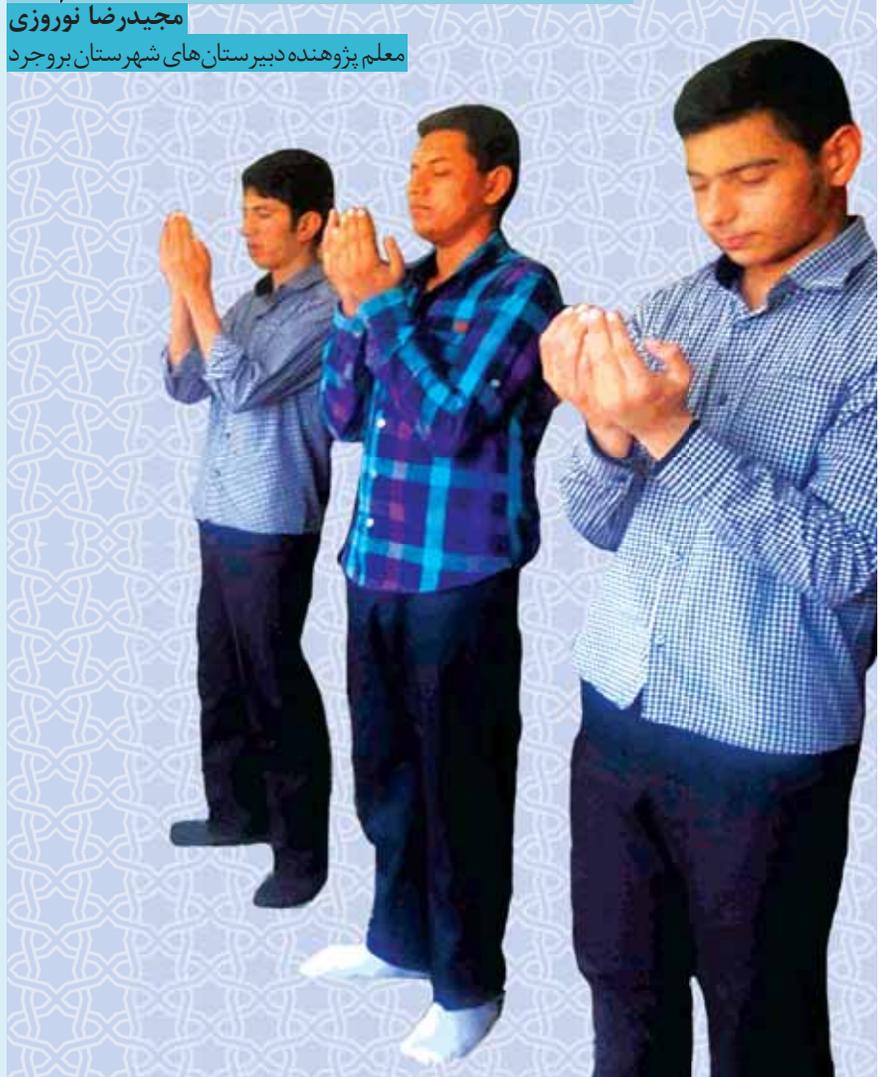
- اصفهان‌ی، سیدعبدالله؛ ابوترابی، محمود (۱۳۹۲). رهیافت‌ها و راهبردها در مقالات «هستمن همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی» با عنوان «قرآن کریم و تمدن اسلامی».
- جوکار، محبوبه (۱۳۹۲). «الگوی تقویت حیا در سبک زندگی». نشریه معرفت. ش ۱۸۶.
- حجت‌الاسلام محسن الهی. خردنامه همشهری. سبک - زندگی - از منظر - دین / <http://emag.saza.ir>
- حسن‌بن‌فضل‌بن‌حسن طبرسی (فرزند صاحب‌مجمع‌البیان). ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی. دفتر اول. آداب زندگی اسلامی (ترجمه فارسی مکارم‌الاخلاق).
- حسین شریفی، احمد و همکاران (۱۳۹۱). اخلاق و سبک زندگی اسلامی. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. دفتر نشر معارف. قم.
- دهقانی، مهدی، نصر اصفهان‌ی، احمدرضا؛ زمانی، بی‌بی‌عشرت (۱۳۸۹). ارتباط تمدن‌سازی دینی با نهضت تولید علم با نگاهی راهبردی، مجموعه مقالات تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، شماره ۱. ص ۱۰۴-۸۷. <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage>
- روزنامه ایران. شماره ۵۰۲۴. به تاریخ ۱۳/۱۱/۹۰. صفحه ۱۶ (تمدن اسلامی) <http://salar.blogfa.com>
- شهید مرتضی مطهری (۱۳۸۰). احیای تفکر اسلامی. چاپ نوزدهم.
- شهید مرتضی مطهری (۱۳۹۰). هدف زندگی. چاپ چهاردهم. صدرا. تهران.
- شهید مرتضی مطهری. سری در نهج البلاغه.
- علاءالدین، محمدرضا. (۱۳۹۲). ملاک‌های زندگی اسلامی از منظر قرآن و روایات (سبک زندگی قرآنی ۲). فصل‌نامه قرآنی کوثر. سال سیزدهم. شماره ۴۶: ۵۵-۳۹. <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage>
- فولادی، محمد (۱۳۹۲). «سبک زندگی دینی جامعه و انسان دینی». نشریه معرفت. ش ۱۸۶.
- فیضی، مجتبی (۱۳۹۲). «درآمدی بر سبک زندگی». نشریه معرفت. ش ۱۸۵.
- نبی‌اللهی، علی (۱۳۹۱). «جوان و سبک زندگی مطلوب از دیدگاه قرآن». مجله مطالعات جوان و رسانه. ش ۸. <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage>
- ولایتی، کریم (۱۳۸۱). «قش دین در ایجاد و تدوم تمدن». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. پاییز و زمستان ۱۳۸۱. شماره‌های ۱۸۶ و ۱۸۴ (علمی و پژوهشی): ۳۰۳-۳۳۵. <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage>
۱۶. <http://www.blogfa.com/http://mashkat>

# نخنه‌نخنه

## چگونه دانش آموزان را به نماز علاقه مند کنیم؟

مجیدرضا نوروزی

معلم پژوهنده دبیرستان‌های شهرستان بروجرد



### اشاره

وقتی که در «دبیرستان پسرانه شهید مطهری» (دوره اول) ابلاغ تدریس درس پیام‌های آسمان به من داده شد، تصمیم گرفتم که درباره ستون دین، یعنی نماز، اقدامات مفید، مؤثر و عملی انجام دهم. چون در آیات قرآن و احادیث درباره اهمیت نماز تأکیدات زیادی شده است. حتی قبولی اعمال خوب و نیک ما در قیامت به قبولی نماز منوط شده است. همچنین، درباره اهمیت نماز اول وقت و در مسجد و آن هم به جماعت بسیار روایت و حدیث داریم. با توجه به این همه تأکیدات درباره نماز خواندن و به خصوص نماز خواندن در مسجد که در مساجد نمازها در اول وقت و به جماعت خوانده می‌شوند، تصمیم گرفتم که امسال موضوع اقدام پژوهی خودم را به این موضوع حساس و مهم و سرنوشت‌ساز اختصاص بدهم.

دبیرستان شهید مطهری دو کلاس نهم به تعداد ۷۳ نفر دانش‌آموز دارد. مدرسه در نزدیکی حرم مطهر امامزاده جعفر (علیه‌السلام) قرار گرفته است. مدیریت مدرسه به عهده آقای محمدرضا باجلان است و ایشان سه معاون دارد: معاون پرورشی مدرسه، آقای محمود بهاری؛ معاون آموزشی مدرسه، آقای سعید فراشی؛ و معاون اجرایی آقای پیام گودرزی‌منش.

ابتدا باید وضعیت نماز و نمازخوان‌ها را در مدرسه بررسی می‌کردم. پرسش‌نامه‌ای را با هماهنگی مدیر مدرسه، معاون پرورشی، شورای معلمان و کارشناسان تعلیم و تربیت شهرستان بروجرد آماده کردم، تا وضعیت موجود در خصوص نماز و نمازخوان‌ها را در مدرسه بدانم و سپس بتوانم با توجه به آن، اقدامات مؤثری را در مورد بهبود و یا احیاناً تغییر وضعیت موجود انجام دهم.

از آنجا که دانش‌آموزان پایه نهم در مرز بلوغ شرعی و انجام واجبات، از جمله نماز خواندن قرار دارند، تصمیم گرفتم بین دو کلاس سال نهم دبیرستان شهید مطهری، این پرسش‌نامه‌ها را توزیع کنم. پرسش‌نامه‌ها را توزیع و پس از تکمیل آن‌ها توسط دانش‌آموزان، جمع‌آوری کردم.

## گردآوری اطلاعات (شواهد ۱)

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، نتایج زیر از بین ۷۳ نفر دانش‌آموز پسر پایه نهم به دست آمد که پاسخ‌های داده شده به هر سؤال را به صورت دسته‌بندی شده، در جدول‌های زیر می‌بینید.

سؤال ۱: چند سال دارید؟

سؤال ۲: من نماز می‌خوانم؛ بله ☺ خیر ☹

سؤال ۳: در صورتی که نماز می‌خوانید، دلایل آن را بنویسید.

از آنجا که جواب این سؤال به صورت تشریحی در پرسش‌نامه نوشته شده بود، بنابراین من دلایلی را که برای نماز خواندن نوشته بودند، از تک‌تک پرسش‌نامه‌ها استخراج و دسته‌بندی کردم. البته لازم به ذکر است تعدادی از دانش‌آموزان نیز که نماز می‌خوانند، دلیلی برای نماز خواندن خود ذکر نکرده بودند.

مهم‌ترین دلایلی که برای نماز خواندن خودشان نوشته بودند به صورت زیر است:

۱. برای جلب رضای خدا نماز می‌خوانم.
۲. برای رسیدن به بهشت نماز می‌خوانم.
۳. چون دوست دارم با خدا حرف بزنم.
۴. چون درهای بهشت را باز می‌کند.
۵. چون نماز ستون دین است.
۶. چون واجب دینی است.
۷. چون نماز تشکر از خداست، به خاطر نعمت‌هایی که به ما داده است.
۸. برای بهره‌مند شدن از رحمت خدا نماز می‌خوانم.

۹. به خاطر نزدیک شدن به خدا و دور شدن از گناه و شیطان.

۱۰. چون پدر و مادرم و کل فامیل ما نماز می‌خوانند، من هم نماز می‌خوانم.

۱۱. به خاطر اینکه به راه کج نروم و به راه راست هدایت بشوم.

۱۲. تکلیف الهی است.

۱۳. باعث موفقیت انسان می‌شود.

۱۴. چون نماز کلید بهشت است.

۱۵. دوست دارم.

۱۶. ثواب دارد.

۱۷. چون آرامش پیدا می‌کنم.

۱۸. چون از بچگی نماز خوانده‌ام و عادت کرده‌ام.

۱۹. چون می‌خواهم در آن دنیا دستم خالی نباشد و به جهنم نروم.

۲۰. به خاطر برکت و روزی.

۲۱. پدرم می‌گوید اگر نماز نخوانی از خانه بیرون می‌کنم.

سؤال ۴. در صورتی که نماز نمی‌خوانید دلایل آن را بنویسید.

دلایلی که برای نماز نخواندن در پرسش‌نامه نوشته شده بود، به قرار زیر است:

۱. به خاطر استفاده از گوشی تلفن همراه فرصت نمی‌کنم.

۲. حال نماز خواندن ندارم.

۳. وقتی نماز می‌خوانم، سرم گیج می‌رود.

۴. چون وقت ندارم نماز بخوانم.

۵. بلد نیستم نماز بخوانم و خجالت می‌کشم بپرسم.

۶. چون از کودکی یاد نگرفته‌ام و الان برایم سخت است که بخوانم.

۷. حوصله ندارم.

۸. تنبل هستم و تنبلی می‌کنم.

۹. چون بعد از مدرسه به مغازه پدرم می‌روم و به او کمک می‌کنم، وقت نمی‌کنم نماز بخوانم.

۱۰. به خاطر بازی‌های رایانه‌ای و استفاده از رایانه، وقت ندارم نماز بخوانم.

۱۱. انگیزه‌ای برای نماز خواندن ندارم.

۱۲. دلیل خاصی ندارد.

۱۳. خدا به نماز ما نیازی ندارد و چون مهربان است ما را می‌بخشد.

۱۴. چون باشگاه ورزشی می‌روم و بعدش که می‌آیم خسته هستم.

۱۵. علاقه‌ای به خواندن نماز ندارم.

برخی از دانش‌آموزان نیز دلیلی برای نماز نخواندن خود ننوشتند.

سؤال ۵. آیا پدرتان نماز می‌خواند؟ بله ☺ خیر ☹

سؤال ۶. آیا مادرتان نماز می‌خواند؟ بله ☺ خیر ☹

سؤال ۷. در صورتی که پدر یا مادرتان نماز می‌خواند، دلیل آن را بنویسید.

مهم‌ترین دلایلی که برای نماز خواندن پدر یا مادر خودشان ذکر کرده بودند، به شرح زیر است:

۱. برای رضای خدا.

۲. به دلیل ثواب.

۳. برای افزایش روزی و برکت خانواده.

۴. پدرم می‌گوید برای آرامش خودش نماز می‌خواند.

۵. چون نماز واجب است.

از آنجا که دانش‌آموزان پایه نهم در مرز بلوغ شرعی و انجام واجبات، از جمله نماز خواندن قرار دارند، تصمیم گرفتیم بین دو کلاس سال نهم دبیرستان شهید مطهری، این پرسش‌نامه‌ها را توزیع کنیم

ذکر کرده بودند، اصل مطلب در همان پاسخ منفی به این سؤال بود که بیش از ۷۰ درصد پاسخ منفی داده بودند.

### تجزیه و تحلیل سؤال ۳. در صورتی که نماز می‌خوانید، دلایل آن را بنویسید.

از پاسخ‌ها مشخص است، نماز خواندن اکثر دانش‌آموزان نمازخواندن ریشه‌دار است و تعداد کمی از روی اجبار و بدون دلیل نماز می‌خوانند.

### تجزیه و تحلیل سؤال ۴. در صورتی که نماز نمی‌خوانید، دلایل آن را بنویسید.

از بررسی پاسخ‌های داده شده به این سؤال درمی‌یابیم، بیشتر دلایل نماز نخواندن دانش‌آموزان بهانه است و همان‌طور که در سؤال بالا دیدیم، دلایل نماز خواندن، محکم‌تر و قوی‌تر و بیشتر از دلایل نماز نخواندن هستند. دلایل ذکر شده برای نماز نخواندن، بیشتر شبیه بهانه‌هایی برای توجیه‌کردن نماز نخواندن هستند.

### تجزیه و تحلیل سؤال ۵. آیا پدرتان نماز می‌خواند؟ بله خیر

بیش از ۶۰ درصد گفته‌اند که پدرشان نماز می‌خواند. البته این نشانه خوبی است. هرچند نماز نخواندن حدود ۴۰ درصد باقی‌مانده نیز قابل تأمل و بررسی است.

### تجزیه و تحلیل سؤال ۶. آیا مادرتان نماز می‌خواند؟ بله خیر

بررسی پاسخ‌های داده شده نشان می‌دهد، مادران بیش از پدران به نماز اهمیت می‌دهند و نماز می‌خوانند. این نتیجه‌گیری به اهمیت نقش مهم مادران در خانواده درباره نماز اشاره می‌کند.

### تجزیه و تحلیل سؤال ۷. در صورتی که پدر یا مادرتان نماز می‌خواند، دلیل آن را بنویسید.

دلایل ذکر شده بسیار جالب و قابل توجه هستند و میزان اعتقاد بالای پدران و مادران نمازخوان را به عملی که انجام می‌دهند، نشان می‌دهد.

### تجزیه و تحلیل سؤال ۸. در صورتی که پدر یا مادرتان نماز نمی‌خواند، دلایل آن را بنویسید.

با بررسی پاسخ‌ها متوجه شدم، اولاً دلایل نماز نخواندن نسبت به نماز خواندن کمترند. همچنین این دلایل بیشتر شبیه بهانه و توجیه هستند تا دلیل.

۶. به‌خاطر اینکه خدا از تقصیراتمان بگذرد.
۷. چون خانواده‌شان مذهبی و نمازخوان بودند.
۸. چون به خدا اعتقاد دارند.
۹. برای ثواب آخرت آن.
۱۰. چون کلید بهشت است.
۱۱. چون خداوند و پیامبرش گفته‌اند.
۱۲. برای رسیدن به بهشت.
۱۳. رهایی از عذاب الهی.

سؤال ۸. در صورتی که پدر یا مادرتان نماز نمی‌خواند دلایل آن را بنویسید.

برخی از دانش‌آموزان در پرسش‌نامه‌ها، به این قسمت پاسخ نداده‌اند. اما دلایلی که برای نماز نخواندن اولیای خودشان ذکر کرده بودند، به شرح زیر است:

۱. چون وقت ندارند و سرکار هستند.
۲. زیرا برایش سخت است و تنبلی می‌کند.
۳. دوست ندارند.
۴. چون سرشان شلوغ است و وقت نمی‌کنند.
۵. پدرم می‌گوید باید دل آدم پاک باشد.

سؤال ۹. آیا دوستان شما نمازخوان هستند؟ بله خیر

سؤال ۱۰. آیا برای خودتان مرجع تقلید انتخاب کرده‌اید؟ بله خیر

سؤال ۱۱. آیا می‌دانید سن تکلیف برای پسران و دختران چند سال است؟ بله خیر

سؤال ۱۲. آیا به مسجد محله‌تان می‌روید؟ همیشه گاهی هرگز

## تجزیه و تحلیل داده‌ها و تفسیر آن‌ها

باتوجه به پاسخ‌های داده شده، تجزیه و تحلیل سؤالات پرسش‌نامه اقدام‌پژوهی به شرح زیر است:

### تجزیه و تحلیل سؤال ۱. چند سال دارید؟

بررسی پاسخ‌نامه‌ها نشان می‌دهد که اکثر دانش‌آموزان به انجام تکالیف شرعی مکلف‌اند و تعداد بسیار کمی نیز در مرز سن تکلیف هستند.

### تجزیه و تحلیل سؤال ۲. من نماز می‌خوانم:

بله خیر با توجه به اینکه اکثر دانش‌آموزان در سن تکلیف قرار دارند، و البته مسئولیت مرا سنگین‌تر می‌کرد. چون صرف‌نظر از دلایلی که

بیش از ۶۰ درصد گفته‌اند که پدرشان نماز می‌خواند. البته این نشانه خوبی است. هرچند نماز نخواندن حدود ۴۰ درصد باقی‌مانده نیز قابل تأمل و بررسی است

## تجزیه و تحلیل سؤال ۹. آیا دوستان شما نماز خوان هستند؟ بله خیر

متأسفانه بیش از ۷۰ درصد از دانش‌آموزان، دارای دوستان «نماز خوان» هستند. تأثیر گروه هم‌سالان و دوستان در این گروه سنی بسیار بالاست و در سؤال ۲ نیز این موضوع تأیید می‌شود که متأسفانه تأثیر خودش را در نماز نخواندن دانش‌آموزان گذاشته است.

## تجزیه و تحلیل سؤال ۱۰. آیا برای خودتان مرجع تقلید انتخاب کرده‌اید؟ بله خیر

نزدیک به ۸۰ درصد از دانش‌آموزان هنوز برای خودشان مرجع تقلید انتخاب نکرده‌اند. شاید این موضوع نشان می‌دهد که آنان به اهمیت انتخاب مرجعیت برای انجام تکالیف شرعی واقف نیستند و یا برای آن‌ها اهمیت این موضوع، یعنی «مرجع‌شناسی» کاملاً روشن نشده است.

## تجزیه و تحلیل سؤال ۱۱. آیا می‌دانید سن تکلیف برای پسران و دختران چند سال است؟ بله خیر

۶۹ نفر از سن تکلیف پسران و دختران مطلع بودند. هرچند به علل مختلف زیر می‌توان گفت، اکثر دانش‌آموزان توسط کتاب‌های درسی، تلویزیون، انواع رسانه‌ها، اینترنت، خانواده، دوستان و... از این موضوع آگاه می‌شوند. با این حال، ۴ نفر از میزان سن تکلیف پسران و دختران، اظهار بی‌اطلاعی کردند.

## تجزیه و تحلیل سؤال ۱۲. آیا به مسجد محله‌تان می‌روید؟ همیشه خیر گهگاهی هرگز

بر اساس پاسخ‌ها می‌توان احتمال داد نداشتن ارتباط با مساجد محله یکی از دلایل مهم نماز نخواندن دانش‌آموزان است. چون جواب‌های داده شده نیز این موضوع را تأیید می‌کنند و حدود ۷۰ درصد از دانش‌آموزان به مساجد نمی‌روند.

## خلاصه یافته‌های اولیه

پس از مشورت با روحانی محله و مدرسه، کارشناسان تعلیم و تربیت، مدیر و معاونان مدرسه و برخی از دبیران همکار و علاقه‌مند در دبیرستان شهید مطهری، درباره این موضوع و صرف ساعت‌ها بحث و تبادل نظر درباره پاسخ‌های داده شده، به نتایج زیر به صورت دسته‌بندی شده رسیدیم:

۱. نماز خواندن اکثر دانش‌آموزان نماز خوان، ریشه‌دار است و تعداد کمی از روی اجبار و بدون دلیل نماز می‌خوانند.

۲. بیشتر دلایل نماز نخواندن دانش‌آموزان، بهانه است و دلایل «نماز خواندن» محکم‌تر، قوی‌تر و بیشتر از «نماز نخواندن» هستند. حتی بهتر است بگوییم که اصلاً دلیل موجهی حساب نمی‌شوند.

۳. بیش از ۶۰ درصد از دانش‌آموزان گفته‌اند که پدرشان نماز می‌خواند. این نشانه خوبی است. هرچند نماز نخواندن حدود ۴۰ درصد پدران نیز قابل بررسی و تأمل است.

۴. مادران بیش از پدران به نماز اهمیت می‌دهند و نماز می‌خوانند. این نتیجه به اهمیت نقش مهم مادران در خانواده درباره نماز اشاره می‌کند.

۵. دلایل ذکر شده برای نماز خواندن والدین بسیار جالب و قابل توجه است و میزان اعتقاد بالای پدران و مادران نماز خوان را به عملی که انجام می‌دهند، نشان می‌دهد.

۶. متأسفانه بیش از ۷۰ درصد از دانش‌آموزان، دارای دوستان «نماز خوان» هستند و دوستان ناباب متأسفانه تأثیر خودشان را گذاشته‌اند.

۷. همه ۷۳ نفر دانش‌آموز دبیرستان شهید مطهری از سن تکلیف پسران و دختران مطلع هستند.

۸. شاید ارتباط نداشتن با مساجد محله، یکی از دلایل مهم نماز نخواندن دانش‌آموزان باشد.

## انتخاب راه جدید و موقتی

با توکل بر خداوند متعال و استعانت از ائمه اطهار(ع)، اقدام و عمل را در راه علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به نماز اول وقت و در مسجد، شروع کردم.

پس از بررسی سن دانش‌آموزان متوجه شدم، اکثر دانش‌آموزان مکلف به انجام تکالیف شرعی هستند و تعداد بسیار کمی نیز در مرز سن تکلیف هستند. قاعده تعیین سن تکلیف شرعی (۱۵ سال قمری) را برایشان توضیح دادم و خودشان متوجه شدند، باید تکالیف شرعی از جمله نماز را با جدیت و اهتمام بیشتری انجام دهند تا وقتی که شرعاً وارد سن ۱۵ سال قمری شدند، با انجام فرایض دینی مشکلی نداشته باشند.

نزدیک دبیرستان شهید مطهری، امام‌زاده واجب‌التعظیمی به نام امام‌زاده جعفر(علیه‌السلام) وجود دارد. تصمیم گرفتیم در اوقات متفاوت و به بهانه‌های گوناگون دانش‌آموزان را به داخل صحن حرم مطهر این امام‌زاده برده و از فضای معنوی آن حداکثر بهره را ببریم.

## اجرای طرح جدید و نظارت بر آن

در ابتدای پژوهش، با هماهنگی مدیریت و معاونان دبیرستان، برنامه‌ای مدون برای کلاس‌ها، آماده کردیم تا همه دانش‌آموزان از فضای معنوی و روحانی

قبل از اجرای طرح، نزدیک به ۸۰ درصد از دانش‌آموزان هنوز برای خودشان مرجع تقلید انتخاب نکرده‌اند. شاید این موضوع نشان می‌دهد که آنان به اهمیت انتخاب مرجعیت برای انجام تکالیف شرعی واقف نیستند

از آنجا که با این  
دانش‌آموزان  
درس «آموزش  
قرآن» هم داشتیم،  
کلاس‌های  
آموزش قرآن را  
نیز داخل حرم  
مطهر امامزاده  
جعفر (علیه‌السلام)  
بروجرد برگزار  
می‌کردم

امامزاده جعفر (علیه‌السلام) بهره‌مند شوند. از آنجا که با این دانش‌آموزان درس «آموزش قرآن» هم داشتیم، کلاس‌های آموزش قرآن را نیز داخل حرم مطهر امامزاده جعفر (علیه‌السلام) برگزار می‌کردم. به دلیل نزدیکی حرم مطهر امامزاده جعفر (علیه‌السلام) با مدرسه (حدود پنج دقیقه به صورت پیاده) هنگام نماز ظهر (در نوبت عصر) با همه دانش‌آموزان کلاس برای ادای نماز جماعت به حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام) می‌رفتیم. در تمام مدتی که با دانش‌آموزان بودم، درباره گرفتن وضو و مقدمات نماز، نماز خواندن به صورت عملی، علت نماز خواندن، فلسفه نماز، بیان آیات و روایات و احادیث درباره اهمیت نماز و به خصوص نماز جماعت، بیان اهمیت نماز اول وقت، بیان اهمیت نماز در مسجد، فلسفه زیارت حرم امامان و امامزادگان (علیهم‌السلام)، اهمیت داشتن دوست خوب، مؤمن و نمازخوان، نقش و تأثیر نماز در آرامش روح و روان و موفقیت، و... نکات لازم را به آن‌ها آموزش می‌دادم و نماز را در حرم مطهر امامزاده جعفر (ع) در اول وقت و به صورت جماعت می‌خواندیم.

حتی به صورت حلقه‌وار می‌نشستیم و کلاس قرآن را به صورت سنتی و در فضای معنوی حرم مطهر برگزار و قرآن کریم را تلاوت می‌کردیم. الحمدلله اجرای این طرح از همان ابتدای اجرا با موفقیت روبه‌رو شد.

### گردآوری اطلاعات (شواهد)

شروع این پژوهش با توزیع پرسش‌نامه‌های اولیه، در مهر ۱۳۹۵ آغاز شد و سرانجام در اردیبهشت ۱۳۹۶ پایان یافت. حالا وقت آن رسیده بود که با بررسی وضعیت دانش‌آموزان، میزان تأثیر اقدامات انجام شده در حدود هفت ماه را بسنجیم. چون پرسش‌نامه‌ای که ابتدای این پژوهش توزیع کرده بودم، حساب شده بود، بنابراین همان پرسش‌نامه را دوباره بین دانش‌آموزان توزیع و جمع‌آوری کردم.

با این کار می‌خواستیم بدانم، با اقداماتی که طی سال انجام داده‌ام تا دانش‌آموزان به نماز و به خصوص نماز جماعت اول وقت و در مسجد علاقه‌مند شوند، وضعیت کنونی تفاوت معنی‌داری با ابتدای داده‌های پژوهش داشته است یا خیر. به عبارت دیگر، می‌خواستیم میزان تأثیرگذاری اقدامات انجام شده را در نمازخوان کردن دانش‌آموزان بدانم.

نتایج به دست آمده به شرح زیر بود:

سؤال ۱. چند سال دارید؟

سؤال ۲. من نماز می‌خوانم: بله ☺ خیر ☹

سؤال ۳. در صورتی که نماز می‌خوانید دلایل آن را بنویسید.

جواب این سؤال به صورت تشریحی در پرسش‌نامه نوشته شده بود، و من دلایلی را که برای نماز خواندن نوشته بودند، از پرسش‌نامه‌ها استخراج و دسته‌بندی کردم. مهم‌ترین دلایلی که برای نماز خواندن نوشته بودند، به صورت زیر است:

۱. برای رضای خدا نماز می‌خوانم.
  ۲. چون دوست دارم با خدا حرف بزنم.
  ۳. چون نماز ستون دین است.
  ۴. چون درهای بهشت را باز می‌کند.
  ۵. چون واجب دینی است.
  ۶. چون آرامش پیدا می‌کنم.
  ۷. چون نماز تشکر از خداست به خاطر نعمت‌هایی که به ما داده است.
  ۸. برای بهره‌مند شدن از رحمت خدا نماز می‌خوانم.
  ۹. چون نماز کلید بهشت است.
- البته تعدادی از دانش‌آموزان که نماز می‌خوانند، دلیلی برای نماز خواندن خود ذکر نکرده بودند.

سؤال ۴. در صورتی که نماز نمی‌خوانید دلایل آن را بنویسید.

فقط چهار نفر به این سؤال پاسخ دادند. دلایلی که برای نماز نخواندن در پرسش‌نامه نوشته شده بود به قرار زیر است:

سؤال ۵. آیا پدرتان نماز می‌خواند؟ بله ☺ خیر ☹

سؤال ۶: آیا مادرتان نماز می‌خواند؟ بله ☺ خیر ☹

سؤال ۷: در صورتی که پدر یا مادرتان نماز می‌خواند دلیل آن را بنویسید.

مهم‌ترین دلایلی که برای نماز خواندن پدر یا مادر ذکر کردند، به شرح زیر است:

۱. برای رضای خدا.
۲. برای افزایش روزی و برکت خانواده.
۳. چون نماز واجب است.
۴. چون به خدا اعتقاد دارند.
۵. برای ثواب آخرت آن.
۶. چون نماز کلید بهشت است.
۷. چون خداوند و پیامبرش گفته‌اند.

سؤال ۸. در صورتی که پدر یا مادرتان نماز نمی‌خوانند، دلایل آن را بنویسید.

برخی دانش‌آموزان در پرسش‌نامه‌ها، به این قسمت پاسخ نداده‌اند.

اما دلایلی که برای نماز نخواندن اولیا ذکر شده‌اند، به شرح زیرند:

۱. چون وقت ندارد و سرکار است.
۲. زیرا برایش سخت است و تنبلی می‌کند.
۳. چون سرش شلوع است و وقت نمی‌کند.
۴. پدرم می‌گوید باید دل آدم پاک باشد.

سؤال ۹. آیا دوستان شما نمازخوان هستند؟ بله خیر

سؤال ۱۰. آیا برای خودتان مرجع تقلید انتخاب کرده‌اید؟ بله خیر

سؤال ۱۱. آیا می‌دانید سن تکلیف برای پسران و دختران چند سال است؟ بله خیر

سؤال ۱۲. آیا به مسجد محله‌تان می‌روید؟ همیشه گاهی هرگز

## ارزشیابی اقدام جدید و تعیین اعتبار آن

تجزیه و تحلیل سؤالات پرسش‌نامه پس از انجام اقدام پژوهی به شرح زیر است:

### تجزیه و تحلیل سؤال ۱. چند سال دارید؟

چون این پرسش‌نامه پس از حدود هفت ماه پس از انجام اقدام پژوهی به همان دانش‌آموزان ابتدای اقدام پژوهی داده شده است، سن برخی از آن‌ها بیشتر شده بود و یا در مرز تکلیف بوده‌اند و بزرگ‌تر شده‌اند. بر اساس پاسخ‌های داده شده در پرسش‌نامه‌ها:

- ۴ نفر از ۱۴ سالگی به ۱۵ سالگی رسیدند.
- ۷ نفر از ۱۵ سالگی به ۱۶ سالگی رسیدند.
- ۳ نفر از ۱۶ سالگی به ۱۷ سالگی رسیدند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۲. من نماز می‌خوانم: بله خیر

بر اساس پاسخ‌های داده شده، تعداد نمازخوان‌ها از ۲۱ نفر در ابتدای این پژوهش به ۶۹ نفر رسید و فقط ۴ نفر هنوز نماز نمی‌خوانند. چون این پرسش‌نامه‌ها بدون نام هستند، نمی‌توان مشخص کرد که دقیقاً آن چهار نفر چه کسانی هستند، اما مسلم است که در حال حاضر و در پایان این اقدام پژوهی، از کل ۷۳ نفر دانش‌آموز سال نهم، ۶۹ نفر نماز می‌خوانند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۳. در صورتی که نماز می‌خوانید دلایل آن را بنویسید.

دلایلی که در پایان این پژوهش برای نماز خواندن ذکر شده‌اند، با دلایل ابتدای پژوهش کاملاً متفاوت‌اند. بیشتر دلایل ذکر شده معنوی و روحانی هستند و شاید به‌خاطر تأثیرات احادیث و روایات ذکر شده در طول این مدت بوده است.

تجزیه و تحلیل سؤال ۴. در صورتی که نماز نمی‌خوانید دلایل آن را بنویسید.

چون فقط ۴ نفر نماز نمی‌خوانند (براساس سؤال ۲)، بنابراین فقط ۴ نفر برای نماز نخواندن خودشان، دلایلی نوشته بودند. البته دلایل نوشته شده توسط این چهار نفر بیشتر توجیه‌اند و دلیل محسوب نمی‌شوند. امیدوارم این ۴ نفر نیز با عنایات خداوند متعال و ائمه اطهار(ع) نمازخوان شوند. در ضمن در این سؤال، ۶۹ نفر دانش‌آموزان نمازخوان دبیرستان مجدداً تأیید شد.

تجزیه و تحلیل سؤال ۵. آیا پدرتان نماز می‌خواند؟ بله خیر

تعداد پدرانی که در ابتدای پژوهش نماز می‌خواندند ۴۵ نفر بود. در پایان پژوهش براساس پاسخ‌های دانش‌آموزان، این تعداد به ۶۳ نفر رسید. به‌نظر می‌رسد که نماز خواندن دانش‌آموزان در منزل روی والدین آنان نیز تأثیرات خوبی داشته است.

تجزیه و تحلیل سؤال ۶. آیا مادرتان نماز می‌خواند؟ بله خیر

۶۲ نفر از مادران در ابتدای پژوهش نماز می‌خواندند و در پایان پژوهش این تعداد به ۶۹ نفر رسید. این افزایش هم از تأثیرات نماز خواندن دانش‌آموزان در منزل بوده است. در مجموع می‌توان گفت که اهتمام مادران به نماز خواندن در مقایسه با پدران بیشتر است.

تجزیه و تحلیل سؤال ۷. در صورتی که پدر یا مادرتان نماز می‌خواند، دلیل آن را بنویسید.

پاسخ‌های داده شده در انتهای پژوهش، بیشتر از پاسخ‌های داده شده در ابتدای پژوهش جنبه اعتقادی و روحانی پیدا کرده‌اند.

تجزیه و تحلیل سؤال ۸. در صورتی که پدر یا مادرتان نماز نمی‌خواند، دلایل آن را بنویسید.

با بررسی پاسخ‌های داده شده متوجه شدم، این دلایل بیشتر شبیه بهانه هستند تا دلیل، و

چون این پرسش‌نامه پس از حدود هفت ماه پس از انجام اقدام پژوهی به همان دانش‌آموزان ابتدای اقدام پژوهی داده شده است، سن برخی از آن‌ها بیشتر شده بود و یا در مرز تکلیف بوده‌اند و بزرگ‌تر شده‌اند



## با آموزش نظری و عملی مستمر، دانش آموزان را با نماز اول وقت و به جماعت و در مسجد آشنا کردم، به طوری که در حال حاضر، با ارائه باز خورد خانواده‌ها، دانش آموزان اهتمام ویژه‌ای به اقامه نماز در مسجد و آن هم در اول وقت دارند

می‌توان گفت علت بی‌توجهی والدین به نماز به خاطر تنبلی است.

### تجزیه و تحلیل سؤال ۹. آیا دوستان شما نماز خوان هستند؟ بله ✨ خیر ✨

در ابتدای پژوهش فقط ۱۷ نفر از دوستان دانش‌آموزان نماز می‌خواندند. در انتهای پژوهش این تعداد به ۶۵ نفر رسید و فقط ۸ نفر از دوستان دانش‌آموزان نماز نمی‌خوانند. البته اگر آن چهار نفر دانش‌آموز هم‌کلاسی‌شان را که نماز نمی‌خوانند، از آن کم کنیم، فقط ۴ نفر از دوستان خارج از مدرسه دانش‌آموزان نماز خوان نیستند.

### تجزیه و تحلیل سؤال ۱۰. آیا برای خودتان مرجع تقلید انتخاب کرده‌اید؟ بله ✨ خیر ✨

در ابتدای پژوهش فقط ۱۵ نفر از دانش‌آموزان برای انجام تکالیف شرعی خود مرجع تقلید انتخاب کرده بودند. با مباحثی که در خصوص مرجع‌شناسی و اهمیت مرجعیت در انجام تکالیف شرعی برای دانش‌آموزان مطرح شد، در پایان پژوهش ۶۹ نفر برای خودشان مرجع تقلید انتخاب کرده بودند. یعنی فقط ۴ نفری که نماز نمی‌خوانند، برای خودشان مرجع تقلید انتخاب نکرده بودند.

### تجزیه و تحلیل سؤال ۱۱. آیا می‌دانید سن تکلیف برای پسران و دختران چند سال است؟ بله ✨ خیر ✨

در ابتدای پژوهش ۶۹ نفر از سن تکلیف اطلاع داشتند و در پایان پژوهش این تعداد به ۷۳ نفر، یعنی ۱۰۰ درصد رسید.

### تجزیه و تحلیل سؤال ۱۲. آیا به مسجد محله‌تان می‌روید؟ همیشه ✨ گاهی ✨ هرگز ✨

درباره اهمیت نماز اول وقت و در مسجد احادیث و روایات و داستان‌های آموزنده فراوانی برای دانش‌آموزان بیان شد و با عنایات خداوند متعال و ائمه اطهار(ع) نتیجه‌بخش بود. از پاسخ‌ها مشخص می‌شود که در ابتدای پژوهش فقط ۷ نفر مرتب به مسجد می‌رفتند و الان ۵۶ نفر به طور مرتب و ۱۲ نفر گاهی به مسجد می‌روند. ۵ نفر نیز هرگز به مسجد نمی‌روند. از آنجا که تعداد دانش‌آموزان مشخص و محدود بود و به همه آن‌ها پرسش‌نامه داده شد و نظر همه در پژوهش دخیل بود، بنابر نظر کارشناسان تعلیم و تربیت که همواره از مشورت آنان استفاده می‌کردم، نتایج این پژوهش از اعتبار و صحت بالایی برخوردار است.

## نتایج

✨ تعداد نمازخوان‌ها از ۲۱ نفر در ابتدای این پژوهش به ۶۹ نفر رسید و فقط ۴ نفر هنوز نماز نمی‌خوانند.

✨ تعداد پدرانی که نماز می‌خوانند از ۴۵ نفر به ۶۳ نفر رسید.

✨ تعداد مادرانی که نماز می‌خوانند در پایان پژوهش به ۶۹ نفر رسید.

✨ در ابتدای پژوهش فقط ۱۷ نفر از دوستان دانش‌آموزان نماز می‌خوانند. در انتهای پژوهش این تعداد به ۶۵ نفر رسید.

✨ در ابتدای پژوهش فقط ۱۵ نفر از دانش‌آموزان برای انجام تکالیف شرعی خود مرجع تقلید انتخاب کرده بودند که در پایان پژوهش این رقم به ۶۹ نفر رسید.

✨ در ابتدای پژوهش ۶۹ نفر از سن تکلیف اطلاع داشتند و در پایان پژوهش این تعداد به ۷۳ نفر، یعنی ۱۰۰ درصد رسیده است.

✨ در ابتدای پژوهش فقط ۷ نفر مرتب به مسجد می‌رفتند، و در پایان پژوهش ۵۶ نفر مرتب به مسجد می‌روند. البته ۱۲ نفر گاهی به مسجد می‌روند و ۵ نفر نیز هرگز به مسجد نمی‌روند.

## نتیجه‌گیری نهایی

با عنایات خداوند متعال و توجهات ائمه اطهار(ع)، به آنچه که ابتدای پژوهش مورد نظر بود، رسیدیم:

✨ با آموزش نظری و عملی مستمر، دانش‌آموزان را با نماز اول وقت و به جماعت و در مسجد آشنا کردم، به طوری که در حال حاضر، با ارائه بازخورد خانواده‌ها، دانش‌آموزان اهتمام ویژه‌ای به اقامه نماز در مسجد و آن هم در اول وقت دارند.

✨ دانش‌آموزان تأثیرات بسیار خوبی روی اطرافیان خود، از جمله والدین و دوستانشان داشته‌اند. بازخورد پایانی دانش‌آموزان در پرسش‌نامه و مشاهدات عینی والدین و مسئولین مدرسه، این موضوع را تأیید می‌کند. همچنین اهمیت دادن به نماز روی اخلاق و رفتارشان در مدرسه تأثیرات مثبتی داشته است و این مطلب را مدیریت و مسئولین مدرسه و معلمان به بنده گفتند.

✨ برخی از اولیای دانش‌آموزان با مراجعه به مدرسه از تأثیرات مثبت نماز خواندن در همه کارهای دانش‌آموزان در خانه، سخن می‌گفتند. ✨ امیدوارم این اقدام پژوهی مورد استفاده همه پژوهندگان و به خصوص معلمان عزیز پژوهنده قرار بگیرد.

## منابع

۱. آموزش قرآن مجید، کتاب درسی سال نهم، سال تحصیلی ۱۳۹۵.
۲. پیام‌های آسمان، کتاب درسی سال نهم، سال تحصیلی ۱۳۹۵.
۳. رساله آموزشی مراجع معظم تقلید.
۴. نوروزی، مجیدرضا (۱۳۸۱). داستان‌های شیرین نماز. انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. تهران.
۵. سایت مقام معظم رهبری به نشانی اینترنتی: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
۶. سایت حجت الاسلام قرائتی به نشانی اینترنتی: [www.gahaati.ir](http://www.gahaati.ir)



# فلسفه

## چگونگی تعامل میان برنامه‌های درسی و تفکر فلسفی

دکتر محمد مهدی اعتصامی

حلی، شیخ بهایی، ملاصدرا، علامه طباطبایی، علامه جعفری، شهید مطهری، امام خمینی و صدها فرزانه و حکیم دیگر و در حقیقت، ظهور تمدن اسلامی، به علت همین رویکرد بوده است.

از این‌رو، آموزش تعلیمات دینی در مدارس نیز باید همین رویکرد را تداوم بخشد و شیوه‌ای تبیینی نسبت به معارف اسلامی در پیش بگیرد، به طوری که دانش‌آموزان دلایل و مستندات اعتقادات خود را به دست آورند، چرایی اصول اخلاقی را دریابند و تا آنجا که مقدور است، حکمت و فلسفه احکام و دستورات الهی را بدانند.

پیش‌گرفتن این رویکرد سبب می‌شود که مجموعه مهارت‌های تفکر به محتوای آموزشی و روش‌های تدریس معلم راه یابد و ارزشیابی از یادگیری در درس قرآن و دینی نیز با توجه به این رویکرد صورت پذیرد.

### زبان و ادبیات فارسی و عربی

زبان و ادبیات هر ملتی منعکس‌کننده روح جمعی و تاریخی آن ملت است. با توجه به آنچه درباره تمدن اسلامی و نقش دانشمندان ایرانی در احیا و بالندگی آن می‌دانیم، می‌توانیم از گنجینه بزرگی از حکمت، خردمندی و تفکر که در متون ادبی ما، چه به زبان فارسی و چه به زبان عربی، ذخیره شده است، بهره ببریم. حکیمانه سخن گفتن و بزرگی اصلی ادیبان ما بوده و به همین

### اشاره

همان‌طور که در شماره‌های قبلی گفته شد، رابطه تفکر فلسفی با هر یک از شاخه‌های علوم، رابطه مبنا و بنا، و باطن و ظاهر است. برنامه‌های درسی، هم می‌توانند زمینه‌ساز رشد تفکر فلسفی در دانش‌آموزان شوند و هم بازتاب تفکر فلسفی صحیح باشند. در این قسمت چگونگی این تعامل در هر یک از شاخه‌های برنامه‌های درسی توضیح داده می‌شود:

**کلیدواژه‌ها:** برنامه‌های درسی، تفکر فلسفی، دین و زندگی، علوم انسانی

### آموزش قرآن کریم و تعلیمات دینی

قرآن کریم، کتاب تفکر و حکمت است. رویکرد عقلانی و تفکری قرآن، به‌خصوص در سؤال‌های بنیانی زندگی، راه رشد تفکر را برای پیروان باز کرده است. یکی از کارهایی که خداوند از مسلمانان خواسته، تفکر و تدبیر در خود آیات قرآن است که از اهداف اصلی آموزش قرآن و تعلیمات دینی محسوب می‌شود. تمرین تدبیر و به‌کارگیری مهارت‌ها و شیوه‌های گوناگون و متنوع آن، عامل اصلی رشد تفکر در کودک و نوجوان مسلمان است که باید به‌صورت ساده از همان آغاز دوره ابتدایی در برنامه‌های درسی پیش‌بینی شود و در دوره‌های بعد، به‌خصوص در دوره متوسطه، محور آموزش قرآن و تعلیمات دینی باشد.

این رویکرد در سنت و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار نیز وجود داشته است. آنان تعلیمات خود را مبتنی بر حکمت و عقلانیت قرار داده و همواره متذکر شده‌اند که «ابتدا حق را بشناس و با شناخت حق، اهل حق را شناسایی کن»<sup>۳۴</sup>. این بزرگواران همواره اعتقاد جاهلانه و پذیرش تقلیدی اندیشه‌های دیگران را نکوهش کرده‌اند.

همین رویکرد سبب شده است که پیروان قرآن کریم و متمسکین به معصومین بزرگوار (صلوات‌الله علیهم)، آن‌گاه که آنان را اسوه قرار داده‌اند و به روش آنان تأسی کرده‌اند، اهل تعقل، تفکر و خردمندی باشند. ظهور اندیشمندانی آزاد فکر و متفکر مانند هشام‌بن حکم، شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن‌سینا، سهروردی، خواجه نصیر، علامه

ساختار ذهنی و تعقلی که در داستان شکل می‌گیرد، باید به‌گونه‌ای باشد که خواننده در حین تفکر و تعقل دربارهٔ شخصیت‌های داستان، لزوماً به عقاید و زیربنای فلسفی و بنیانی دست یابد

سبب بسیاری از آنان مانند ناصر خسرو، فردوسی و نظامی، ملقب به حکیم بوده‌اند.

بهره‌مندی از این متون فاخر و گران‌قدر بهترین فرصت برای تفکر و تربیت مهارت‌های تفکر است. متونی که در عین سادگی، زیبایی و جذابیت، تأمل برانگیزند، انسان را به اندیشیدن فرا می‌خوانند و تشنگی و طلب را در خواننده پدید می‌آورند. آشنایان به ادب فارسی همواره این ابیات را با خود زمزمه می‌کنند و متفکرانه می‌اندیشند:

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود  
هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار  
این همه عکس می و نقش نگارین که نمود  
یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد  
ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند  
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

متون داستانی ما نیز همین ظرفیت و قابلیت را دارند که تفکر را پرورش و عنصر حکمت را در وجود دانش‌آموزان رشد دهند. از داستان‌های فلسفی و نیمه‌فلسفی مانند داستان‌های **حی بن یقظان**، **ابن طفیل** و قصه‌های **شیخ اشراق** گرفته تا داستان‌های اخلاقی و تربیتی «گلستان» **سعدی**، همه دارای لایه‌های عمیق چند وجهی هستند که خواننده را به تأمل وادارند و فرصت برنامه‌ریزی برای پرورش تفکر، به‌ویژه تفکر فلسفی و حکمی را فراهم می‌کنند. داستان‌های مثنوی، به علت توجه به بنیادی‌ترین مسئله‌های هستی و حیات، از این نظر دارای ویژگی ممتازی هستند و بیشتر می‌توانند به ما کمک کنند. بنابراین لازم است از ظرفیت بی‌بدیل ادبیات خود کمک بگیریم و اقدامات زیر را انجام دهیم:

۱. انتخاب داستان‌ها، شعرها، ضرب‌المثل‌ها و جملات کوتاه متناسب با دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی که حاوی مفاهیم هستی‌شناختی، زیبایی‌شناختی، اخلاق و فضیلت باشند.

۲. طراحی تمرین‌ها و فعالیت‌های متناسب با آن متون برای درگیر کردن ذهنی دانش‌آموزان.

۳. تدوین مجموعه‌ای از داستان‌ها، شعرها و ... برای معلمان درس‌های مختلف که بتوانند در ضمن تدریس از آن‌ها بهره ببرند.

۴. تدوین داستان‌هایی با فضای زندگی امروز و نیازهای امروز که دارای ویژگی‌های زیر باشند:

• شخصیت‌های داستان‌ها بیشتر کودکان باشند تا امکان همانندسازی افزایش یابد. همچنین در آن‌ها از قالب و موضوعات مورد علاقهٔ کودکان استفاده شود.  
• از نظر ادبی دارای مفاهیم و موضوعاتی باشند که

به‌عنوان داستان‌های فکری از دیگر داستان‌ها متمایز شوند.

• ساختار ذهنی و تعقلی که در داستان شکل می‌گیرد، باید به‌گونه‌ای باشد که خواننده در حین تفکر و تعقل دربارهٔ شخصیت‌های داستان، لزوماً به عقاید و زیربنای فلسفی و بنیانی دست یابد.

• مفاهیم داستان‌ها باید روشن و واضح باشند و خواننده از لحاظ ساختار الفاظ دچار ابهام نشود، تا بتواند مسیر تعقلی داستان‌ها را دنبال کند و به استنتاج برسد.

• هر داستان باید حاوی شخصیت‌هایی باشد که کودکان ترغیب شوند آن‌ها را از لحاظ پرمایگی و پیچیدگی در تفکر و تجزیه و تحلیل و یافتن علت‌ها الگو قرار دهند.

• داستان‌های فکری باید حیرت‌به‌وجود آورند و تفکر و تعقل کودکان را تحریک کنند.

• موضوعات مطرح شده در داستان‌ها باید بحث‌برانگیز باشند.

• در داستان‌ها باید از مهارت‌های گوناگون تفکر، مانند پردازش اطلاعات، تجزیه و تحلیل، مقایسه و استدلال و ارزیابی استفاده شود.

• این داستان‌ها باید در کودکان درگیری عاطفی ایجاد کنند تا محتوا بهتر دریافت شود و تفکر بهتر صورت پذیرد.

• بهتر است در این داستان‌ها بیشتر از جفت‌های متضاد استفاده شود تا جلب‌نظر کند.

• در خصوص داستان‌های فکری باید برای معلم کتاب راهنما تهیه شود که حاوی نکات کلیدی و تمرین‌های زیاد باشد.

• این داستان‌ها باید به‌گونه‌ای نوشته شوند که دانش‌آموزان در حین خواندن آن‌ها احساس نکنند که متن‌های فلسفی را با رنگ و بوی داستان به آن‌ها داده‌اند. داستان باید کاملاً دانش‌آموزان را درگیر کند و در خود فرو ببرد.

• هر داستان باید فرایند قضاوت کردن را با تمام پیچیدگی‌هایش دربر داشته باشد.<sup>۴۵</sup>

### علوم انسانی

درس‌های علوم انسانی سه ویژگی دارند که آن‌ها را بستر مناسبی برای تربیت تفکر، به‌خصوص تفکر فلسفی قرار می‌دهد:

• این علوم حاوی پیام‌هایی مبنایی و فلسفی در حوزه‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی هستند که ناخودآگاه به دانش‌آموزان منتقل می‌شوند. این پیام‌ها در درس‌هایی نظیر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بیشترند.

• این علوم دربردارندهٔ مفاهیم و موضوعاتی مانند

عدالت، حق، آرمان، خوب، بد، آزادی، ادب، قانون و دهه‌ها مفهوم از این دست هستند که نیازمند درک عمیق‌ترند و می‌توانند مهارت‌های تفکر را پرورش دهند. <sup>۵</sup> ارتباط مستقیمی با مسائل زندگی دارند و نیاز به توجه کردن و تصمیم گرفتن درباره آن‌ها را هر کسی حس می‌کند.

## هنر

از نظر فیلسوفان هنر و زیبایی‌شناختی، زیبایی بر دو گونه است: زیبایی محسوس و زیبایی معقول. هم زیبایی عالم طبیعت که زیبایی محسوس است و هم زیبایی عالم ماورای طبیعت که زیبایی معقول است، برای انسان خردمند و متفکر، موضوعی مناسب برای تأمل و اندیشه‌ورزی است و هرچه این زیبایی برتر و متعالی‌تر باشد، برای انسان، اعجاب‌انگیزتر و قابل تأمل‌تر خواهد بود.

از این رو، هنر که خلق زیبایی‌ها توسط انسان است، بستر مناسب تفکر است. برنامه‌درسی هنر، با هدف قرار دادن تفکر و اندیشه‌ورزی، می‌تواند هم درک هنری مخاطب را ارتقا بخشد و هم به تعمیق تفکر دانش‌آموزان کمک کند.

هنر دوره تمدن اسلامی که در معماری، خوش‌نویسی، نگارگری، شعر و ادبیات ظهور بارزتری داشته، ساخته دست اندیشمندانی بوده است که خود اهل خرد و متفکر بوده‌اند. بنابراین لازم است:

<sup>۶</sup> مفاهیم و مهارت‌های هنری و زیبایی‌شناختی که می‌توانند بستر تفکر قرار گیرند، مشخص شوند، برای پایه‌های تحصیلی سطح‌بندی شوند و برای فهم و درک آن‌ها توسط دانش‌آموز، برنامه‌ریزی شود.

<sup>۷</sup> تربیت هنری دانش‌آموزان، با شناسایی استعداد خاص هنری آن‌ها تنظیم شود، تا هم دانش‌آموزان با شوق و انگیزه قوی‌تری به هنر بپردازند و هم خلاقیت آنان در هنر تقویت شود و به تفکر هنری دست یابند. <sup>۸</sup> تربیت هنری باید زمینه را به گونه‌ای فراهم کند که دانش‌آموزان صرفاً به تقلید و نسخه‌برداری از طرح‌های دیگران نپردازند، بلکه خلاقیت‌های هنری خود را بروز دهند و طرح‌های نو، بدیع و ابتکاری ارائه کنند. لازمه چنین خلاقیت‌هایی، تفکر و اندیشه‌ورزی است.

<sup>۹</sup> لازم است برنامه‌درسی هنر به گونه‌ای طراحی شود که مفاهیم بنیادی هنر به تدریج مطرح شوند و دانش‌آموزان درباره آن مفاهیم بیندیشند و به دنبال آن، نمونه‌هایی از هنر را تمرین کنند که دارای معانی انسانی و متعالی باشند. این تمرین‌ها باید به گونه‌ای هدایت و رهبری شوند که دانش‌آموزان توانایی تمایز هنر متعالی از هنر سطحی و مبتذل را پیدا کنند و در حد توان خود بنیادهای هستی‌شناسی، انسان‌شناسی،

اخلاقی و اجتماعی پنهان در آثار هنری را تشخیص دهند و دست به ارزیابی بزنند.

<sup>۱۰</sup> طراحی محتوای هنری باید به گونه‌ای باشد که فرصت اندیشیدن به موارد ذکر شده را به دانش‌آموزان بدهد؛ مانند طرح سؤال‌های مناسب و فعالیت‌های گروهی، و پیشنهاد مقایسه، تفکیک و داوری، و نظایر آن.

## ریاضیات

ریاضیات یکی از برنامه‌های درسی است که مهارت‌های متفاوت تفکر را به خوبی پرورش می‌دهد. از این رو بهتر است هدف اصلی ریاضیات در دوره‌های تحصیلی تقویت تفکر باشد و آموزش مفاهیم و قواعد ریاضی برای تقویت تفکر انجام پذیرد. توجه برنامه‌ریزان درس ریاضی به این اصل سبب خواهد شد که آنان روش را بر موضوع و محتوا مقدم بدانند و رسانه‌های آموزشی، مانند کتاب درسی را که ظرف محتوا هستند، به گونه‌ای طراحی کنند که امکان تمرین مهارت‌های تفکر را برای دانش‌آموزان فراهم سازد.

این درس نزدیک‌ترین و هموارترین راه برای تقویت مهارت‌های تفکر است. از این رو برنامه‌ریزان همواره باید توانایی و مهارت‌های ریاضی دانش‌آموزان را ارزیابی کنند تا ببینند آیا در درک درست ریاضی و توانایی استدلال ریاضی پیشرفت کرده‌اند یا نه.

نکته بسیار حائز اهمیت در آموزش ریاضیات این است که طراحی برنامه باید به گونه‌ای باشد که تفکر ریاضی در دانش‌آموزان شکل بگیرد و آنان فهم ریاضی پیدا کنند. لازمه تحقق چنین هدفی، فهم درست عملیات ریاضی از همان سطوح اولیه تا مراحل پیچیده است. در این صورت است که دانش‌آموز مبانی منطقی ریاضی را در خواهد یافت و به تفکر ریاضی در حد خود نائل خواهد شد.

## علوم طبیعی (فیزیک، شیمی و ...)

این علوم که با تفکر در خلقت پدید آمده‌اند، متکی بر روش تجربی‌اند و همواره با مشاهده و آزمایش سروکار دارند. از این رو نتایج آن‌ها به صورت عملی آشکار می‌شوند و توانایی دانشمندان را در استفاده و تصرف در خلقت افزایش می‌دهند. یعنی انسان‌ها نتیجه تفکر خود را در باب طبیعت به صورتی ملموس مشاهده می‌کنند. گستره این علوم در زندگی انسان امروز آن قدر توسعه یافته که همه جوانب زندگی را دربر گرفته و اکثر رشته‌های دانشگاهی را به خود اختصاص داده است. به همین دلیل این علوم، هم در رشد تفکر به معنای اعم و هم در جهت‌گیری تفکر فلسفی نقش فراوانی دارند. برای اینکه چنین نقشی به نحو مطلوب ایفا شود، باید نکات زیر در تدوین برنامه‌ها و محتوای این علوم رعایت شوند:

**تربیت هنری دانش‌آموزان، با شناسایی استعداد خاص هنری آن‌ها تنظیم شود، تا هم دانش‌آموزان با شوق و انگیزه قوی‌تری به هنر بپردازند و هم خلاقیت آنان در هنر تقویت شود و به تفکر هنری دست یابند**





درسی به معلمین آموزش داده شود.

### ۳. کمک به سرعت فرایند رشد ذهنی

همان طور که توانایی جسمی کودکان و نوجوانان با تربیت بدنی و ورزش صحیح قابل رشد بیشتر است و با تربیت غلط رشد آن دچار اختلال می شود، رشد ذهنی کودکان نیز متناسب با برنامه ریزی، قابل سریع تر یا کندتر شدن است. برنامه پروورش تفکر باید بتواند فرایند رشد ذهنی کودکان و نوجوانان را تسریع بخشد.

### ۴. رعایت تعادل و توازن شخصیتی کودک و نوجوان

تربیت تفکر و برنامه ریزی برای رشد ذهنی باید به گونه ای باشد که با رشد سایر ابعاد شخصیتی کودک، مانند بعد عاطفی و قلبی، مهارت های عملی و مهارت های ارتباطی هماهنگ باشد. رشد متوازن ابعاد گوناگون شخصیت کودک و نوجوان، باعث مصون ماندن او از آسیب ها و رفتارهای نامناسب خواهد شد.

### ۵. حضور تربیت تفکر در تمام مراحل برنامه های درسی

برای اینکه تربیت تفکر در برنامه های درسی جاری و عملی شود، لازم است که نحوه ورود به آن در چهار مرحله اصلی برنامه درسی (اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی)، هنگام تدوین راهنمای برنامه درسی هر یک از درس ها پیش بینی شود.

### ۶. ایجاد رقابت سالم و دوستانه در انجام فعالیت ها

منظور از رقابت سالم رقابتی است که تمایلات خودخواهانه و نفع طلبانه افراد در آن تقویت نشود. قرآن کریم نمونه ای از این رقابت سالم را بیان فرموده است (فاستبقوا الخیرات: در نیکی ها سبقت بگیرید- بقره/ ۱۴۸). در این گونه رقابت ها، هم ذهن کودک فعالیت بیشتری می کند و هم خود کودک فایده رساندن به دیگری را می آموزد و از کار و فعالیتش احساس رضایت و لذت می کند.

### ۷. تقویت حس کرامت و عزت نفس دانش آموزان

تحقیر و کوچک شمردن دانش آموز یکی از موانع اصلی تفکر است. دانش آموزی که در محیط خانواده و مدرسه محترم شمرده شده و تحقیر نشده است، از نظر ذهنی هم شاداب و پویاست و به طور طبیعی و بدون تحمیل در فعالیت ها شرکت می کند.

### ۸. هماهنگ سازی مجموعه برنامه های درسی

برای جلوگیری از تکرار فعالیت های مشابه و تعیین حجم درسی بیش از حد توان دانش آموز، و به منظور تقسیم درست و دقیق زمان آموزش، مطالعه و سایر فعالیت های یادگیری در مدرسه و در خانه، باید هماهنگی لازم میان برنامه ها انجام پذیرد.

### ۹. فراهم کردن تمهیدات و ابزار تربیت تفکر

موفقیت هر برنامه در گرو فراهم شدن لوازم و شرایط

در آموزش علوم طبیعی بر حافظه و انتقال اطلاعات تأکید نشود، بلکه قدرت مشاهده و تحلیل مشاهدات مدنظر باشد به طوری که دانش آموزان بتوانند با تجربه خود به داده های علمی برسند و از دستاورد علمی خود لذت ببرند.

دانش آموزان به تدریج تفاوت تفکر در پدیده های طبیعی، رفتارهای انسانی، امور اخلاقی و موضوعات ماورای طبیعی و الهی را دریابند و واقعی بودن را منحصر در پدیده های طبیعی تلقی نکنند.

دانش آموزان تفاوت روش های تفکر را متناسب با تفاوت در موضوعات دریابند و همان روشی را که در علوم طبیعی به کار می برند، به سایر شاخه های علوم تسری ندهند.

دانش آموزان با تفکر عمیق تر در نظم، هم بستگی، و ارتباط دقیق پدیده های طبیعی، به لایه های برتر دست یابند، جلوه های حکمت، زیبایی، غایت مندی و کمال گرایی را دریابند و جهان را مخلوق، زنده، زیبا و پویا ببینند؛ آن گونه که دانشمندان بزرگ تاریخ، مانند ابن سینا، خواجه نصیر، ابوریحان، خوارزمی، نیوتن، اینشتین، ماکس پلانک و ... به جهان می نگریستند.<sup>۳۶</sup>

### علوم کاربردی (حرفه و فن، رایانه و ...)

این علوم که معمولاً دستاورد علوم طبیعی محسوب می شوند، از ویژگی های همان علوم طبیعی پیروی می کنند و مراعات نکاتی که برای آن ها بیان شد، در اینجا هم ضروری به نظر می رسد. علاوه بر این، در علوم کاربردی خلاقیت حضور بیشتری دارد و به همین لحاظ نیازمند تفکر خلاق و مبتکرانه است.

### ج) اصول حاکم بر برنامه تلفیقی تفکر

#### ۱. توجه دادن به مراحل رشد مهارت های ذهنی

توانایی های ذهن انسان، مانند سایر ابعاد معنوی و مادی او، رشد یافته اند. سرعت این رشد در همه افراد یکسان نیست، اما دارای یک معدل قابل محاسبه است. برنامه آموزش تفکر باید بتواند حد متوسط رشد ذهنی افراد را در هر سن و پایه تحصیلی در نظر بگیرد و در تدوین برنامه ها مراعات کند.

#### ۲. استفاده از روش های قرآن کریم و سنت و سیره معصومین (ع) در تربیت تفکر

قرآن کریم دعوت خود را بر پایه تفکر بنا نهاده است و معصومین بزرگوار نیز با تاسی به این کتاب، همین گونه دین را تبلیغ و مردم را به حق دعوت کرده اند. از این رو کتاب و سنت دو منبع قوی استخراج مبانی، اصول و روش های تفکر است. انس با این دو میراث گران قدر پیامبر (ص)، هم قدرت تفکر را افزایش می دهد و هم راه حل های تربیت تفکر را پیش روی ما می گذارد. از این رو باید تدبیر و پژوهش در قرآن و سنت به صورت واحد

همان طور که توانایی جسمی کودکان و نوجوانان با تربیت بدنی و ورزش صحیح قابل رشد بیشتر است و با تربیت غلط رشد آن دچار اختلال می شود، رشد ذهنی کودکان نیز متناسب با برنامه ریزی، قابل سریع تر یا کندتر شدن است



اجرای درست آن است. مهم‌ترین رکن این برنامه، معلم دارای مهارت است. بنابراین باید قبل از اجرای برنامه، معلم به حداقلی از مهارت‌های لازم برسد. ابزار و تمهیدات دیگر آن نیز باید تدارک دیده شوند.

#### ۱۰. رعایت اصل تدریج و تداوم

اجرای گام‌به‌گام برنامه سبب ایجاد آمادگی و توانمندی در عوامل اجرا، به‌خصوص معلم، می‌شود. آوردن ناگهانی حجم زیادی از فعالیت‌های تفکر، معلم را ناتوان می‌کند و موضع‌گیری منفی او سبب عقیم ماندن برنامه می‌شود. پیوستگی و دوام برنامه به جایگزینی آن در ذهن دانش‌آموز می‌انجامد.

#### ۱۱. استفاده از پیشینه فرهنگی و تمدنی

بهره‌مندی از این پیشینه که در قالب‌های مختلفی صورت می‌گیرد، خودباوری و عزت‌نفس دانش‌آموز را تقویت می‌کند و استقلال فکری و روحی به او می‌دهد. در نتیجه احساس توانایی بیشتری می‌کند و جوشش فکری او افزایش می‌یابد.

#### ۱۲. همراه کردن فعالیت‌های تفکری با نیازها و

##### مسائل اساسی زندگی دانش‌آموز

دانش‌آموز انگیزه بیشتری برای فکر کردن در مسائلی دارد که مسئله خود اوست و با آن‌ها مواجه است. زیرا احساس می‌کند که می‌تواند به راه‌حل‌های مناسب برسد و فایده آن را در زندگی بیابد.

#### ۱۳. توجه به ارتباط افقی و عمودی درس‌ها

از آنجا که تربیت تفکر یک هدف میان‌درسی است، لازم است تقسیم کار درستی میان درس‌ها برای تحقق این هدف انجام پذیرد تا از تکرار، اتلاف وقت و سایر نقائص جلوگیری و مشخص شود که هر یک از درس‌ها در طول دوره تحصیلی تا چه میزان باید به این برنامه کمک کند.

#### ۱۴. توجه به کاوش جمعی

در محیطی که همکاری، تعامل و تعاون حاکم است، مجموعه مهارت‌های ذهنی کودک و نوجوان بیشتر به کار می‌افتد. او هنگام عمل اجتماعی درمی‌یابد که چگونه با دیگران تعامل مثبت داشته باشد، چگونه به نظرات دیگران گوش دهد و از آن‌ها بهره‌بردار، چگونه پاسخ منطقی خود را آماده کند، چگونه از افکار و عقاید خود دفاع کند و ...

#### ۱۵. توجه به استعدادها برتر

برخی از دانش‌آموزان استعداد بیشتری در مهارت ذهنی و فکری دارند. بسیار ضروری است که این توانایی در همان دوره دبستان شناخته و برای رشد آن برنامه‌ریزی شود. این برنامه نباید به تحمیل حجم زیادی از مطالب منجر شود. بلکه باید فضایی وسیع‌تر برای حرکت اندیشه این‌گونه افراد در نظر گرفته شود تا آنان به‌صورت آزادتر و در عین حال، با برنامه مشخص فکر خود را شکوفا کنند.

#### ۱۶. توجه به جایگاه والدین در برنامه

همراهی والدین در این قبیل برنامه‌ها یکی از عوامل اصلی موفقیت آن‌هاست. از این رو ضروری است نقش و جایگاه والدین مشخص شود و اقداماتی را که آنان باید انجام دهند، به آنان آموزش داده شود.

#### ۱۷. ارزیابی مستمر از فرایند برنامه و اصلاح آن

این ارزیابی، علاوه بر اینکه میزان تحقق اهداف را روشن می‌کند و نقاط قوت و ضعف را مشخص می‌سازد، سبب زنده نگه داشتن برنامه نزد عوامل اجرایی، مانند معلم، مدیر و برنامه‌ریزان می‌شود.

#### ۱۸. تقویت قدرت تفکر برای ارتقای سایر ابعاد تربیت

اهمیت تفکر در تربیت از آن حیث است که شکوفایی سایر ابعاد تربیت، مانند تربیت اعتقادی، تربیت اخلاقی، تربیت خانوادگی، تربیت هنری و تربیت اجتماعی به تحقق این تربیت وابسته‌اند. از این رو برنامه‌ریزان، مؤلفان و تولیدکنندگان رسانه‌های آموزشی و معلمان باید توجه داشته باشند که تربیت تفکر را همواره بستری برای سایر ابعاد تربیت ببینند و در ظرف تفکر بهترین مظروف‌ها را قرار دهند.

### د) مهارت‌های تفکری مورد تأیید در هر دوره تحصیلی

در تنظیم مهارت‌ها و انتخاب آن‌ها برای هر دوره تحصیلی، چند نکته زیر باید مورد توجه قرار بگیرند:

۱. بیشتر مهارت‌های تفکر از همان سال‌های ابتدای تحصیل در حال شکوفایی و ظهور هستند. اما چون در مراحل ابتدایی خود قرار دارند، باید در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی، فعالیت‌های آسان‌تری برای تقویت آن‌ها پیش‌بینی شود و به تدریج فعالیت‌های مشکل‌تر و سخت‌تری طراحی شوند. از این رو لازم است هماهنگی دقیقی میان درس‌ها به‌وجود آید تا سطح فعالیت‌های تنظیم شده برای هر پایه تحصیلی، در تمام درس‌ها یکسان باشد.

۲. برخی از مهارت‌ها پیچیدگی بیشتری دارند. این‌گونه فعالیت‌ها باید در دوره‌ای مطرح شوند که اغلب دانش‌آموزان به توانایی ذهنی لازم برای انجام آن‌ها رسیده باشند.

۳. تفاوت‌های ذهنی دانش‌آموزان در استفاده از مهارت‌ها باید در نظر گرفته شود. اولاً، در تمرین هر مهارتی تمرین‌های مشکل‌تر و سخت‌تر برای دانش‌آموزان قوی‌تر پیش‌بینی شود. ثانیاً، برخی تمرین‌های پیچیده‌تر مهارت‌ها که دانش‌آموزان عادی در سال‌های بالاتر با آن‌ها مواجه می‌شوند، برای دانش‌آموزان قوی‌تر در سال‌های پایین‌تر در نظر گرفته شوند.

### ه) ویژگی‌های محتوا و رسانه‌های تربیتی متناسب با تربیت تفکر

مقصود از محتوا، مجموعه دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌هایی است که در هر برنامه درسی برای یادگرفتن

برخی از مهارت‌ها پیچیدگی بیشتری دارند. این‌گونه فعالیت‌ها باید در دوره‌ای مطرح شوند که اغلب دانش‌آموزان به توانایی ذهنی لازم برای انجام آن‌ها رسیده باشند

از آنجا که تربیت فکر، برای عموم دانش آموزان در تمام دوره‌های تحصیلی و برای مناطق مختلف کشور است، محتوای تدوین شده باید فرصت این تربیت را برای احاد دانش آموزان فراهم کند

پیش‌بینی شده‌اند و یادگیرنده باید آن‌ها را بیاموزد؛ مانند چهار عمل اصلی در ریاضیات، توحید در تعلیمات دینی، کوه‌ها و دریاها در جغرافیا، اسم، فعل و حرف در زبان فارسی و عربی، چگونگی وضو گرفتن در تعلیمات دینی، رانندگی و خیاطی در حرفه‌وفن، اعتقاد به معاد در تعلیمات دینی، توجه به قوانین در مطالعات اجتماعی و ...  
رسانه‌ها ابزارهای انتقال محتوا به مخاطب هستند؛ مانند کتاب درسی، نرم‌افزارها، کتاب معلم، فیلم و ...  
چگونگی سازمان‌دهی و ارائه محتوای درسی از طریق رسانه‌ها یکی از ارکان تربیت تفکر با رویکرد تلفیقی است. اصولاً اتخاذ رویکرد تلفیقی و جدا نکردن تربیت تفکر از برنامه‌های درسی بدان معناست که یادگیری عمیق و مؤثر در هر درس وقتی اتفاق می‌افتد که همراه با مهارت‌های تفکر باشد، و الا یادگیری همان درس هم رخ نخواهد داد. ویژگی‌های محتوا در رسانه‌های تربیتی متناسب با تربیت تفکر عبارت‌اند از:

#### ۱. بسته‌های و یکپارچه دیدن مجموعه موضوعات و عناوین درسی

قدم اول در سازمان‌دهی محتوای تلفیقی، هماهنگی و ارتباط مؤثر میان درس‌هاست، به طوری که درس‌ها تکمیل‌کننده یکدیگر باشند و از رویه‌های واحد تبعیت کنند. تناقض محتوایی یا روشی یا عدم ارتباط و تأیید، یا استفاده از یک قالب در بسیاری از درس‌ها و فراموش کردن قالب‌های دیگر و ناهماهنگی‌هایی از این قبیل، با تربیت تفکر سازگاری ندارند.

#### ۲. توجه به انگیزش درونی دانش آموز

شکوفایی قدرت تفکر نیازمند انگیزه درونی و کاستن از انگیزه‌های بیرونی است. در این صورت است که دانش آموز خود را در موقعیت جست‌وجوگری می‌یابد و طلب و تشنگی رسیدن به علم و حقیقت در او پدیدار می‌شود.

#### ۳. برقراری ارتباط با نیازها و مسائل روز دانش آموز

محتوای آموزشی، علاوه بر طرح مسائل و موضوعات هر علم، باید نیازها و مسائل روز دانش آموز را مطرح کند تا سبب درگیری فکری او شود و برای حل آن‌ها به تفکر پردازد.

#### ۴. توجه به اصل فرایندمحوری

فعالیت‌های آموزشی بخش‌های مستقل از یکدیگر نیستند که فقط کنار هم قرار گرفته باشند. بلکه این فعالیت‌ها شبیه به فعالیت‌هایی هستند که برای رشد یک گیاه انجام می‌گیرند که هر عمل، مقدمه عمل بعدی است تا در نهایت رشد گیاه محقق شود. کسب یک دانش یا نگرش در رسیدن به یک مهارت، نیازمند فعالیت‌های

آموزشی پیوسته و متوالی، و متصل به دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های قبلی و بعدی است.

#### ۵. نقش آفرینی معلم و دانش آموز در کلاس

برای اینکه فرایند تفکر در کلاس شکل بگیرد، لازم است محتوا و رسانه‌های مرتبط به آن به گونه‌ای طراحی شوند که فرصت فعالیت به معلم و دانش آموز بدهند، نه اینکه معلم صرفاً انتقال‌دهنده دانش باشد و دانش آموز یادگیرنده آن. بلکه با ایفای نقش مؤثر معلم و دانش آموز بخشی از محتوا ساخته شود.

#### ۶. توجه به ساختار طبیعی فعالیت ذهن

فعالیت ذهنی ساختار طبیعی خود را دارد. هر کودکی از بدو تولد با همان ساختار می‌اندیشد و مشکلات خود را حل می‌کند. آنچه در طول رشد اتفاق می‌افتد، شکوفا شدن فعالیت‌ها و مهارت‌های پیچیده‌تر ذهن است که فرصت حل مسئله‌های پیچیده و عمیق را فراهم می‌کند. البته همین مهارت‌های پیچیده، شکل توسعه‌یافته همان فعالیت‌های ساده‌اند. شبیه به چهار عمل اصلی در حساب که پایه سایر محاسبات محسوب می‌شوند.

#### ۷. اجتناب از انباشت اطلاعات در کتاب‌ها و سایر رسانه‌های آموزشی

کاستن از مفاهیم هر درس از تکیه بیش از حد روی حافظه می‌کاهد و مجال جست‌وجوگری و بهره‌مندی از روش‌های فعال را فراهم می‌کند.

#### ۸. توجه به دانش آموزان ویژه و استعدادها برتر

برنامه‌های درسی که برای عموم دانش آموزان و در سطح متوسط توانایی‌ها تنظیم می‌شوند، باید فرصتی برای ظهور استعدادها برتر و خلاقیت‌های افراد ایجاد کنند. همچنین به دانش‌آموزانی که برخی ناتوانی‌های جسمی یا ذهنی دارند، باید توجه خاص کنند و برای آنان برنامه‌های ویژه‌ای تدارک ببینند. البته بهتر است دانش آموزان با استعداد برتر در کنار سایر دانش آموزان باشند تا امکان و انگیزه رقابت و اسوه‌پذیری فراهم شود.

#### ۹. انعطاف‌پذیری محتوا

از آنجا که تربیت فکر، برای عموم دانش آموزان در تمام دوره‌های تحصیلی و برای مناطق مختلف کشور است، محتوای تدوین شده باید فرصت این تربیت را برای احاد دانش آموزان فراهم کند. از این رو باید نیازهای مختلف اقلیمی، تفاوت‌های جنسیتی دختر و پسر، و چالش‌های محیط‌های گوناگون اجتماعی را پوشش دهد و به معلم امکان دهد، در چارچوب محتوای تعیین شده، فعالیت‌های

تفکری مناسب را تنظیم و در کلاس اجرا کند.

### و) روش‌ها و فنون پرورش تفکر

رشد و پرورش سطوح متفاوت تفکر نیازمند به کارگیری «رویکرد فعال» در انتخاب روش‌ها و فنون تربیت تفکر است. به عبارت دیگر، معیار و ملاک اصلی در انتخاب روش‌ها و فنون یادگیری، فعال بودن دانش‌آموزان در آن روش است. با توجه به اینکه تفکیک میان روش‌ها، شیوه‌ها و فنون یادگیری و طبقه‌بندی آن‌ها امری دشوار است، از چنین طبقه‌بندی خودداری و مجموعه‌های آن‌ها احصاء شده است تا مورد نظر برنامه‌ریزان و معلمان باشد. از این رو چه بسا در میان موارد ذکر شده، برخی زیرمجموعه‌ای دیگر باشند یا برخی فن و شیوه حساب شوند و برخی روش. اهم این روش‌ها و فنون عبارتند از:

۱. همیاری و مشارکت

۲. پرسش و پاسخ

۳. ارائه الگو و اسوه

۴. قصه‌گویی و داستان

۵. ایجاد فرصت تجربه

۶. نمایش و ایفای نقش

۷. تحلیل مشاهدات

۸. خلق موقعیت برای داوری

۹. مناظره (بحث و گفت‌وگو)

۱۰. ایجاد موقعیت برای بارش فکری

۱۱. گردش علمی و تجربه عملی

۱۲. بدیعه‌پردازی

۱۳. کاوش جمعی

۱۴. ارائه طرح، نقاشی، عکس و ... و بحث

درباره آن‌ها

۱۵. طرح مسئله و به چالش کشاندن دانش‌آموزان

### ز) چگونگی ارزشیابی تربیت تفکر

ارزشیابی، همان‌طور که از خود این کلمه برمی‌آید، سنجش میزان تحقق اهداف پیش‌بینی شده است. با توجه به اینکه یک هدف مهم برنامه‌های درسی «تربیت تفکر» دانش‌آموزان است، ارزشیابی از آن باید مورد توجه برنامه‌ریزان تمام درس‌ها قرار گیرد و در

تدوین ارزشیابی از هر درس خاص، نکات زیر مراعات شوند:

۱. ارزشیابی تکوینی و مستمر در اولویت قرار گیرد و از سهم ارزشیابی پایانی کاسته شود.

۲. ارزشیابی کیفی بر ارزشیابی کمی تقدم یابد و در پایه‌های تحصیلی یا درس‌هایی که امکان حذف ارزشیابی کمی وجود دارد، فقط ارزشیابی کیفی به عمل آید.

۳. ارزشیابی از سطوح تفکر در هر درسی گنجانده شود، بدین صورت که علاوه بر امتیازی که به صحیح بودن پاسخ‌ها تعلق می‌گیرد، امتیازی هم به مهارت‌های تفکری داده شود.

۴. در ارزشیابی‌ها، برای اهداف نگرشی و مهارتی سهم قابل قبولی اختصاص یابد.

۵. فعالیت‌های تقویت‌کننده مهارت‌های تفکر، به‌طوری که همه سطوح تفکر را پوشش دهد، به‌صورتی متعادل در درس‌ها پیش‌بینی شود و متناسب با سن و دوره تحصیلی، برای آن سطوح امتیاز خاصی تعیین شود.

۶. ارزشیابی به‌گونه‌ای انجام شود که خودش در تقویت و رشد مهارت‌های تفکر مؤثر باشد. به عبارت دیگر، ارزشیابی باید به‌صورت جزئی از فرایند یاددهی-یادگیری درآید.

۷. ارزشیابی باید به فعالیت‌هایی بینجامد که طراحی مراحل بعدی آموزش را امکان‌پذیر سازد.

۸. دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری خود سهیم سازد و توان «خودارزیابی» را در آنان تقویت کند.

۹. معلم را قادر سازد به‌طور منظم دانش‌آموزان را در فعالیت‌های گوناگون زیر نظر بگیرد عواملی را که مانع پیشرفت تفکر او هستند، شناسایی کند و در رفع آن‌ها بکوشد.

۱۰. معلم را قادر سازد از طریق ارزشیابی متناوب و یادداشت‌هایی که برمی‌دارد، اطلاعات کافی برای ارزشیابی معتبر دانش‌آموزان جمع‌آوری کند.

۱۱. معلم را قادر سازد که هر دانش‌آموزی را با خودش بسنجد و متناسب با توانایی فکری او از او انتظار داشته باشد و متناسب با قوت‌ها و کاستی‌های او، برایش برنامه‌ریزی کند (رستگار، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

### منابع

۱. بهشتی، سعید (۱۳۸۰). آیین خردورزی، دانش و اندیشه معاصر. تهران: چاپ اول.
۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). مجموعه آثار. انتشارات صدرا. تهران: چاپ نهم.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). آزادی معنوی. نشر صدرا. تهران: چاپ پنجاه و دوم.
۴. طباطبایی، علامه سیدمحمدحسین (۱۳۸۲). تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی. دفتر انتشارات اسلامی. قم.
۵. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹). شرح چهل حدیث. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. شیخ‌الاسلامی، سیدحسین (بی‌تا). گفتار امیرالمؤمنین علی (ع). انتشارات انصاریان. قم.
۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۵۹). اصول کافی. ترجمه سید جواد مصطفوی. انتشارات علمیه اسلامیة. تهران.
۸. مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد (۱۳۸۹). مثنوی معنوی. به کوشش پرویز عباسی داکانی. نشر الهام. تهران: چاپ چهارم.
۹. رستگار، طاهره (۱۳۸۵). ارزشیابی در خدمت آموزش. منادی تربیت. تهران: چاپ پنجم.
۱۰. باقری، دکتر خسرو (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. انتشارات مدرسه. تهران.
۱۱. ناجی، سعید (۱۳۸۷). کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان. پژوهشگاه علوم انسانی. تهران: چاپ اول.
۱۲. ملکی، حسن (۱۳۸۰). برنامه درسی پرورش تفکر. انجمن اولیا و مربیان. تهران.
۱۳. کم، فیلیپ (۱۳۸۵). داستان‌های فکری. ترجمه فرزانه شهرتاش. انتشارات شهرتاش. تهران.
۱۴. هینس، جوانا (۱۳۸۴). بجه‌های فیلسوف. ترجمه رضاعلی نوروزیان و همکاران. انتشارات سماقم.
۱۵. شاول، رون (۱۳۸۹). فلسفه در کلاس. ترجمه مرادیاری. آوای نور. تهران.
۱۶. اسحاق، ویلیام (۱۳۸۰). گفت‌وگو و هنر با هم اندیشیدن. ترجمه محمود حدادی. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۷. مایرز، چت (۱۳۸۰). آموزش تفکر انتقادی. ترجمه خدایار ایلی. انتشارات سمت. تهران.
۱۸. دیونو، ادوارد (۱۳۷۵). مهارت در اندیشیدن. ترجمه بهمن لطیف. مؤسسه چاپ الهادی. قم.
۱۹. کردر، یوستین (۱۳۷۴). دنیای سوفی. ترجمه حسن کلمشاد. نیلوفر. تهران.
۲۰. قائدی، یحیی (۱۳۸۳). آموزش فلسفه به کودکان (بررسی مبانی نظری). انتشارات دواوین. تهران.
۲۱. ویوهانس، مارتینا؛ مایر، عارنکه؛ فریمن، دوریتی (۱۳۸۲). با هم اندیشیدن: راز گفت‌وگو. ترجمه فاطمه صدرعاملی. انتشارات اطلاعات. تهران.
۲۲. راهنمای برنامه درسی فلسفه دوره متوسطه، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
۲۳. لایه، برزنت و بوش، میشل (۱۳۸۸). دنیایی را تصور کن. ترجمه پروانه عروج‌نیا. انتشارات آسمان. ۱۳۸۸.
۲۴. کلاک، دنیل و مارتین، ریموند (۱۳۸۷). پرسیدن مهم‌تر از پاسخ دادن است. ترجمه حمیده بحرینی. هرمس. تهران.
۲۵. سهروردی، شیخ شهاب‌الدین (۱۳۹۱). قصه‌های شیخ اشراق. نشر مرکز. تهران: چاپ نهم.
۲۶. کوهن، مارتین (۱۳۸۹). ۱۰۱ مسئله فلسفی. ترجمه امیر غلامی. نشر مرکز. تهران: چاپ ششم.
۲۷. نیچمن، جینی و اوانز، کاترین (۱۳۸۰). فلسفه به زبان ساده. ترجمه اسماعیل سعادت. دفتر پژوهشی و نشر سهروردی.
۲۸. مورتون، ادم (۱۳۸۱). فلسفه در عمل. ترجمه فریبرز مجیدی. انتشارات مازیار. تهران.
۲۹. شهید ثانی، زین‌الدین‌بن علی (۱۳۹۱). آداب تعلیم و تعلم در اسلام (منتبه‌المرید). ترجمه و اقتباس دکتر محمد باقر حجتی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران.



# کتاب‌های دوره آموزش متوسطه اول در بوتۀ نقد

گپ و گفت با معلمان اهل سنت

رضانعلی ابراهیمزاده گرجی  
مهدی مروجی

## اشاره

فروزان میره‌وند، با ۲۱ سال سابقه تدریس در دوره‌های متوسطه اول و دوم، که یک مرکز پیش‌دبستانی را نیز مدیریت می‌کند. بهاره جعفری، دارای مدرک کارشناسی دینی و عربی، کارشناسی ارشد مدیریت و دانشجوی دوره دکتری مدیریت اجرایی است که اکنون در «مدرسه نمونه دولتی شهید مرادی» سنندج تدریس می‌کند. و فرشته علی بهشتی، با مدرک کارشناسی ارشد الهیات و فقه شافعی و ۲۰ سال سابقه تدریس، در حال حاضر در مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی تدریس می‌کند.

این سه تن از معلمان با سابقه‌اند که آرای خود را با خبرنگاران فصل‌نامه «رشد آموزش قرآن و معارف دینی» درباره کتاب «پیام‌های آسمان» پایه اول در میان گذاشتند. آنچه می‌خوانید نتیجه تجربه ایشان در تدریس این کتاب است.

شما کتاب «پیام‌های آسمان» را تدریس می‌کنید، اما سؤال ما شما را در جایگاه مؤلف می‌نشانند. بفرمایید، اگر شما مؤلف بودید، چه تغییراتی در کتاب به وجود می‌آوردید؛ در عناوین شانزده‌گانه درس‌ها؛ در محتوای زیرعنوان‌ها؛ در بخش تدبیر؛ فعالیت‌ها؛ بیشتر بدانید؛ و در بخش پیشنهاد. جعفری: کتاب پایه هفتم با عنوان پیام آسمان، متن و حجم زیادی برای دانش آموز دارد. معمولاً در تألیف کتاب‌های درسی از معلمان مربوط استفاده می‌شود، اما در کتاب پیام‌های آسمان، براساس نوع

نگارش و ... مشهود است که از معلمان دوره‌های سه‌گانه، مخصوصاً ابتدایی به‌درستی استفاده نشده است و دارای ارتباط مؤثر نبوده‌اند.

از جمله مزایای کتاب این است که معلم یا دانش‌آموز را از حالت انفعالی و فقط شنونده بودن خارج می‌کند و او را وامی‌دارد، در بحث و گفت‌وگو شرکت کند. بحث و گفت‌وگو همه به وقت نیاز دارد؛ به‌ویژه که دانش‌آموز دوست دارد، در مواردی مثل احکام و اخلاق بحث کند. در دنیای امروز که دغدغه اخلاقی داریم، معلم خیلی تأثیرگذار است. اگر وقت باشد که دانش‌آموز در کلاس بحث کند، خیلی مثمر خواهد بود.

برخی از قسمت‌های کتاب برای دانش‌آموز پایه هفتم ثقیل است و قابل فهم نیست. کتاب خیلی خشک است. نه تصویر مناسب و نه جاذبه‌ای دارد تا رغبت دانش‌آموز را برانگیزد. دانش‌آموز فقط مطالب را می‌خواند و حفظ می‌کند تا برای رفتن به کلاس بالاتر نمره بگیرد. قسمت تحقیق و پیشنهاد باید در اختیار معلم باشد، نه کتاب. یعنی معلم موضوع را مشخص کند نه کتاب. در بخش قرآن، بهتر است دانش‌آموز تمرین‌ها را بررسی کند و جواب بدهد و این کار را کتاب نکند. «معانی کمکی» اشکالی ایجاد نمی‌کند، اما به صورت جمله‌ای به رنگ آبی که توسط مؤلفان در کتاب نوشته شده است، نه تنها کارایی ندارد، بلکه اصلاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

علی بهشتی: مثال‌های کتاب، عینی‌تر و بهره‌ر



شوند. داستان‌ها برایم جالب‌اند، اما مثل‌ها خیلی قدیمی هستند، در حالی که مطالب دینی باید با زندگی بچه‌ها عجین شوند. بچه‌ها که از مدرسه به خانه می‌روند، باید درباره آن‌ها فکر کنند، نه اینکه در آخر درس کلاس، کتاب را ببندند و بعد وقت امتحان آن را حفظ کنند. مثال‌ها باید درباره فضای مجازی هم باشند تا بچه‌ها بتوانند راحت‌تر آن را در پیوند با زندگی‌شان ببینند.

**میرهوند:** یکی از اشتباهات نظام آموزشی ما، عدم تلفیق آیات قرآن با زندگی عملی است. تا آن حد که قرآن کریم به تنهایی به کنجی رانده شده است و تا حالت کلیشه‌ای و تشریفاتی بیاید اما سعی نشده است، بحث‌ها و تبادل نظرهای جمع‌ها و همایش‌ها و حتی جمع‌های فضای مجازی، به دروس دینی راه پیدا کند. بیشتر درس‌های دینی نظری است. دلیل کم‌توجهی نوجوانان و جوانان همه ریشه سیاسی اجتماعی دارد و نه اعتقادی. می‌توان ضمن تدریس علوم اجتماعی، زیست‌شناسی و ریاضیات و غیره، مفاهیم قرآنی را هم لحاظ کرد و شانه به شانه در طول سال تحصیلی آن را به جلو برد و تقویت کرد. برای مقطع نوجوانی و به‌منظور پاسخ دینی به بسیاری از سؤال‌های نوظهور، باید کار گروهی متشکل از فقیه، روان‌شناس، جامعه‌شناس و متخصصان مسلط به علوم روز و با بهره‌گیری از ادوات نوین آموزشی تشکیل شود. اما کتاب دینی پایه هفتم در این زمینه کمتر کاربردی دارد و در روند اخلاقی دانش‌آموز من هیچ تأثیری نمی‌گذارد. همچنان که خانم جعفری فرمودند، فقط حفظ می‌کنند و نمره می‌گیرند و تمام.

بنده که معلمی با ۲۱ سال سابقه تدریس هستم، ۱۲ درس تدوین کرده‌ام تا در کلاس پایه هفتم تدریس شوند. درس‌ها از این قرارند: درس اول: اثبات وجود خدا؛ درس دوم: حضرت آدم؛ درس سوم: هستی؛ درس چهارم: حقانیت پیامبر (ص)؛ درس پنجم: وحی؛ درس ششم: معجزات؛ درس هفتم: اسلام؛ درس هشتم: توحید؛ درس نهم: انحراف در بشریت؛ درس دهم: یهودیت؛ درس یازدهم: مسیحیت؛ درس دوازدهم: معاد.

طی ۲۰ جلسه این ۱۲ موضوع در مراکز آزاد علمی تدریس می‌شوند. با اجازه شما درس اول را توضیح می‌دهم. درس باید با آیات قرآنی متناسب با موضوع شروع شود. درس اول با این آیه قرآنی آغاز می‌شود که خداوند می‌فرماید: «انتم تخلقونوه ام نحن الخالقون (واقع/ ۵۹): آیا شما آن را خلق می‌کنید یا ما آفریننده‌ایم؟!»

این آیه درباره اصل موضوع است. سپس نکاتی درباره اثبات وجود خداوند یا داستان‌هایی را در این

مورد مطرح می‌کنم تا برای دانش‌آموز عینی شود. مثل این داستان که یکی از بزرگان فرموده است: «روزی عده‌ای بی‌باوران به وجود خدا، پیش وی آمدند و پرسیدند: چگونه ذات الهی را برای ما اثبات می‌کنی؟»

ایشان هم فرمودند: به من خبر رسیده که یک کشتی همراه با آذوقه و بار، بدون خدمه و ملوان و ناخدا روان است و راه خودش را به‌سوی بندر طی می‌کند.

گفتند: چنین چیزی محال است و شما دارید مزاح می‌کنید!

ایشان گفت: اگر چنین چیزی محال است، چطور جهانی با این عظمت و پهناوری و این همه حوادث و مخلوقات بدون هیچ سکان‌دار و خدایی است؟

بعد از شنیدن این سخن، همه آنان مسلمان شدند. با شنیدن این حرف‌ها، دانش‌آموز به فکر فرو می‌رود و به نتیجه می‌رسد که خداوندی هست. برای هر درس هم داستان‌هایی از بزرگان یا امامان را می‌آوریم. **امام جعفر صادق که امام شافعی** شاگرد ایشان بود، چه‌طور می‌شود این قدر شاگرد در اطراف ایشان باشد؟ یعنی حرف‌ها را در قالب داستان و روایت بیان می‌کردند.

**ممکن است برای اثبات کلام خودتان نمونه روشنی از کتاب بیاورید؟ گرچه دارید محتوای کل کتاب را نقد می‌کنید.**

**میرهوند:** وقتی می‌خواهم کتاب را تدریس کنم، به دانش‌آموزان می‌گویم، زود کتاب را باز کنید و در مدت یک ربع به سؤال‌ها پاسخ می‌دهم. بعد می‌گویم کتاب را ببندید. آن وقت درس را با وارد کردن بچه‌ها به دنیای حقایق امروز ادامه می‌دهم و هر جلسه اعلام می‌کنم، یک ربع اول جلسه آینده را از شما امتحان کتبی می‌گیرم. امتحان هم همان سؤال و جواب‌هایی است که مطرح شد و تمام دانش‌آموزان نمره ۱۷ به بالا می‌گیرند.

بعد برنامه‌ای را اجرا می‌کنم که اصول اعتقادی دانش‌آموز را بالا ببرم. من سال گذشته برای تعلیم قرآن کریم وقتی به کتاب رجوع کردم، دیدم هیچ تفسیری ندارد و نمی‌توانم در هر کلاس، آیه‌ای را درس بدهم که دانش‌آموز آن را ملاک زندگی خودش قرار بدهد. متوجه شدم، هدف فقط روخوانی و ترجمه است. گفتم اگر هدف مؤلفان فقط روخوانی کتاب با استفاده از ترجمه است، پس در هر جلسه، یک تا دو صفحه معنای واژه‌ها را می‌گویم و از دانش‌آموزان می‌خواهم که واژه‌ها را یاد بگیرند و حفظ کنند.



**من سال گذشته برای تعلیم قرآن کریم وقتی به کتاب رجوع کردم، دیدم هیچ تفسیری ندارد و نمی‌توانم در هر کلاس، آیه‌ای را درس بدهم که دانش‌آموز آن را ملاک زندگی خودش قرار بدهد.**



با کمک مدرسه و خیران برای ۱۵ شاگردی که در پایه‌های اول، دوم و سوم داشتیم، ۱۵ جلد کتاب قرآن تهیه کردم و به آن‌ها دادم. روز اول گفتم: بچه‌ها امروز باید تا آیه ۱۵۰ سوره بقره خوانده شود و هر کدام از شما هم بخوانید. گفتند: آمادگی نداریم. قلم قرآن داشتیم. با استفاده از آن، همه تلاوت می‌کردیم. بعد می‌باید در خانه هم ۱۰۰ آیه بعدی را بخوانند تا موفق شوند قرآن کامل را در طول سال تحصیلی ختم کنند. گفتم در اردیبهشت یا نوروز به مناسبت ختم کامل قرآن می‌خواهم جشنی برگزار کنم.

این برنامه - الحمدلله - در پایان فروردین و اول اردیبهشت به صورت کامل اجرا شد. با همکاری مدیر مدرسه، برای بچه‌ها تقدیرنامه چاپ کردم، محل جشن را تزئین کردم و از بچه‌ها در لباس کردی عکس گرفتم. بعد به هر کدام یک قطعه عکس و تقدیرنامه ختم قرآن را اهدا کردم. بچه‌ها خیلی راحت قرآن را ترجمه می‌کردند.

در تدریس قرآن ابتدا یک آیه را می‌آورم. برای مثال، درباره غیبت کردن این آیه را (آیه ۱۲) از سوره حجرات می‌آورم: «ولا یغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرموه.» معنی دو تا لغت مشکل «لا یغتب» و «لحم» را می‌گویم و بعد تفسیر می‌کنم و فواید تربیتی را بیان می‌کنم:

۱. مؤمنان برادران یکدیگرند و حفظ و پاس‌داری از این اخوت واجب است.

۲. هر سخن یا حرکتی که سبب تضعیف یا سستی این روابط شود، حرام است.

۳. برخی از اعمالی که سبب می‌شوند، بین مسلمانان رابطه عداوت و کینه‌توزی به وجود بیاورد، عبارت‌اند از: غیبت؛ گمان بد بردن؛ افترا؛ سخن‌چینی؛ لقب‌تراشی؛ تجسس.

۴. غیبت یعنی در غیاب مسلمان چیزی بگویی که اگر به گوشش برسد، ناراحت شود.

۵. غیبت حرام است چه در مورد خود فرد باشد، چه در مورد شخصی از اعضای خانواده و فرزندان.

آیه را هم می‌گویم تا حفظ کنند. روخوانی هم می‌کنیم و بقیه را باید در منزل انجام دهند. پس هدف حفظ آیه است و اینکه پیامش را دریابند تا وقتی به فرض مادرش غیبت می‌کند، بگوید این آیه قرآن است که سفارش می‌کند، غیبت نکنید و آن را از حفظ بخواند.

اگر واقعاً می‌خواهیم برای بچه‌ها آموزش عقیدتی داشته باشیم، راهش این است.

**علی بهشتی:** مطالب شما خیلی واضح و متین بود. بنده با شما موافقم.

در مقدمه کتاب پایه هفتم، مؤلفان مطالبی را خطاب به دانش‌آموزان آورده‌اند. از جمله اینکه پیام‌های آسمان می‌خواهند راه درست زندگی را به شما نشان دهند، خداوند مهربان را به شما معرفی کنند و به شما بگویند، به چه علت از خداوند در کارهای تان کمک می‌خواهید. اضافه می‌کنند: چه هنگام بالغ می‌شوید؟ وظیفه تان در دوران بلوغ چیست؟ و ... به نظر شما که مدرس این درس هستید، آیا این اهداف از طریق محتوای کتاب محقق می‌شوند؟

**علی بهشتی:** به این علت که کلی گفته شده، محتوای کتاب نتوانسته است اهداف مورد نظر را محقق کند. یعنی به مطالب دیگری توجه شده است.

**جعفری:** کتاب از این شاخه به آن شاخه می‌پرد، ضمن آنکه خیلی کلی است. بنده برای تکمیل درس کارشناس دعوت می‌کردم، زیرا مطالب کتاب کافی نیست. یا وسیله کمک آموزشی درست می‌کردم تا دانش‌آموزان متوجه می‌شدند که تأثیر خوبی هم داشت.

**همکار محترم، سرکار خانم میرهوند، همان ابتدا نظرش را درباره کل کتاب بیان داشت. اگر بخواهید می‌توانید به موردی بپردازید تا نظر تان را کامل کند.**

**میرهوند:** آنچه را شما از مقدمه کتاب بیان داشتید، فقط جنبه نظری دارد و معلوم نیست چقدر در عمل به کار بیاید.

**علی بهشتی:** ایرادهایی مثل این مورد دارد. وقتی در کتاب می‌خواهند درباره آیه‌ای توضیح بدهند، مفهوم آیه را دقیق بیان نمی‌کنند. در آیه‌ای مربوط به کمک کردن، معنی و مفهوم آیه را کامل بیان نکرده‌اند. حتی داستان کتاب نیز با متن آن فرق دارد.

در مقدمه به رویکرد جدید اشاره کرده‌اند که عبارت از جلب مشارکت دانش‌آموزان و سهیم کردن آنان در کار تدریس است و از همکاران معلم خواسته‌اند که ۲۰ دقیقه از وقت کلاس را به این رویکرد اختصاص بدهند تا یاد دهی و یادگیری آسان شود و دانش‌آموز هم در کلاس فعال باشد. آیا امکان تحقق این هدف مؤلفان را در کلاس دارید؟

**علی بهشتی:** دانش‌آموز یا باید کنفرانس بدهد

**با همکاری مدیر مدرسه، برای بچه‌ها تقدیرنامه چاپ کردم، محل جشن را تزئین کردم و از بچه‌ها در لباس کردی عکس گرفتم. بعد به هر کدام یک قطعه عکس و تقدیرنامه ختم قرآن اهدا کردم. بچه‌ها خیلی راحت قرآن را ترجمه می‌کردند**

یا نمایش اجرا کند. اگر بخواهد نمایش اجرا کند، برخی از داستان‌های کتاب برای مثلاً ۱۰ دقیقه قابلیت اجرا و انتقال پیام ندارند، زیرا خود داستان نیز در انتقال پیام به سختی افتاده است. اگر قرار باشد دو نفر کنفرانس بدهند، همین دو نفر درس را حفظ کرده‌اند، ولی بقیه دانش‌آموزان در این فضا نیستند. حتی معلم شاید با اجبار بتواند توجه دانش‌آموزان را به درس جلب کند. بنده کمتر دینی تدریس می‌کنم، بلکه بیشتر قرآن درس می‌دهم. برای جلب توجه دانش‌آموزان به این درس، هر جلسه فیلم‌های مناسبی را نمایش می‌دهم. یا مهارت زندگی را به تماشا می‌گذارم یا از سی‌دی‌های «مناسب» استفاده می‌کنم و هر جلسه یک ربع را به آن اختصاص می‌دهم. پس از دیدن فیلم نیز نظرشان را بیان می‌کنند.

**شما که بیشتر قرآن تدریس می‌کنید، نظرتان را درباره رسم الخط آن هم بیان بفرمایید.**

**علی بهشتی:** رسم الخط قرآن مدارس با رسم الخط عمومی قرآن تفاوت دارد. وقتی می‌خواهم که قرآن کامل را همراه بیاورند، می‌بینیم در اعراب‌گذاری این دو تفاوت وجود دارد. دانش‌آموزان که علت آن را نمی‌دانند، حیران می‌مانند و دلیل این تفاوت را می‌پرسند. آن وقت باید درباره علائم وقف و به‌طور کامل درباره تجوید توضیح بدهم تا یاد بگیرند؛ قرآن کامل علامت‌گذاری‌های دقیق‌تری دارد، ولی قرآن مدارس چنین نیست. قصد مؤلفان ساده‌سازی است. ولی وقتی قرآن را می‌خوانم، دانش‌آموز دقت دارد و می‌پرسد: «چرا این جور می‌خوانی؟» می‌گویم: من که با اعراب و علائم قرآن کامل آشنایی دارم، این‌طور می‌خوانم.

**این نوع نگارش به نگارش کم‌علامت معروف شده است. می‌خواهند دانش‌آموزان از پایه با این روش قرآن را بخوانند و یاد بگیرند. تجربه تازهای است. برخلاف قرآن‌های دیگر که پر از اعراب و علائم‌اند و حتی افراد باتجربه را در قرائت دچار مشکل می‌کنند. می‌گویند آموزش با این رسم الخط آسان‌تر است و هنگام قرائت نیز امکان اشتباه سهوی خیلی کاهش می‌یابد. آنجا چشم خیلی باید روی علائم متمرکز شود، ولی در شیوه نگارش جدید ذهن فعال می‌شود. به هر حال هنوز جای نقد دارد. لذا از این به بعد هم باید آن را مورد توجه قرار داد و در نقد لحاظ کرد.**

**علی بهشتی:** نکته درستی است که می‌فرمایید، اما باید به مخاطب توجه داشت، باید دید مخاطب ما کیست و چقدر زمینه پذیرش دارد. متأسفانه خیلی از بچه‌هایی که از دوره ابتدایی وارد کلاس هفتم می‌شوند، اصلاً بلد نیستند قرآن بخوانند. «ا» را از «ا» تشخیص نمی‌دهند. یعنی در دوره ابتدایی روی قرآن آموزشی کار لازم انجام نمی‌شود. چرا؟ زیرا آزمون تیزهوشان یا آزمون مدارس نمونه دولتی دارند! دانش‌آموزان همیشه می‌گویند: خانم کلاس قرآن ما را به معلم ریاضی می‌دهند! یا وقت قرآن را به دبیر علوم می‌دهند. یا می‌گویند: از بیرون معلم آوردند و زنگ قرآن با ما «تست‌زنی» کار می‌کند. به ناچار در جلسه اول باید کلمات قرآن را به همان روش مکتب‌خانه‌ای هجی کنیم. بچه‌ای که به مکتب‌خانه می‌رفت، در شش ماه قرآن را کامل یاد می‌گرفت. بنده خودم با روش هجی کردن قرآن را یاد گرفتم. خیلی هم عالی بود. یکی از دانش‌آموز بنده در اول دبیرستان، حتی یک سطر قرآن را نمی‌توانست بخواند.

**جعفری:** بنده ترجمه تصویری قرآن را تجربه کرده‌ام. یعنی آیه‌ای را به دانش‌آموز می‌دهم و می‌گویم آنچه از آیه متوجه شده‌ای، به صورت تصویر نشان بده! از طریق شکل خطوط و رنگی که به کار می‌برد، فهم خود را بیان می‌کند. متأسفانه در کتاب اصلاً به تصویر توجهی نشده است. وقتی دانش‌آموز بتواند با این روش حتی روی یک آیه کار کند، خیلی با ارزش است؛ زیرا زمینه استعداد دانش‌آموز نیز کشف می‌شود.

**میردوند:** خواهر علی بهشتی درباره مشکلات کلاس قرآن فرمودند. خب این اشکال مدیریت در اداره مدرسه را نشان می‌دهد. ولی از نظر بنده رسم الخط قرآن مدرسه عالی است. دختر خودم کلاس اول ابتدایی است. به معلم دخترم گفتم: هیچ کار آموزشی با دخترم نمی‌کنم، ولی با استفاده از همین رسم الخط و در نتیجه آموزش مدرسه، قشنگ می‌تواند قرآن را بخواند. شکر خدا این رسم الخط خیلی موفق است.

بنده از کلاس قرآن، پنج دقیقه را هم اجازه نمی‌دهم. به درس دیگر بپردازند. متأسفانه مدیریت مدارس توجهی ندارند، باید معلم دینی و قرآن اجازه چنین کاری را ندهد. به‌نظرم این رسم الخط اقدام خوبی است و از حسنات جاریه است.

**علی بهشتی:** لازم است یادآور شوم که حجم آیات کتاب زیاد است. ضمن اینکه مفاهیم آن تکراری‌اند. اکثر آنچه آورده‌اند، سؤال برانگیزند. **میرهوند:** اصلاً چیزی به‌عنوان مفاهیم به‌عنوان توضیح آیات ندارد.



**بنده از کلاس قرآن، پنج دقیقه را هم اجازه نمی‌دهم، به درس دیگر بپردازند. متأسفانه مدیریت مدارس توجهی ندارند، که باید معلم دینی و قرآن اجازه چنین کاری را ندهد**



**دربارهٔ بخش فعالیت‌ها نیز در مقدمه نکاتی آمده است و نیز دربارهٔ بخش «بیشتر بدانیم»، بخش «پیشنهاد» و بخش «الهی»، آیا هر یک از این بخش‌ها، یاددهی و یادگیری را آسان می‌کنند؟**  
**علی بهشتی:** در مواردی خیلی کم!  
**جعفری:** می‌تواند، به شرطی که جابه‌جا شود.

### چه‌طور جابه‌جا شود؟

**جعفری:** «بیشتر بدانیم» در اول درس قرار بگیرد تا در دانش‌آموز ایجاد انگیزه بکند.  
**علی بهشتی:** من قبول ندارم، زیرا دانش‌آموز اصلاً آن را نمی‌خواند.

**جعفری:** وقتی در ابتدای درس قرار بگیرد که زندگی یکی از بزرگان دینی را بیان می‌کند، در دانش‌آموز انگیزه ایجاد می‌کند. ما سرکلاس با تنظیم وقت، حتماً «بیشتر بدانیم» را می‌خوانیم. بخش «الهی» را به‌صورت خاصی می‌خوانیم؛ به‌صورت گروهی یا در قالب سرود و از آن مطلب خاصی استنتاج می‌شود. لذا باید در اول کتاب بیاید و همراه با ایجاد انگیزه تا یادگیری دانش‌آموز را افزایش دهد. دانش‌آموز داستان را که می‌خواند، به درس هم توجه بیشتر می‌کند تا بداند درس دربارهٔ چه موضوعی است. پارسال درس اول کتاب «شکرگزار» بود. با دانش‌آموزان بعد از پیش‌مطالعه‌ای که داشتند، رفتیم به نانوایی پدر یکی از دانش‌آموزان. آنجا همه دیدند که چه‌طور با زحمت زیاد و عرق جبین نان را آماده می‌کنند. آن وقت متوجه شدند که نباید نانی را که به خانه می‌آید و حتی خرده‌ریزها را اسراف بکنند. مادر یکی از دانش‌آموزان به من می‌گفت: ما دیگر نان دورریز در خانه نداریم. اگر نانی باشد که واقعاً قابل استفاده نباشد، جلوی پرندگان می‌ریزیم. لذا من بدون برنامهٔ مناسب برای هر درس به سرکلاس نمی‌روم. ولی اگر حجم کتاب کمتر بشود، با توجه به تنگنای وقت، مفیدتر خواهد بود.

**میرهوند:** همان‌طور که عرض کردم و خانم جعفری فرمودند، برای اثبات وجود خدا، فکر کردیم یک داستان واقعی را نقل کنیم. داستان برای دانش‌آموز پایهٔ هفتم خیلی مهم است و همین بخش «بیشتر بدانیم» کتاب، پایهٔ یادگیری دانش‌آموز است. البته اگر پس از آوردن یک آیه داستان بیاید، دانش‌آموز درک می‌کند و «پیام»‌هایش را در می‌یابد. لذا دیگر بخش‌ها را اضافه می‌دانم، اما می‌گویم بروید تحقیق کنید و روایت و داستان‌های دیگری از بزرگان و پیشوایان دینی پیدا کنید که

مثل همین داستان بخش بیشتر بدانیم باشد و بیاورید سرکلاس بخوانید. هر جلسه یکی دو نفر می‌آورند و می‌خوانند که برای اثبات وجود خدا، خوب و مفید بود.

برای اینکه بچه‌ها با کتاب‌ها هم آشنا شوند، پس از تشکیل جلسه‌ای با والدین در اول سال، دانش‌آموزان را به مرکز خرید کتاب ساندچ می‌برم. **علی بهشتی:** همکار محترم می‌روند درست می‌فرمایند. ای کاش در چندین درس چنین داستان‌هایی باشد تا همهٔ معلمان بتوانند این کار را بکنند. اما من که در مدرسهٔ تیزهوشان تدریس می‌کنم، اگر بخواهم بچه‌ها را از در حیاط مدرسه بیرون ببرم. باید مجوز داشته باشم. بارها خواسته‌ام بچه‌ها را به مسجدی ببرم که همسایهٔ مدرسه است، گفته‌اند باید رضایت کتبی والدین باشد که کار مشکلی است.

**جعفری:** ما در آموزش‌وپرورش «سند تحول بنیادین» داریم. در این سند روی ایجاد عدالت آموزشی تأکید شده است. بهره‌مندی دانش‌آموزان از آموزش می‌تواند نمونه‌ای از این عدالت باشد. یکی دیگر از مصادیق عدالت آموزشی، بر خورداری دانش‌آموزان از احکام است. لطفاً به گوش مسئولان برسانید، در قسمتی از کتاب، احکام دینی (اهل سنت و اهل تشیع) حتماً بیاید. به ویژه اگر در پایان کتاب احکام را بیاورند، خیلی بهتر است.

### نظر شما را همکاران آقا نیز یادآوری کردند.

**جعفری:** سند بنیادین باید عملیاتی و اجرا شود، و گرنه هیچ فایده‌ای ندارد و تمام زحمات به هدر می‌روند. یکی از اهداف سند تربیت انسان وارسته و ملتزم به اصول اخلاقی و دینی است. ما باید دانش‌آموز را برای ظهور منجی آماده کنیم. وقتی دانش‌آموز شاهد اختلافات باشد و ببیند این و آن یکدیگر را قبول ندارند، نمی‌تواند برای آن هدف موردنظر آماده شود.

**علی بهشتی:** من همیشه احکام هر دو گروه را برای همهٔ بچه‌ها بیان می‌کنم. هم اهل تشیع و هم اهل تسنن در کلاس حضور دارند و خیلی هم خوب است. لذا باید دقت کرد که لزومی ندارد احکام اختلافی در جزئیات بیابند.

این مورد را هم یادآوری کنیم: بهتر است، «ضمیمهٔ کتاب» پیام‌های آسمان اول سال همراه کتاب باشد تا دانش‌آموزان آن را از جلسهٔ اول داشته باشند. معمولاً آذرماه ضمیمه در دسترس قرار می‌گیرد و اول سال ناچار می‌شویم از آن به تعداد اعضای کلاس کپی تهیه کنیم. اگر ضمیمهٔ کتاب نباشد،

**سند بنیادین باید عملیاتی و اجرا شود، و گرنه هیچ فایده‌ای ندارد و تمام زحمات به هدر می‌روند. یکی از اهداف سند تربیت انسان وارسته و ملتزم به اصول اخلاقی و دینی است**



نمی‌توانیم تدریس کنیم.

**میرهوند:** طرحی که برای موضوع‌های کتاب درسی خدمت شما داده‌ام (۱. اثبات وجود خدا، ۲. آدم و ...) اهمیت دارد، زیرا بچه‌ها احکام را در خانواده یاد می‌گیرند.

اثبات وجود خدا برای همه لازم است. حتی اگر یک نفر مسیحی هم سر کلاس بیاید، متوجه می‌شود که بحث اعتقادی مسلمانان جدی است.

**البته خواسته شما قابل توجه است، ولی باید عنایت کرد که در همین زمینه دیدگاه دیگری هم مبنی بر لزوم آموزش احکام دینی وجود دارد که باید به آن دیدگاه هم توجه شود.**

**میرهوند:** بنده هم مطرح کردم تا نقطه‌ای باشد برای آغاز تفکری که ان‌شاءالله همه چیز بین مسلمانان به سمت هم‌گرایی و وحدت سوق پیدا کند و خدای نکرده مفاد اختلافی در کتاب درسی نباشد.

نویسنده برای آسان‌سازی یاددهی و یادگیری از امکانات متفاوت مثل تصویر استفاده می‌کند. به‌نظر شما بعد هنری و کار گرافیکی کتاب (طراحی صفحه، استفاده از طرح و تصویر، اندازه حروف، عنوان‌های میان‌متنی و ...) در خدمت هدف درس و در راستای آموزش مناسب قرار دارند؟ آیا عنوان کتاب «پیام‌های آسمان» با محتوای کتاب هم‌خوانی دارد؟

**علی بهشتی:** روی جلد کتاب طرح مسجدی را

آورده‌اند که گرچه جالب است، ولی به بچه‌ها القا می‌کند که دین را در نماز خواندن خلاصه کنند. در حالی که دین باید در زندگی جریان بیابد و مبنای اخلاق قرار بگیرد. آموزه‌های دینی باید در رفتار پدر و مادر مشهود باشد. دین این نیست که فقط در رفتار کسی که در مسجد نماز می‌خواند، تجلی بیابد و کسی که در خانه نماز می‌خواند، فکر کنیم چنین نیست. تصویر اهمیت دارد. شما تصویرهای کتاب‌هایی را که در آموزشگاه‌های زبان انگلیسی تدریس می‌کنند، ببینید. خیلی جذاب‌تر از تصویرهای کتاب‌های دینی مدارس است. آن‌ها با دیدن آن عکس‌ها بهتر متوجه درس می‌شوند.

**آنان در کنار مؤلف، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان را دارند و کتاب را با دید روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تألیف می‌کنند. ما این موارد را یا نداریم یا کم داریم.**

**میرهوند:** همان‌طور که می‌فرمایید، باید تمام کارشناسان مناسب موضوع دور هم جمع شوند. به نظرم عنوان کتاب باید تغییر کند. عنوان «دین و زندگی» بهتر است که جای «پیام‌های آسمان» را بگیرد. وقتی به بچه‌ها گفتم، شما از نظر دین‌داری چه نمره‌ای به خودتان می‌دهید، به غیر از یکی از بچه که به خودش نمره ۱۷ داد، بقیه ۹، ۱۰ و ۱۱ به خودشان دادند. پرسیدم: چه کسی گفته است که شما دین ندارید؟ گفتند: این نمره ورود ما به جهنم است. گفتم: چنین نیست،



**بنده این نکته را مطرح کردم تا نقطه‌ای باشد برای آغاز تفکری که ان‌شاءالله همه چیز بین مسلمانان به سمت هم‌گرایی و وحدت سوق پیدا کند و مفاد اختلافی در کتاب درسی نباشد**



**به بچه می‌گوییم:**  
**نماز خواندن ما فقط با این هدف نیست که حرکاتی انجام دهیم، بلکه راهی است برای ارتباط با خداوند و برای اینکه روح ما نیز به شارژ نیاز دارد و نماز و ارتباط و اتصال به خداوند ما را و روح و جان ما را شارژ می‌کند**

بلکه نمره‌های شما ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ است. رحمت خداوند خیلی زیاد است، به شرطی که خودتان هم تلاش کنید که به خداوند نزدیک شوید. بعد یکی پرسید: «خانم من می‌توانم با کت و شلوار نماز را بخوانم؟ مادرم مسخره‌ام می‌کند!» گفتم: «آری می‌توانی بخوانی.» با بچه‌ها باید به زبان خودشان صحبت کرد. نگاه کنید به تصویرهای کتاب، همه یک نوع لباس دارند.

**علی بهشتی:** دانش‌آموزانی که این تصویرها و طرح‌ها را می‌بینند، می‌گویند این‌ها مربوط به ۱۵۰۰ سال پیش‌اند و با زمان ما ارتباطی ندارند.

آیات کتاب درسی قرآن خیلی زیادند و من در کنارش تفسیر و داستان زندگی پیغمبران را می‌گویم. خودم یک «سی‌دی» با محتوای تمام آیاتی که مربوط به معجزه‌اند، فراهم کرده‌ام. می‌گویم، بچه‌ها قرآن فقط برای خواندن و کسب ثواب از این راه نیست، بلکه تعدادی از چیزهایی را که تاکنون و بعدها علم ثابت کرده و می‌کند، در قرآن هست. مثل خلقت انسان از زمانی که نطفه تشکیل می‌شود تا زمانی که می‌میرد و پس از آن. تمام فیلم‌های مربوط به این آیات را در سی‌دی گنجانده‌ام. و به بچه‌ها نشان می‌دهم. علاقه بچه‌ها تا آن حد است که زنگ غیر قرآن هم می‌گویند: «خانم شما به کلاس ما بیایید!»

بیشتر بچه‌ها را به فاز اعجاز قرآن می‌برم تا از آن طریق قرآن را بشناسند. می‌گویم: بچه‌ها نماز خواندن ما فقط با این هدف نیست که حرکاتی انجام دهیم، بلکه راهی است برای ارتباط با خداوند و برای اینکه روح ما نیز به شارژ نیاز دارد و نماز و ارتباط و اتصال به خداوند ما را و روح و جان ما را شارژ می‌کند. ما که از باتری تلفن همراه کمتر نیستیم؛ هر چند ساعت هم به شارژ نیاز دارد وگرنه کار نمی‌کند!

کل واژه‌ها را بچه‌ها روی کارت‌ها می‌نویسند؛ کارت‌هایی که پشتش آهن ربا دارد. با این کارت‌ها مسابقه برگزار می‌کنم. دو نفر از بچه‌ها داور می‌شوند و یکی مجری. من فقط می‌نشینم و نمره هر نفر را می‌دهم. در حقیقت به صورت پازل، آیات را با قرار دادن کارت کلمات کنار هم، کامل و بعد معنی فارسی می‌کنند.

**جعفری:** دانش‌آموزان در این سن و سال تنوع طلب‌اند. دانش‌آموزی می‌گفت: چرا در این کتاب به حج نپرداخته‌اند؟ کتاب نقص دارد و باید رفع

نقص کرد. الان دانش‌آموز ما در سن و سالی قرار دارد که تنوع‌طلب است. خوب به این تنوع‌طلبی تا حدی می‌توان با تنوع بخشیدن به طرح‌ها و تصویرها جواب داد. به‌نظرم خوب است، کتاب دینی از ابتدا تا انتهای دوره تحصیلی یک عنوان داشته باشد. آیا مهارت زندگی فقط در دبیرستان مهم است که عنوان کتاب دبیرستان را «دین و زندگی» گذاشته‌اند؟ برای تمام عمر آدمی اهمیت دارد.

**با فضای مجازی چه‌طورید؟**

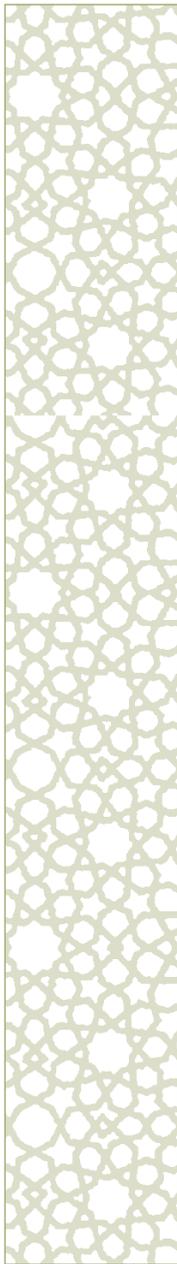
**علی بهشتی:** حتما درباره فضای مجازی باید متناسب با کتاب درس دینی و قرآن بحث شود. برخی از دبیران می‌گویند فضای مجازی را زیاد مطرح نکنیم، زیرا سبب گرایش بچه‌ها به آن می‌شود.

**میرهوند:** بنده با بچه‌ها یک گروه تشکیل داده‌ام. ابتدا بچه‌ها از چارچوب خارج می‌شدند، اما با ایجاد کانال، حالا خانواده‌ها عضو گروه شده‌اند. برنامه‌های روزانه دینی، مسائل علمی، تغذیه سالم، پوشش مناسب و ... را مورد بحث قرار می‌دهیم. من جمع‌بندی کنم. کتاب در دوره ابتدایی برنامه خاص خودش را دارد و در دوره راهنمایی بنای کار را بر این برنامه گذاشته‌ام که برای سال اول متن آن را خدمت شما داده‌ام و بیان کرده‌ام.

بعد از آن باید در پایه دوم به فلسفه زندگی پردازیم. البته نه مستقیم، بلکه باید غیرمستقیم نظریات مخالف را مطرح و با استدلال آن‌ها را رد کنیم. پنهان کردن این فضای فکری ممکن نیست، زیرا در فضای مجازی همه این نظریات وجود دارند و دانش‌آموزان می‌توانند به آن‌ها رجوع کنند، بدون اینکه دیدگاه مخالف آن‌ها را بدانند.

**آوردن این همه موضوع با توجه به کمی زمان تدریس، آیا سبب پراکنده‌گویی نمی‌شود؟ آیا دانش‌آموز در این سن و سال کشش و قدرت هضم مطالب سنگین را دارد؟ گرچه می‌فرمایید نه در یک سال که برنامه چند سال است، ولی حتی یک نظریه جافتاده را نمی‌شود در یک کتاب به‌راحتی رد کرد. چه‌طور می‌خواهید تئوری‌های مختلف جافتاده را که کلی بحث برانگیخته‌اند، در یک درس آن هم در سطح دانش‌آموزی رد کنید؟**

**علی بهشتی:** آن نظریه‌ها باید در کتاب دبیرستان مطرح شوند.



**ما برنامه درسی ملی داریم. همه چیز باید قانونمند باشد. در برنامه درسی ملی آمده است که دانش آموز باید با خود، جهان، جامعه و خدا آشنا بشود و این هدف عصری دارد**

دارند. باید اول این مشکل حل شود. وقتی بزرگ‌تر می‌شوند و تشکیل زندگی می‌دهند، باید قرآن را درست بخوانند تا بچه‌هایشان ببینند که پدر و مادرشان حداقل قرآن را درست می‌خوانند. برای حل این مشکل بزرگ، باید از دوره ابتدایی به آموزش روخوانی و درست‌خوانی قرآنی توجه داشت و در دوره راهنمایی باید آموزش تجوید ببینند.

**جعفری:** همان‌طور که در دوره‌های متوسطه ۱ و ۲ به تخصص معلم توجه می‌شود، در دوره ابتدایی نیز این موضوع باید رعایت شود. نباید اجازه بدهند، هر معلمی کتاب دینی و قرآن را تدریس کند. حتی به معلم ورزش هم اجازه می‌دهند این کتاب را تدریس کند. این کار درست نیست و نتیجه همان می‌شود که همکارمان فرمودند. یعنی در دوره دبیرستان بچه‌ها نمی‌توانند قرآن را صحیح بخوانند. نباید کلاس دینی و قرآن را به درس ریاضی اختصاص داد، این کار تبلیغ ضد دینی است.

**میرهوند:** کتاب باید زیر نظر متخصصان علوم دینی و قرآنی، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت تألیف شود. طراح کتاب هم باید، ضمن تخصص در کار خودش از تعالیم دینی و قرآنی، مطلع باشد تا بتواند طرح‌ها و تصویرهایی را خلق کند که دانش‌آموز با دیدن آن‌ها به تفکر وادار شود. دروس را باید از این وضع پراکنده خارج کنند. می‌توانند برای هر درس از یک رنگ استفاده کنند. چاپ کتاب باید چشم‌نوازتر و جذاب‌تر شود. نباید صفحات زیاد سفید باشند. به‌طور کلی با پراکندگی کنونی مطالب این کتاب، به نظرم هدفش سردرگم کردن دانش‌آموزان است.

**علی بهشتی:** هر سال کلی برای چاپ کتاب هزینه می‌شود، چرا؟ به این علت که دانش‌آموزان امسال که به کلاس بالاتر می‌روند، کتاب‌های قبلی را دور می‌ریزند. حتی در یک خانواده هم که چند نفر دانش‌آموز دارد، همین کار را می‌کنند. این کار اسراف و هدر دادن اموال عمومی است. باید کتاب‌ها طوری چاپ شوند که دانش‌آموزان مثل جواهر از آن‌ها محافظت کنند و در پایان سال کتاب‌های سالم و تمیز سال قبل را تحویل بدهند و کتاب سال جدید را دریافت کنند. باید در این زمینه فرهنگ‌سازی کرد. به این ترتیب، هزینه هنگفتی را که هر سال صرف چاپ کتاب‌های درسی می‌شود، می‌توان صرف نیازهای دیگر مدارس کرد.

**متشکریم، موفق باشید.**

**میرهوند:** عرض کردم که دوره متوسطه اول این برنامه‌ها را دارد. ما فکر می‌کنیم ساعت تدریس کم است. وقتی کتاب از برنامه‌هایی مثل بیندیشیم و برنامه‌های دیگر پر شده است، قطعاً زمان کافی باقی نمی‌ماند. ولی اگر ابتدا آیه‌ای بیاید و بعد داستان مرتبط را بدون سؤال‌های پراکنده بیاوریم، زمان کافی در اختیار خواهیم داشت.

الان دخترم در دوره ابتدایی دارد مطالبی می‌خواند که دانش‌آموز دبیرستانی هم متوجه نمی‌شود. چرا؟ برای اینکه متوجه شده اند، مغز انسان قابلیت جذب دارد، اما ما نباید مطالبی از این شاخه و از آن شاخه وارد ذهنش کنیم. باید هدفمند برنامه‌ریزی کرد. به نظرم برنامه‌ای که ارائه داده‌ام، برای رسیدن به همین هدف تهیه شده است. می‌تواند در پایه‌های متفاوت تحصیلی ادامه یابد و در دوره دبیرستان به دیدگاه فلاسفه می‌رسد که می‌توان آن را به‌صورت تطبیقی یا دیدگاه اسلام بررسی کرد و در درس‌های دو صفحه‌ای، رجحان فکر اسلامی را به‌صورت مستدل نشان داد. به این ترتیب بنیان اعتقادی دانش‌آموزان تقویت می‌شود.

**جعفری:** ما برنامه درسی ملی داریم. همه چیز باید قانونمند باشد. در برنامه درسی ملی آمده است که دانش‌آموز باید با خود، جهان، جامعه و خدا آشنا بشود و این هدف عصری دارد که عبارت‌اند از: تعقل، علم، عمل، اخلاق و همه هم در این کتاب خلاصه می‌شوند. اما معلم دینی به‌تنهایی نمی‌تواند این برنامه را اجرا کند و اعضای جامعه فرهنگی همه باید دست به دست هم بدهند تا بتوانند براساس آنچه خدا، پیامبر و معصومین خواسته‌اند، برنامه تحول بنیادین نظام آموزشی را اجرا کنند. لذا ما باید فرمان را بر کتاب درسی متمرکز کنیم و ببینیم چه موضوع‌هایی برای تعالی دانش‌آموز در آن گنجانده شود. با خودمختاری نمی‌توان برنامه‌ای را پیش برد. باید براساس قانون حرکت کنیم. ما هر کدام روش تدریسی داریم، ولی باید این روش تحقق برنامه کتاب باشد.

**میرهوندی:** ما هم درباره همین کتاب داریم صحبت می‌کنیم و با استدلال گفتیم: این کتاب با این موضوع‌ها کارآمدی کمتری دارد.

**می‌رسیم به دقایق پایانی گفت‌وگو درباره کتاب پایه هفتم، «پیام‌های آسمان».** صحبت‌های شما را برای ختم جلسه می‌شنویم.

**علی بهشتی:** در قرآن بچه‌ها مشکل روخوانی



## وسایل کمک آموزشی در آموزش قرآن

حسین کریمی  
دبیر معارف ناحیه یک قزوین

### مقدمه

بوده و اولین آموزش در مدارس، درست خواندن قرآن بوده است. «این امر چند دلیل داشت. در وهله اول جنبه متبرک کردن آموزش و تعلیم بود که با این کتاب آسمانی روح معنویت و تعالی در امور آموزشی دمیده می‌شد. عامل دیگر این بود که اگر به هر دلیلی متعلم توانایی ادامه تحصیل نداشت، از یادگیری این امر مهم غافل نباشد»<sup>۱</sup> (اعرابی، سال ۸۵). این روش مرسوم و دیرینه تا به امروز هم ادامه دارد و درست خواندن این کتاب در اولویت قرار دارد. این وظیفه مهم بر عهده دبیران گرامی معارف است که با توجه به اهمیت و ضرورت یادگیری آیات کتاب آسمانی قرآن و برای جذب و ترغیب بیشتر دانش‌آموزان، از وسایل کمک آموزشی جدید و مفید استفاده کنند و از روش سنتی تلاوت آیات توسط دبیران محترم بپرهیزند.

در کتاب‌های دین و زندگی دوره‌های متوسطه اول و دوم آیاتی از قرآن مجید قرار داده شده‌اند. یکی از اهداف آموزشی این کتاب‌ها آموزش روخوانی و روان‌خوانی است. از آنجا که تکرار و قرائت این آیات توسط دبیران محترم صورت می‌پذیرد، اگر برای تلاوت آن‌ها از وسایل الکترونیکی جدید استفاده شود، آموزش سریع‌تر و به سهولت انجام می‌گیرد و به روش جدید کارایی بیشتری خواهد داشت و موجب نظارت بیشتر معلمان بر آموزش خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** اسپیکر، وسایل کمک آموزشی، کلاس هوشمند

از دیرباز در بیشتر کشورها و مناطق مسلمان‌نشین دنیا برنامه آموزشی در محل‌های آموزشی، آموزش و روخوانی کتاب آسمانی قرآن

# آموزش قرآن

در عموم مدارس که به فناوری‌های لازم از جمله به کلاس‌های هوشمند یا نیمه‌هوشمند مجهز نیستند، دبیران گرامی می‌توانند با تهیه یک دستگاه اسپیکر ساده و معمولی که قابلیت پخش انواع برنامه‌های صوتی را دارد، تلاوت آیات دروس مربوطه را با صدای قاریان برتر و مطرح کشوری و بین‌المللی پخش کنند. در هنگام پخش این آیات می‌توانند توضیحات لازم را در خصوص تجوید و به‌کارگیری قواعد قرآن ارائه دهند و به‌علاوه، در کنار این آموزش و برای تکمیل آموزش و حتی استفاده از آموزش‌های استادان دیگر در زمینه انواع سخنرانی‌های مذهبی و در ایام و مناسبت‌های لازم، این وسیله می‌تواند کارایی لازم را داشته باشد.

نحوه استفاده از این وسیله راحت و ساده است. همکاران گرامی می‌توانند برنامه‌های صوتی تلاوت و آموزش آیات درس‌های دین و زندگی را از منابع معتبر و حتی اینترنت تهیه، دانلود و در فلش ذخیره کنند و در کلاس درس فلش را به اسپیکر متصل و کار آموزش را شروع کنند. حتی در مدرسی که کلاس هوشمند و کلاس الکترونیکی هم وجود دارد، استفاده از این وسیله می‌تواند کمک مناسبی باشد؛

طوری که نیازی به جابه‌جایی دانش‌آموزان و رفتن به کلاس هوشمند نیست و آموزش در همان کلاس مربوطه صورت می‌گیرد. این طرح را که بنده در طول دو سال اخیر هر از چند گاهی اجرا می‌کنم، چند مزیت دارد: ۱. نوآوری و تنوع در امر آموزش و جذب و جلب توجه بیشتر دانش‌آموزان و در نتیجه بازدهی بیشتر و یادگیری بالاتر؛ ۲. درست و صحیح تلاوت کردن آیات مربوطه که توسط قاریان مهم و مطرح صورت می‌گیرد؛ ۳. استفاده و به‌کارگیری انواع فایل‌های صوتی در رابطه با آموزش مطالب کتاب‌های مربوطه؛ ۴. آموزش نحوه درست استفاده از فناوری‌های جدید و تبلیغ و ترویج اخلاق و در حوزه فناوری اطلاعات<sup>۱</sup>.

## نتیجه‌گیری

توجه به آموزش تجوید و درست و روان‌خوانی قرآن به‌عنوان کتاب آسمانی ما مسلمانان باید بیش از پیش مورد توجه قرار بگیرد. در راستای این امر می‌توان از وسایل کمک‌آموزشی جدید استفاده کرد و به نتایج بهتری رسید.

**توجه به آموزش تجوید و درست و روان‌خوانی قرآن به‌عنوان کتاب آسمانی ما مسلمانان باید بیش از پیش مورد توجه قرار بگیرد**

### پی‌نوشت‌ها

۱. آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، ص ۷۷
۲. مآخذشناسی فناوری اطلاعات، ص ۱۲

### منابع

۱. علیرضا اعرابی. آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت. جلد اول. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم. سال ۸۵
۲. مآخذشناسی اخلاق فناوری اطلاعات و ارتباطات. حسینعلی رحمتی. ۱۳۹۲. انتشارات دانشگاه قم. قم.
۳. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

## اشاره

با بررسی پیشینهٔ حجاب در میان اقوام و ملل گوناگون به نظر می‌رسد لباس و پوشش به تدریج و بر اثر تمدن‌ها ایجاد نشده است، بلکه انسان‌های نخستین، یا به تعبیر بهتر، نخستین انسان‌ها، به‌طور فطری به آن گرایش داشته‌اند و بنا بر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت‌ها و آیین‌های جهان، حجاب در بین زنان، معمول بوده است. در این نوشتار سعی شده است ابتدا تعریفی از واژه‌های حجاب و عفاف و مفاهیم مرتبط با آن‌ها ارائه گردد و همچنین تاریخچهٔ حجاب و وضعیت آن در میان اقوام و ملل گوناگون و آثار حجاب و عفاف مورد بررسی قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** حجاب، عفاف، لباس، ملل، پوشش عرفی، پوشش دینی، پوشش قانونی

## مقدمه

حجاب همواره با حفظ و حراست و مراقبت همراه است. در واقع حجاب اسم چیزی است که به وسیلهٔ آن خود را می‌پوشاند و هر چیزی که بین دو شیء حائل می‌شود. با استناد بر آیهٔ حجاب (سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۳) اصل حجاب فقط برای همسران پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تشریح شده است. اما ستر یا پوشش، حفظ حدود، حریم، عفاف و ... مربوط به همهٔ زنان مؤمن و مسلمان است. در سال‌های اخیر از پوشش با تعبیر حجاب یاد می‌شود اما حجاب و ستر با هم مترادف نیستند. حجاب و پوشش حریم ظاهری ست و حدود مشخص شده در نگاه، گفتار و ارتباطات غیرکلامی، حریم غیرظاهری آنان است. به تعبیر بسیاری از افراد، پوشش مناسب شامل آراستگی، وقار و نظم در ظاهر است. بنا بر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت‌ها و آیین‌های جهان، حجاب در بین



# حجاب و پوشش در ادیان و ملل

مژگان شاپوریان

دبیر شهرستان زاهدان و مدرس دانشگاه فرهنگیان

زنان، معمول بوده است. تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش زن را واجب و لازم شمرده‌اند. در ادیان زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام، همان‌طور که در ادامه بررسی خواهد شد، حجاب زنان امری لازم بوده است.

### مفهوم لغوی حجاب

به گفته اهل لغت، این واژه به صورت متعدی و به معنای در پرده قرار دادن به کار می‌رود. «حجبت الشيء.. اذا سترته، و الحجاب: السُّتر... احتجبت الشمس فی السحاب اذا تستترت فیهما. حجاب، پوششی است که روی شیء را فرا می‌گیرد و حجاب یعنی پرده... زمانی که خورشید در ابر فرو می‌رود عرب می‌گوید: احتجبت الشمس فی السحاب» (ابن درید).

### معنای لغوی عفاف

عفاف با فتح حرف اول، از ریشه «عفف» است. «عفت» حالت نفسانی است که مانع تسلط شهوت بر انسان می‌گردد و انسان عقیف کسی است که با تمرین و تلاش مستمر و با پیروزی بر شهوت، به این حالت دست یافته باشد (اصفهانی). پایه عفاف، خویشنداری است یا «عفت»: خویشنداری از آنچه حلال و زیبا نیست) و ردپایی از جنسیت یا اختصاص به جنس خاص (زن) در معنی لغوی عفاف، وجود ندارد (ابن منظور).

### تاریخچه حجاب

#### حجاب در یونان و روم باستان

زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند. این پوشش آن‌ها که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و امِرجوسو و در دیگر جزایر ساخته می‌شد. زنان فنیقی نیز دارای پوششی به رنگ قرمز بودند. سخن درباره حجاب، در لابه‌لای کلمات قدیمی‌ترین مؤلفان یونانی نیز به چشم می‌خورد؛ از جمله «بنیلوب»، همسر پادشاه «عولیس» فرمانروای ایதாக نیز، با حجاب بوده است. زنان شهر «تیب» دارای حجاب خاصی بوده‌اند؛ به این صورت که حتی صورتشان را نیز با پارچه می‌پوشانده‌اند. این پارچه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتوانند ببینند. در اسپارته دختران تا موقع

ازدواج آزاد بودند ولی بعد از ازدواج خود را از چشم مردان می‌پوشاندند (دایرةالمعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان).

### حجاب در هند

درست روشن نیست که حجاب قبل از نفوذ اسلام یا بعدها پس از آن در هند رواج یافته است. آنچه مسلم است این است که حجاب هندی نیز نظیر حجاب ایران باستان سخت و شدید بوده است. از گفتار **ویل دورانت** در جلد دوم «تاریخ تمدن» چنین بر می‌آید که حجاب هندی به وسیله ایرانیان مسلمان در هند رواج یافته است. (دورانت، ۱۳۷۸).

### حجاب در ایران باستان

در ایران باستان زنان و مردان هیچ‌گاه برهنه ظاهر نمی‌شدند. آن‌ها به تناسب محل زندگی، آب‌وهوا، شیوه کار و زندگی هر شهر و روستا پوشش‌های گوناگونی داشتند، که نمونه آن‌ها را هم اکنون در پوشش زنان گیلکی، مازندرانی، کرد، لر، بلوچ، بختیاری و اقوام دیگر و زرتشتیان مشاهده می‌کنیم. از ویژگی‌هایی که در این گونه پوشش‌ها به شکل یکسان وجود دارد، نخست اینکه این پوشش‌ها با رنگ‌های طبیعت همگون‌اند، یعنی رنگ‌های سرخ، سبز، ارغوانی، زرد و دیگر رنگ‌ها در پوشش آنان بوده است. دوم اینکه در همه پوشش‌ها دستان زن و مرد برای اجرای کارها، به‌ویژه برای کشاورزی، آزاد بود. نمونه پوشش‌ها را در اقوام لر، کرد، بلوچ، گیلکی و... می‌توان یافت. (دورانت، ۱۳۷۸).

### مادها

پوشش زنان در دوران مادها با توجه و تکیه بر نقوش برجسته برج مانده با پوشاک مردان یکسان بوده است. البته مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده می‌شوند. به نظر می‌رسد که زنان پوششی نیز روی سر خود گذارده‌اند و از زیر آن گیسوهای بلندشان نمایان می‌شده است. (ضیاءپور، ۱۳۰۷)

**عفاف با فتح حرف اول، از ریشه «عفف» است. «عفت» حالت نفسانی است که مانع تسلط شهوت بر انسان می‌گردد و انسان عقیف کسی است که با تمرین و تلاش مستمر و با پیروزی بر شهوت، به این حالت دست یافته باشد (اصفهانی)**

## هخامنشیان

به نظر می‌رسد پوشش زنان در دوران هخامنشیان با دوران مادها چندان تفاوتی نکرده است. در این باره نوشته‌اند: از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی برمی‌خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای راسته‌چین و آستین کوتاه است. به زنان دیگر آن دوره نیز برمی‌خوریم که از پهلو بر اسب سوارند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود می‌افکندند و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری می‌پوشیدند که تا مچ پا نمایان می‌شده است. (ضیاءپور، ۱۳۰۷)

## اشکانیان

لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین، گشاد، پرچین، آستین‌دار و یقه‌راست بوده است. پیراهن دیگری داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند و قد آن نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه‌باز بوده است. روی این دو پیراهن نیز چادر سر می‌کردند. چادر زنان اشکانی به رنگ‌های شاد و ارغوانی یا سفید بوده است. گوشه چادر در زیر یک تخته فلزی بیضی منقوش قرار می‌گرفت یا با دکمه‌ای که به وسیله زنجیری به گردن افکنده شده، بسته می‌شد. این چادر به نحوی روی سر می‌افتاده که عمامه (نوعی کلاه زنانه) را در قسمت عقب و پهلوها می‌پوشانیده است. در کتاب «پارتیان» آمده است: «زنان عهد اشکانی قبایی تا زانو بر تن می‌کردند، باشنلی که برافکنده می‌شد و نیز نقابی داشتند که معمولاً به پس سر می‌آویختند.» (ضیاءپور، ۱۳۰۷)

## حجاب در ادیان بزرگ الهی

### الف) حجاب در شریعت حضرت ابراهیم (ع)

در آیین مقدس حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) مسئله پوشش زنان، حائز اهمیت بوده است. در کتاب تورات چنین می‌خوانیم: «رفقه چشمان خود را بلند کرده و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد. از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید؟ خادم گفت: «آقای من است.» پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید.» از این بیان روشن می‌شود که پوشش زن در مقابل نامحرم در شریعت حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) وجود داشته است؛ زیرا «رفقه» در مقابل اسحاق که به او نامحرم بود، از شتر پیاده

شد و خود را پوشاند تا چشم اسحاق به او نیفتد. (دورانت، ۱۳۷۸)

### ب) حجاب در آیین یهود

در اصول اخلاقی «تلمود» - که یکی از کتاب‌های مهم دینی و در حقیقت فقه مدون و آیین‌نامه زندگی یهودیان است - آمده «اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، چنانچه مثلاً بی‌آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سنخی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود همسایگان می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» (دورانت، ۱۳۷۸)

### ج) حجاب در آیین مسیحیت

در کتاب انجیل آمده است: پولس در رساله خود به قدنتیان تصریح می‌کند: «اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح، خدا. هر مردی که سر پوشیده دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا می‌نماید. اما هر زنی که سر برهنه دعا کند، سر خود را رسوا می‌سازد؛ زیرا این چنان است که تراشیده شود. زیرا اگر زن نمی‌پوشد، موی را نیز ببرد و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید بپوشد؛ زیرا که مرد را نباید سر خود را بپوشد چون که او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است؛ زیرا مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد. از این جهت زن می‌باید عزتی بر سر داشته باشد، به سبب فرشتگان در دل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند.»

پس در جایی که برای دعا باید سر زن پوشیده باشد، به هنگام روبه‌رو شدن با نامحرم پوشش سر لازم‌تر خواهد بود و نیز در انجیل، در رساله پولس، به تیموتائوس می‌گوید: «و همچنین زنان خود را بیارایند به لباس حیا و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها، بلکه چنان که زنانی را می‌شاید که دعوای دینداری می‌کنند به اعمال صالحه.» (دورانت، ۱۳۷۸)

### د) آیین زرتشتی

پوشاکی که بانوان زرتشتی از آن استفاده می‌کنند،

در کتاب انجیل آمده است: پولس در رساله خود به قدنتیان تصریح می‌کند: «اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مسیح، خدا»

## راهکارهای گسترش حیا، عفاف و حجاب در جامعه

۱. آگاهی‌بخشی به شیوه‌های جذاب و متناسب با ادبیات نسل جوان؛
۲. ارتقای سطح اخلاق و معنویات در جامعه، با استفاده از ابزار تشویقی و توسعه فرهنگ کتاب‌خوانی در زمینه اخلاق و معنویت؛
۳. مبارزه با مظاهر فساد و بی‌حرمتی و توجه به ورودی‌های فرهنگی از طریق ماهواره، اینترنت و ...؛
۴. جایگزین کردن برنامه‌هایی که با فرهنگ غنی دینی و ملی متناسب و در عین حال از جذابیت کافی برخوردار باشند؛
۵. توجه ویژه به دانش‌آموزان دبستانی و متوسطه و آموزش کارآمد و اصولی مفاهیم معنوی به آنان؛
۶. استفاده از رسانه ملی جهت تبیین باورهای دینی و مفاهیمی چون حیا، عفاف و ... در مجموعه‌های داستانی و فیلم‌های سینمایی؛
۷. ارائه الگوهای مناسب حجاب، با توجه به اوضاع زمانی و موفقیت‌های اجتماعی افراد (قالب‌سازی و شکل‌دهی، همخوان با محیط)؛
۸. اهتمام در فراهم کردن شرایط ازدواج و تسریع در آن برای جوانان. (اسحاقی، ۱۳۸۷)

## نتیجه‌گیری

از بررسی و مقایسه حد و کیفیت حجاب در آیین‌های چهارگانه، استنباط می‌گردد که حجاب در آیین‌های دیگر، نسبت به اسلام از شدت بیشتری برخوردار بوده است. بنابراین، نه تنها اسلام واضع قانون حجاب نبوده، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده است، به قانونمندی کردن و تنظیم آن همت گماشته و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن و غیرتمندی مرد، ارائه نموده است.

اگرچه رسم حجاب در بین اقوام غیرعرب مرسوم بوده اما حجاب در بین زنان عرب نشئت گرفته از اقوام دیگر نیست. حکم حجاب به طور واضح در سال هشتم هجری نازل شد و این زمانی بود که هنوز اسلام از جزیره‌العرب پای بیرون نگذاشته بود و به دنبال آن، زنان مسلمان عرب از این دستور پیروی کردند. در دو سال باقی‌مانده از عمر رسول خدا(ص) گزارش‌هایی موجود است که آن جناب با کسانی که هنوز خود را با وضعیت جدید تطبیق نداده بودند برخورد می‌نمود.

شبهاتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد. چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و بُرش، همان شلوار بانوان کرد آذربایجان غربی است و کلاهک، همان کلاهک بانوان بندری است. (ضیاءپور، ۱۳۰۷)

## هـ) پوشش زنان عرب قبل از اسلام

شواهد متعددی از قرآن حاکی از این نکته است که در جامعه عرب قبل از اسلام، زنان برای حضور در اجتماع پوشش مناسب و مطلوبی نداشتند. به همین دلیل، همسران پیامبر - صلوات‌الله و سلامه علیه‌وآله - از متابعت آن الگو منع می‌شوند: یا نساء النبی لستن كأحد من النساء ان اتقین فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولوا المعروفا و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولی

ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید. اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است، طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید. و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید. (احزاب، ۳۲-۳۳).

دستورهای اصلاحی اسلام نسبت به پوشش زنان نیز حاکی از برخی نقص‌ها و کاستی‌ها در پوشش زنان آن دوره و فاصله آن با پوشش مورد سفارش اسلام است: یا ایها النبی قل لاوزاجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله عفورا رحیما. ای پیامبر، به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک‌تر است و خدا آمرزنده مهربان است احزاب، ۵۹.

همین نکته، از آیات سوره نور نیز که درباره آن‌ها بحث خواهد شد، فهمیده می‌شود. شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور اشاره‌ای به کیفیت پوشش قبل از دستور حجاب دارد. در این شأن نزول آمده است: «کان النساء یتقنعن خلف آذانهن؛ زنان دنباله مقنعه خود را به پشت گوش‌های خود می‌انداختند.» بنابراین، گلو و بناگوش آن‌ها هویدا بود. تاریخ‌پژوهان نیز این نکته را که زنان جزیره‌العرب حجاب مناسبی نداشتند، تأیید می‌کنند. (جواد علی).

ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید. اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است، طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید

### منابع

#### قرآن کریم

- انجیل، رساله پولس به تیموثائوس، باب دوم، فقره ۹ - ۱۵  
تورات، سفر پیدایش، باب ۳، آیات ۶ - ۸ و ۲۰ - ۲۱  
ابن درید، محمد، جمهرة اللغة، ذیل واژه حجب  
جواد علی، المفضل فی تاریخ العرب، ج ۴، ص ۶۱۷، یحیی جبوری، الجاهلیه، ص ۷۲ و مرتضی مطهری، همان، ج ۱۹، ص ۳۸۵-۳۹۱  
دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی و... انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم: تهران ۱۳۷۱  
رابع اصفهانی حسین، مفردات الفاظ قرآن، ذوی القربی، قم، ۱۴۱۶ ق  
سال‌نمای ۱۳۷۲، انجمن زرتشتیان تهران.  
ضیاءپور، جلیل؛ پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان، تهران

اختصاص داده‌اند. در هر کتاب از این مجموعه، ۴۰ آیه کاربردی از قرآن کریم، به همراه ترجمه و تفسیر و داستان آمده است. این کتاب‌ها با هدف تربیت اسلامی دانش‌آموزان و الگوپذیری از آیات نجات‌بخش قرآن کریم فراهم آمده‌اند.

### ع کتاب کار مدیران دارالقرآن الکریم

کتاب دربردارنده دو بخش اصلی است. در یک بخش مجموعه قوانین و شیوه‌نامه اجرایی به همراه راهکارها و قوانین تشکیل و اداره دارالقرآن‌ها آمده و بخش دیگر تجارب موفق و ارزنده‌ای را از برخی از مراکز در سطح کشور نقل می‌کند؛ تجاربی که به در پیش گرفتن وحدت رویه برای اداره دارالقرآن‌ها، اجرای طرح‌ها و برنامه و ارائه خدمات به قرآن‌آموزان عزیز مدد می‌رساند.

### ع گنجینه تلاوت

گردآوری ۶۰ هزار دقیقه فایل تصویری، ۱۴ دوره ترتیل ۳۰ جزء قرآن کریم، به همراه آموزش صوت و لحن، آموزش روخوانی و روان‌خوانی و... کاری قابل تحسین است که یادآور کار دانش‌نامه‌ای است. این مجموعه عظیم باید برای استفاده‌کنندگان آن آسان‌یاب باشد تا علاقه‌مندان بتوانند به راحتی به آنچه نیاز دارند دست یابند. گنجینه تلاوت با همین هدف تألیف و تدوین شده و کتاب راهنمای کاربران از فایل صوتی و تصویری قاریان بین‌المللی ایرانی و خارجی و دیگر محتواهاست.

### ع مجموعه کتاب‌های تفسیر

هر رشته از مسابقات دانش‌آموزان نیازمند منابع مشخصی است که از مجاری شناخته شده و رسمی در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد؛ به ویژه در مناطق دوردست و شهرهای کوچک و روستاها، اگر راه‌های مشخصی برای تهیه منابع نباشد، مساوات برای رقابت فراهم نمی‌شود. اداره کل قرآن، عترت و نماز، با توجه به این موضوع مهم در تمام رشته‌های آموزشی و مسابقه‌ها به تهیه کتاب‌های همگن اقدام کرده است. برای مسابقات تفسیر نیز یک مجموعه کتاب در هفت جلد با عنوان «بهره بیشتر از تفسیر قرآن کریم» تدوین و چاپ کرده است که هر جلد ترجمه و تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن ویژه دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم متوسطه را شامل می‌شود. کتاب‌ها برای هر پایه تحصیلی مجزا هستند

## معرفی آثار اداره کل قرآن، عترت و نماز

### اشاره

اداره کل قرآن، عترت و نماز در معاونت پرورشی و فرهنگی آموزش و پرورش، به دلیل مأموریت ستادی در طراحی برنامه‌ها در چارچوب وظایف محوله برای تدارک فوق برنامه، تولیدات گوناگونی را دنبال می‌کند. آنچه در قالب کتاب یا نرم‌افزار آماده می‌شود، در واقع هدفی جز تشریح و تبیین طرح‌های مختلف برای همکاران اداره کل در کشور ندارد تا طرح و برنامه‌ها به صورت فعالیت‌های همگن و منظم جریان یابد. اما آثار دیگر که بخش اصلی تولیدات را در برمی‌گیرند، مواد آموزشی در حوزه قرآن، عترت و نمازند. همچنین، شامل مفادی برای مسابقات می‌شود تا رقابت‌ها در سراسر کشور و در مراحل چهارگانه عادلانه و براساس محتوای از پیش مهیا برگزار شوند؛ محتوایی که از پیش در اختیار همگان قرار می‌گیرد. اینک به معرفی تولیدات این اداره کل می‌پردازیم:

### ع درس‌نامه‌های حفظ موضوعی قرآن (نورباران):

الف. شامل چهار جلد کتاب‌های حفظ قرآن کریم که در هر جلد ۲۰ آیه متناسب با معیارهای آموزشی و پرورشی و اهداف دوره‌های تحصیلی آمده است.

برای هر یک از پایه‌های اول، دوم و سوم یک جلد و برای پایه‌های چهارم تا ششم ابتدایی فقط یک جلد اختصاص یافته است.

ب. برای حفظ موضوعی در دوره‌های اول و دوم متوسطه مجموعه‌ای شش جلدی تألیف و منتشر کرده‌اند و به هر پایه یک جلد

و نیاز هر چهار مرحله مسابقات (آموزشگاهی، منطقه‌ای، استانی و کشوری) در آن لحاظ شده است.

### ع مجموعه کتاب احکام

این مجموعه در دو دوره سه جلدی جداگانه چاپ و منتشر شده است.

الف. سه کتاب احکام راه آسمان، خاص دختران دانش‌آموز؛

ب. سه کتاب احکام راه سبز، خاص پسران دانش‌آموز؛

خاص به این دلیل است که منبع مسابقات رشته احکام در مراحل چهارگانه (آموزشگاهی، منطقه‌ای، استانی و کشوری) به حساب می‌آید. پایه تحصیلی کتاب‌ها نیز مشخص شده است.

### ع مجموعه کتاب‌های امام‌شناسی

این مجموعه ۱۷ جلدی با عنوان کلی «مصباح‌الهدی» برای دوره‌های ابتدایی و متوسطه تألیف شده است:

الف. از این مجموعه سه جلد کتاب امام‌شناسی ویژه دوره‌های ابتدایی اول و دوم هستند. محتوای این مجموعه را با هدف ایجاد انس و محبت در دانش‌آموزان این دوره‌ها به اهل بیت پیغمبر خدا(ص) در قالب داستان تدارک دیده‌اند. هر کتاب ۱۴ قصه دارد و در سه کتاب ۴۲ قصه از ۱۴ معصوم(ع) آمده است.

ب. مجموعه ۱۴ جلدی امام‌شناسی برای دانش‌آموزان دوره‌های متوسطه اول و دوم قابل بهره‌برداری است و هر جلد حاوی پرتوی از زندگی‌نامه و سیره یکی از معصومان چهارده‌گانه می‌شود. تولیدکنندگان مجموعه مصباح‌الهدی، سه توصیه به علاقه‌مندان کرده‌اند: اول، هر یک از مدارس دوره ابتدایی و متوسطه هر دو مجموعه (۳ و ۱۴ جلدی) را برای کتابخانه‌شان تهیه کنند.

دوم، مدارس ابتدایی کتاب‌های تک‌جلدی را با توجه به تعداد کلاس‌ها و دانش‌آموزان و فرهنگیان تهیه کنند و

سوم، مدارس متوسطه کتاب‌های تک‌جلدی (از مجموعه ۱۴ کتاب) را با توجه به معصوم(ع) تعیین شده در طرح امام‌شناسی مصباح‌الهدی و تعداد دانش‌آموزان و فرهنگیان سفارش بدهند.

### ع مجموعه کتاب‌های صحیفه سجادیه

مجموعه هفت جلدی صحیفه سجادیه با

عنوان «راهنمای زندگی» ویژه مسابقات در چهار مرحله است. در این مجموعه، علاوه بر مرور زندگی‌نامه امام چهارم **علی بن الحسین(ع)** معروف به امام سجاد(ع) شرح فرازهایی منتخب از دعا‌های آن حضرت آمده است. این مجموعه باید به تفکیک پایه‌های تحصیلی برای شرکت در مرحله مسابقه آموزشگاهی تهیه شود.

این مجموعه برای تمام علاقه‌مندان به دعا‌های امام زین‌العابدین قابل استفاده است.

### ع مجموعه کتاب‌های نهج البلاغه

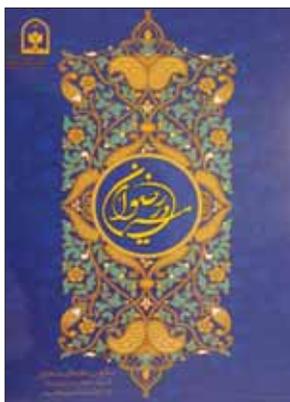
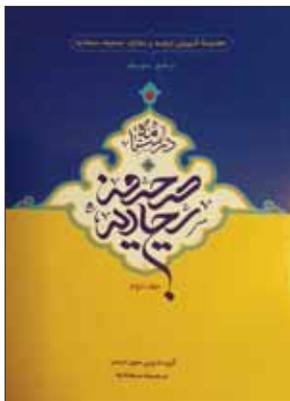
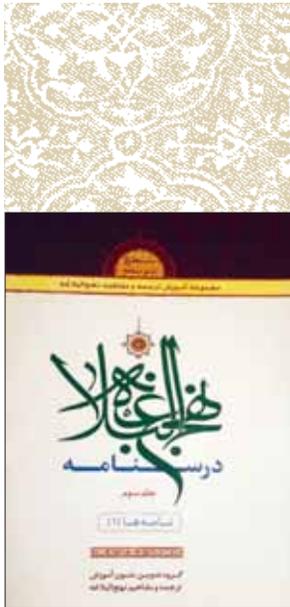
این مجموعه را در هفت کتاب با نام عمومی «گنجینه عظیم» آماده کرده‌اند. این مجموعه ویژه مسابقات دربردارنده پرتوی از زندگی‌نامه امیرالمؤمنین علی(ع) به همراه شرح خطبه‌های منتخب نهج البلاغه است. استان‌ها لازم است کتاب‌ها را با تفکیک پایه تحصیلی دوره‌های اول و دوم متوسطه، برای مسابقه مرحله آموزشگاهی تهیه کنند.

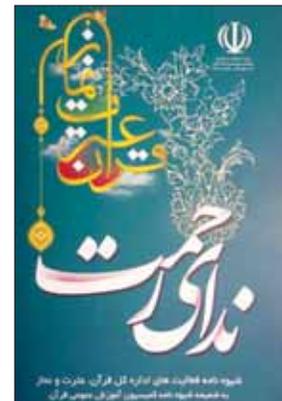
### ع بر بال تجربه

مجموعه وزارت آموزش و پرورش در سطح کشور از همکاران کوشا، ماهر و با تجربه‌های ذی‌قیمت در انواع رشته‌ها برخوردار است. بین این گنجینه تمام‌نشدنی و بعضاً ناشناخته، معلمان و فعالان قرآنی نیز حضور پررنگی دارند. شناخت آنان و معرفی تجربه‌های آموزشی و طرح و برنامه‌های ابتکاری آنان در عرصه قرآنی، راهی برای ترویج و تعمیق فرهنگ قرآنی در میان دانش‌آموزان است. «بر بال تجربه» در راستای این هدف، دربرگیرنده مجموعه‌ای از طرح‌ها و ابتکارات قرآنی معلمان، مدیران و فعالان قرآنی کشور است. این تجربه‌ها که در کنار هم در یک کتاب جمع آمده‌اند، می‌توانند برای همگان مفید باشند، به‌ویژه برای کسانی که با آموزش قرآن ارتباط دارند، با خواندن این کتاب با راه‌ها و شیوه‌هایی مواجه می‌شوند که ممکن است تاکنون بدان‌ها توجه نکرده باشند.

### ع نشریه تربیت قرآنی، عترت و نماز

می‌توان گفت این نشریه زبان اداره کل قرآن، عترت و نماز و یکی از راه‌های ارتباطی دوسویه معلمان و مربیان و فعالان قرآنی با اداره کل و به عکس است. تهیه‌کنندگان نشریه اصرار دارند «همکاران محترم» در تولید محتوای آن نقش





بارزی به عهده بگیرند. همکاران می‌توانند با تهیه گزارش، معرفی چهره‌های قرآنی، معرفی تولیدات و مراکز پرورشی، تولید مقاله و... در پربارتر شدن و کیفی کردن نشریه نقش مهمی داشته باشند. این نشریه در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ در هفت شماره تهیه و منتشر شد. در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ نیز وعده چاپ ۱۰ شماره را داده‌اند. نشریه، به ویژه برای همکاران از مدیران و مربیان، مفید است.

### ۶ دفترچه یادداشت

این دفترچه ۸۰ صفحه‌ای از جمله در همایش‌ها، جشنواره‌ها و مسابقات کاربرد دارد. در سربرگ هر صفحه از مطالب اخلاقی، دعاها و روایات استفاده کرده‌اند.

### ۶ ندای رحمت

اداره کل قرآن، عترت و نماز، کتاب «ندای رحمت»، حاوی «شیوه‌نامه فعالیت‌های اداره کل قرآن، عترت و نماز، به ضمیمه شیوه‌نامه کمیسیون آموزش عمومی قرآن» را در سال ۱۳۹۵ در ۵۰۰۰ نسخه تهیه و چاپ کرده است. این کتاب در واقع فوق برنامه پنج ساله اداره کل در آموزش و پرورش کشور است. در بخش‌نامه معاون پرورشی و فرهنگی که امضای حمیدرضا کفاش را دارد، آمده است: «مدیرکل محترم آموزش و پرورش استان...»

سرپرست محترم مدارس جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور

با سلام... با توجه به لزوم ایجاد وحدت و یکپارچگی در فعالیت‌های مدارس و مناطق سراسر کشور و نیز پرهیز از مکاتبات مکرر و متعدد، مجموعه فعالیت‌های اداره کل قرآن، عترت و نماز تحت عنوان کتاب «ندای رحمت» تدوین و چاپ شده است.

ضمن تقدیم یک جلد از کتاب مذکور، مقتضی است ترتیبی اتخاذ فرمایید تا همه فعالیت‌های این حوزه به مدت پنج سال براساس محتوای این کتاب اطلاع‌رسانی و اجرا شود. تهیه و توزیع این کتاب در سطح مدارس کشور مزید امتنان خواهد بود.»

کتاب ندای رحمت را در شش بخش تنظیم و تدوین کرده‌اند.

سخن‌ویز وقت (آقای فانی) و مقدمه در بخش اول (کلیات) آمده است. این بخش شامل مفادی ذیل «قرآن، عترت و نماز در اسناد فرادستی» نیز می‌شود. همچنین، این

موارد در بخش کلیات آمده است: سیاست‌های ۱۳ گانه ابلاغی مقام معظم رهبری به وزارت آموزش و پرورش، نقشه جامع علمی کشور، اهداف کلی آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، منشور توسعه فرهنگ قرآنی، اهداف آموزش عمومی قرآن، مصوبه هیئت وزیران در مورد ستاد اقامه نماز، طرح جامع تقویت و تعمیق فرهنگ اقامه نماز، سیاست‌های ابلاغی بیست‌گانه وزیر آموزش و پرورش، سیاست‌های هشت‌گانه ابلاغی معاونت پرورشی فرهنگی، بزرگداشت هفته قرآن، عترت و نماز (هفته آخر آذرماه) و شورای قرآن، عترت و نماز استان، منطقه و مدرسه. در واقع، در بخش کلیات تمام اطلاعات مربوط به بسط و آموزش قرآن و فرهنگ قرآنی آمده است و معلمان را از رجوع به منابع دیگر بی‌نیاز می‌کند.

فعالیت‌های حوزه قرآن از طریق اداره کل قرآن، عترت و نماز در بخش دوم گنجانده شده‌اند که شامل اساسنامه دارالقرآن کریم، دستورالعمل اجرایی این مراکز، جدول برگزاری کلاس‌ها، برنامه‌ها، مواد و محتوای درسی، چگونگی طرح‌های حفظ قرآن (طرح نور و حفظ موضوعی) به همراه عنوان‌های کتاب‌های مربوط می‌شود.

اما بخش سوم کتاب ندای رحمت جزئیات فعالیت‌های حوزه عترت را در برمی‌گیرد و فعالیت‌های حوزه اقامه نماز، بخش چهارم را به خود اختصاص داده است.

در بخش پنجم به معرفی کمیسیون تخصصی توسعه آموزش عمومی قرآن کریم و هدف‌های مربوط پرداخته‌اند، اما بخش ششم به مسابقات قرآن و عترت و نماز مربوط به دانش‌آموزان و فرهنگیان اختصاص دارد و برای هر مورد جداول زمان‌بندی و رشته‌ها، به همراه شرح وظایف آموزشگاه، منطقه و استان در مسابقات آمده است. ضمن اینکه به تفکیک مسابقات قرآن، عترت و نماز، دستورالعمل‌ها به شرح آورده شده‌اند.

سرانجام نیز «فرم‌ها و جداول پیوست» را مشاهده می‌کنید.

بنابراین، کتاب «ندای رحمت» تا پنج سال تمام دست‌اندرکاران را، یکجا و واضح و روشن، از هرگونه نامه‌نویسی بی‌نیاز می‌کند تا هر کس وظایف خود را به روشنی بداند و بدان عمل کند.

# کارآمدی دین در عصر جهانی شدن

معصومه یادگاری، دانشگاه تربیت معلم تهران

نرگس یادگاری، مدرس دانشگاه

اشاره

به نظر

می‌رسد اگر

در تربیت کودک،

به اصول حرّیت،

شخصیت و تفکر توجه

نماییم و نیز تربیت دینی از

مؤلفه‌های اساسی (۱) عقلانیت در عرصه‌های

مختلف عبادات، (۲) اخلاق و عبادات و احکام

دینی، (۳) ارزیابی همراه با گزینش و طرد،

برخوردار باشد، امکان آن پدید می‌آید

که رویارویی مؤثری میان تربیت دینی و

چالش‌های قرن حاضر صورت پذیرد. مقاله

حاضر این اصول و مؤلفه‌ها را بررسی کرده

است.

**کلیدواژه‌ها:** جهانی شدن، تربیت دینی، اصول و

مبانی تربیت دینی، کارآمدی دین.

## ۱. مقدمه: جهانی شدن

اکنون در آغاز هزاره سوم، جهان در حالی وارد قرن

بیست و یکم می‌شود که نظام‌های اجتماعی جهان،

شاهد تازه‌ترین و گسترده‌ترین تغییر و تحول‌اند. آن

هم تحت تأثیر پدیده «جهانی شدن» که همراه با

ظهور خود، پیچیده‌ترین تحولات و دگرگونی‌ها را

برای نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزش و

خانواده در جهان به وجود آورده است.

تغییرات ناشی از جهانی شدن، در حیطه عمل

خویش، حد و مرزی نمی‌شناسد و تمامی مرزهای

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در می‌نوردد

و همه چیز حتی عناصر سازنده فرهنگ، تحت تأثیر

ارتباطات مجازی قرار می‌گیرد [۱].

بدیهی

است جهانی

شدن دارای

ابعاد گوناگون است

و بر حوزه‌های اقتصاد،

سیاست و فرهنگ جوامع تأثیر

شگرف دارد و حتی دولت‌های ملی را

نیز در حالت بیم و هراس قرار داده است. از جمله

تأثیرات اساسی جهانی شدن در حوزه فرهنگ، به

چالش کشیدن هویت فردی و اجتماعی و حتی ملی

شهروندان جوامع مختلف است [۲].

در تقسیم‌بندی تاریخ تحول فکری جوامع انسانی،

می‌توان سه دوره مشخص را در نظر گرفت. این

تقسیم‌بندی بهتر می‌تواند ما را در درک فضای

مفهومی جهانی شدن کمک کند: ۱. دوره پیشامدرن

(از قرن ششم قبل از میلاد تا سده‌های میانی)؛ ۲.

دوره مدرن (از رنسانس تا پایان قرن نوزدهم)؛ ۳. دوره

پست‌مدرن (از دهه ششم قرن بیستم شروع شد).

در مجموع، می‌توان گفت جهانی شدن بیشتر شامل

دو دوره مدرن و پست‌مدرنیسم است [۳].

## ۲. برخی ویژگی‌ها و تأثیرات پدیده و عصر

### جهانی شدن

#### ۱-۲ انفجار اطلاعات:

انفجار اطلاعات یکی از مشخصه‌های این عصر است

و به گونه‌ای عمل می‌کند که پرسش‌های اساسی

هستی انسان به‌ندرت مورد توجه قرار می‌گیرد.

با این حال، حتی هنگامی که پای دین به‌میان

می‌آید، تلاش‌های دانشگاهی به تدقیق در مباحث

جزئی و غیربهرنج مصرف می‌شود. این تلاش‌ها هر

چند از نظر فکری جذاب و مفتون‌کننده است، اما از



هورسفیلد رسانه‌ها در مقام عوامل ایجاد تحول، به‌عرضه منبعی جایگزین برای اطلاعات و احساسات دینی ... می‌پردازند. سازمان‌های مذهبی شاید دیگر حتی برای اعضای خود تنها منبع اطلاعات، حقیقت و رفتار دینی نباشند.

از این‌رو، برخی کارکردهای انحصاری ادیان، همچون تلاش مستمر در جهت سامان‌دهی به نظام اعتقادی و جهان‌بینی افراد و اعطای تصویری واقع‌بینانه از جهان ماوراء اینک تا حد زیادی به رسانه‌ها محول شده است. آن‌ها باور می‌سازند، نگرش می‌دهند، در باورها دخل و تصرف می‌کنند، اقناع می‌سازند، آرمان می‌دهند، قدسیت می‌بخشند، قدسیت‌زدایی می‌کنند و خلاصه، همه یا بخش قابل توجهی از کارکردهای نهادهای دینی گذشته را عهده‌دار شده‌اند.

به این ترتیب، مخاطب رسانه‌ها، عملاً نیاز کمتری به‌مراجعه و بهره‌گیری از نهادهای دینی احساس می‌کند. کارکرد دیگر نهادهای دینی ارتباط دادن انسان با عوامل غیبی، سامان دادن به تجربیات قدسی و تشریح احکام و دستورالعمل‌های خاص برای تداوم و تقویت این تجربیات بوده است. رسانه‌ها در این حوزه نیز به رقابت با دین پرداخته‌اند.

تجربیات گوناگون ادراکی، احساسی، عاطفی و زیباشناختی ناشی از ارتباط با محصولات و برنامه‌های رسانه‌ای، اعم از مکتوب و الکترونیک، بسیاری از رخنه‌های معنوی و روحی انسان معاصر را هر چند به‌صورت بدلی پر کرده‌اند. [۵]

... رسانه‌ها عموم توده‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهند، باور و اعتقاد می‌سازند، ارزش و آرمان خلق می‌کنند، الگو و معیار به‌دست می‌دهند و در واقعیت و جان آدمیان متناسب با خواست خود، تغییر ایجاد می‌کنند [۷].

روحیه حاکم بر دنیای معاصر به‌دلیل داشتن ویژگی «عینیت‌گرایی» و «محسوس‌باوری»، اعتقاد به «غیب» را از دست داده، یا اینکه دست کم آن را داخل پیرانتز گذاشته است. تجلی این خصیصه و روحیه در وسایل ارتباط جمعی توانسته است افراد بشر را مجذوب تولیدات دمامد فزاینده و وسایل ارتباط جمعی نماید و در سایه این انجذاب، روحیات و خلقیات او را تغییر دهد و در او روحیاتی تعبیه کند که خواهان و مددکار آن چیزی شود که سازندگان فیلم و روحیه سرمایه‌داری حاکم بر جهان، طالب آن است. «در وجود انسان، ضعف‌های بسیاری وجود دارد که می‌توان نوک پیکان جذابیت را به‌سوی آن‌ها متوجه کرد. از طریق چشم‌ها می‌توان بر همه وجود این اسفندیار روپین تن غلبه یافت... و به

طرح پرسش‌های اساسی، از قبیل اینکه ما کیستیم؟ برای چه هستیم؟ و تعهدات بنیادین ما چه باید باشد؟ طفره می‌رود و در نتیجه آن، دغدغه‌های اصلی و اساسی، که نیاز به دین را شدیدتر و مؤکدتر می‌سازد، در جان آدمی نمی‌نشینند و او را به بررسی و تفحص وانی دارد [۴].

## ۲-۲. جانشینی رسانه‌ها به‌جای دین و نهادهای دینی:

گسترش غیرقابل‌باور رسانه‌های ارتباط جمعی، موجب گردیده است تا آن‌ها به‌مثابه واقعیات اسطوره‌ای، به‌بخش انفکاک‌ناپذیری از جهان ما تبدیل شوند. رسانه‌ها مهم‌ترین کانون‌های فرهنگی، طراحان نقشه راه و هدایت‌گران توده‌ها در عرصه‌های گوناگون شمرده می‌شوند و کلیت جهان انسانی را گاه تا عمیق‌ترین لایه‌ها تحت‌تأثیر خویش قرار داده‌اند [۵].

ماهیت وسایل ارتباط جمعی به‌گونه‌ای است که قدرت عجیبی در «توده‌وار» ساختن دارد، به‌خصوص وسایلی مثل ماهواره و تلویزیون.

کالاهای تولیدی برنامه‌های تلویزیونی باعث می‌شود که هنر تلویزیونی هنری توده‌وار گردد؛ هنری که نه‌تنها تعالی‌دهنده استعدادها، ذوق و نیازهای زیبایی‌شناسانه نیست، بلکه منش سرکوبگر دارد. اینجا لذت یعنی «فکر نکردن»، به‌هیچ چیز نیندیشیدن، از یاد بردن دشواری‌ها، معضل‌ها، تناقض‌ها و رنج‌ها، حتی وقتی به‌نمایش گذاشته می‌شوند و در نتیجه، گفت‌وگوی آزادانه براساس تمایز اندیشه‌ها و استقلال فکر از میان می‌رود [۶].

آری تمام کسانی که مقهور و مجذوب تلویزیون می‌شوند خود را به‌جای قهرمانان فیلم می‌گذرانند و در لذت‌ها و موفقیت‌های او سهیم و شریک می‌شوند و ... کم‌کم مجال اندیشیدن درباره واقعیت‌ها و زیبایی‌های حقیقی زندگی را از کف می‌دهند و در کارکرد نهایی فرهنگ توده‌ای محو می‌شوند. به‌ظاهر که می‌نگری عضوی از آن «توده» و «انبوه» شده‌اند که در «عیش زندگی می‌کنند و در خوشی می‌میرند»، اما چون نیک نظر می‌کنی به‌قول رایزمن آن‌ها را «انبوه تنها» که در واقع ظهور تنهایی انسان است، می‌یابی [۴].

با از دست رفتن این استقلال فکری، توده‌ای شدن افراد و از دست رفتن تصویر کلی از حیات در ذهن و باور و جان انسان‌ها، تعجب‌برانگیز نیست اگر با نظریاتی آشنا شویم که اعتقاد دارند، رسانه در عصر حاضر با ایفای کارکردهای متعدد، عملاً وارد قلمرو استحفاظی دین شده و بسیاری از آنچه ادیان در گذشته، متکفل تأمین آن بودند، اینک خواسته یا ناخواسته به رسانه محول شده است. به بیان



**رسانه‌ها عموم توده‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهند، باور و اعتقاد می‌سازند، ارزش و آرمان خلق می‌کنند، الگو و معیار به‌دست می‌دهند و در واقعیت و جان آدمیان متناسب با خواست خود، تغییر ایجاد می‌کنند**



تسخیر جادویی روان او نایل آمد.» [۸].

### ۲-۳. تهدید معرفت دینی و تبدیل لیبرال دموکراسی و نه ادیان، به ایدئولوژی مطلق جامع

چارچوب معرفتی دینی که از ابتدای نزول ادیان توحیدی در جوامع دینی شکل گرفته، از ابتدا تا به امروز با سه موج مخالف مواجه بوده است. دین‌ستیزی، دین‌گریزی و دین‌گزینی [۹]. آنچه در این نوشتار مد نظر ماست، امواج مخالف معرفت دینی در عصر جهانی شدن، و به عبارت دیگر، موج دین‌گزینی است.

در حقیقت با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گونه‌تازهای از لیبرال دموکراسی پدیدار می‌شود که به دنبال هدفی برتر از اهداف امواج دین‌ستیزی و دین‌گریزی است. این هدف عبارت است از: «ارائه بدیلی برای دین، که همان لیبرال دموکراسی باشد». به عبارت دیگر، لیبرال دموکراسی قصد دارد نقش دین را ایفا کند و به این ترتیب، بدون نفی نیاز فطری انسان به دین، خود را به جای آن عرضه بدارد.

این موج جدید، که محتوای چارچوب دینی را هدف قرار داده است، امروزه در سطح وسیع و گستره‌ای وسیع، تبلیغ، ترویج و آموزش داده می‌شود... هانتینگتون، از حامیان روایات دین‌گزینی، با تأکید بر بحران اندیشه دینی در حوزه نظر و عمل، چنین نتیجه می‌گیرد که «ادیان اگرچه برای حیات انسان ضروری هستند، اما شرایط بقای آن‌ها در جامعه آن است که خود را مشابه اصول و مبانی لیبرال دموکراسی، بازتعریف کنند».

در این صورت است که دین می‌ماند اما با خط مشی متفاوت از قبل. چارچوبی که جایگزین دین در جوامع دینی می‌شود. این شکل لیبرالیسم، داعیه‌دار ایفای نقش دین است [۹].

از سوی دیگر فرهنگ سکولار حاکم بر جهان صنعتی، که حاکمیت بیشتر رسانه‌ها را نیز در اختیار دارد، برای بقای خود نیازمند جایگزین‌هایی برای دین است و به‌ناچار خود را در قالب‌های شبه‌دینی در می‌آورد؛ زیرا گرایش‌های فطری بشر به سمت امور دینی، چنین نیازی را آفریده است. رسانه‌ها به امور نامقدس، تقدس می‌بخشند و امر قدسی مجازی و ساختگی درست می‌کنند. در سال‌های اخیر، فیلم‌هایی با مضامین جادوگری، درنوردیدن زمان و مکان، انجام عملیات جنگی شگفت، کمک گرفتن از نیروهای عجیب و غریب یا داروهای خاص و ... ساخته شده‌اند تا خلأ قداست حقیقی را پر کنند [۵].

### ۲-۴. تهدید هویت‌های ملی و ایجاد بحران هویت‌دینی

از جمله تهدیداتی که فرایند جهانی شدن به همراه دارد، نشانه‌گیری هویت‌های فردی و اجتماعی و در واقع زیرمجموعه هویت ملی است. لائوش از منتقدین فرایند جهانی شدن در باب فرهنگ و هویت است. وی معتقد است جهانی شدن نوعی غربی‌سازی جهان سوم است که ارمغان آن، فرهنگ‌زدایی است. جهانی شدن در جوامع سنتی به‌نوعی موجب تخریب ساختارهای اجتماعی آنان می‌شود. آنچه به مردمان جهان سوم برای جایگزینی هویت فرهنگی گم‌شده‌شان پیشنهاد شده، مبتنی بر یک هویت ملی پوچ و یک تعلق فریبنده به دهکده جهانی است [۱۰].

یکی از تحولات عینی و اساسی در پدیده جهانی شدن، جدایی هویت انسان‌ها از مکان زندگی است... در عصر جهانی شدن به‌جای مکان، که پدیده‌ای فیزیکی است، فضا اهمیت می‌یابد و فرصت جدیدی را فراهم می‌سازد تا انسان‌ها با بریدن از هویت‌های مکانی، در هویت فضایی جدید ادغام شوند [۱۱].

مارتین کارنوی، که به پدیده جهانی شدن با دقت نظر وافر پرداخته، معتقد است جهانی شدن، به «باز تعریف» فرهنگ دست می‌زند. برای تعریف مدرنیته، «مشروعیت» نهادهای سیاسی ملی را کاهش داده و شرایط «هویت‌سازی» را تغییر می‌دهد [۱].

### ۳. تأثیر جهانی شدن بر ایجاد بحران در نظام سیاسی تربیتی

بنابراین تغییرات ناشی از جهانی شدن، در حیطه عمل خویش، حد و مرزی نمی‌شناسد و تمامی مرزهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در می‌نوردد و همه چیز، حتی عناصر سازنده فرهنگ، تحت تأثیر ارتباطات مجازی قرار می‌گیرد [۱].

ما در دوران خاصی قرار گرفته، یا در حال قرار گرفتنیم که در آن، ویژگی‌های جدیدی نسبت به گذشته در حال ظهور است... قرن بیست‌ویکم با چالش‌هایی که در دل دارد، پای به‌عرصه گذاشته است. این چالش‌ها، همچنان که در هر حوزه‌ای از فعالیت‌های بشری، به‌گونه‌ای آشکار خواهد شد، در حوزه تربیت دینی نیز، به‌تناسب آن، حضور تردیدآفرین و شکننده خود را نشان خواهد داد [۱۲]. در شرایط جهانی شدن، که از ویژگی‌های آن فشرده‌گی زمان و جدا شدن فضا و زمان، از جغرافیا و سرزمین، به‌گونه‌ای است که انسان حضور دارد و حضور ندارد، یعنی با دیگران نیست، اما از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد در وضعیتی هستیم که مقوله دولت در هم می‌شکند تا آنجا که به‌عنوان متولی و طراح راهبرد مدرن، در اثر نفوذ اندیشه‌های جهانی شبکه‌شبهه

**در حقیقت با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گونه‌تازهای از لیبرال دموکراسی پدیدار می‌شود که به دنبال هدفی برتر از اهداف امواج دین‌ستیزی و دین‌گریزی است**



آینده همت گمارند [۹]. پرورشی بر پایه یک نظم اخلاقی، که خود برحسب هر جامعه‌ای، گستره‌ای مناسب با نیازهای سیاسی و اجتماعی آن جامعه پیدا می‌کند. پرورش در بسیاری از جوامع رو به رشد، شامل فرایندی از جامعه‌پذیری و انطباق فرد با هنجارها و معیارهای اخلاقی تا جامعه‌پذیری و ملت‌سازی می‌شود.

اما در عصر جهانی شدن، تربیت از انحصار دولت خارج می‌شود و در خدمت جهانی شدن هنجارها و معیارهای پذیرفته شده جهانی قرار می‌گیرد. از آنجایی که این هنجارها، بر جاذبه‌های عمومی، تکیه دارند، به شدت با معیارهای اخلاقی ملی و خاص‌گرایی در تعارض‌اند. در این معارضه، نظم خصوصی یا ملی و مذهبی به سرعت فرو می‌ریزد و جای آن را هنجارهای فراگیر جهانی می‌گیرند و به یک جریان غالب و روایت کلان تبدیل می‌گردند [۱۴].

بنابراین به دلیل وجود شکل جدید لیبرالیسم، پرسش‌ها و ابهامات نسل جدید در خصوص چارچوب معرفتی نظام آموزشی، با سؤال‌های نسل پیشین، متفاوت است و نظام آموزشی و تربیتی نمی‌تواند با اتکا به اصول، متون و روش‌های دو دهه قبل، به مقابله با این جریان برود. به عبارت دیگر، باید فلسفه تازه‌ای را مبنای آموزش و تربیت قرار داد، وگرنه در آینده شاهد نسلی غیروفادار به چارچوب معرفتی اسلامی خواهیم بود.

بدهی است با الگوها، اصول و روش‌های جاری نمی‌توان به نقد کامل و متین لیبرال دموکراسی مهاجم جدید نائل آمد. لذا این بحران، بنیادی‌ترین مشکلی است که کل جامعه اسلامی را تهدید می‌کند و در صورت نداشتن درک و مواجهه صحیح با آن، می‌توان پیش‌بینی کرد که کارکرد پرورشی نظام آموزش و پرورش به‌طور کلی بی‌معنا شود. به این صورت درون نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، نسلی تربیت خواهند شد که با وجود فرا گرفتن آموزش‌های متعارف، از حیث معنا و وفاداری، دل در گرو ارزش‌ها و اصول دیگری خواهند داشت و چنین رخدادی می‌تواند تهدیدی جدی برای آینده جامعه اسلامی به‌شمار آید. بنابراین روش تربیت اسلامی ما باید به بازتعریف خود، برای زندگی در قرن بیست و یکم، همت گمارد» [۹]. هر نظام تربیتی، پویایی‌اش در این است که اصول، روش‌ها و کارکردهای خودش را از حالت ایستا خارج کند و بتواند خواسته‌هایش را متناسب با دگرگونی‌های محیطی، شاداب و زنده نگه دارد. اگر یک نظام تربیتی، بدون توجه به دگرگونی شرایط

می‌شود و دیوارها و سقف‌هایش در حال شبکه شدن هستند، و آب‌های تمدن جهانی شده، در حال سرازیر شدن است، در این صورت با انسانی روبه‌رو می‌شویم که دیگر درون مرزهای ملی با ایدئولوژی و حاکمیت ملی، که در انحصار تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران است، قرار ندارد.

بنابراین راه برای نفوذ ابزارهای فرهنگی باز است و صدای آن‌ها، قبل از معلمانی که در استخدام دولت هستند، به گوش کودک و انسان می‌رسد. هر چند معلمان مدرسه، از نظام تربیتی خاص سخن بگویند، ... اما ماهواره، سینما، انواع مد لباس، سلیقه‌های نوشیدنی و خوردنی، از نظام دیگری سخن می‌گویند. آنچه اهمیت دارد، این است که آن ابزارها، جلوتر هستند. زیرا آن‌ها با نیازهای واقعی روزمره درگیرترند. پس سرگشتگی تربیت رخ خواهد داد [۱۳].

با توجه به ویژگی‌های عمده جهانی شدن، از قبیل فشرده شدن زمان و مکان، ارتباطات سریع، سرعت بروز تغییرات، وجود توأمان فرایندهای عام‌گرایی و خاص‌گرایی، بسط تنوع فرهنگی و دینی، تغییر ابعاد شناختی و بی‌پناهی و بی‌ریشگی و ... می‌توان تصور نمود که در این فضا و شرایط، رابطه میان فهم، عمل و اعتقاد دینی و نیز روابط اجتماعی به دلیل تنوع دریافت‌های دینی و برداشت‌های متکثر از دین، تضعیف می‌شود و گرایش به هویت‌های غیردینی تأیید و تقویت می‌گردد.

بنابراین، با توجه به آنچه ترنر بیان می‌دارد در مقایسه متغیرهای مربوط به اعتقادات و اصول دینی با مصرف رسانه‌ای، می‌توان مشاهده نمود که بسیاری از جنبه‌های زندگی اجتماعی، که تحت‌الشعاع جهانی شدن قرار گرفته است، بر معنادار نبودن رابطه میان تأثیرات جهانی شدن و اعتقادات و مبانی دینی دلالت دارد.

در این صورت جهانی شدن به‌خصوص با تضعیف رابطه میان فهم، عمل و اعتقادات دینی، که مقدمات پیدایش هویت دینی‌اند، ابتدا به ظهور هویت مردد (نه سنتی نه مدرن) می‌انجامد، سپس هویت ترکیبی با تعلق‌ات ریشه‌دار سنتی و محیط جدید زندگی و نهایتاً، هویت غیردینی، که مؤید جدایی دین از سیاست است، منجر می‌شود. با پیدایش هویت غیردینی نقش تعلیمات دینی در تربیت افراد در جامعه به صورت یک معیار ارزشی فراگیر کم‌رنگ می‌شود و به حداقل خود می‌رسد و یا بی‌تأثیر می‌گردد [۱۰].

از سوی دیگر، نظام‌های سیاسی می‌کوشند از رهگذر بسیج و هدایت توانمندی‌های خود به پرورش نسلی وفادار به اصول بنیادین خود، برای

**به دلیل وجود شکل جدید لیبرالیسم، پرسش‌ها و ابهامات نسل جدید در خصوص چارچوب معرفتی نظام آموزشی، با سؤال‌های نسل پیشین، متفاوت است**



محیطی، بخواهد از اصول و شیوه‌های معینی، به نحو ثابت برای همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها، استفاده کند، محکوم به مرگ خواهد بود. ما از تربیت اسلامی صحبت می‌کنیم و نظام تعلیم و تربیت در کشور ما خصیصهٔ اسلامی بودن را دارد؛ چه به آن تصریح شود یا نشود [۱۲].

#### ۴. ارائهٔ راه‌حل: تغییر در روش تربیت اسلامی

تربیت اصیل، برای هر موقعیت برنامه‌ای دارد و در هر محیط، روش و برخورد مناسب را در نظر می‌گیرد و از بلیشوی بیرونی و درونی انسان، و از آشفتگی روانی و اجتماعی او نمی‌هراسد. محیط‌های تربیتی را می‌توان به شکل بسته، متضاد و متحرک تقسیم کرد. و از آنجا که این محیط‌ها یکسان نیستند، ناچار برای کودکی که در هر یک از این محیط‌های متفاوت قرار دارد، باید به یک نوع برخورد و یک روش تربیتی مناسب روی آورد.

محیط تربیتی بسته، محیطی است که یک فکر بیشتر در آن جریان ندارد.

محیط متضاد، محیط بازی است که سرشار از تضاد و درگیری است. محیطی است که کودک با فکرهای گوناگون روبه‌رو می‌شود.

محیط متحرک، محیطی است که جامعه تضادهایش را حل کرده باشد. در این صورت، امنیت اجتماعی و تسلط روانی، کار تربیت را ساده و امکان‌پذیر می‌سازد [۱۵].

به نظر می‌رسد ویژگی‌هایی که برای عصر جهانی شدن ذکر شد، با ویژگی‌هایی که در خصوص محیط‌های متضاد گفته شد شباهت دارند. بنابراین لازم است به روش‌های تربیتی متناسب با این محیط باز بپردازیم.

در محیط‌های باز چه کنیم؟ در این محیط‌ها زمینه این چنین است که فکرهای گوناگونی، در کفین بچه‌هاست. آنچه از مکتب به آن‌ها تحمیل کنی یا حتی تفهیم کنی، بار او را سنگین‌تر می‌کند. او نمی‌تواند حسین(ع) را، آن‌طور که تو می‌فهمی، بفهمد. او ارزش‌ها را در آن سطحی که تو احساس می‌کنی، نمی‌تواند احساس کند. و در آن سطحی که احساس می‌کند، نمی‌تواند جلوگیری شبهه‌ها و بحران‌های پس از بلوغش باشد.

در این محیط‌های باز چه باید کرد؟ در محیط‌های بسته و متحرک کار ساده‌تر و آسان‌تر است و فقط باید حساب عصیان‌های انسانی و شورش‌های اصیل کودک را داشت و با روش مستقیم یا غیرمستقیم، با تفهیم یا تحمیل یا تدبیر و یا تشویق و تهدید، خصلت‌ها و ارزش‌ها را به او عرضه کرد.

در محیط‌های باز، باید به دنبال روش‌ها و وسایل بهتری بود بی‌شک روش‌ها، وسیله‌ها و طرح خصلت‌های خوب و ارزش‌های والای فعلی در تجربه، شکست خورده و در گذشته‌ها و عقبه‌های تربیتی مانده‌اند. در این محیط، به جای خصلت‌های راست‌گویی، تعاون، فداکاری، استقامت، صبر و شجاعت و... و به جای ارزش‌های انسانی اجتماعی، چه خصلت و ارزشی قابل پی‌گیری و سزاوار بازسازی است؟

**اگر ما بتوانیم به جای این خصلت‌ها و ارزش‌ها، شخصیت و حریت و تفکر را در کودک پایه بگذاریم، کار بزرگی کرده‌ایم؛** شخصیتی که کودک را در برابر هجوم‌ها مسلط کند و به دیگران اجازه ندهد که به جای او تصمیم بگیرند و با دستور، نصیحت و دلسوزی بر او تحمیل کنند. حریتی که مهاجم را، حتی اگر در عادت‌های کودک، رخنه کرده و در ناخودآگاه او نفوذ کرده باشد، بیرون بریزد و این بار تحمیلی را بیندازد. تفکری که بتواند لباس تازه‌ای برای او دست‌وپا کند... این شخصیت و حریت و تفکر، می‌تواند کودک را در محیط‌های باز، مسلح کند [۱۵].

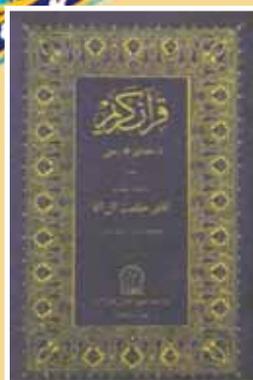
علاوه بر توجه به این اصول در تربیت کودک، استاد علی صفایی حائری و دکتر خسرو باقری، به‌طور عام‌تری به مسئلهٔ تربیت دینی در قرن بیست‌ویکم پرداخته‌اند. از جمله یکی از چالش‌های تربیت دینی در قرن بیست‌ویکم، ویژگی ساختارزایی این قرن از مفاهیم و وضعیت‌های متقابل است که به لحاظ اخلاقی و دینی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ مانند تقابل‌های «ممنوع/ مجاور» یا «دور/ نزدیک». ساختار «دور/ نزدیک»، ناظر به تقابل مکانی است که برحسب آن، نقاط به دور و نزدیک تقسیم می‌شوند. این ساختار از نظر تربیتی و به‌ویژه تربیت دینی و اخلاقی نیز تاکنون مهم بوده است؛ زیرا تلاش‌های تربیتی بر آن بوده است تا با دور کردن افراد از محیط‌های نامطلوب، آنان را مصونیت ببخشد و امکان تحقق تربیت را فراهم کند. اما تقابلی که در این ساختار ملحوظ بوده است، در عصر ارتباطات به تدریج ساختارزایی می‌شود...

این ساختارزایی، حتی در وسایل ارتباطی ساده‌ای چون تلویزیون نیز تا حدی وجود داشته است. این شکل از ساختارزایی، با درجات بیشتر و با کیفیتی تمام‌تر، در رایانه و شبکه‌های ارتباطی آشکار شده است؛ زیرا در حالی که افراد در برابر تلویزیون، به شکلی انفعالی و در حیطهٔ تصمیم‌گیرندگان کانال‌های تلویزیونی، فاصله‌های مکانی و زمانی را درمی‌نوردند، این کار را به‌صورت فعال و با تصمیم خود، در شبکه‌های ارتباطی

**محیط متحرک، محیطی است که جامعه تضادهایش را حل کرده باشد. در این صورت، امنیت اجتماعی و تسلط روانی، کار تربیت را ساده و امکان‌پذیر می‌سازد**



## همراه با مترجمان قرآن کریم



● حکمت آل آقا

● تاریخ تولد: ۱۳۱۷ ش

● ناشر: انتشارات اقبال

● محل نشر: تهران

● روش ترجمه: ترجمه سلیس و روان، محتوا به محتوا

### زندگی نامه:

آل آقا یکی از قرآن پژوهان و مترجمان ماهر قرآن کریم به زبان فارسی است که حدوداً دو دهه پیش در گذشته است. در پایان قرآن ترجمه شده وی اشارات زندگی نامه‌ای و قرآنی به قلم خود او هست که بخشی از آن عیناً نقل می‌شود: «اولین کتابی را که خواندم قرآن بود و امیدوارم آخرین کتابی را که بخوانم قرآن باشد. من تحصیلات قدیم خود را دنبال کردم. ادبیات و منطق و فلسفه و فقه و اصول و کلام و عرفان، همراه با مطالعات بسیار؛ ولی محور همه این کارها قرآن بود. در دانشگاه تهران هم هر وقت موضوع درس تفسیر قرآن را به من پیشنهاد می‌کردند با دل و جان می‌پذیرفتم.

در اریب‌هشت ۱۳۲۱ از طرف رادیو به این بنده پیشنهاد شد که برنامه صبحگاهی اجرا شود و در آغاز آیاتی چند از قرآن مجید تلاوت شود، سپس معانی فارسی آن خوانده شود. با کمال میل و اشتیاق پذیرفتم و این برنامه تا شهریور ۱۳۳۲ ادامه داشت؛ و چندین بار این ترجمه تکرار و هر بار مورد بررسی جدید قرار می‌گرفت این بود که در دوازده سال که منظم و مرتب معانی فارسی قرآن را برای برنامه صبحگاهی تهیه می‌کردم کوشش این بود که مردم همه آن را بفهمند، و به عبارتی دیگر اصل معانی قرآن در قالب جمله‌های فارسی درآید با حفظ امانت در معانی قرآن. تا به سال ۱۳۴۸ جناب آقای جواد اقبال به من پیشنهاد کردند که قرآنی با این معانی چاپ شود. بار دیگر آنچه نوشته شده بود، مورد دقت قرار گرفت و بدین صورت که هست چاپ شد...»

# شاهکاری از معماری اسلامی - ایرانی

مصلی امام خمینی  
عجل الله فرجه

